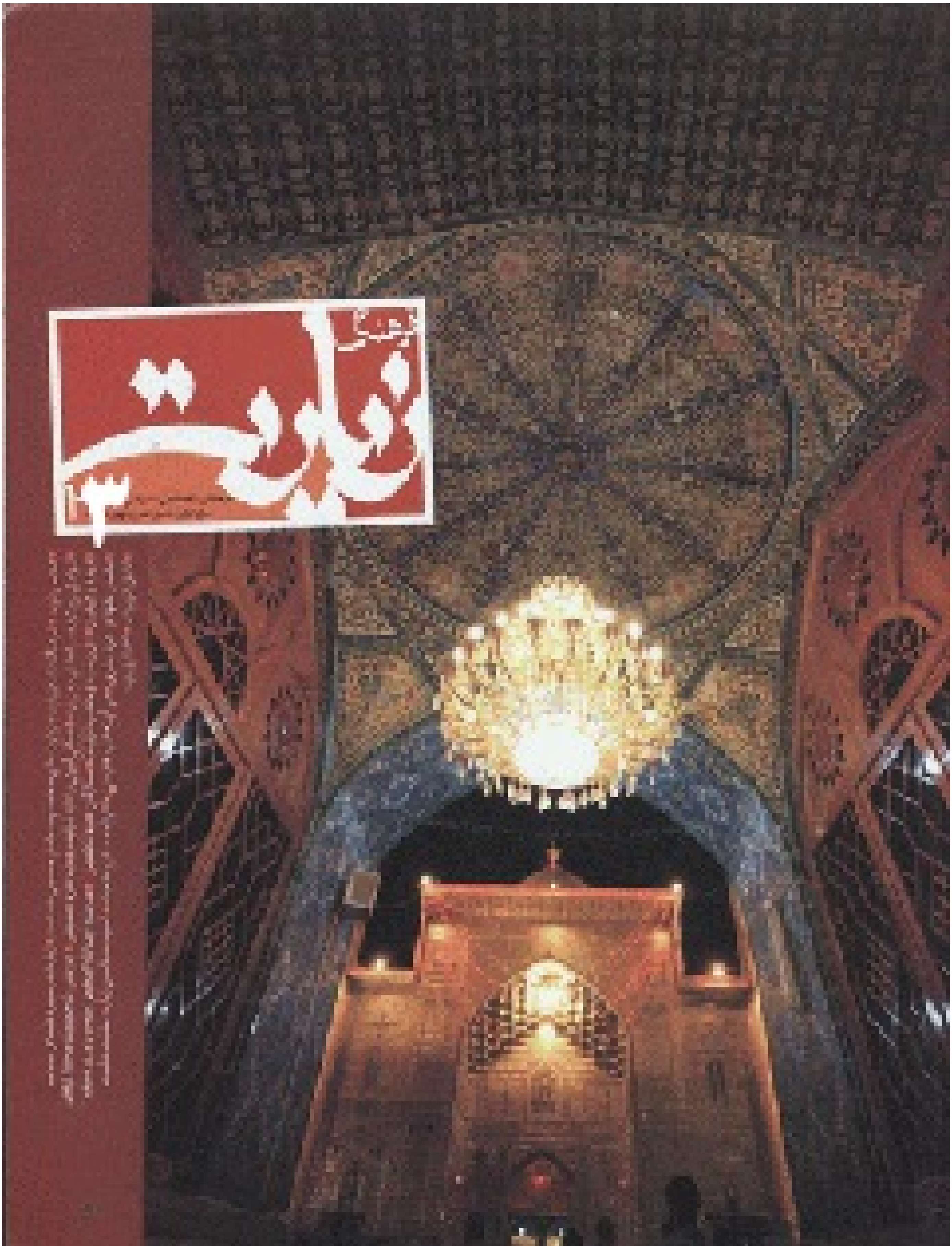

زیارت

بسم الله الرحمن الرحیم

فصلنامه فرهنگ زیارت

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فصلنامه فرهنگ زیارت، جلد ۳

مشخصات کتاب

نام کتاب: فصلنامه فرهنگ زیارت

نویسنده: مرکز تحقیقات حج

موضوع: نشریات

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۴

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: پاییز ۱۳۸۸

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

مقدّمه

موضوع «زیارت»، چه مربوط به زائر خانه خدا و حرم حضرت رسول (ص) باشد و چه در مورد زائرانِ عتبات مقدسه در عراق، یا حرمهای دیگر معصومین و امامزادگان، مجموعه‌ای از اصطلاحات و تعابیر را به همراه دارد. این اصطلاحات، شامل مفاهیم و موضوعات، آداب و سنن، اماکن، اشخاص و ... میشود. بسیاری از این واژه‌ها در میان زائران و آشنایان به آموزه‌های دینی و سنن مذهبی، رایج و مشهور است؛ ولی گاهی ریشه و مبنا و رمز و راز آن کمتر مورد توجّه قرار میگیرد. پرداختن به «فرهنگنامه زیارت» ما را با این اصطلاحات آشنا میسازد.

مجموعه‌ای از این تعابیر و مفاهیم را فراتر از زیارت عتبات، به ترتیب الفبا تقدیم خوانندگان میکنیم؛ باشد که مورد توجّه و استفاده قرار گیرد.

ص: ۷

آداب الحرمین

اعمال و آدابی که هنگام زیارت خانه خـدا در مکّه و حرم پیامبر خدا (ص) در مدینه انجام میگیرد. مناسک حج و آداب زیارت هم در همین مورد است. از آن‌جـا که دانسـتن این آداب و سـنن و عمـل به آنهـا، موجب بهره‌منـدی و ثواب بیشتر می‌شود، رعایت آنها بسیار پسندیده است. کتابهـایی نیز در همین موضوع نگاشـته شـده که بر اسـاس روایـات، آداب و مستحبّات زیارت را در دو حرم شریف یـاد شـده تبیین کردهانـد. در این‌گونه کتابهـا، اعمال حـج و واجبات آن، دعاهای خاصّ آن ایام و اماکن و ادعیه مخصوص زیارت حرم حضرت رسول (ص) و ائمّه بقیع و شهدای احد و ... ذکر شده است.

آداب زیارت

تشرّف به حرمهـای معصومین (ع) که یکی از سـنن دینی و مورد سـفارش فراوان است، آداب خاصـی دارد. مراعات این آداب، هم نشـانه معرفت و ادب و حقشناسـی نسـبت به مـدفونین در آن حرمهـاست و هم مـایه ثواب و اجر الهی است؛ مسـائلی از قبیـل: غسـل زیارت، با وضو بودن، پوشـیدن لباس تمیز و آراسته و مرتب بودن، خضوع و خشوع در حرمها و هنگام زیارت، ذکر گفتن، خواندن اذن دخول، بوسـیدن ضریح مطّهر و رعایت ادب نسبت به قبور امامان و امامزادگان، پرهیز از کارهای لغو و جدل با دیگران، اجتناب از مزاحمت برای زوّار، خواندن زیارت‌نامه، خواندن دعا و تلاوت قرآن و نماز گزاردن در کنار قبر از جمله «آداب زیارت» به شـمار میرود (۱). این آداب، هم در سـیره معصومین نقـل شـده و هم عالمـان و عارفان صاحبـدل در زیارت خویش، مقیـد به مراعات آنها بودهاند.

آستان

آسـتان یا آسـتانه، به معنای درگاه و عتبه و ساحت است؛ جایی که برای ورود به یک خانه یا قصر یا حرم، کفشها را درمی‌آورند. به کفش‌کن هر عمارت نیز «آسـتانه» گوینـد. به حرمهای مطهّر امامان و امامزادگان آسـتان گفته میشود؛ چون عظمت و حرمت دارد و برای ورود به آن بایـد اذن طلبیـد و شـرط ادب را به جـا آورد. به حرم حضـرت رضا (ع) «آسـتان قـدس رضوی» و به حرم حضـرت معصومه (س) آسـتانه آن حضـرت گفته میشود. در کتب لغت و در اصـطلاح مسـلمانان هند و پاکسـتان نیز کلمه آستانه به حرمها و زیارتگاهها اطلاق میشود.

آستانبوسی

بوسـیدن آسـتانه حرم، کنایه از رفتن به زیارت یکی از معصومین و امامزادگان، یا مشرّف شدن به خدمت شخصی بزرگوار و محترم است. بوسیدن درگاه حرمها نشانه ارادت به صاحب بقعه، به شکرانه توفیق زیارت است و زائری که بر درگاه حرم بوسه میزند، عشق و تواضع خود را به صاحب آن نشان می‌دهد. بوسه زدن بر آسـتان حرمها یکی از آداب زیارت است و به آن «عتبه بوسـی» نیز گفته میشود. قداست آستانهها به سبب جایگاه رفیع کسانی است که در آن بقعه‌ها آرمیدهاند.

ببوس ای خواهرم قبر برادر شهادت، سنگ را بوسیدنی کرد

احرام

به معنـای محرم شـدن و بعضـی کارها را بر خود حرام کردن و یکی از واجبات در زیارت خانه خـداست. کسـی که به سـفر حـج و عمره میرود، برای ورود به مکّه باید در یکی از میقاتهای تعیین شده محرم شود. احرام با گفتن «لبّیک اللّهم لبّیک ...» تحقق میپذیرد که به آن «تلبیه» گوینـد. مردان هنگـام احرام بایـد لباسـهای عـادی خود را درآورنـد و با پوشـیدن دو پارچه یا حوله خاص و دوخته نشـده، لبّیـک بگوینـد. بـا گفتن تلبیه، برخی از کارها بر حاجی و معتمر حرام میشود که به آنها «محرّمات احرام» گفته میشود. احرام

تنها در سفر زیارتی خانه خداست، نه در زیارتها و زیارتگاههای دیگر؛ ولی در تعبیرات شاعرانه، هر قصد و آهنگی برای دیدار محبوب نیز احرام شمرده میشود. به قول حافظ:

حافظ، هر آن‌که عشق نورزید و وصل خواست احرام کعبه دل و جان به وضو ببست

۱- ر. ک: «فرهنگ زیارت»، از همین قلم، نشر مشعر.

ص: ۸

۶. اذن دخول

اذن دخول یا اذن ورود، اجازه خواستن برای ورود به حرمهای مقدّس امامان است و این نشانه احترام به امام یا امامزاده‌ای است که میخواهیم او را زیارت کنیم. حرمهای مطهّر به منزله خانه آن بزرگواران است و ورود به آن حریم، اجازه میخواهد. در کتب دعا و زیارات، متنی به عنوان «اذن دخول» وجود دارد که نیکوست پیش از وارد شدن به روضه منوّر و در آستانه مرقد خوانده میشود. مضمون آن رخصت طلبیدن از خدا و رسول و امامان و فرشتگان الهی برای ورود به حرم است. این متن را در ورودیهای حرمها بر دیوار نصب میکنند تا زائران آن را بخوانند. البته متن اذن دخول در حرمهای مختلف با هم فرق دارد (۱).

۷. استطاعت

قرآن کریم، حج را بر کسانی واجب میداند که «استطاعت» داشته باشند. (۲) استطاعت به معنای توان بدنی و مالی و فراهم بودن امکانات و باز بودن راه است. حج، تکلیف کسی است که با سلامتی جسم و قدرت و تمکّن مالی، این قدرت را داشته باشد و از عهده انجام اعمال حج برآید. دارنده این شرایط را که شرط وجوب حج است، «مستطیع» می‌نامند.

حدیث کعبه چه گویم چو استطاعت نیست شکسته پای، چه مرد ره حرم باشد؟ (۳)

۸. اعتاب مقدّسه

اعتاب، جمعه «عَتَبه» به معنای درگاه، آستان و مرقد است. مقصود از اعتاب مقدّسه، حرمهای پیامبران و امامان و امامزادگان و شهداست. «عتبه بوسی»، کنایه از رفتن به زیارت حرمهای مقدّس است. این واژه، بیشتر مربوط به زیارت حرمهای پیشوایان مدفون در سرزمین عراق است. «عتبات عالیات» نیز به همین معناست و مراد از آن، کربلا، نجف، کاظمین و سامرّاست. مقدس بودن درگاه حرم ائمّه، از آن جهت است که پیکر پاک آن حجّتهای الهی در آنها مدفون است و قداست، از آن ذوات نورانی به در و درگاه و بارگاه سرایت میکند.

۹. التماس دعا

به معنای درخواست دعا از دیگری است و بیشتر، از کسانی که عازم زیارت خانه خدا یا حرم پیامبر و معصومین (ع) و عتبات مقدّسند، درخواست میشود که در آن مکانهای شریف، به یاد دیگران باشند و آنان را دعا کنند و برآورده شدن حاجاتشان را بخواهند. هم حرمهای مطهّر، جایگاه ویژه‌ای است که امید استجابت دعا در آنجا بیشتر است و هم زائران حرمها که توفیق و عنایت خدا شامل آنان شده، در معرض اجابت دعا قرار دارند. از این رو از زائران، التماس و درخواست دعا میشود و این درخواست با گفتن کلمه «التماس دعا» اظهار میگردد. البته این درخواست منحصر به زائران نیست؛ بلکه هر کس اهل دعا باشد و او را صالح و متقی و صاحب نفس بدانند، از او التماس دعا میکنند؛ هر چند در مواقع غیرزیارتی باشد. خوب است زائر نیز در هنگام زیارت، به یاد ملتمسین دعا باشد و ذویالحقوق و آشنایان و پدر و مادر و درگذشتگان را یاد کند، تا آنان نیز ثواب ببرند.

۱۰. امام الحرمین

حرمین به دو شهر مقدس مکه و مدینه گفته میشود. حرم حضرت سیدالشهدا (ع) و حرم حضرت ابالفضل هم حرمین شریفین است و به فاصله بین آن دو زیارتگاه، بین الحرمین گویند. «امام الحرمین» کسی است که در دو شهر مکه و مدینه، پیشوا و مقتدای مردم باشد و در فقه و احکام شرعی به او رجوع کنند. کسی هم که در آن دو حرم مقدس پیش‌نماز باشد، امام الحرمین نامیده میشود. در تاریخ، به افراد متعددی این لقب را داده‌اند که یکی از معروفترین آنان «امام الحرمین جوینی» دانشمند اشعری مذهب قرن پنجم هجری است.

۱۱. امام باره

به حصار و برج و باروی یک شهر یا قلعه، «باره» گفته میشود. به دیوار و حصاری که برای حرم یک امام میکشند تا محفوظ بماند و در پشت این حصار، بقعه بنا میشود، «امام باره» گویند. این اصطلاح در مناطق هند، بیشتر به حسینیه و محلّ عزاداری سیدالشهدا (ع) که مثل تکیه است، گفته میشود.

۱- در این زمینه به بحث مفصّل «اذن دخول» در پیش‌شماره اوّل این فصلنامه رجوع کنید.

۲- «ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلًا» (آل عمران، آیه ۹۷).

۳- عماد کرمانی.

ص: ۹

۱۲. امامزاده

فرزند امام، کسی که بیواسطه یا با چندین واسطه، فرزند و زاده امام معصوم باشد که مورد احترام اهل بیت است. امامزاده گاهی به حرم و مقبره و بقعه فرزندان و نوادگان ائمّه هم گفته میشود که مردم آنها را زیارت می‌کنند. در ایران، در بسیاری از شهرها و روستاها امامزاده‌هایی وجود دارد که از اماکن زیارتی شمرده میشود؛ مثل امامزاده یحیی در گنبد یا امامزاده داود در تهران. امامزادگان اغلب در دوره سلطه بیدادگرانه عباسیان و حکومتهایی که با فرزندان فاطمه (س) دشمنی داشتند، به مناطق شیعهنشین ایران سفر کردهاند. برخی از آنان به شهادت رسیدهاند (مثل حضرت شاهچراغ در شیراز یا امامزاده علی بن محمد شهید اردهال در اطراف کاشان) یا به اجل طبیعی از دنیا رفتهاند و قبرشان زیارتگاه شیعیان گشته است. به هر حال، امامزادگان شریف مورد احترامند و زیارت قبورشان ثواب دارد.

۱۳. ایوان

به جایگاه وسیع و سقفدار جلوی اتاق و ساختمان که برای نشستن اختصاص دارد، ایوان گفته میشود. صُفّه و عمارتی که شکل آن اغلب هلالی و به صورت محراب است، مثل ایوان مدائن. ایوان در ساختمانهای بزرگ و قصرها بیشتر وجود دارد؛ هر چند در هر خانهای ممکن است ایوان کوچکی (به نام بالکن) باشد. در حرمهای بزرگان دین، جایی میان صحن و رواق مطهّر که ورودی حرم شمرده میشود، به نام ایوان وجود دارد. ایوانها معمولًا به صورت کاشیکاری، آینهکاری و طلاکاری است و از جلوههای هنری معماری اسلامی شمرده میشود. برای زائران حرمها، دیدن ایوان طلای حضرت رضا (ع)، یا ایوان باشکوه حضرت امیر (ع) خاطره‌ای به یاد ماندنی است؛ تا آن‌جا که در فرهنگ عامه رایج است که می‌گویند؛ «ایوان نجف عجب صفایی دارد».

۱۴. اوقات زیارتی

زیارت حرمهای مقدّس و عتبات و مزارها را در هر وقت میتوان انجام داد و وقت خاصّی ندارد؛ اما برخی از زیارتها در اوقات خاصّی سفارش شده که ثواب بیشتری دارد؛ مانند زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین، یا زیارت حضرت علی (ع) در روز سیزده رجب یا روز عید غدیر یا روز مباهله. آنان که در پی درک ثواب و فضیلت این سنّت دینیاند، مراقبت دارند تا اوقات زیارتی از آنان فوت نشود و مثلًا زیارت رجبیه یا زیارت اربعین را انجام دهند.

(ادامه دارد)

ص: ۱۰

هدف زیارت

آیت‌الله شیخ بشیر نجفی، متولد شهر «جالندهر» هند بوده و اصالتاً لاهوری است. ۴۵ سال حضور ایشان در نجف، با تحصیل و تدریس همراه بوده و اکنون نیز یکی از چهار مرجع دینی مقیم نجف به شمار می‌آیند. هم‌زمان با دیدار برخی از اعضای هیئت تحریریه فصلنامه با ایشان، جمعی از شیعیان کشورهای خلیج فارس نیز حضور داشتند که این متن با عنوان «هدف زیارت» ترجمه بخشی از سخنرانی معظم‌له است.

همه ما به زیارت می‌رویم؛ اما چرا به زیارت می‌رویم؟ یکی خانه ندارد، به زیارت می‌آید که امام را شفیع قرار دهد تا خدا خانه‌ای به او بدهد؛ یکی زن ندارد؛ یکی بچه ندارد؛ یکی اتومبیل ندارد؛ یکی در معاملات تجاری‌اش شکست خورده، می‌آید تا حسین شفیع او شود! یکی مریض دارد. به هر حال یا خودمان مشکلی داریم یا بچه‌های‌مان. هر کسی که به زیارت می‌آید، مشکلی دارد و می‌آید تا آن مشکل را با شفیع قرار دادن حسین (ع) برطرف کند. به زیارت می‌آید و می‌گوید: خدایا! بهتر از این وضع را برایم تقدیر کن. نگاه کنید! همه خواسته‌های‌مان، نیازهای شخصی است. پس حسین چه؟ به حسین (ع) چه می‌گویی؟ همین که حسین (ع) خطر را از پیش روی تو برداشته که می‌توانی به راحتی زندگی کنی و به زیارت بروی کافی نیست؟! آیا باز هم طالب چیزی هستی؟! مثلًا وقتی به سراغ دوستی قدیمی که ده یا بیست یا پنجاه سال او را ندیده‌ای می‌روی، جا دارد که بگوید: حال که نیازمند شده‌ای به سراغ من آمده‌ای؟! در حالی که حسین (ع) چنین نمی‌گوید و اساساً کاری ندارد که زائرش بحرینی است یا سعودی یا عراقی. چرا نباید زیارت شما مانند زیارت امام عصر (عج) باشد که وقتی به زیارت جدّش حسین (ع) می‌آید، فقط برای خود حسین (ع) می‌آید یا مانند زیارت ملائکه خدا که در روایت داریم هر روز به زیارت امام حسین (ع) می‌آیند؛ آن‌هم بدون آب و غذا و با لباس‌های خاک‌آلود.

از زیارت سایر معصومین علیهم‌السلام می‌فهمیم که زیارت حسین (ع) بسیار بالاتر و والاتر از حاجت‌ها و نیازهایی است که زوّار در سینه‌های‌شان دارند. باید به فرزندانمان یاد بدهیم که خود حسین (ع) هدف است؛ حسین مقصد است؛ حسین منزل است؛ حسین بهترین راه است؛ حسین بهترین پل است؛ حسین بهترین پناهگاه است؛ حسین هدف است؛ (باید گفت) ای حسین! فقط برای خودت آمده‌ام. وقتی کنار درب حرم حسین (ع) می‌ایستی و چشمانت به ضریح امام می‌افتد، به چه می‌اندیشی؟

امروز کربلا آباد شده؛ ولی افسوس! شب یازدهم محرّم را به‌یاد بیاور که دشمنان خدا، اهل‌بیت پیامبر را با نیزه و تازیانه می‌زدند و آنها استغاثه به رسول خدا می‌کردند. بدن‌های شهدا روی زمین کربلا پراکنده شده بود و غبار و خاکستر بر روی اجساد مطهرشان نشسته بود و تو اکنون بر درب حرم حسین ایستاده‌ای و چشمت به بخشش امام است و اشک‌هایت جاری است و امام حسین (ع) وقتی اشک تو جاری می‌شود می‌گوید: ای زائر من! بیا و به قبر من نزدیک شو.

برخی روایات می‌گویند که سر مقدس امام حسین (ع) به کربلا برگشت و به بدن مطهر ملحق شد؛ ولی بنابر برخی دیگر از روایات سر مقدس ایشان به کربلا برنگشت و در شام مدفون گردید. در روایت معتبری امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: خداوندا! به چهره‌ای که با غم و اندوه سخن می‌گوید، رحم بفرما! تو نیز اکنون که سال‌ها گذشته است، از خدا می‌خواهی که ای کاش در آن روز بودی، و این سخن را با تمام وجودت و از صمیم قلبت می‌گویی. زمانی که به محل خیمه‌ها می‌رسی، آنچه بر خانواده رسول خدا

ص: ۱۱

(ص) گذشت را به یاد بیاور و بگو: ای رسول خدا! من چه کنم که در آن روز که دشمنانت بر اهل بیت ظلم کردند، نبودم؛ عذر مرا بپذیر.

وقتی از زیارت و نماز آن فارغ شدی، آن‌گاه هر چه از دنیا و آ خرت می‌خواهی، به واسطه حسین (ع) از خداوند بخواه؛ ولی هدف اصلیت باید حسین (ع) باشد. هدف اصلی، حسین هست. لازم است بدانی که علامت قبول زیارتت چیست. علامت قبولی زیارتت، مانند قبولی نماز است؛ یعنی همان که خداوند در قرآن می‌فرماید: نماز، انسان را از بدی و فحشا دور می کند. وقتی دیدی بعد از نماز، از انحرافات دوری می کنی و با این‌که نفس انسان تمایل دارد، ولی مؤمن با اراده‌اش از این بدی‌ها کناره‌گیری می کند، همین‌طور علامت قبولی زیارت این است که یک دگرگونی در جهت مثبت در سیره رفتاری من و شما ایجاد شود و این در زیارت امام حسین (ع) نیز هست. لازم است به درون خویش برگردی و به‌گونه‌ای باشی که زیارت حسین (ع) در رفتارت تأثیرگذار باشد و چه خوب است که این تحول را حسین (ع) در تو ایجاد کند و برای عملی شدن این تحوّل مثبت، وقتی از زیارت و دعاها فارق شدی، در هر جای حرم که بودی، رو به ضریح بایست و در مقابل این ضریح شریف از خود گلایه و شکایت کن. حکم کننده خداوند متعال است. لازم هم نیست صدایت را بالا ببری؛ بلکه بین خودت و خدا باشد و در این گفت‌گو امام حسین (ع) را شاهد بر اعترافات خود قرار بده. به هر گناهی که کرده‌ای اعتراف کن. بگو: خدایا! به حرم ولیت حسین (ع) آمده‌ام؛ با نظر رحمت به من نگاه کن؛ به گناهانم اعتراف می کنم؛ گناهانی است که من مرتکب شده‌ام و ملائکه تو هم نوشته‌اند و تو از آن آگاهی. خداوندا! به حقانیت خودت قَسَمت می‌دهم که گناهانم را ببخش، خداوندا! به حق عبدالله شیرخواره (شهید خردسال کربلا) خودت برای من چاره‌ای کن. این‌گونه سخن گفتن در روایات تأیید شده است. در روایات آمده است: هر کس با اختیار خودش و با اخلاص در درگاه الهی توبه کند، حتماً بخشیده می‌شود.

در پایان باید گفت هر کس از ما که به زیارت امام حسین (ع) می‌آید، باید فکر کند که شاید آخرین زیارتش در دنیاست البته من دعا می‌کنم بارها و بارها باز هم به زیارت بیایید و خدا روزی‌تان کند ولی باید مثل هر نمازی که می گویند باید فکر کنید آخرین نمازتان است، به گونه‌ای زیارت کنید و اخلاص داشته باشید که گویا آخرین زیارت در دنیاست.

از خداوند می‌خواهم بر شما تفضل کند و عافیت دهد و همه ما را در این تحوّل مثبت یاری فرماید.

ص: ۱۲

زیارت‌های مخصوصه امام حسین

درآمد

یکی از فضیلت‌های بزرگ‌سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) که در روایات فراوان به چشم می‌خورد، تشویق و ترغیب به زیارت آن وجود مقدس است که پیامبر و معصومین (علیهم‌السلام) بر آن تاکید فراوان داشته‌اند. به همین‌جهت مردم را در تمام سال، به زیارت آن بزرگوار فراخوانده‌اند، بویژه در روزهای مخصوصی که زیارت مخصوصه أبی‌عبدالله معروف و مشهور گردیده است.

مثلًا در شب و روز جمعه، و شب و روز عرفه، و شب و روز عید قربان، و شب و روز عید فطر، و اول و نیمه ماه رجب، و نیمه شعبان، و روز اول و نیمه و آخر ماه رمضان، و شبهای قدر بویژه شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، و شب و روز عاشورا، و روز أربعین.

وجود همین روایات از پیامبر و معصومین سبب شد که بزرگان اهل حدیث و فقهای بزرگ شیعه آنها را در کتابهای حدیثی و فقهی خود آورده و ضمن دسته‌بندی کردن آن‌ها عنوان استحباب و تاکید استحباب به آنها بدهند. همانگونه که مرحوم کلینی و شیخ طوسی و شیخ صدوق و حر عاملی، و علامه مجلسی و دیگران چنین کرده‌اند. مثلًا شیخ حر عاملی (ره) در باب زیارت امام حسین (ع) در شب جمعه می‌نویسد:

باب تاکد زیارهٔ الحسین کل لیله جمعه و کل یوم جمعه (۱)

و یا این‌که ابن طاووس درباره زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه می‌فرماید:

فضل زیارهٔ الحسین یوم عرفه. (۲)

همچنین شیخ حر عاملی درباره زیارت امام حسین (ع) در اول ماه رجب و نیمه آن می‌نویسد:

باب تاکد استحباب زیارهٔ الحسین فی اول رجب و فی النصف منه. (۳)

و درباره زیارت امام حسین (ع) در ماه رمضان و شبهای قدر می‌نویسد:

باب تاکد استحباب زیارهٔ الحسین لیله القدر و فی شهر رمضان خصوصاً اول لیله و آخر لیله و لیله النصف. (۴)

درباره زیارت امام حسین (ع) در شب و روز عید فطر و شب عید قربان آورده‌اند:

تاکد زیاره الحسین لیله الفطر و لیله الأضحی. (۵)

همچنین درباره زیارت امام حسین (ع) در شب و روز عاشورا و روز اربعین نوشته‌اند:

تاکد زیاره الحسین لیله عاشورا یوم عاشورا (۶)و تاکد زیاره الحسین یوم الأربعین من مقتله. (۷)

چرایی زیارت مخصوصه

با عنایت به تقدیم فهرستی که از روزهای زیارتی امام حسین (ع) تقدیم علاقه‌مندان شد این چرایی تا حدودی روشن شد امّا جهت آگاهی بیشتر با عنایت به روایاتی که تقدیم خواهد شد، این چرایی روشنتر خواهد شد.

۱- ارواح انبیای الهی در این روزها به زیارت امام حسین (علیه‌السلام) می‌روند.

۲- فرشتگان از خداوند رخصت گرفته و در این روزها مقدس به زیارت امام حسین (علیه‌السلام) می‌روند.

۳- خداوند لطف و کرمش در این روزهای مخصوص و ویژه به زائران بیشتر خواهد بود.

۴- در این روزها لطف خداوند به امام حسین (علیه‌السلام) بیشتر است.

۵- خداوند می‌خواهد به بهانه‌های گوناگون این جایگاه بلند و رفیع پررفت و آمد باشد.

علاوه براین می‌بینم اضافه بر روزهای مخصوص در تمام دوران سال استحباب زیارت امام حسین (علیه‌السلام) ثابت بالأخص در روزهایی که به آن حضرت انتساب داشته باشد همانند روز مباهله و روز نزول سوره هل اتی و روز ولادت آن حضرت.

نگاهی به فضیلت‌های روزهای مخصوص

پیش از بررسی روایات زیارت امام حسین (علیه‌السلام) در این روزها، لازم است نیم نگاهی به فضیلت این روز بیفکنیم تا با معرفت بیشتری به زیارت امام در این روزها بنگریم.

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۹.

۲- ابن طاووس، الاقبال، ص ۳۰۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۶۵.

۴- همان، ص ۴۷۳.

۵- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۷۵.

۶- همان، ص ۴۷۶.

۷- همان، ص ۴۷۸.

ص: ۱۳

۱- فضیلت عرفه و سرزمین عرفات

عرفات سرزمینی است بسیار مقدس و محل حضور تمام انبیای الهی از آدم تا خاتم است. عرفات سرزمینی است تمام میهمانان و ضیوف الرحمان در یک روز مقرر در آن جمع شده و اعمال حج خود را در آن آغاز می‌کنند. به حق سرزمین عرفات محل برآورده شدن حاجات و محل ریخته شدن گناهان و محل عفو و بخشش گناهان از سوی پروردگار مهربان است.

۲- فضیلت شب و روز عید فطر

از دیگر شب‌ها و روزهای مقدس و با فضیلت که در روایات آمده است کمتر از شب قدر نمی‌باشد شب عید فطر است و همانطوری که گفته شده مستحب است در آن شب غسل شود و آن شب به احیا گذارده شود، همچنین روز عید فطر که پایان یک تلاشی بزرگ است روزی بسیار مقدس است و با فضیلت.

۳- فضیلت روز اول و نیمه ماه رجب

ماه رجب ماه دعا و استغفار است. ماه رجب سراسر اعمال و مناجات و اظهار اطاعت و بندگی از سوی بندگان خالص الهی به مقام ربوبی حق تعالی. پیامبر اکرم (ص) درباره این روز فرمود:

ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت به آن نمی‌رسد. (۱)

نیمه آن نیز شب بسیار بافضیلتی که روایات اهل‌بیت عصمت نشانگر آن فضیلت‌ها است.

۴- فضیلت شب و روز جمعه

فضیلت این شب و روز بر سایر روزها و شبهای دیگر هفته برتری دارد. تا جایی که روایت شده مرگ شب و روز جمعه بهتر از روزهای دیگر است. گاه در اجابت دعاها یک هفته تاخیر پیدا می‌شود تا شب و روز جمعه فرا رسیده و خداوند به برکت این شب و روز دعاهای بندگان را به اجابت برساند.

شب جمعه شبی است که خداوند دربهای توبه را بر بندگان بازگذارده و منادیان از سوی پروردگار جهانیان بندگان به سوی او و توبه فرامی‌خوانند. و ده‌ها فضیلت دیگر که همه آن‌ها نشانه عظمت و تقدس و بزرگی این شب و روز است.

۵- فضیلت ماه رمضان و شبهای قدر

در این ماه شب قدر است که برابر با هزار ماه می‌باشد. شبی که سرنوشت بشر طبق تقدیرات الهی تعیین می‌شود. شبهایی است که هر شبش هزاران هزار انسان گناهکار مورد عفو و بخشش پروردگار قرار می‌گیرد.

۶- فضیلت نیمه شعبان

از امام محمد باقر (علیه‌السلام) درباره فضیلت این شب پرسیده شد که حضرت فرمود:

آن شب از افضل شبها است پس از شب قدر. و عظمت این شب را بس که نزول قرآن بر پیامبر خدا و ولی خدا حضرت امام زمان در آن شب بوده است و درباره نیمه شعبان اعمال زیادی وارد شده از جمله زیارت ابی عبدالله (علیه‌السلام) می‌باشد.

۷- فضیلت عاشورا

امام باقر (علیه‌السلام) درباره حضور در این روز در کربلا فرمود:

هر که زیارت کند حسین بن علی را در روز دهم محرم تا آن که در نزد قبر آن حضرت گریان شود خدا را در روز قیامت ملاقات می‌کند با ثواب دوهزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد. (۲)

اگر در سرزمینی حضور پیدا کنید که خدا پیش از نظر کردن به میهمانانش اول به شما و زائران امام حسین (ع) نظر می‌کند و یا شب و روزی در جایی حاضر شوید که کمتر از شب قدر نمی‌باشد. و یا در زمان و مکان مقدسی باشید که ماه دعا و استغفار است

و یـا در شب و روز جمعه جـایی باشـید که آن روز و شب از بهترین و برترین شـبها و روزهـای هفته است و شب آمرزش گناهان و فراخوان بنـدگان است. و در مـاهی در مکـانی حضور پیـدا کنیـد که یکی از روزهای آن شب قـدر است و یا در شبی در سـرزمینی حاضـر شوید که خاطره دلاوریهای بزرگ مردی همچو امام حسـین (ع) باشد توقع دارید که در این روزها و شبهای ویژه خداوند به شما چه چیزی کرامت کند.

آیا جز نظر لطف و مرحمت خداوندی به چیز دیگری فکر می‌کنید؟!

زیارت‌های مخصوصه امام حسین (علیه‌السلام) در روایات اهل‌بیت

ائمه هـدی (علیهم‌السـلام) در روزهایی خاص پیروان خویش را به زیارت سالار شـهیدان حضـرت اباعبدالله الحسـین (علیهم‌السـلام) تشویق کرده‌انـد که آن روز از نظرتـان گـذشت. امـا در این بخش شـما را بـا روایـات مربوطه صادر شـده درباره‌ی این روزها آشـنا می‌کنیم.

۱- زیارت در اول ماه رجب

بشیر دهان از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) روایت کرده فرمود:

من زار قبر الحسین علیه‌السلام أول رجب غفر الله له البتّه (۳)؛

هر کس قبر امام حسین (علیه‌السلام) را در روز اول ماه رجب زیارت کند، البته حق تعالی او را می‌آمرزد.

۱- فضائل الاشهر الثلاثه، ص ۲۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۶۳.

ص: ۱۴

۲- زیارت امام در نیمه رجب

احمد بن محمد بن أبی نصر بزنطی گوید: از امام رضا (علیه السلام) پرسیدم که در کدام ماه امام حسین (علیه‌السلام) را زیارت می‌کنید؟ امام در پاسخ فرمود:

فی النصف من رجب و النصف من شعبان (۱)؛

در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

و در روایت دیگری که احمد بن محمد بن ابی‌نصر از امام رضا (ع) می‌پرسد این است که می‌گوید به امام عرض کردم در کدام‌یک از اوقات افضل است که امام حسین (علیه‌السلام) را در آن وقت زیارت کنیم. که حضرت پاسخ نیمه رجب و نیمه شعبان را دادند. (۲)

جالب این است که برخی از روایات، زیارت امام حسین (علیه‌السلام) را در نیمه رجب غفیله نامیده‌اند، یعنی از زیارتی که مردم از آن غافل هستند.

۳- زیارت امام حسین (علیه‌السلام) در نیمه شعبان

شیخ حر عاملی به دوازده روایت اشاره می‌کند که همه آنها در مقام فضیلت زیارت امام حسین (علیه‌السلام) در شب نیمه شعبان وارد شده است. که به چند روایت بسنده‌می‌کنیم.

ابوبصیر از امام صادق نقل می‌کند که امام فرمود:

من أحب أن یصافحه مائتا ألف نبی و عشرون ألف نبی فلیزور قبر الحسین بن علی علیه‌السلام فی النصف من شعبان، فإن أرواح النبین یستأذن الله فی زیارته فیؤذن لم (۳)؛

هر که می‌خواهد یکصد و بیست و چهار پیامبر با او مصافحه کنند پس در نیمه شعبان امام حسین (علیه‌السلام) را زیارت کند، بدرستیکه در این روز ارواح پیامبر از خداوند رخصت گرفته به زیارت امام حسین (علیه‌السلام) بروند.

امام زین العابدین و امام صادق علیهماالسلام در چندین روایت به آثار و برکات زیارت امام حسین (علیخ السلام) چنین اشاره می‌فرمایند:

در شب نیمه شعبان به زائران امام حسین ندا می‌رسد، آمرزیده شده برگردید و ثواب شما بر خدا و پیامبرتان خواهد بود. (۴)

هر که در شب نیمه شعبان امام را زیارت کند گناهانش آمرزیده شده و تا آخر سال گناهی برایش نوشته نخواهد شد. (۵)

هر کس امام حسین را در نیمه شعبان زیارت کند خداوند برای او هزار حج را می‌نویسد. (۶)

۴- زیارت در ماه رمضان و شبهای قدر

روایات و احادیث دیگری بر این دلالت دارند که زائران امام حسین (ع) در ماه رمضان و شبهای قدر آمرزیده شده و اگر به خدا از آتش جهنم پناه ببرد پناه داده خواهد شد. همچنین برای روز قیامت برای زیارت امام در ماه رمضان حسابی نخواهد بود.

ابن قولویه در کامل الزیارات از عبید بن الفضل از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده فرمود:

من زار الحسین بن علی علیه‌السلام فی شهر رمضان و مات فی الطریق لم یعرض و لم یحاسب و قیل له ادخل الجنه آمناً (۷)؛

هر کس قبر امام حسین را در ماه رمضان زیارت کند و در راه بازگشت بمیرد، از برای او عرض و حسابی در روز قیامت نخواهد بود و به او بگویند: داخل بهشت شو بدون خوف و ترس.

و از امام محمد تقی (علیه‌السلام) روایت شده که به عبدالعظیم حسنی فرمود:

من زار الحسین لیله ثلاث و عشرین من شهر رمضان و هی اللیله التی یرجی ان تکون لیله القدر و فیها یغرق کل امر حکیم صافحه

اربعه و عشـرون الف ملك ليله القدر و فيها يفرق كلّ امر حكيم صافحه أربعه و عشـرون الف ملك و بنى كلهم يستأذن الله فى زياره الحسين فى ثلث الليله (۸)؛

هر کس امام حسین را در شب بیست و سوم ماه رمضان و آن شبی که امیـد هست شب قدر باشد زیارت کند با بیست و چهار هزار فرشته و پیامبر که همه آن‌ها برای زیارت امام حسین در این شب از خدا رخصت می‌طلبند مصافحه خواهد کرد.

۵- زیارت در عید فطر و قربان

حر عاملی ره- در کتاب شریف وسائل الشیعه به دو روایت اشاره می‌کند که ذیلا متذکر می‌شویم:

عبدالرحمن بن الحجاج از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده فرمود:

من زار قبر الحسين عليه‌السلام ليله من ثلاث غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر. قلت: أى الليالى جعلت فداك؟

قال: ليله الفطر و ليله الأضحى و ليله النصف من الشعبان (۹)؛

هر کس در یکی از سه شب قبر امام حسـین (علیه‌السـلام) را زیارت کنـد گناهان گذشـته‌و آینده‌اش آمرزیده شود، عرض کردم آن شبها کدامند؟

۱- همان، ص ۳۶۴.

۲- همان.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶۵.

۴- همان.

۵- همان، ص ۳۶۶.

۶- همان، ص ۳۶۸.

۷- ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۳۰.

۸- الاقبال، ص ۲۱۱.

۹- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۱.

ص: ۱۵

امام فرمود: شب عید فطر و شب عید قربان و شب نیمه شعبان.

همچنین از یونس بن ظبیان روایت کرده گفت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

من زار قبر الحسین (علیه السلام) لیله النصف من شعبان و لیله الفطر و لیله عرفه فی سنه واحده کتب الله له ألف حجه مبروره، و ألف عمره متقبله و قضیت له ألف حاجه من حوائج الدنیا و الآخره (۱)؛

هر کس قبر امام حسین (علیه‌السلام) را در شب نیمه‌شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یک سال زیارت کند، خداوند برای او هزار حج مبرور و هزار عمره قبول شده نوشته و هزار حاجت و نیاز از حاجتهای دنیوی و اخروی برایش برآورده می کند.

۶- زیارت در شب و روز عرفه

و در فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) در شب و روز عرفه حدود پانزده روایت از اهل بیت رسیده است که هر یک از آن‌ها به یکی از آن فضیلت‌ها اشاره‌ای دارند.

الف- مثلًا امام صادق (علیه السلام) به بشیر دهان می‌فرماید:

خداوند برای هر گامی که برای زیارت امام حسین (علیه‌السلام) برمی‌داری یک حج کامل برای او می‌نویسد. (۲)

ب- امام به یونس بن ظبیان می‌فرماید:

من زار قبر الحسین یوم عرفه کتب اله له الف الف حجه مع القائم علیه السلام .. (۳)

هر کس قبر امام حسین (علیه‌السلام) را در روز عرفه زیارت کند خداوند برای او هزار هزار حج همراه با حضرت قائم علیه السلام می نویسد.

ج- همچنین امام به یکی از یاران خود به نام حنان می‌فرماید:

یا حنان اذا کان یوم عرفه اطلع علی زوار الحسین علیه‌السلام فقال لهم: استأنفوا فقد غفرت لکم (۴)؛

ای حنان روز عرفه خداوند به زوار امام حسین (علیه‌السلام) می‌فرماید: اعمال خود را از سر بگیرید که شما را بخشیدم.

د- بشیر گوید از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود:

من أتی قبر الحسین بعرفه بعثه الله یوم القیامه ثلج الفؤاد (۵)؛

هر کس در روز عرفه، به زیارت قبر امام حسین (علیه‌السلام) برود، خداوند در روز قیامت او را شادمان محشور می کند.

۷- زیارت در شب و روز عاشورا

روایات و احادیث اسلامی درباره فضیلت زیارت امام حسین (علیه‌السلام) در شب و روز عاشورا فراوان سخن گفته است و تعبیرهای زیبایی در این راستا آورده شده است، دقت کنید:

الف- زید شحام از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده است:

من زار قبر أبی عبدالله یوم عاشورا عارفاً بحقه کان کمن زار الله تعالی فی عرشه (۶)؛

هر کس در روز عاشورا قبر امام حسین (علیه‌السلام) را با معرفت زیارت کند همانند کسی است که خدا را در عرش خود زیارت کرده است.

ب- حریز گوید امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

من زار الحسین فی یوم عاشورا و جبت له الجنه (۷)؛

هر کس در روز عاشورا امام حسین (علیه‌السلام) را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.

ج- جابر جعفی از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده فرمود:

من بات عند قبر الحسین لیله عاشورا لقی الله یوم القیامه ملطخاً بدمه، کأنها قتل معه فی عرصه کربلا (۸)؛

هر کس شب عاشورا کنار قبر امام حسین (علیه‌السلام) سپری کند روز قیامت خدای را با چهره خون آلود ملاقات می‌کند، گویا همراه امام حسین (علیه‌السلام) در سرزمین کربلا کشته شده است.

د- و فرمود:

من زار الحسین علیه السلام یوم عاشورا و بات عنده کان کمن استشهد بین یدیه (۹)؛

هر کس که امام حسین (علیه‌السلام) را در روز عاشورا زیارت نموده نزد آنحضرت بماند، همانند کسی خواهد بود که در برابر امام به شهادت رسیده است.

ه- همچنین روایت شده است که:

۱- همان.

۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۷.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۶۱

۵- همان، ص ۳۶۲.

۶- تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۷.

۷- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۲.

۸- همان.

۹- همان.

ص: ۱۶

هر که بخواهد حق پیامبر خدا و حق امیرمؤمنان و حق فاطمه زهرا را اداء کند پس امام حسین (علیه‌السلام) را در روز عاشورا زیارت کند. (۱)

۸- زیارت در روز اربعین

و روز اربعین نیز یکی از روزهای زیارتی مخصوص امام حسین (علیه‌السلام) می‌باشد؛ یعنی آن روزی که جابر بن عبدالله انصاری به قصد زیارت تربت ابی عبداله به کربلا رفته بود.

شیخ طوسی در مصباح می‌نویسد:

روز بیستم ماه صفر روز برگشت حرم امام حسین (ع) از شام به سوی مدینه الرسول و آن روزی است که جابر ابن عبداله به قصد زیارت امام وارد سرزمین کربلا شد، و او اولین کسی بود که به زیارت امام شتافت. (۲)

در این خصوص دو روایت از دو امام رسیده که شیعیان را به زیارت امام حسین (علیه‌السلام) در این روز تشویق کرده‌اند.

روایت اول از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) است که در کتاب تهذیب و مصباح نقل گردیده است که امام فرمود:

علامات المؤمن خمس، صلاه الخمسین و زیاره الأربعین و التختم فی الیمین و تعفیر الجبین و الجهر ببسم الله الرحمن الرحیم (۳)؛

علامتهای مؤمن پنج چیز است، پنجاه و یک رکعت نماز گزاردن و زیارت امام حسین در روز اربعین و انگشتر در دست راست کردن، و پیشانی را به هنگام سجده بر خاک گذاردن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن.

روایت دوم از امام صادق (علیه‌السلام) است که صفوان جمال از آنحضرت روایت کرده است. صفوان گوید مولای من امام درباره زیارت اربعین به من فرمود:

هنگامی که روز بالا می‌آید می گویی:

السلام علی ولی الله و حبیبه

... سپس دو رکعت نماز می گذاری و هر چه دوست می‌داری دعا کن و برگرد. (۴)

۹- زیارت در شب و روز جمعه

زیارت دیگری که هر هفته تکرارش استحباب دارد همانا شب و روز جمعه است که معصومین (علیهم السلام) بر زیارت امام حسین (علیه‌السلام) در این شب و روز توصیه و سفارش کرده‌اند.

هنگامی که صفوان جمال از امام صادق (علیه‌السلام) درباره زیارت امام حسین (علیه‌السلام) پرسید امام پاسخ فرمود:

چگونه به زیارتش نروم در حالی که در شبهای جمعه خدا و پیامبرش به زیارت امام حسین (علیه‌السلام) می‌روند. (۵)

(البته مقصود از زیارت خدا به معنای زیادی عنایت و تفضل او بر امام حسین (علیه‌السلام) است).

ابن قولویه از داود بن یزید از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده است که فرمود:

من زار قبر الحسین فی کلّ جمعه غفر الله له البتّه و لم یخرج من الدنیا و فی نفسه حسره منها و کان مسکنه مع الحسین بن علی علیه السلام (۶)؛

هر کس به زیارت قبر امام حسین در هر جمعه برود البته آمرزیده شود و با حسرت از دنیا نخواهد رفت و جایگاهش در بهشت با امام حسین (علیه‌السلام) خواهد بود.

آثار و برکات زیارت مخصوصه امام حسین (علیه السلام)

از روایات و احادیث یاد شده آثار و برکات زیر را می‌توان به دست آورد که به عنوان پایان‌بخش مقاله یادآوری می‌نمائیم.

۱. بیست و چهار هزار فرشته و پیامبر با زائر امام حسین در این روز ویژه مصافحه می کنند.

۲. حق تعالی می‌آمرزد کسی را که در این روزهای ویژه به زیارت امام حسین (علیه‌السلام) برود.

۳. اگر بهشت را از خدا بخواهد، خدا به او می‌دهد.

۴. اگر به خدا از آتش پناه ببرد خداوند او را از آتش جهنم پناه می‌دهد.

۵. خداوند زائر امام حسین (علیه‌السلام) بابت زیارت آن روز مخصوص محسابه نخواهد کرد.

۶. به زائر امام حسین (علیه‌السلام) گفته می‌شود بدون هیچ خوف و ترسی وارد بهشت شو.

۷. یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه می‌کنند.

۸. گناهان گذشته‌و آینده‌اش بخشیده می‌شود.

۹. برای زائر امام حسین (علیه‌السلام) درشب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه هزار حج مبرور و هزار عمره مقبوله نوشته می‌شود.

۱۰. هزار حاجت دنیا و آخرت زائر امام حسین (علیه‌السلام) در روزهای ویژه برآورده می‌شود.

۱- همان، ص ۳۷۳.

۲- شیخ طوسی، مصباح التهجد، ص ۵۵۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳.

۴- همان.

۵- کامل الزیارات، ص ۱۱۳.

۶- همان، ص ۱۸۳.

ص: ۱۷

۱۱. خداوند زائر امام حسین (علیه‌السلام) را که در شب عرفه بماند و روز عید قربان امام را زیارت کند، از هرشری درآن سال محافظت کند.

۱۲. خداوند را در عرش زیارت می کند.

۱۳. خداوند ثواب صد حج و صد عمره و صد جهاد با پیامبر مرسل و یا امام عادل را به او می‌دهد.

۱۴. خداوند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد با پیامبر یا امام عادل را به زائر امام حسین (علیه‌السلام) در روز مخصوص و ویژه کرامت می کند.

۱۵. هر گامی که زائر امام حسین (علیه‌السلام) در روز و وقت مخصوص بردارد حجی با همه مناسک بر او می‌نویسد.

۱۶. خداوند اول به زائران امام حسین (علیه‌السلام) نظر رحمت می کند سپس به میهمانانشان در صحرای عرفات.

۱۷. زائر امام حسین (علیه‌السلام) در روز ویژه با حال حسرت از دنیا نخواهد رفت.

۱۸. جایگاهش در بهشت می‌باشد.

شباهت ها و تفاوت ها در زیارت‌نامه‌ها

اگر اندک تاملی در زیارت‌نامه‌هایی که در مناسبت‌های مختلف و روزهای مخصوص در کنار قبر أبی‌عبدالله قرائت شده بنمائیم. خواهیم دید که علاوه بر لعن و سلامی که در تمام زیارت‌نامه‌ها کاملًا به هم شباهت دارند امّا از جهت دیگر این زیارت‌نامه‌هایی که به مناسبت نیمه رجب و نیمه شعبان و شبهای قدر و عید فطر و قربان و عرفه و عاشورا و اربعین بیان شده کاملًا با هم متفاوت هستند. و هر یک از این زیارت‌نامه‌ها مطلب تازه‌ای بر ذهن زائر القائ می کند و او نیز این معارف الهی را از زبان امام معصوم قرائت می کند.

چرا که در زیارت نیمه رجب، پس از سلام های متعدد به انبیای الهی و اوصیای بزرگ، سخن از شنیدن امام و آگاه بودن از سخن زائران و جواب امام را در فکر زائر مطرح می کند. بدین جهت می‌بینیم که زائر امام حسین (علیه‌السلام) در این زیارت سخن امام را بیان کرده و از امام حسین (علیه‌السلام) درخواست شفاعت نزد خداوند علی اعلا از او می کند.

و در زیارت‌نامه‌نیمه شعبان سلام فراوان در آن یافت نمی‌شود بلکه شهادت نامه‌است یعنی شهادت زائر امام حسین (علیه‌السلام) به این که اماما تو کشته شدی ولی نمردی بلکه جاوید شدی و شهادتت قلب‌های شیعه و پیروانت را زنده کرد.

شهادت به این‌که امام نور خدایی است که هرگز خاموش نمی‌شود.

و در زیارت‌نامه‌شبهای قدر، پس از اظهار برائت از دشمنان امام، زائر امام حسین (علیه‌السلام) معرفت خود را به جایگاه امام اظهار کرده و بصیر بودنش را به راه حق امام اعلام می‌دارد.

و در زیارت‌نامه امام حسین (علیه‌السلام) در روز عید فطر و قربان که نسبتاً طولانی است، زائر امام حسین (علیه‌السلام) پس از خوشحال از آمدن به زیارت امام و مقتدای خود دوستی و محبت و پیروی خود را از اهل‌بیت و خط روشن و صحیح آنها اعلام می‌دارد.

و در زیارت‌نامه شب و روز عرفه، زائر امام حسین (علیه‌السلام) پس از سلام بر تمام امامان به حق، امام حسین (علیه‌السلام) را مورد خطاب قرار داده و ویژگی‌های او را در قالب زیارت‌نامه در محضرش عرضه می کند.

و در زیارت‌نامه عاشورا که از زبان امام محمد باقر (علیه‌السلام) آن را می‌خواند به سوز دل امام باقر می‌رسد که سی و پیج مرتبه دشمنان را نفرین و از آنها اظهار برائت می کند به‌ویژه آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان و آنهایی که به این جریان کمک کردند.

و یا این‌که در زیارت‌نامه روز اربعین اشاره به تکلیف امام شده که در برابر پرچمداران کفر و استبداد ایستادگی کرده و خون عزیزش را در این راه تقدیم داشته است.

با اندکی فکر و اندیشه در این زیارت‌نامه‌ها ملاحظه می‌کنیم که در هر یک از آن‌ها مطلب جدید مطرح گردیده که در زیارت‌نامه قبلی وجود ندارد.

ص: ۱۸

ص: ۱۹

زیارت در سیره علمای معاصر

وقتی به تاریخ حوزه‌های علمیه و زندگی علما می‌نگریم، می‌بینیم نه تنها آنان به زیارت قبور معصومان و بزرگان دین اهمیت می‌دادند بلکه ترجیح می‌دادند که در حد امکان، محل اقامت و درس و بحث خود را نیز نزدیک قبور مقدسه آنان قرار دهند. از این‌روست که بیشتر حوزه‌های علمیه جهان تشیع، در کنار قبور معصومین (علیهم السلام) تأسیس شده است.

در بررسی و مطالعه زندگی علما نیز درمی‌یابیم که عموما مقید بودند قبور ائمه بزرگوار و حتی قبور فرزندان ایشان را به‌طور مرتب زیارت کنند و از فیوضات آنها بهره ببرند. بنابراین سیره عملی همه علما در زیارت معصومین و فرزندانشان، یک سیره مستمر و بارز است. از این‌رو در این مقاله برآنیم (۱) تا بیشتر در آداب زیارت آنان به بحث و بررسی بپردازیم. در این مجال به نمونه‌هایی از سیره این بزرگواران اشاره می‌کنیم:

۱. سیره امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران

حضرت آیت‌الله‌ملکوتی درباره سیره امام چنین می‌گوید: امام خمینی (رحمهٔ الله) زمانی که در قم بود، دو ویژگی از ایشان می‌دیدم:

۱. دائم‌الجماعه بود؛ یعنی مقید بود نمازهای پنج‌گانه را به جماعت بخواند. وی مرتب نماز صبح را در بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) حاضر می‌شد و در نماز جماعت مرحوم آیهٔالله العظمی حاج سید صدرالدین صدر شرکت می‌کرد که در همان بالاسر دفن شده است. یادم هست هر وقت او نمی‌آمد، به‌جای ایشان حضرت آیهٔالله حاج سید احمد زنجانی نماز را اقامه می‌کرد و حضرت امام برای نماز ظهر و عصر هم به مدرسه فیضیه تشریف می‌آورد و در نماز مرحوم آیهٔ الله سید احمد زنجانی حاضر می‌شد و نماز مغرب و عشاء را هم در مدرسه فیضیه که نماز جماعت به امامت مرحوم آیهٔالله حاج سید محمدتقی خوانساری برگزار می‌گردید، اقامه می‌کرد.

۲. امام به‌طور مرتب در قم به زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) و در نجف به زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌رفت. یادم هست که امام بزرگوار هر روز بعد از درس فلسفه که عصرها بود و من هم در آن شرکت می‌کردم به زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) می‌رفت و بعد به فیضیه برای شرکت در نماز جماعت مرحوم خوانساری می‌آمد. همین‌طور زمانی هم که درس اصول تدریس می‌کرد که آن هم عصرها بود، هر روز برای زیارت آن حضرت مشرف می‌شد. و در نجف نیز امام امت (قدس سره) هر روز برای زیارت به حرم مطهر و باعظمت امیرمؤمنان مشرّف می‌شد و قبر آن بزرگوار را زیارت می‌کرد. (۲)

حجت‌الاسلام والمسلمین قرهی از علمای شناخته شده‌ای است که پیش از تبعید امام در قم، از شاگردان ایشان بود و سپس در نجف و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هم‌چنان با امام رضوان الله علیه ارتباط داشت. وی درباره سیره زیارتی امام (رحمهٔالله علیه) چنین می‌فرماید:

برنامه زیارتی امام (رحمهٔالله علیه) در نجف چنین بود که وقتی دو ساعت و نیم از شب (مغرب) می‌گذشت، از اندرونی به بیرونی تشریف می‌آورد و نیم ساعت جلوس می‌کرد و مراجعین و کسانی که کاری یا سؤالی داشتند، خدمت امام می‌رسیدند و بعد امام برای زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حرکت می کرد و می‌رفت و هر کاری هم که داشت و هر کس را هم که در بیرون بود، رها کرده و می‌رفت. وارد حرم مطهر که می‌شد، ابتدا زیارت امین الله را از حفظ می‌خواند و بعد هم زیارت جامعه را از روی مفاتیح می‌خواند و به‌طرف بالاسر هم به‌خاطر احترام امام نمی‌رفت و حدود یک ساعت زیارت امام طول می‌کشید و چهار ساعت از شب گذشته، به منزل برمی‌گشت. پس از مدتی من دیدم خادمین برای بستن درب حرم، ملاحظه امام را می‌کردند؛ لذا به امام تذکر دادم و امام پس از این تذکر، دیگر زیارت جامعه را در حرم ادامه نداد. جالب این بود که گاهی هم که مشرف می‌شدیم و حرم را

به خاطر مسائلی بسته می‌دید، همین زیارت‌ها و برنامه را در رواق‌های اطراف، به طور کامل انجام می‌داد. این برنامه منظم امام بود و در زمان‌های شلوغ هم ترک نمی‌شد. ضمناً امام هنگامی که وارد نجف شد و هنوز تدریس را شروع نکرده بود، صبح‌ها هم به حرم مشرف می‌شد و بعد از مدتی که تدریس را شروع کرد، فقط شب‌ها در همان ساعت مشخص مشرف می‌شد. امام

۱- در دو شماره پیشین، با سیره معصومین (علیهم السلام) واصحاب بزرگوارشان در باب زیارت آشنا شدیم. در این بخش نمونه‌هایی از سیره علمای دین و احیاگران آیین محمدی در این‌باره را بیان می کنیم.

۲- برگرفته از نوار مصاحبه با حضرت آیهٔالله ملکوتی که با حضور نویسنده متعهد، جناب حجهٔ الاسلام عبدالرحیم اباذری انجام گرفته است.

ص: ۲۰

بزرگوار (رحمهٔ الله علیه) در مناسبت‌هایی مثل اول ماه رجب و نیمه رجب و نیمه شعبان، به کربلا مشرف می‌شد و برای زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌رفت آنجا هم زیارت امین الله و جامعه و عاشورا را می‌خواند و هم نماز زیارت به جا می‌آورد و معمولاً شب را در کربلا بود و صبح به نجف اشرف برمی‌گشت. در طول این چند سالی که من در نجف در خدمت حضرت امام خمینی بودم، به یاد ندارم که که ایشان غیر از حرم امیرمؤمنان حرم امام حسین و حرم حضرت ابوالفضل (علیهم‌السلام) به سایر اماکن زیارتی حتی مثل تلّ زینبیه بروند. (۱)

۲. سیره علامه آیهٔ‌الله حاج شیخ عبدالحسین امینی (صاحب الغدیر)

آیت‌الله ملکوتی در بیان سیره علامه امینی می‌فرماید:

مرحوم علامه امینی برای نوشتن کتاب گران‌قدر «الغدیر» سفرهای زیادی می‌کرد؛ ولی زمانی که در نجف بود، به‌طور مرتب به زیارت قبر مقدس حضرت امیر (علیه السلام) می‌رفت و همیشه وقتی وارد حرم مطهر می‌شد، در پایین پای حضرت قرار می‌گرفت و آن‌جا زیارت می‌کرد و نماز می‌خواند و از همان‌جا برمی‌گشت و به احترام آن حضرت، هیچ‌گاه به بالای سر و جلوی حضرت و پشت سر ضریح آن حضرت نمی‌رفت. او هنگامی که روز عاشورا در کربلا بود، می‌آمد و در حرم امام حسین (علیه السلام) پیراهن بلندی می‌پوشید وچفیه به سر می‌انداخت و با پای برهنه، مَشکی به همراه خود برداشته و به دوش می‌گذاشت و به زائرین آب می‌داد و به اصطلاح سقایی می‌کرد. (۲)

۳. سیره مرحوم آیهٔ‌الله العظمی بهجت (رضوان الله تعالی علیه)

برای آگاهی از سیره مرحوم آیت‌الله بهجت، خدمت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی بهجت، فرزند آن مرحوم رسیدیم تا سیره زیارتی ایشان را از زبان فرزندی که به تعبیر خودش در این اواخر، تمام وقت همراه پدر و ملازم او بود، بشنویم. ایشان پس از صحبت‌های مقدماتی، شمّه‌ای از سیره پدر را چنین بیان کردند:

سالکان طریق الی الله معتقدند که پس از انتخاب راه، باید حرکت کرد و برای رسیدن به هدف، با کمک گرفتن از توسلات به انوار مقدسه، راه را کوتاه‌تر کرد. مرحوم ابوی هم این عقیده را داشت و انوار مقدسه ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را واسطه فیض می‌دانستند و از راه آنان حرکت می‌کردند و می‌فرمودند: اگر انسان با اینها راست باشد و راست حرکت کند و معتقد هم باشد، جواب می‌گیرد.

ایشان از دوره جوانی به زیارت اهمیت می‌داد و ملازم زیارت و زیارتگاه‌ها بود. ایشان چهار سال در کربلا و دوازده سال در نجف ساکن بود و تحصیل می‌کرد. در این مدت مرتب به زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین (علیهماالسلام) می‌رفت. گرچه من اطلاع زیادی از کیفیت زیارت ایشان در آن‌جاها ندارم، ولی با اطلاعاتی که دارم، می‌دانم در مدت اقامت در نجف، تمام ایام زیارتی را به کربلا مشرف می‌شده و با بعضی از علما پیاده از نجف به کربلا می‌رفته‌اند. بنا بر نقل یکی از علما در آن سفر که ایشان اغلب در ذکر یا سکوت بوده‌اند، در راه به منزل «خان مصلّی» که رسیدیم، نماز صبح را جملگی به ایشان اقتدا کردند؛ با این‌که از ایشان بزرگ‌تر هم بودند، نماز بسیار عجیبی اقامه نمودند. ایشان از زمان جوانی که برای تحصیل علم به عتبات عالیات مشرف شد، به راز و نیاز و توسلات بسیار اهمیت می‌داد. مرحوم آقا خودش می‌فرمود: من یک سال و اندی در کربلا ماندم که بالغ شدم و می‌فرمود: اولین باری که در کربلا- برای زیارت مشرف شدم، دیدم در یک رواق کوچک، آقایی مشغول نماز جماعت است که حالات عجیبی دارد. تصمیم گرفتم فردا برای نماز بروم آن‌جا و نماز صبح را به ایشان اقتدا نمایم. فردا که مشرف شدم، دیدم رواقی که ایشان نماز می‌خواند بسیار کوچک است؛ به طوری که حدود بیست نفر بیشتر داخل رواق نمی‌توانند نماز بخوانند و اقتدا کنند. من با خود فکر کردم من که کوچک هستم کمتر از چهارده سال داشتم اگر داخل رواق بایستم، ممکن است مرا بیرون کنند. در این

فکر بودم که دیـدم نزدیک امام جماعت چهارپایه‌ای هست؛ تصـمیم گرفتم کنار چهارپایه بایسـتم و چنانچه خواسـتند بیرونم کننـد، بروم داخل چهار پایه بایستم و نماز بخوانم. همان‌جا نزدیک امام جماعت ایسـتادم و امام جماعت آمد و نماز را شـروع کرد و چون روز جمعه بود، شـروع به خوانـدن سوره جمعه کرد. دیـدم آن بزرگوار خشوع و خضوع عجیبی دارد و در هنگـام نماز، در احوالات عجیبی سیر کرد که گفتنی نیست.

ایشـان از جوانی در این فکر و این حـال بود که چنین درک و بینشـی، از احوالـات درونی و سـیر عرفـانی پنهـان آن بزرگ‌مرد پرده برداشته و راز نهانش را یافته که از کس دیگری حتی بزرگان تلامذه و شاگردانش، این مقام پنهان مانده

۱- برگرفته از نوار مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین قفرهی در سال ۱۳۸۸.

۲- متن پیاده شده از مصاحبه حضرت آیه الله ملکوتی.

ص: ۲۱

بود. با این درک و آگاهی در این سنّ کم می‌توان حدس زد که در زیارت هم چه حال و هوای عجیبی داشته است. یکی از مراجع متوفی می‌گفت: من آقای بهجت را گاهی اذیت می‌کردم و سر به سرش می‌گذاشتم و حرف‌هایی را به شوخی به او می‌گفتم که گاهی اذیت می‌شد. یک روز ایشان وارد حرم امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شد و مرا به اسم صدا کرد و گفت: اگر از این به بعد مرا اذیت کنی، به این مولا ـ قسم می‌گویم که از نجف بیرونت کند و من یقین داشتم که او این کار را می‌توانـد بکنـد؛ لـذا دیگر ادامه نـدادم. ایشـان هنگامی که در نجف بود، وقتی از درس و بحث و ریاضات سیر و سلوکی کسل و خسته می‌شد، چند روزی برای زیـارت ائمه علیهم‌السلام به کربلا و کاظمین و سامرا می‌رفت. ایشان می‌فرمود: در حرم داد نزننـد و سر و صـدا راه نیاندازنـد؛ حتی برای صلوات خواستن، اگر بدانید چه بزرگانی و ملائکه‌ای در حرم‌ها هستند که اذیت می‌شوند، چنین نمی‌کنید.

فرزند مرحوم آیت الله بهجت آنگاه به دوران حضور پدر در قم اشاره کرد و گفت:

وقتی که ایشـان حـدود ۶۴ سـال پیش یعنی سـال ۱۳۲۴ شمسـی بـه قم مشـرف شـد و مسـتقر گردیـد هر روز به حرم مطهر حضـرت معصومه (سلام الله علیها) مشرف می‌شد. در سال ۱۳۳۷ با این‌که منزل ما در خیابان آذر حسین‌آباد، در محله عربستان بود و راه تا حرم دور بود، ولی ایشـان برای درس و بحث و تـدریس و سـپس برای زیـارت، به‌طور مرتب به حرم مشـرف می‌شـد و هر روز حتی روزهایی که درس و بحث هم تعطیل بود، مقیـد بود که برای زیارت، به حرم برود. زیارت ایشان در حرم مطهر حداقل بیش از یک ساعت و نیم یـا دو سـاعت و بعضـی از روزهـا تـا سه سـاعت هم طول می‌کشید و حـدود یک ساعت را در مقابل ضـریح حضـرت معصومه (س) می‌ایستاد و سپس به داخل رواق‌ها می‌رفت که بعضی از شاگردان ایشان ساعت گذاشته بودند؛ زیرا همیشه علاوه بر زیارت حضرت معصومه، زیارت امین الله و زیارت جامعه کبیره را در حرم می‌خواند. به همین جهت من هم که خیلی از اوقات کنار ایشان می‌نشستم و گوش می‌دادم، زیارت جامعه را حفظ شـده بودم. از ایشان سؤال شـد این زیارت‌ها را چرا این‌جا می‌خوانیـد، در پاسخ فرمـود: بزرگـوارانی که در این زیارت‌هـا مـورد خطـاب هسـتند را از همین‌جـا زیـارت می‌کنم. ایشـان برای زیـارت حضـرت معصومه سلام الله علیها معمولًا به ضریح نزدیک نمی‌شد؛ بلکه در کنار دیوار طرف مسجد اعظم می‌ایستاد و زیارت می‌کرد تا کسی مزاحم نشود.

یکی از ویژگی‌های ایشـان این بـود که حـدود دو سـاعت قبـل از فجر، از خواب بیـدار می‌شـد و وضو می‌گرفت و مشـغول عبـادت می‌گردیـد. هنگـامی که صبح می‌شـد، برای نمـاز و زیـارت حرم از منزل خارج می‌شـد. زیارت ایشان طول می‌کشید؛ به‌طوری که معمولًا برنامه‌های عبادت ایشان از وقتی که بیدار می‌شد، تا می‌رفت حرم و زیارت و برمی‌گشت پنج الی شش ساعت طول می‌کشید و روزهـای پنج‌شـنبه و جمعه بیشتر هم می‌شـد و وقتی هم که حرم شـلوغ می‌شـد، به رواق‌هـای اطراف می‌رفت و آن‌جاها راز و نیاز می‌کرد؛ ولی با این همه، وقتی از حرم برمی‌گشت احساس خستگی نمی‌کرد؛ بلکه با نشاطتر می‌شد. بله ایشان نمازهای واجب را که می‌خوانـد خیلی احسـاس خسـتگی می‌کرد؛ بلاـتشبیه ایشان وقتی با آن حال مخصوصـی که داشت در نماز با فشار زیادی که تحمل می‌کرد، به انـدازه‌ای از حرارت عرق می‌ریخت که پیراهنشان خیس می‌شـد؛ همانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) که نقل شده است هنگام نزول وحی، احساس سنگینی می‌کرد و عرق می‌کرد؛ لذا ما کنارش پنکه می‌گذاشتیم تا اذیت نشود.

مرحوم آقا وقتی به مشـهد مشرف می‌شد، در راه زیاد خسته می‌شد و احساس ضعف می‌کرد و گاهی می‌فرمود: انگار از قم تا مشهد پیاده آمـده‌ام؛ لـذا دفعه اول که به حرم مشـرف می‌شد، زیارت کوتاهی می‌کرد و برمی‌گشت و زیارت دفعه اول حدود بیست دقیقه الی نیم ساعت بیشتر طول نمی‌کشید، ولی پس از رفع خستگی، روزهای دیگر زیارتش را بسیار طول می‌داد و زیارت حضرت امام رضا (علیه‌السلام) طولانی‌تر از حرم حضـرت معصومه (سلام الله علیها) می‌شد. ایشان در مشهد مخصوصاً آن اوایل تا این چند سال قبـل که هنوز خیلی پیر نشـده بود و توان بیشتر داشت، هر روز دو بار به حرم مشـرف می‌شـد؛ یک‌بار صبح زود و یک‌بار هم شب،

پس از آن‌که شلوغی بعد نماز مغرب و عشاء فروکش می‌کرد به حرم مشرف می‌شد و زیارت می‌کرد و حدود ساعت ده شب از طرف مسجد گوهرشاد بیرون می‌آمد.

شیوه زیارتی آیت الله بهجت در آستان امام رضا (ع) نیز بخش خواندنی این گفتگو بود:

ایشان در حرم امام رضا (علیه‌السلام) زیارت‌ها را همیشه بیش از یک ساعت ایستاده می‌خواند و حتی به دیوار هم تکیه نمی‌داد. ما هم که جوان بودیم، خسته می‌شدیم و می‌نشستیم؛ ولی ایشان خسته نمی‌شد و با زیارت شاداب‌تر هم می‌شد. یادم هست یکی از بزرگان آن‌جا که منبر می‌رفت و مسئله می‌گفت در حرم همراه آقا خیلی خسته و اذیت می‌شد و می‌نشست و می‌گفت: ایشان با این‌که هشتاد سال دارد، چطور همیشه در حال ایستاده همه زیارت‌ها را انجام می‌دهد؟! بعدها که سن آقا

ص: ۲۲

زیاد شده بود، به عصا تکیه می‌داد و باز ایستاده زیارت می‌کرد که به آن بزرگوار گفتم شما آقا را چشم کردید و حالا با تکیه به عصا زیارت می‌کند که گفت: من چشم زدم بلکه نایستد و خسته نشود! یکی از شاگردان ایشان می‌گوید بعد از حرم و زیارت در رواق به ایشان گفتم: آقا ما که جوان هستیم قدرت نداریم این همه وقت بایستیم، شما چگونه خسته نمی‌شوید؟! آقا چیزی نفرمود تا رسید به خیابان و اشاره کرد رفتم نزدیک؛ پولی داد به من و فرمود: به عطاری مراجعه کن و داروی عین، شین، قاف (عشق) تهیه کن و میل کن تا خسته نشوی.

ایشان علاقه عجیبی به زیارت داشت و به آن بسیار اهمیت می‌داد. یک بار که به مشهد مشرف شده بودیم، مرحوم شهید مطهری (ره) از ایشان دعوت کرد که به فریمان برود و مهمان ایشان شود و حتی به من هم فرمود شما آقا را راضی کنید به فریمان بیاید؛ چون مرحوم علامه طباطبایی (ره) هم مهمان ایشان بود و فرمود اگر ایشان هم بیاید ملاقات ایشان و علامه طباطبایی دیدنی و بسیار خوب و مفید خواهد بود. من هم به آقا اصرار کردم؛ ولی ایشان راضی نشد. بعد از سال‌های سال که از این قضیه گذشت، صحبت این موضوع شد؛ به من فرمود: من علاقه داشتم به آن میهمانی و ایشان هم اصرار کرد، ولی عذرخواهی کردم؛ چون احساس کردم اگر به آن میهمانی بروم، توفیق یک زیارت حضرت رضا (علیه‌السلام) از من سلب خواهد شد؛ لذا با آن همه اصرار ایشان عذرخواهی کردم و نرفتم؛ ولی اکنون چند روز است که به مشهد آمده‌ام و از کسالت، یک بار نتوانسته‌ام حرم بروم!

ایشان این‌قدر علاقه‌مند به زیارت حضرت بود. وقتی هم که توانایی نداشت و احیاناً نمی‌توانست به حرم مشرف شود، از همان خانه زیارت می‌کرد و به والده هم که ناتوان و ضعیف بود و نمی‌توانست به حرم مشرف شود، می‌فرمود در آخرین نقطه خانه بایستد و زیارت کند و می‌فرمود: همین‌جا (آخرین نقطه توانایی) حرم توست و خودش هم آن‌وقت که نمی‌توانست چنین می‌کرد.

من خوب یادم هست در سال ۱۳۴۴ که به شرح لمعه مشغول بودم، ایشان برای من برنامه هفتگی نوشت و به من داد که در آن نوشته بود «برنامه هفتگی با آسانی ان‌شاءالله» و در آن برنامه چند چیز را تأکید کرده بود: این‌که یک درس اصول و یک درس فقه بخوان؛ ادبیات را یک بار مرور کن و هر روز بیا و مقداری از شرح ابن عقیل را برای من بخوان، چون ایشان به ادبیات خیلی اهمیت می‌داد و خودش هم در ادبیات قوی بود؛ این‌که هفته‌ای دو بار به حرم مشرف شدن برای طلبه خوب است که یک بار آن صبح یا شب جمعه باشد؛ مطالعات را در منزل انجام بده و کتابخانه نرو، مگر همراه برادرت، چون آن وقت من کوچک بودم. این نوشته را من هنوز دارم و سعی کردم آثار ایشان را تا می‌توانم حفظ کنم؛ زیرا مرحوم علامه محمد تقی جعفری در سال ۱۳۶۳ به من تأکید کرد هر چه ایشان فرمود آن‌را حفظ کنید و من از آن سال تلاش داشتم آنچه مربوط به ایشان است را نگهداری کنم.

توجه و انس آیت الله بهجت به زیارت امام زادگان نیز در سیره زیارتی ایشان جایگاه خاصی داشت، به گونه ای که فرزند ارجمندشان در گفتگو می گوید:

ایشان همیشه سفارش می‌کرد به زیارت امامزادگان هم بروید؛ زیرا هر کدام خواصی دارند و هر یک از آنان در حکم داروی مخصوصی هستند. ایشان می‌فرمود: اگر مردم تهران هفته‌ای یک بار به زیارت حضرت عبدالعظیم نروند، جفا کرده‌اند. خود ایشان امکان نداشت که به تهران برود و به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی مشرف نشود. مرحوم آقا وقتی به طرف مشهد حرکت می‌کردند، مقید بودند تا در رفت و برگشت، به زیارت حضرت عبدالعظیم مشرف شود و اگر درب حرم بسته هم بود، می‌گفت پشت حرم می‌مانیم تا باز شود و زیارت کنیم، بعد برویم. به‌یاد دارم یک بار نیمه شب از مشهد مقدس به تهران رسیدیم و به حضرت عبدالعظیم رفتیم، اما درب حرم بسته شده بود، فرمود: اگر مسافرخانه بدون پله باشد، آن‌جا اطاق بگیریم و بمانیم تا صبح به زیارت مشرف شویم و بعد برویم که این کار را کردیم و ایشان به زیارت حضرت عبدالعظیم و امامزاده‌ها هم می‌رفت و سفارش می‌کرد که باید اینها را احیاء کرد و حتی به آقای ری‌شهری سفارش کرد که قبور علما آن‌جا را مشخص و احیاء کند که ایشان هم

دستور داد و این کار را انجام دادند.

ایشان در قم هم مقید بود که روز وفات امام جواد (علیه السلام) به چهل‌اختران برود و قبر موسی مبرقع را زیارت کند. (۱)

زیارت در کلام حضرت آیت‌الله بهجت (ره)

در پایان، نه نکته از نکات الهام بخش این عالم وارسته تقدیم می شود:

۱. توفیق زیارت ربطی به داشتن پول ندارد؛ (۲)

۲. ایرانی‌ها باید نعمت حرم امام رضا (علیه‌السلام) را که زیارت آن برای‌شان فراهم است، مغتنم بشمارند؛ (۳)

۱- این مصاحبه در اواخر سال ۱۳۸۸ با حضورحجت الاسلام و المسلمین جناب آقای عبدالرحیم اباذری صورت گرفت. فرزند برومند ایشان ابتدا اظهار داشتند که مرحوم آقا زمانی که زنده بود، خودش در این موارد صحبت نمی‌کرد و می‌فرمود: تا من زنده هستم، راضی نیستم کسی از طرف من حرفی بزند؛ لذا مطالب کمی از ایشان درباره زیارت و غیره باقی مانده است.

۲- در محضر ج ۱ ص ۳۲۹

۳- همان ج ۱ ص ۳۲۹

ص: ۲۳

۳. حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) نعمت بزرگ و گران‌قدری است که در اختیار ایرانی‌هاست و عظمتش را خدا می‌داند؛ (۱)

۴. انسان اگر هر یک از مشاهد مشرفه را طواف کند، همه مشاهد مشرفه را در همه جا زیارت کرده و برایش مفید است؛ (۲)

۵. به امامزاده‌ها بروید؛ زیرا این بزرگواران هم‌چون میوه‌ها که هر کدام خاصیتی دارند، هر کدام‌شان خواص و آثاری دارند؛ (۳)

۶. یکی از کرامت‌های شیعه، قبور و مزارهای امامزادگان است، لذا نباید از زیارت آن‌ها غافل باشیم و خود را محروم سازیم؛ (۴)

۷. اهم آداب زیارت این است که بدانیم بین حیات معصومین (علیهم السلام) و مماتشان هیچ فرقی وجود ندارد؛ (۵)

۸. دیده و شنیده شده که اشخاص در مشاهد مشرفه به امامی که صاحب ضریح است، سلام کرده و جواب شنیده‌اند؛ (۶)

۹. اگر کسی بخواهد عطش دیدار آن‌ها (معصومین علیهم‌السلام) را در وجود خود تخفیف دهد، زیارت مشاهد مشرفه به منزله ملاقات آن‌ها و دیدارامام عصر (عج) است؛ زیرا آن‌ها در هر جا حاضر و ناظرند. (۷)

۱- همان ج ۱ ص ۳۲۸.

۲- همان ج ۲ ص ۱۰۴.

۳- گوهرهای حکیمانه ص ۱۰۴.

۴- در محضر ج ۲ ۵۵.

۵- برگی از دفتر آفتاب ص ۱۴۰.

۶- در محضر ج ۱ ص ۶۹.

۷- همان.

ص: ۲۴

عوامل رویکرد مسلمانان به زیارت

مقدمه

زیارت برای بشر، موضوعی فطری و درونی است که به طور طبیعی در زندگی وی ظهور و بروز مییابد. انسان با زیارت، دیداری مشتاقانه و آمیخته با احترام نسبت به پیشوایان دینی و رجال خدمت‌گزار سیاسی و اجتماعی، انجام داده و زیارت را نوعی بزرگداشت آنان می‌داند.

بشر در طول تاریخ همواره به بزرگان خود در زمان حیات آنان احترام و ارج نهاده و پس از مرگ نیز، با آداب ویژهای به زیارتشان پرداخته است. از این‌رو، موضوع زیارت یک موضوع همگانی و فطری است که نه تنها در میان مسلمانان، بلکه در زندگی تمام پیروان مذاهب و حتی همه ملتها، به شکلهای گوناگون رواج داشته و دارد.

زیارت نشانه تکریم انسانهای برجسته و صاحبان کمال و خدمت‌گزاران بشریت در طول تاریخ است، و همین علاقه و محبت، سبب ساختن معابد و زیارتگاه‌ها در سراسر جهان شده است.

سنّت مسلمانان بر زیارت قبور نزدیکان، آشنایان، دوستان، بندگان صالح خدا، علما و اولیای الهی از صدر اسلام تاکنون استمرار داشته و به‌ویژه در شب‌های جمعه چشم‌گیرتر است. کمتر کسی است که به این روش و سنّت حسنه توجه نداشته باشد.

از سوی دیگر، آرزوی زیارت حرم پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) در دل هر مسلمانی موج میزند؛ چرا که در زیارت آن بزرگان زیباترین جلوههای ارتباط و انس با پیامبر و دودمان پاکش را می‌یابند. به همین دلیل است که با تحمل مشقتها و سختیهای فراوان در زمان‌های گذشته، این راه را طی کرده و به سعادت بزرگی نائل شدهاند. زائران در آن مراقد نورانی به راز و نیاز با خداوند پرداخته و این مکان‌ها را باغی از باغ‌های بهشت دانسته، از خداوند برآورده شدن حاجتهای خویش را خواسته و امید به استجابت دعاها و شفاعت آن بزرگواران دارند.

با توجه به این‌که زیارت در سیره مسلمانان به شکل برجسته‌تر و با آداب ویژه‌ای مورد توجه است، در این مقاله به «عوامل رویکرد مسلمانان به زیارت» میپردازیم.

زیارت از دیدگاه عقل

بیشک حس کمال‌طلبی و خداجویی، یکی از حواس اصیل و پایدار در وجود آدمی است. عقل و دل انسان، وی را به سوی سرچشمه هستی و کمال مطلق میکشاند. از این‌رو، هر کردار، رفتار و اندیشهای که انسان را در مسیر کمال یاری بخشد و در رسیدن به سرمنزل مقصود و پیمودن مراحل سیر و سلوک معنوی مدد رساند و مایه نزدیکی او به درگاه الهی باشد، مطلوب و پسندیده است.

«زیارت» موضوعی است که اگر با آداب و شرایط آن و همراه با آگاهی و معرفت نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا وصی او انجام گیرد، نتایج ارزنده و سازندهای خواهد داشت، که رهتوشه رشد و بالندگی انسان زائر خواهد بود. زیارت، کارکردهای گوناگونی را موجب می‌شود؛ مانند: کارکرد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که در جای خود باید مورد بحث قرار گیرد.

خلاصه میتوان گفت: زیارت اگر توأم با معرفت باشد، زینت‌بخش زندگی انسان است و جامه پارسایی را بر دل پوشانده، آدمی را به محبوب حقیقی رهنمون میشود. بنابراین، مقبول و مطلوب بودن زیارت از نظر عقل، یک واقعیت روشن و آشکار است و این امر، عاملی مهم برای پرداختن به موضوع زیارت به شمار میآید.

زیارت از منظر شرع

۱- قرآن کریم

در مشروع بودن زیارت از دیدگاه قرآن کریم به برخی از آیات استدلال شده که به دو نمونه از آنها اشاره میکنیم:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا»

«واگر ایشان هنگامی که به خود ستم کردند، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌نمودند و پیامبر هم برای آنان استغفار می‌نمود، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند» (۱).

این آیه پرجاذبهترین آیهای است که امت مسلمان را به زیارت مرقد نورانی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) دعوت نموده و عالمان شیعه و سنی به آن تمسک کردهاند.

۱- نساء، آیهٔ ۶۴.

ص: ۲۵

نورالدین سمهودی از عبدالوهاب سبکی نقل میکند که آیه یاد شده، بر آمدن به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و استغفار نزد وی سفارش نموده، تا آن حضرت نیز برای ایشان استغفار نماید و این مرتبهای است که با وفات آن حضرت قطع نمی‌شود؛ زیرا پس از رحلت نیز، هنگامی که اعمال امت بر وی عرضه میشود، برای آنان استغفار می کند!

وی گوید:

دانشمندان از این آیه چنین فهمیده‌اند که شامل زمان حیات و ممات می‌شود و مستحب دانسته‌اند که هر کس نزد قبر آن حضرت آمد، آن را تلاوت نموده و از خدای متعال طلب آمرزش نماید (۱).

ابن کثیر در تفسیرش گوید: خدای متعال با این آیه عصیانگران و گنه‌کاران را ارشاد می کند که هرگاه از آنان نافرمانی و خطایی سر زد، به نزد قبر رسولش آمده ودر آن مکان از پیشگاه خداوند طلب آمرزش نمایند و از محضر آن بزرگوار بخواهند که برای‌شان استغفار کند. وقتی چنین کنند، خداوند توبه آنان را پذیرفته و آنها را مورد رحمت و آمرزش خویش قرار خواهد داد. بدین سبب در پایان آیه فرموده است که «خدا را توبه‌پذیر و مهربان خواهند یافت».

آن‌گاه می گوید: گروهی این حکایت مشهور را نقل کرده‌اند:

عن العتبی، قال: کنت جالسا عند قبر النبی صلی الله علیه و آله فجاء أعرابی فقال: السلام علیك یا رسول الله، سمعت الله یقول: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» و قد جئتك مستغفراً لذنبی، مستشفعاً بك الی ربّی ثمّ أنشأ یقول: ... ثمّ انصرف الأعرابی فغلبتنی عینی، فرأیت النبی صلی الله علیه و آله فی النوم فقال: یا عتبی، الحق الأعرابی فبشّره أنّ الله قد غفر له.

شخصی به نام عتبی چنین گوید: روزی کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشسته بودم؛ فردی اعرابی آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! شنیدم که خداوند می‌فرماید: «واگر ایشان هنگامی که به خود ستم کردند، به نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌طلبیدند، و پیامبر هم برای آنان استغفار می‌نمود، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.» اکنون من نزد تو آمده‌ام؛ در حالی که از گناه خویش استغفار می‌کنم و تو را شفیع در پیشگاه پروردگارم قرار می‌دهم. آن‌گاه دو بیت شعر پیرامون عظمت آن حضرت خواند و از آن‌جا رفت.

عتبی گوید: همان‌جا خوابم برد و در خواب دیدم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: ای عتبی! نزد آن اعرابی برو و به وی بشارت ده که خدا او را آمرزید! (۲)

آیه دیگری که به آن استدلال شده، این است:

وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ و نیز وَ مَنْ يُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (۳)

و هر کس برنامههای الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او خیر و بهتر است؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این نشانه تقوای دل‌هاست.

برخی از مفسران «حرمت» را به معنای چیزی گرفتهاند که هتك آن روا نیست و هر تکلیفی از سوی خداوند همین حکم را دارد و تعظیم آنها به رعایت و حفظ آنهاست و «شعائر» را به معنای نشانههای الهی و علامت‌های دینی دانستهاند. اکنون باید گفت که برای رسیدن به خیر و خوبی در پیشگاه پروردگار و نشان دادن حرکتی برخاسته از پاکی دل، چه بزرگداشتی برتر و بهتر از بزرگداشت پیامبراعظم (صلی الله علیه و آله)، و چه نشانه خدایی بالاتر از آن بزرگوار؟ بی‌جهت نیست که در آیات گوناگونی، فضیلت و عظمت پیامبر بیان شده است. گاهی به جریان معراج آن حضرت اشاره می کند و گاهی از درود خدا و فرشتگان بر وی خبر می‌دهد.

به هر روی، زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) موضوعی قرآنی و مکتبی است که بر اساس آیاتی مانند آنچه ذکر شد، شکل گرفته و در دل‌های اصحاب جای گرفته است. این خود یکی از عوامل مهم رویکرد مسلمانان به زیارت است.

۲- فضیلت زیارت از دیدگاه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)

نقش الگو در زندگی انسان بر کسی پوشیده نیست. هیچ چیز به اندازه عظمت «روح‌های بزرگ» انسان را تحت تأثیر قرار نمیدهد. آشنایی با شخصیت و زندگی اسوههای مکتبی، چراغ راه انسان‌ها بوده و هست و همیشه رفتار، بیش از گفتار اثربخش بوده است. از این‌رو، قرآن کریم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را الگویی کامل برای جامعه معرفی مینماید و آن حضرت نه‌تنها در گفتار، بلکه در رفتار خود نیز به معرفی ارزشها میپردازد.

در باب زیارت نیز، آن حضرت به زیارت خفتگان در بقیع و شهدای احد و عمویش حمزه و قبر مادرش «آمنه» در سرزمین «ابواء» را زیارت می‌کند و ... که این رفتار، عامل مهمی در رواج زیارت در میان اصحاب و مسلمانان بوده است.

۱- سمعودی، وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۶۰.

۲- تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۷۷۳.

۳- حج، آیهٔ ۳۰ و ۳۲.

ص: ۲۶

اما آنچه اکنون در مقام بیان آن هستیم، سفارشهایی است که در سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیرامون فضیلت زیارت آمده که به چند نمونه از آنها اشاره میکنیم:

فضیلت زیارت خویش

روایات گوناگونی پیرامون زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از زبان خود ایشان وارد شده است. در روایتی چنین می‌فرماید:

من زارنی حیّاً و میّتاً کنت له شفیعاً یوم القیامهٔ؛

هر کس مرا در زمان حیات یا مماتم زیارت کند، من در روز قیامت شفیع او خواهم بود! (۱)

در روایت دیگری فرموده است:

من حج إلی مکّهٔ ثمّ قصدنی فی مسجدی کُتبت له حجّتان مبرورتان؛

هر کس به قصد انجام حج به سوی مکه برود، سپس برای زیارت من به مسجدم (در مدینه) بیاید، پاداش دو حج مقبول برایش نوشته خواهد شد (۲).

نیز در روایتی فرموده است:

من زارنی فی حیاتی أو بعد موتی کان فی جواری یوم القیامهٔ؛

هر کس مرا در زمان حیات یا پس از وفاتم زیارت کند، در روز قیامت در همسایگی من خواهد بود (۳).

فضیلت زیارت امام علی (علیه السلام)

حضرت علی (علیه السلام) میفرماید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من خبر داد: تو در سرزمین عراق کشته و دفن خواهی شد؛ پرسیدم: کسی که قبور ما را زیارت کند و آباد نماید و تعهد خویش را به آن حفظ کند، چه پاداشی دارد؟ فرمود:

ای ابا الحسن! خداوند متعال قبر تو و قبر فرزندان تو را بقعه‌ای از بقعههای بهشت و مکانی از مکان‌های آن قرار داده است، و دل‌های آفریدگانِ شرافتمند و بندگان برگزیده‌اش را مشتاق به سوی شما؛ به‌گونهای که سختی و اذیت کشیدن در راه شما را تحمل نموده و قبرهای‌تان را آباد ساخته و آن‌جا را با انگیزه تقرب به خدا و دوستی پیامبرش بسیار زیارت می‌کنند. ای علی! تنها این گروه از شفاعتم برخوردارند و بر حوضم وارد شده و در بهشت زائرم میباشند. ای علی! هر کس قبر شما را آباد نماید و به آن‌جا رفت وآمد کند، همانند کسی است که سلیمان بن داود را در ساختن بیت المقدس یاری رسانده باشد.

کسی که قبر شما را زیارت کند، این کارش با پاداش هفتاد حج جز حجهٔالاسلام که واجب است برابر است و چون از زیارت بازگردد، از گناهان خود پاک گردد؛ مانند روزی که از مادر متولد شده است. از این‌رو، بر تو مژده باد! و علاقهمندان و دوستانت را نیز مژده بده، به نعمتها و خوشیهایی که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه بر قلب کسی خطور کرده است! اما افراد بیمقداری از میان مردم، زائران کوی شما را سرزنش مینمایند؛ آن‌گونه که زنان بدکاره را به سبب کار بدشان. این دسته، بدان امت من هستند که شفاعت من به آنان نرسد و بر حوضم وارد نخواهند شد. (۴)

فضیلت زیارت امام حسن (علیه السلام)

ابن عباس گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

مَنْ زَارَ الْحَسَنَ فِی بَقِیعِهِ ثَبَتَ قَدَمُهُ عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْأَقْدَامُ.

هر کس امام حسن را در بقیعش زیارت کند، آن روزی که گام‌ها بر صراط میلغزد، گام‌های او استوار خواهد بود. (۵)

فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام)

ابن عباس گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره شهادت امام حسین (علیه السلام) مطالبی بیان فرمود؛ آن‌گاه در فضیلت زیارت

آن حضرت چنین فرمود:

مَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ أَلَا وَ مَنْ زَارَهُ فَقَدْ زَارَنِی وَ مَنْ زَارَنِی فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ بِالنَّارِ أَلَا وَ إِنَّ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَ الشِّفَاءَ فِی تُرْبَتِهِ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ الْحَدِيثَ.

۱- مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹ ح ۲.

۲- موسوعهٔ زیارات المعصومین (ع)، ج ۱، ص ۵۰ به نقل از: متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۱۳۵، ح ۱۲۳۷۰.

۳- ابن قولوله، کامل‌الزیارات، ص ۱۳، ح ۱۱.

۴- بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰، ح ۲۲.

۵- همان، ج ۹۷، ص ۱۴۱، ح ۱۴.

ص: ۲۷

هر کس او را زیارت کند و به حق وی معرفت داشته باشد، خداوند پاداش هزار حج و هزار عمره را برایش مینویسد. آگاه باش! هر کس او را زیارت کنـد، مرا زیارت کرده و هر که مرا زیارت کند، گویا خدا را زیارت نموده است و سـزاوار است که خداوند او را به آتش دوزخ عذاب نکند. آگاه باش! دعا زیر گنبد او مستجاب است و تربت او شفاست و امامان از نسل اویند ... (۱).

فضلیت زیارت اهل بیت (علیهم السلام)

روایات بسیاری درباره ثواب زیارت اهل بیت پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) وارد شده که به یک روایت جالب و جامع اشاره می‌کنیم:

در ضمن روایتی طولانی که جابر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده چنین آمده است:

خدای سبحان گروهی از فرشـتگان را گماشته تا فاطمه (علیها السلام) را از پیش رو، پشت سر، سمت راست و چپ محافظت نمایند و در زمان زندگی و پس از مرگ نیز همراهیش کنند و بر او، پدرش، شوهرش و فرزندانش درود فراوان بفرستند.

هر کس مرا پس از وفـاتم زیـارت کنـد، گویـا فـاطمه را زیارت کرده و کسـی که فاطمه را زیارت کنـد، مرا زیارت کرده است. هر کس علی بن ابی‌طالب را زیارت کنـد، گویا فاطمه را زیارت کرده و کسـی که حسن و حسـین را زیارت کند، گویا علی را زیارت کرده و هر کس فرزندان حسن و حسین را زیارت کند، گویا خودشان را زیارت نموده است ... (۲)

بنابراین، زیارت هر کدام از امامان (علیهم السلام) در حقیقت، زیارت همه آنان و گویا زیارت پیامبر و علی و فاطمه (علیهم السلام) است و دارای فضـیلت و ثواب فراوان میباشـد. حتی اگر دلایـل فراوان دیگری که به طور ویژه برای زیـارت هر یـک اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیده است، نبود، همین روایت کافی بود!

البته گاهی میبینیم که زیارت یکی از امامان (علیهم السـلام) بنابر دلایلی، دارای ثواب ویژه است و به آن سـفارش بسـیار شده اسـت که در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه شاید بتوان گفت تأکید ویژه بر زیارت امام حسـین (علیه السـلام) و اصحاب باوفـای ایشـان را که ثواب مخصوص برای آن وضع شـده، به سـبب فـداکاری عظیم ایشـان برای حفظ آرمان‌های دینی و ارزشـهای اسلامی باشد، تا از راه زیارت و پیوند با او و یارانش، راهشان پررهرو و جاودانه بماند و اسلام و جامعه اسلامی بیمه گردد.

۳- فضیلت زیارت از دیدگاه ائمه (علیهم السلام)

بی‌شک، حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از بالاترین و والاترین حرمتهای الهی است که بر هر مسلمانی واجب و لازم است و اگر آن را نادیده بگیرد، از وادی اسلام و ایمان بیرون رفته است.

از سوی دیگر، حرمت پیـامبر، از حرمت اهل بیت پاک و معصومش جـدا نیست؛ زیرا هم در آفرینش از یک نورنـد و هم در مقام و منزلت و پاکی و فضیلت، شریکند، و هم در درود و سلام و تعظیم و احترام یکسانند. خداوند در آیه تطهیر میفرماید:

إِنَّما یُرِیـدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً؛ همانا خداوند میخواهد پلیدی و گناه را از شـما اهل بیت دور کند و کاملا شما را پاک سازد (۳)

باید توجه داشت که وقتی سـیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) در باب زیارت، تأثیر فراوان در دل و ذهن اصحاب و مسلمانان میگذارد و بهترین انگیزه را در آنـان به وجود میآورد، رفتـار و سـیره امامـان معصوم و اهـل‌بیت پیـامبر اکرم (صـلی الله علیه و آله) نیز در دل ارادتمندان و شیعیانشان تأثیر فراوان داشته و دارد. برای نمونه: هنگامی که در روایات میخوانیم حضرت علی (علیهالسلام) همواره به زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) میرفت و میگریست، یا می‌خوانیم که امام حسین (علیه السلام) هر شامگاه جمعه به زیارت قبر برادرش امام حسن (علیه السـلام) میرفت، یا امام سـجاد (علیه السـلام) به زیارت حضـرت علی (علیه السـلام) می‌رفت و از شتر پایین آمـده و صورتش را روی قبر میگـذارد، یا در برابر آن مرقـد نورانی میایسـتد و میگریـد و زیارت معروف «امین‌الله» را بر زبان جاری

میسازد، یا امام صادق (علیه السلام) زمانی که به کوفه میرسد، از کجاوه پایین آمده، غسل نموده، لباس خود را عوض کرده و با پای برهنه، تسبیح گویان به سوی قبر جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین میرود، همه این صحنههای زیبا، انگیزه مهمی در شیعیان ایجاد میکند که به زیارت امامان معصوم رفته و با آن بزرگواران تجدید پیمان نمایند و چند بیت زیر را زمزمه کنند:

گر برکنم دل از تو و مهر از تو بگسلم این مهر بر که افکنم این دل کجا برم؟

نامم ز کار نامه عشاق محو باد گر جز محبت تو بود ذکر دیگرم

ای عاشقان کوی تو از ذره بیشتر من کی رسم به وصل تو، کز ذره کمترم

۱- حر عاملی، وسائل‌الشیعهٔ، ج ۱۴، ص ۴۵۲، ح ۱۹۵۸۱.

۲- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۲، ح ۲۸.

۳- احزاب، آیهٔ ۳۳.

ص: ۲۸

اما آنچه اکنون در مقام بیان آن هستیم، اشاره به برخی از سخنان آن بزرگواران است که تأکید فراوانی بر فضیلت زیارت و پاداش آن دارد.

تشویق به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) به عنوان رئیس مذهب جعفری، یاران خود را به این امر سفارش نموده و گاه آنان را به سبب ترک زیارت قبر امیرمؤمنان سرزنش کرده است؛ یک نمونه آن چنین است:

ابووهب قصری گوید: وارد مدینه شدم و به محضر امام صادق (علیه السلام) شرفیاب گشته و عرض کردم: به زیارت شما آمدم، در حالی که قبر امیرمؤمنان را زیارت نکردهام. حضرت فرمود: چه بد کاری انجام دادی! اگر از شیعیان ما نبودی، هر گز به تو نگاه نمیکردم! آیا زیارت نمیکنی کسی را که خدا با فرشتگانش او را زیارت میکنند و پیامبران و مؤمنان به زیارتش میروند؟! عرض کردم: فدایت شوم! من این را نمیدانستم. امام (علیه السلام) فرمود:

فَاعْلَمْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيهِ السَّلام أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ كُلِّهِمْ وَ لَهُ ثَوَابُ أَعْمَالِهِمْ وَ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِمْ فُضِلوا

؛ اکنون بدان که امیرمؤمنان (علیه‌السلام) نزد خداوند از همه امامان برتر است و پاداش کارهای آنان برای اوست، و به اندازه کارهای‌شان برتری یافتهاند. (۱)

تشویق به زیارت امام حسین (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) بر زیارت امام حسین (علیه السلام) تأکید فراوان فرموده است. این موضوع در سخنان آن حضرت، به شیوههای گوناگونی بیان شده است.

بخش عمدهای از کتاب‌های مزار، درباره زیارت سالار شهیدان حضرت امام حسین (علیه السلام) است که از زوایای گوناگون، آن را مورد توجه و سفارش قرار داده است. دستهای از روایات، درباره فضیلت زیارت آن امام همام و دسته دیگر درباره اوقات مخصوص زیارت وارد شده؛ مانند: زیارت آن حضرت در نیمه ماه رجب، نیمه ماه شعبان، روز عرفه، شب و روز عید قربان و نیز عید فطر و شب قدر و شب عاشورا و اربعین. برخی از آنها نیز درباره آداب زیارت و چگونگی سلام و درود بر آن بزرگوار وارد شده است.

این موضوع، چنان مهم است که بعضی از روایات به زمانبندی آن و فاصله دو زیارت برای قشرهای مختلف مردم پرداخته و بر همگان خواه ثروتمند و خواه فقیر، زیارت حضرتش را امری لازم و اجتناب‌ناپذیر شمرده است؛ با این تفاوت که شخص دارا و غنی باید سالی دو بار به زیارت آن حضرت برود و شخص تهی‌دست، هر سه سال یک بار. نیز فرمودهاند که سزاوار نیست فرد مسلمان بیش از چهار سال زیارت امام حسین (علیه السلام) را رها کند و اگر سه سال بگذرد و به زیارت آن حضرت نرود، عاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) شده و حرمت وی را از بین برده است؛ جز در صورتی که معذور باشد. در روایتی چنین آمده است:

ابان بن تغلب گوید که امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای ابان! چه زمانی به زیارت قبر حسین (علیه السلام) رفتهای؟ عرض کردم: به خدا سوگند ای فرزند رسول خدا! مدتی است که به زیارتش نرفتهام. امام (علیه السلام) فرمود: پروردگارم را پاک و منزه دانسته و ستایش میکنم،] شگفتا! [تو از سران شیعهای و حسین (علیه السلام) را رها کردهای و به زیارتش نمیروی؟! هر کس امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند، خداوند برای هر گامی که برمی‌دارد، حسنهای (علیه السلام) نوشته و گناهی را از بین میبرد، و گناهان گذشته و آیندهاش را میآمرزد.

يَا أَبَانَ بْنَ تَغْلِبَ لَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَهَبَطَ عَلَى قَبرِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَ عَلَيْهِ وَ يَنُوحُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛

ای ابـان! حسـین کشـته شـد؛ آن گـاه هفتاد هزار فرشـته با حالتی ژولیـده و غبارآلود بر قبرش فرود آمـده، برایش می گرینـد و تا روز قیامت نوحه میخوانند. (۲)

۱- بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۲۵۷، ح ۳.

۲- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۷، ح ۲۹.

ص: ۲۹

تشویق به زیارت امام رضا (علیه السلام)

مرحوم کلینی با سند خود چنین نقل کرده است:

یحیی بن سلیمان مازنی گوید که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: هر کس قبر فرزندم علی را زیارت کند، از پاداش هفتاد حج مقبول در پیشگاه خداوند برخوردار است. عرض کردم: پاداش هفتاد حج؟! فرمود: آری، هفتاد هزار حج. پرسیدم: هفتاد هزار حج؟! فرمود: چه بسا حجی که مورد قبول واقع نمیشود! هر کس او را زیارت کند و شبی را نزد وی به سر برد، مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده است. (۱)

این گونه روایات که تاکید و سفارش به زیارت یکی از امامان معصوم دارد، بسیار است و در جمعبندی به همان مطلبی میرسیم که خود آن بزرگواران به آن اشاره نموده و فرمودهاند:

زید شحام گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: امام حسن برتر است یا امام حسین؟ فرمود: فضلیت اول ما به آخر ما و فضیلت آخر ما به اول ما برمیگردد و همه ایشان دارای فضیلتند. عرض کردم: فدایت شوم! پاسخ مرا به تفصیل بیان فرما؛ به خدا سوگند! من از شما جز برای دانستن نمیپرسم. آن‌گاه امام (علیه السلام) فرمود: ما از یک درخت هستیم و خداوند از یک سرشت ما را آفریده است. فضیلت ما از خداست و علم ما از سوی اوست؛ ما امین او بر آفریدگانش هستیم؛ ما به سوی آیین او فرا میخوانیم و واسطههای میان او و آفریدگانش هستیم. آیا بیشتر برایت بگویم ای زید؟ عرض کردم: آری؛ فرمود: آفرینش ما یکی، علم ما یکی، فضیلت ما یکی و همه ما در پیشگاه خداوند (عزّ و جلّ) یکی هستیم. عرض کردم: از تعداد خودتان آگاهم نما. فرمود:

نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ هَكَذَا حَوْلَ عَرْشِ رَبِّنَا جَلَّ وَ عَزَّ فِي مُبْتَدَإِ خَلْقِنَا أَوَّلُنَا مُحَمَّدٌ وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنَا مُحَمَّد؛

ما دوازده نفریم که در آغاز آفرینش، اطراف عرش پروردگارمان بودیم. اول شخص از ما محمد، شخص میانی ما محمد وآخرین ما محمد است. (۲)

پس زیارت هر کدام از ایشان، زیارت دیگری است و گویا همان فضیلت را دارد.

تشویق به زیارت حضرت معصومه (علیها السلام)

از امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی چنین آمده است:

سَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛

به زودی در آن سرزمین (قم) بانویی از فرزندان من به خاک سپرده میشود که نام او فاطمه است. پس هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب میگردد. (۳)

در حدیث دیگری امام جواد (علیه السلام) میفرماید:

مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛

هر کس عمهام را در «قم» زیارت کند، بهشت برای اوست. (۴)

تشویق به زیارت قبور مؤمنان (علیه السلام)

روایات فراوانی درباره زیارت اهل قبور و به خاک سپرده شدگان از اهل ایمان و بستگان به دست ما رسیده و در کتاب‌های حدیث آمده است که به دو نمونه از آنها اشاره میکنیم:

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

زُورُوا مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهُمْ يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ وَ لْيَطْلُبْ أَحَدُكُمْ حَاجَتَهُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَ عِنْدَ قَبْرِ أُمِّهِ بِمَا يَدْعُو لَهُمَا

؛ مردگان خود را زیارت کنید؛ زیرا آنان به واسطه زیارت شما خوشحال میشوند و هر کدامتان حاجت خود را نزد قبر پدر و مادر

بخواهد، همراه با دعایی که برآن دو میکند. (۵)

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ زَارَ قَبْرَ مُؤْمِنٍ فَقَرَأَ عِنْدَهُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِصَاحِبِ الْقَبْرِ؛

هیچ بنـده‌ای نیست که قبر مؤمنی را زیارت کند و پس از آن هفت بار سوره «انا انزلناه فی لیلهٔ القدر» را بخواند، جز این‌که خداوند او را و صاحب قبر را میآمرزد. (۶)

۱- کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۵، ح ۴.

۲- بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۹۹، ح ۹.

۳- همان، ج ۵۷، ص ۲۱۶، ح ۴۱.

۴- همان، ج ۴۸، ص ۳۱۶.

۵- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۳، ح ۳۴۶۶.

۶- وسائل الشیعهٔ، ج ۳، ص ۲۲۷، ح ۳۴۷۹.

ص: ۳۰

۴- فضیلت زیارت از دیدگاه فقیهان و دانشمندان

با آنچه گفته شد، فضیلت زیارت در پرتو آیات و روایات ثابت شد و با وجود دلیل عقلی و نقلی از کتاب و سنت بر موضوعی، نیازی به اجماع نداریم؛ بلکه اعتبار اجماع از آن جهت است که کاشف از قول معصوم (علیه السلام) است. با این وصف، برای تایید و تأکید بیشتر میگوییم که موضوع فضیلت زیارت، مورد اتفاق همه دانشمندان مسلمان در دوران‌های گوناگون بوده و این خود، گواه روشنی بر حقانیت آن است.

مرحوم علامه امینی (ره) نیز در کتاب شریف «الغدیر» از منابع گوناگون و فراوانی از اهل سنت، استحباب زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نقل کرده و مورد توجه قرار داده است.

از این رو، زیارت از دیدگاه علمای اهل سنت و شیعه، موضوعی مهم و قابل توجه بوده است، که نه‌تنها خود به آن عمل نموده و مشتاقانه در مراقد نورانی و اماکن زیارتی حاضر می‌شدند، بلکه در کتاب‌های فقهی، روایی، اخلاقی و تاریخی به آن پرداخته و بر انجام آن تأکید نمودهاند.

این امر از زمان عالمان بزرگی مانند شیخ صدوق و شیخ مفید، تا فقیهان زمان حاضر مورد سفارش و تاکید بوده و هست. در این بخش به سخن برخی از بزرگان اشاره می کنیم:

الف. شیخ صدوق (ره) پس از بیان حج و وداع با خانه خدا میگوید:

آن‌گاه برای زیارت پیامبر و امامان (علیهم السلام) به مدینه میروی. (۱)

ب. شیخ مفید (ره) نیز میگوید: مسلمانان اتفاق نظر دارند که زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) واجب است، تا آن‌جا که روایت کرده‌اند هر کس حج به‌جا آورد و پیامبر را زیارت نکند، به آن حضرت جفا کرده است. ایشان بخشی از کتابش را که «مزار» نام دارد، به «وجوب زیارت امام حسین (علیه السلام)» اختصاص داده است.

ج. قاضی عیاض (از دانشمندان اهل سنت) در کتاب «الشفا بتعریف حقوق المصطفی» گوید:

زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سنت‌های مسلمانان است که بر آن اتفاق نظر دارند و فضیلتی است که بر انجامش تشویق شده‌اند. (۲)

آنچه گذشت، گوشهای از دلایل علاقه مسلمانان به زیارت پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) پاکش و زیارت دیگر منسوبان به خاندان رسالت و امامزادگان بزرگوار، بلکه زیارت اهل قبور از مؤمنان را بازگو میکند.

پایان سخن

آگاهی از مبانی عقلی و روان‌شناختی زیارت از یک سو و در نظر گرفتن برخی از آیات قرآن پیرامون تشویق بر زیارت از سوی دیگر، توجه به سیره عملی و رفتار پیامبر و امامان معصوم (علیهم‌السلام)، و شنیدن سخنان آن بزرگواران و پیروان ایشان در سفارش فراوان بر زیارت و فضیلت و آثار آن، انسان مسلمان و ارادتمند به خاندان رسالت را بر آن میدارد که با آمادگی قلبی و اشتیاق درونی، به زیارت آن اولیای الهی همت گمارده و با انگیزهای نیرومند، سختیهای این راه را تحمل کرده و به آن جامه عمل بپوشانند.

از این رو، برای شیعیان و دوستداران اهل‌بیت، زیارت مرقد نورانی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) آرزوی بزرگی است که هر گاه فرصتی بیابند، خود را به این مکانهای مقدس میرسانند، تا از پاداشی که در سخنان آن بزرگواران آمده، بهره‌مند شوند.

آرزومندیم ما مردم ایران که در زیر سایه پرمهر هشتمین اختر تابناک ولایت و امامت، حضرت امام رضا (علیه السلام) و خواهر گرامیش کریمه اهل بیت (ع) زندگی میکنیم و دست‌یابی به زیارت آن دو بزرگوار برایمان آسانتر است، توفیق بیشتری برای کسب

فيض و درك ثواب زيارتشان داشته باشيم.

۱- شيخ صدوق، الهدايه، ص ۲۵۵.

۲- موسوعهٔ زيارات المعصومين (ع)، مقدمه، ص ۱۱۷.

ص: ۳۱

ص: ۳۲

شکل گیری و اداره تولیت جدید حرم حسینی

درآمد

در بخش غربی صحن مطهر امام حسین (ع) در دو نوبت نماز به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالمهدی کربلایی برپا می‌شود. پس از نماز، شیخ رو به جمعیت می‌نشیند و پذیرای بسیاری از آنان است. صفا و تواضع در ارتباط تولیت حرم با مردم مشهود است. شیخ عبدالمهدی کربلایی که امامت شهر کربلا را نیز عهده‌دار است، در دفتر تولیت حرم پذیرای ما شد. این دفتر در بخش شمال غربی صحن قرار داد. هماهنگی آسان و پذیرایی بی‌تکلف و صمیمی ایشان، مصاحبه روانی را برای ما فراهم آورد که تقدیم می‌شود. لازم است از همکاری اعضا و کارکنان دفتر تولیت حرم حسینی و نیز از آقای محمد حسین خوشنویس برای ترجمه و تنظیم این مصاحبه تشکر شود.

«تحریریه»

فرهنگ زیارت: ضمن سپاس از تلاش‌های جدی شما و همکارانتان در اداره حرم حسینی (ع)؛ بفرمایید که از چه سالی مسئولیت تولیت حرم را پذیرفتید؟

کربلایی: بسم الله الرحمن الرحیم؛ زمانی که نیروهای اشغالگر آمریکایی وارد شهر مقدس کربلا شدند، نسبت به آستان مقدس امام حسین (ع) احساس خطر کردیم. احتمال می‌رفت که نسبت به قبر شریف تعرّضی داشته باشند و همچنین احتمال می‌رفت بعثی‌ها برای دفاع از خود به داخل حرم آمده و در حرم امام حسین (ع) ایجاد درگیری و زد و خورد بشود. با هم‌فکری چند تن از مؤمنین به این نتیجه رسیدیم که یک دیوار انسانی به دور حرم مقدّس ایجاد کنیم و تا جایی که ممکن است، مانع ورود اشغالگران و تانک‌ها و هواپیماهای‌شان به فضای شهر کربلا بشویم. صدها نفر از مؤمنین به دور حرم مطهّر جمع شدند، تا جایی که نمازهای جماعت ظهر و عصر و مغرب و عشاء، خارج از صحن حرم برگزار می‌شد و درب‌های حرم بسته باقی می‌ماند و فقط کلیددار حرم و تعدادی از خدمه داخل حرم بودند و تمام درب‌ها بسته بود. این وضع سه روز ادامه داشت، تا وقتی که با کلیددار سابق حرم صحبت شد اجازه دهد درب‌های حرم باز شود. آن‌قدر به کلیددار فشار آوردیم که خود او به خدمه داخل حرم دستور داد تا درب‌های حرم باز شود و کلیددار نیز خود بعداً از عراق فرار کرد. درب‌های حرم که باز شد، با گروهی از مؤمنین وارد حرم شدیم و سعی کردیم تا امور حرم و بلکه کل شهر کربلا- را سامان‌دهی کنیم. می‌دانید که در آن روزها دولت وقت کاملًا سقوط کرده بود و همه خدمات شهری تعطیل شده بود و ما سعی کردیم تا با همکاری تعدادی از مؤمنین برخی از خدمات را به شهر کربلا برگردانیم و نیز با هماهنگی با مدیران ادارات قرار شد تا زندگی عادی به شهر کربلا برگردد. این وضع یکی دو ماه برقرار بود تا این‌که حالت عادی به ادارات دولتی و خدمات شهری برگشت و ما نیز با همکاری تعدادی از مؤمنین به اداره امور حرم مشغول بودیم. چند ماهی گذشت و صحبتی با شیخ جلال‌الدین صغیر، مسئول اوقاف در بغداد و همین‌طور مشورتی با مراجع بزرگوار شد تا این‌که حکمی از طرف شیخ جلال الدین صغیر و فتوایی از مراجع بزرگوار، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله فیاض و آیت‌الله شیخ بشیر نجفی صادر شد که من و سید احمد صافی و آقای طباطبایی (از نوادگان صاحب ریاض) متولی حرمین شریفین یعنی حرم امام حسین (ع) و حرم اباالفضل العباس (ع) بشویم. یک گروه سه نفری شکل گرفت و ما به اداره امور حرمین شریفین پرداختیم تا این‌که آقای طباطبایی فوت کرد و من و آقای سید احمد صافی همچنان متولی حرمین شریفین بودیم. پس از مدتی مجلس نمایندگان تشکیل شد و قانونی برای سامان‌بخشی به اداره امور عتبات مقدسه به تصویب رسید که کارها را تنظیم می‌کرد و به این وسیله، از طرف اوقاف شیعی آن زمان، من برای تولیت حرم امام حسین (ع) تعیین شدم و سید احمد صافی نیز برای تولیت حرم اباالفضل العباس

انتخاب شد و در این میان، افراد دیگری نیز برای کارهای گوناگون گمارده شدند و گذشت تا به این وضع موجود رسید.

فرهنگ زیارت: آیا مرجعیت هم نقشی در انتخاب شما داشت؟

کربلایی: بله، در قانون پیش‌بینی شده بود متولی حرم‌های مقدس امام حسین (ع) و ابالفضل (ع) و همین‌طور حرم امیرالمؤمنین علی (ع) و حرم کاظمین (ع) که توسط رئیس اوقاف شیعی انتخاب می‌شد، می‌بایست به تأیید مرجع بزرگوار، آیت‌الله سیستانی برسد؛ اگر موافقت می‌کرد، آن شخص انتخاب می‌شد و اگر ایشان موافقت نمی‌کرد، آن شخص تعیین نمی‌شد. الآن انتخاب تولیت برای حرم‌های مقدس، منوط به نظر مرجع اول شیعه در عراق است.

ص: ۳۳

فرهنگ زیارت: دوره این تولیت چند ساله است؟

کربلایی: مدت هر دوره، سه سال است و دوره اول تولیت ما تمام شده و اکنون برای بار دوم، یک دوره سه ساله جدید، تمدید شده است.

فرهنگ زیارت: آیا نماز جمعه به امامت شما برگزار می‌شود؟

کربلایی: بله، البته به ترتیب، یک هفته توسط من و یک هفته توسط سید احمد صافی اقامه می‌شود.

فرهنگ زیارت: محل نماز جمعه کجاست؟

کربلایی: در صحن حرم امام حسین (ع)؛ چون نماز جمعه‌ای که دولت و رسانه‌های گروهی به آن اهمیت زیادی می‌دهند، نمازی است که در حرم امام حسین (ع) اقامه می‌شود. یک جمعه من و یک جمعه آقای صافی نماز را اقامه می‌کنیم.

فرهنگ زیارت: این تغییرات در حرم، محسوس و جدید بوده است؛ برنامه‌های آینده شما چیست؟

کربلایی: کارهای ما در حرم، فقط کارهای عمرانی نیست؛ بلکه به نظر ما، حرم مطهّر در واقع مرکز انتشار اندیشه و فکر حسینی است و بنابراین باید فعالیت‌های فرهنگی، فکری، قرآنی و علمی باشد. علاوه بر کارهای عمرانی و پیشرفت و توسعه و کارهای خدماتی، اکنون ما در خدمات عمومی بیرون از حرم نیز کارهایی انجام داده‌ایم و خدمات ما فقط مخصوص خود حرم نبوده است. پروژه‌های خدمات عمومی و سرویس‌های بهداشتی که خود خدمتی بس مهم بوده و قبلًا یا نبوده و اگر هم وجود داشته، بسیار ناچیز بوده است. پروژه‌ای نیز در کنار درب قبله است. همچنین «مجتمع سفیر حسین» و سایر پروژه‌ها، مثل پروژه‌ای که در خیابان شهر است و پروژه «مدینه زائرین» که در مسیر حلّه است؛ این پروژه‌ها دارای خدمات عمومی مثل بخش‌های مربوط به امور پزشکی و بهداشتی، حمّام و خدمات مربوط به سلامت افراد است. اکنون مجتمع سفیر حسین مانند یک بیمارستان فعالیت پزشکی و بهداشتی دارد. همچنین به نقل و انتقال زائرین نیز اندیشیده‌ایم. ما در حرم فعالیت‌های بزرگ قرآنی داریم. مراسم قرآنی و مراسم‌های جهانی در حرم برگزار می‌کنیم. یک شبکه ماهواره‌ای نیز به نام «شبکه کربلا» که تابع حرم است، راه‌اندازی کرده‌ایم.

فرهنگ زیارت: چند وقت است که این شبکه ماهواره‌ای تأسیس شده است؟

کربلایی: تقریباً شش ماه از تأسیس آن می‌گذرد.

فرهنگ زیارت: آیا برنامه ۲۴ ساعته دارد؟

کربلایی: خیر، فعلًا هشت ساعت در روز برنامه دارد و در برخی از مناسبت‌ها مثل اربعین، هم صبح برنامه دارد و هم شب.

فرهنگ زیارت: فقط به زبان عربی؟

کربلایی: بله، فقط به زبان عربی است. الآن رادیویی هم داریم که تابع حرم است و مناطق مختلفی مثل بغداد، نجف و حلّه از برنامه‌های آن استفاده می‌کنند. این‌ها فعالیت‌های متنوعی است که داریم. مسابقاتی حتی برای کودکان برگزار می‌کنیم تا فرهنگ حسینی منتشر شود. فعالیت‌هایی نیز برای حمایت سیاسی از حکومت عراق داریم. با تحلیل‌گران مختلف سیاسی ملاقات می‌کنیم تا از وضع جدیدی که در عراق پیدا شد، حمایت کنیم. فعالیت‌های ما منحصر به خود حرم نیست؛ بلکه تلاش می‌کنیم تا وحدت را در عراق حفظ کنیم و عراق را از فتنه‌های طایفه‌ای دور نگه داریم و این هدف به‌وسیله ارتباط با برادران اهل سنّت و مسیحیان و دیگر تحلیل‌گران سیاسی در عراق امکان‌پذیر است.

فرهنگ زیارت: شما چه موضعی دارید؟

کربلایی: نماز جمعه‌ای که در حرم امام حسین (ع) برگزار می‌شود، بسیار مهم است. مسئولین به آن گوش فرا می‌دهند. مردم نیز به طور فعّال در آن شرکت می‌کنند؛ چرا که در خطبه‌ها، مسائل سیاسی روز مطرح می‌شود و موضع سیاسی ما در آن‌جا روشن

می گردد. بنـابراین رسانه‌هـای گروهی به فعالیت‌هـای حرم امام حسـین (ع) بسـیار اهمیت می‌دهنـد. فعالیت‌ها گاهی مربوط به داخل حرم و گـاهی مربوط به خارج حرم است. افزون بر کمک به فقرا و نیازمنـدان و بیماران، اکنون دو مـدرسه دینی ساخته‌ایم و ساختن مدرسه مخصوص ایتام نیز در ضمن این فعالیت‌ها می‌باشد.

ص: ۳۴

فرهنگ زیارت: آیا این مدارس تحت اشراف حرم است؟

کربلایی: بخشی تحت اشراف حرم و بخشی هم تابع نمایندگی دفتر آیت‌الله سیستانی است و ما در فکر ساختن مدارس بزرگ‌تری نیز هستیم.

فرهنگ زیارت: چرا برنامه‌های فرهنگی حرم فقط به زبان عربی است، با این‌که زوّار از نقاط مختلف دنیا هستند؟

کربلایی: می‌دانید که امکانات فنی ما خیلی پیشرفته نیست و این خود مشکلی است که ما هم از آن رنج می‌بریم. این سایتی هم که داریم، به دو زبان انگلیسی و عربی است و مجلّه‌ای هم که تابع حرم است و ما منتشر می‌کنیم به زبان انگلیسی است و می‌دانید امکانات فنی موجود در کربلا در سطحی نیست که سایت‌های اینترنتی به زبان‌های متعدّد ایجاد شود. ممکن است در آینده، کم‌کم این امکانات نیز فراهم شود.

فرهنگ زیارت: مقامات و مزارات در کربلا فراوان است؛ برنامه شما برای مدیریت و تائید اصل صحت و سقم این مقامات چگونه است؟

کربلایی: رسیدگی به این مقامات در صلاحیت ما نیست. می‌دانید که در عراق وضع قوانین مربوط به این امور و حتی تأسیس برخی مؤسّسات نیز شروع شده است. آن‌چه در صلاحیت ماست، اداره حرم امام حسین (ع)، تلّ زینبیه و خیمه‌گاه امام حسین (ع) است. مزارات زیر نظر اداره‌ای است که اوقاف شیعی تأسیس کرده و به نام «اداره مزارات شیعه» می‌باشد و این مقامات نیز در صلاحیت آن اداره است و ما حق نداریم در امور آنها دخالت کنیم؛ چون چه بسا جنبه تاریخی داشته باشد و نیاز به محققین تاریخ دارد که بررسی کنند که این مقامات و مزارات مستند تاریخی دارد یا نه. البته بخش فرهنگی علمی حرم امام حسین (ع) دارای فعالیت‌های مختلفی است: فعالیت‌هایی در بخش کتابخانه و فراهم کردن کتاب‌ها و منابع مهم برای طلّاب و دانشجویان و همه فرهنگیان، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی در بخش تألیف کتاب در موضوعات مختلف. چند کتاب نیز تألیف شده، البته در سطح فهم عموم مردم و فعالیت در بخش کتاب‌های خطّی و کتابخانه رایانه‌ای این بخش که شما سؤال می‌کنید، مربوط به تحقیقات تاریخی است و زیرمجموعهی فعالیت‌های ما نیست.

فرهنگ زیارت: ما شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که برخی اماکن و مقاماتی بوده‌اند که الآن نمی‌بینیم؛ آیا برنامه‌ای دارید که این مقامات را تجدید بنا کنید یا تابلوهایی نصب کنید که نشان دهد این مکان، چه مقامی است؟

کربلایی: بله، برخی مقامات را تجدید بنا کرده‌ایم؛ ولی دقیقاً در جای خود قرار نگرفته؛ مثل «مقام سید محمد مجاهد» که اکنون در جای اصلیش نیست و جای اصلیش در مکان دیگری است؛ چون کسانی که در آن محلّه‌ها بودند، اجازه ندادند تا مقام در جای اصلیش در محل قبر گذاشته شود و به همین دلیل در جای دیگر بازسازی شده است. برای برخی از علما هم در داخل صحن یا حرم امام حسین (ع) نوشته‌هایی نصب کرده‌ایم که این‌جا محل قبر کیست؛ البته علمای بزرگ. مقبره مخصوص شهدا هم وجود دارد و بخشی هم در صحن مربوط به اعلانات است. همچنین در محوطه‌ای در بین‌الحرمین نزدیک مهمان‌سرا برخی از مقامات است که نشانه‌ای برای آنها نصب نموده‌ایم و همین‌طور مقام شاعر ترک، «فضولی» بزرگ را در مکانی قرار داده‌ایم که البته دقیق نیست و نزدیک محل اصلی در کنار درب قبله قرار گرفته است. برخی از مقامات را می‌توانیم مشخّص کنیم، ولی گاهی تشخیص دقیق مکان، ممکن نیست و نمی‌دانیم کجاست؛ پس چگونه می‌توانیم برای آن راهنما قرار دهیم؟ البته همه مقامات و مزارات مهم را مشخص کرده‌ایم و به آنها اهتمام داریم.

اکنون امور دیگری برای ما اولویت دارد. البته باید توجه کنید گاهی امری اولی از امر دیگر است. اکنون در عراق وضعی وجود دارد که واقعاً ما را به خود مشغول کرده. آگاهی دادن به یک عراقی در این هیاهو، ما را مشغول خود کرده است. مسئله

خدمت‌رسانی، مسئله زوّار، مسئله امنیت آنها و وضعیت سیاسی، نیرو و وقت بسیاری از ما می‌گیرد. وقت رسیدگی به تمام این امور به طور تفصیلی نیست. بله، برخی مزارات مانند «شیخ محمد تقی شیرازی» (رهبر انقلاب مردم عراق در سال ۱۹۲۰) را کاملًا مشخص کرده‌ایم و علامت‌هایی را برای راهنمایی به مرقد ایشان قرار داده‌ایم و به آنها اهتمام داشته‌ایم، ولی برای رسیدگی به اموری که اهمیت کمتری دارند، وقت بیشتری لازم است.

ص: ۳۵

فرهنگ زیارت: معمولًا در ایران این‌گونه است که درباره هر مقامی و مزاری کتابی نوشته شده که صاحب آن مزار کیست و او را کاملًا معرفی و تاریخ زندگی او را بیان می‌کند؛ آیا شما نیز چنین کاری انجام داده‌اید و کتابی نوشته شده است؟

کربلایی: بله، اکنون فردی در شهر کاظمین است که متصدی این امر شده و مشغول نوشتن کتابی است که هنوز کامل نشده و درباره مدفونین در حرم امام حسین (ع) می‌باشد. وی شخصی است که اطلاعات دقیقی دارد. ان‌شاءالله این کتاب بعد از یک‌ماه کامل می‌شود و ما آن‌را چاپ می‌کنیم.

فرهنگ زیارت: نام این کتاب چیست؟

کربلایی: قرار است با مؤلف بر سر نام کتاب توافق کنیم. این کتاب در بردارنده مشهور علما و مدفونین در حرم امام حسین (ع) است.

فرهنگ زیارت: برای محل قبور سید رضی و سید مرتضی تحقیق شده است؟

کربلایی: یکی از برادران به‌نام جناب «سید نور موسوی» در این موضوع تحقیق می‌کند و می‌گوید: این دو بزرگوار در این‌جا مدفون هستند؛ ولی برخی این نظر را قبول ندارند و آن را ردّ می‌کنند. یکی از اساتید تاریخ این مطلب را نفی کرده است. می‌توانید با سید نور موسوی که مسئول کتابخانه حرم ابالفضل (ع) است ملاقات کنید. او می‌گوید که تحقیق کرده و بر حسب قرائن تاریخی، این دو بزرگوار در حرم امام حسین (ع) مدفون هستند.

فرهنگ زیارت: چرا مکان مخصوصی برای «میرزا محمد تقی شیرازی» در صحن قرار داده نشده است؟

کربلایی: ما سنگ قبری کوچک قرار دادیم؛ ولی می‌دانید که مردم زیادی به زیارت می‌آیند و باعث ازدحام می‌شود؛ چون فاصله‌اش تا ایوان حرم حدود چهار متر است و باعث مشکل می‌شد. ما آن را برداشتیم و بر دیوار تابلویی نصب کردیم و روی آن نوشتیم که این‌جا قبر شیخ محمد تقی شیرازی است.

فرهنگ زیارت: قبور «سید محمد مجاهد» صاحب ریاض و «یوسف بحرانی» صاحب حدائق، مقابل درب شهدا و متّصل به رواق است؛ چرا اسامی اینها در ابتدای رواق نوشته نشده است؟

کربلایی: اسامی اینان اکنون نوشته شده؛ ولی مشکل ما در آن قسمت، بخش امانات است. اسامی این بزرگواران در جهت شرقی صحن روی دیوار نوشته شده است.

فرهنگ زیارت: چه سخنی با زوّار ایرانی و مسئولین دارید؟

کربلایی: الحمدلله زوّار ایرانی از جهت محبتشان نسبت به اهل‌بیت قابل توصیف هستند و آشکار است. آن‌چه از مراسم دعا و زیارت و نماز جماعت می‌بینی، هیچ بحثی در آن نیست؛ ولی گاهی برخی اتفاقات کوچک می‌افتد که دوست داریم دوستانمان وضع استثنایی عراق را درک کنند و باید حکومت و اوضاع عمومی را در نظر بگیرند و در حفظ نظم در عتبات کمک کنند؛ اما مسئله چیز دیگر است. گاهی اتفاقات کوچکی می‌افتد که ممکن است به چشم نیاید. برخی ممکن است وضعیت حسّاس عراق را درک نکنند. در زمان صدّام تلاش او بر این بود که بذر حسّاسیت نسبت به ایرانی‌ها را در عراقی‌ها بکارد. ما می‌خواهیم که فرصت به دست برخی از این افراد که هنوز ممکن است نسبت به ایرانی‌ها حسّاسیت خاص داشته باشند، ندهند. می‌خواهیم ایرانی‌ها نسبت به این امر کاملًا توجه داشته باشند. البته سعی ما بر این است که این حسّاسیت را از بین ببریم؛ ولی برخی از عراقی‌ها بی‌تحمّل هستند و برخی زوّار ایرانی کلامی می‌گویند که باعث رنجش عراقی‌ها می‌شود. چندی پیش در بازار، یکی از ایرانی‌ها چیزی گفته بود که بازاری‌های عراق قصد کتک زدن او را داشتند. می‌خواستم بگویم در این‌باره مواظب باشند.

فرهنگ زیارت: تعامل نماینده ایران با شما چگونه است؟

ص: ۳۶

کربلایی: من با نماینـده سازمان حج و زیارت دائماً در تعامل هسـتم. مدیر و روحانی کاروان‌ها با اخلاق درست و برخورد حکیمانه با ما تعامل دارند و ملاقات‌های ما دائمی است. کنسول هم بسـیار خوب است. این‌جا می‌آیند و با ما ملاقات دارند. توصیه ما هم این است که وضـعیت عراق حسّاس است و نباید بهانه به دست بدخواهان داد. این وضـعیت حسّاس، به خاطر اکثریت شیعیان در مجلس نمایندگان عراق و همچنین در حکومت است.

فرهنگ زیارت: و در پایان؛ تحصیلات حوزوی خود را کجا گذرانده‌اید؟

کربلایی: در نجف.

فرهنگ زیارت: چند سال در نجف اقامت داشته‌اید؟

کربلایی: حدود ده سال.

فرهنگ زیارت: اساتیدتان چه کسانی بوده‌اند؟

کربلایی: مقدمات را نزد شـیخ عبدالله لبنانی، شـیخ جعفر کرباسی و شیخ حسن کوفی و سطح را نزد شیخ نجاح بغدادی، سعید عالی عبدالعالی بوده‌ام و دروس خارج را نزد حضـرات آیات شیخ فیاض، سید محمد سعید حکیم و سید محمد رضا سیستانی گذرانده‌ام؛ عمدتاً نزد این سه بزرگوار بوده‌ام.

فرهنگ زیارت: آیا شما قبلًا در ایران اقامت داشته‌اید؟

کربلایی: خیر، فقط در عراق بوده‌ام.

فرهنگ زیارت: از فرصتی که برای این گفت‌وگو فراهم کردید متشکریم.

ص: ۳۷

بررسی شخصیت مختار ثقفی

مقدمه

یکی از قیام‌های مهمی که پس از واقعه عاشورا شکل گرفت، نهضت مختار ثقفی است که به دلیل انتقام از سران سفّاك و قاتلان شهیدان کربلا، از اهمیت والایی برخوردار است. درباره رهبر این قیام پیروز، دیدگاه‌ها و سخنان متفاوت و گاه متضادی بیان شده است که متأسفانه عده‌ای را به سکوت درباره این شخصیت واداشته است. بدیهی است بررسی و کنکاش پیرامون شخصیت مختار می‌تواند طلیعه‌ای برای پرداخت منصفانه به شخصیت او باشد.

پی‌ریزی قیام

طبری در تاریخ خود درباره مختار و قیام او می‌گوید:

تجرد المختار لقتله الحسین فقال: ما من دیننا ترك قوم قتلوا الحسین یمشون احیاء فی الدنیا آمنین، بئس ناصر آل محمد انا إذا الکذاب کما سمونی، فانی بالله استعین علیهم، الحمد الله الذی جعلنی سیفا ضربهم به، و رمحا طعنهم به، و طالب وترهم .... (۱)

مختار آستین بالا زد و گفت: اصلًا روش و آیین و دین ما این نیست که قاتلان امام حسین را وانهیم تا در کمال امنیت راه بروند. چه بد یارانی برای آل‌محمد در دنیا هستیم! پس همان‌گونه که مرا کذاب نامیده‌اند، اما از خدا کمك می‌گیرم. خدا را شاکرم تا مرا شمشیری قرار داد که دشمنان آنها را با آن می‌زنم و دفع می‌کنم و مرا نیزه‌ای قرار داد که اینها را با آن بزنم و خدا مرا انتقام گیرنده خون آنان قرار داده ...

حوادث آسمانی و زمینی، شورش‌ها، اعتراضات، جریان مدینه و مکه، جریان توابین و جریان مختار، همه‌پس‌لرزه‌های قیام امام حسین (علیه‌السلام) است. با این وجود به جریان مختار کمتر پرداخته شده است.

دشمنی نسبت به مختار

کمتر کتابی از اهل سنت سراغ داریم که شخصیت مختار را مطرح کند و به او ناسزا نگوید. کمترین این ناسزاها «کذاب» است.

اتهام کذاب از کجا آمده است؟

وقتی مختار لشکری به جنگ شامیان فرستاد، ابراهیم فرزند مالك اشتر فرمانده سپاهش بود و عبیدالله بن زیاد فرمانده لشکر شامیان را بر عهده داشت. اولین بار در آن‌جا «ابن ضبعان کلبی» مختار را کذاب نامید. (۲)

دیدگاه متفکران شیعه

از شخصیت‌های معاصر، آقایان خویی، (۳) تستری، (۴) مامقانی، (۵) امینی (۶)، نمازی (۷) و محدث قمی (۸) از مختار یاد کرده و از او دفاع کرده‌اند؛ اما محور بحث، نظر سه نفر نخست است.

۱- طبری، تاریخ‌الطبری، ج ۶، ص ۵۷.

۲- بحار الانوار ج ۴۵ ص ۳۸۱؛ نمازی، مستدرکات علم الرجال، ج ۱ ص ۵۲۲؛ ح ۸ ص ۴۹۸.

۳- خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۰۳.

۴- تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۱۱.

۵- مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۷۹.

۶- امینی، الغدیر، ج ۲، ص ۳۴۳.

۷- مستدرکات علم الرجال، ج ۷، ص ۳۸۵.

۸- خیابانی، وقایع الایام، ص ۴۰.

ص: ۳۸

مرحوم مامقانی شش اشکال به مختار دارد؛ اما در آخر، حُسن حالش را می‌پذیرد. عدالت و ثاقتش را در دو مرحله ثابت نمی‌داند؛ ولی حُسن حالش را می‌پذیرد. من تعجب می‌کنم در بین علمای رجال یک مبنایی هست که ترضی و ترحم صدوق را توثیق می‌دانند؛ اما در ترضی امام معصوم تأمل می‌کنند! امام معصوم که ترضی و ترحم می‌کند، از مرحوم صدوق کمتر است؟! این تأملات برای چیست؟

مرحوم آقای خویی چند اشکال مطرح می‌کند و جواب می‌دهد که به تفضیل نظر ایشان طرح و بررسی می‌شود.

از کلام ایشان، به دست می‌آید که در کتاب‌های متقدمین، کمتر از مختار نام برده شده و ظاهراً اولین کسی که از او حرفی را نقل می‌کند، مرحوم علامه است. علامه در «خلاصهٔ الاقوال» (۱) ایشان را در قسمت اول کتاب نقل می‌کند. این‌که علامه حلّی شخصی را در قسمت اول نقل می‌کند، به این معناست که او عادل و ممدوح است. مرحوم خویی معتقد است روایاتی که درباره مختار وارد شده، دو قسم است: یک قسم مختار را مدح می‌کند و یک قسم دیگر ذم می‌کند. (۲)

۱. روایات مادحه

روایت نخست، از جارود بن منذر است:

إبراهیم بن محمد الختلی، قال: حدثنی أحمد بن إدریس القمی، قال: حدثنی محمد بن أحمد، قال: حدثنی الحسن بن علی الکوفی، عن العباس بن عامر، عن سیف بن عمیره، عن جارود بن المنذر، عن أبی عبد الله (ع) قال: ما امتشطت فینا هاشمیهٔ و لا اختضبت، حتی بعث إلینا المختار برؤوس الذین قتلوا الحسین (ع)؛

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ یک از زنان بنی‌هاشم شانه به سر نزد و حنا به دست نگذاشت و کارشان عزاداری بود؛ تا آن‌که مختار سر قاتلان را برای ما فرستاد.

آقای خویی می‌فرماید: این روایت صحیح است و مشکل سند ندارد.

روایت دوم از سَدیر یا سُدیر است:

«حمدویه، قال: حدثنی یعقوب، عن ابن أبی عمیر، عن هشام بن المثنی، عن سدیر، عن أبی جعفر (ع) قال: لا تسبوا المختار، فإنه قتل قتلتنا، و طلب بثأرنا، و زوّج أراملنا، و قسّم فینا المال علی العسره»؛

امام باقر (ع) می‌فرماید: مختار را سبّ نکنید. همانا او قاتلین ما را کشت و انتقام خون ما را گرفت و زمینه ازدواج زنان خانه‌نشین ما را فراهم کرد و در آن شرایط سخت، برای ما اموال بسیاری فرستاد و ما توانستیم مشکلات را حل کنیم ....

البته می‌دانید که سیاست حکومت‌های جور همیشه همین بوده که طرف مقابل را از هستی ساقط کنند. در «مقاتل الطالبین» نقل شده که اگر استاندار مدینه مطلع می‌شد یکی از تجار پولی برای بعضی از خانواده‌های شهدا و اهل بیت فرستاده، دستور می‌داد تا چند صد ضربه شلاقش بزنند و می‌گفت ما سیاستمان این است که اینها را فقیر نگاه داریم. (۳)

روایت سوم از عبدالله شریک است (۴)

محمد بن الحسن و عثمان بن حامد، قالا: حدثنا محمد بن یزداد، عن محمد بن الحسین، عن موسی بن یسار، عن عبد الله بن الزبیر، عن عبد الله بن شریک، قال: دخلنا علی أبی جعفر (ع) یوم النحر و هو متکئ، و قد أرسل إلی الحلّاق فقعدت بین یدیه، إذ دخل علیه شیخ من أهل الکوفهٔ فتناول یده لیقبلها فمنعه ثم قال: من أنت؟ قال: أنا أبو محمد الحکم

۱- علامه حلی، خلاصهٔ الاقوال، ص ۲۷۶، شمارهٔ ۱۰۰۷.

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۰۳.

۳- تنقیح المقال ج ۳، ص ۱۲۸ (چاپ سنگی)؛ مجلسی، مراۀ العقول، ج ۶، ص ۱۰۶.

۴- عبدالله شریک، نوه سنان بن انس است: «یخرج الحی من المیت». در کتاب «الثقات» درباره او مطلب مهمی هست. بعد از این که سر مطهر را به طرف شام بردند، گروهی از آنان توبه کردند. آن‌جا می‌گوید، که سردسته کسانی که توبه نکرد و بر ضلالتش ماند سنان بن انس بود؛ ولی نوه او می‌گوید خدا عادل‌تر از این است که طلحه و زبیر را به بهشت ببرد و عدالتش اقتضا می‌کند که اینها جهنمی باشند. کتاب الثقات، ج ۲،

ص: ۳۹

بن المختار بن أبی عبیدهٔ الثقفی- و کان متباعدا من أبی جعفر (ع)- فمدّ یده إلیه حتی کاد یقعده فی حجرهٔ بعد منعه یده، ثم قال: أصلحک الله إن الناس قد أکثروا فی أبی و قالوا و القول و الله قولک، قال: و أیّ شیء یقولون؟ قال: یقولون کذاب، و لا تأمرنی بشیء إلا قبلته. فقال: سبحان الله أخبرنی أبی و الله إن مهر أمی کان مما بعث به المختار، أ و لم یبن دورنا، و قتل قاتلینا، و طلب بدمائنا؟ رحمه الله، و أخبرنی و الله أبی أنه کان لیمّر عند فاطمه بنت علی یمهد لها الفراش، و یثنی لها الوسائد، و منها أصحاب الحدیث، رحم الله أباک رحم الله أباک، ما ترک لنا حقا عند أحد إلا طلبه، قتل قتلتنا، و طلب بدمائنا؛

شریک می‌گوید: روزی بر امام باقر علیه السلام وارد شدیم و روز عید بود. حضرت نشسته و منتظر بودند که سلمانی بیاید و سر مبارکشان را حلق کند. در این بین مردی از اهل کوفه وارد شد و دست حضرت را گرفت تا ببوسد. امام اجازه‌اش نداد و فرمود: کیستی؟ عرض کرد که من حَکَم، پسر مختار بن ابی عبیده ثقفی هستم و کمی از امام فاصله داشت. امام دست دراز کرد و فرمود: بیا نزدیک؛ بیا نزدیک؛ انگار که می‌خواست او را در دامن خود بنشاند؛ همین امام معصوم که حاضر نشد اجازه بدهد دستش را ببوسد. گفت: آقا! پشت سر پدرم بدگویی می‌کنند! امام فرمود: چه می‌گویند؟ گفت: می‌گویند دروغ‌گوست. فرمود الحمدلله فقط این را گفتند! هر چه بگویی من قبول دارم. امام فرمود: سبحان الله! امام زین‌العابدین به ما خبر داد که پدرم مهری را به ذمه گرفته بود، اما نداشته که بدهد؛ تا این‌که مختار پولی فرستاد و آقا قرضش را داد. وقتی ساختمان‌های ما را روی سرمان خراب کردند، مگر مختار پول نفرستاد و خانه‌های ما را نساخت؟ مگر قاتلان ما را تعقیب نکرد و خون ما را نستاند؟ و سه بار فرمود: رحم الله اباک.

روایت چهارم از اصبغ بن نباته است:

جبرئیل بن أحمد، قال: حدثنی العبیدی، قال: حدثنی علی بن أسباط، عن عبد الرحمن بن حماد، عن علی بن حزور، عن الأصبغ، قال: رأیت المختار علی فخذ أمیر المؤمنین و هو یمسح رأسه و یقول: یا کیس یا کیس؛

اصبغ می‌گوید: من دیدم مختار را که کوچک بود و بر دامان امیرمومنان (علیه السلام) نشسته بود و حضرت دست بر سر او می کشید و می فرمود: ای زرنگ، ای زرنگ!

روایت پنجم از عمر بن علی بن حسین است:

حدثنی محمد بن مسعود، قال: حدثنی أبوالحسن علی بن أبی علی الخزاعی، قال: حدثنی خالد بن یزید العمری المکی، قال: [حدثنی] الحسن بن زید بن علی بن الحسین، قال: حدثنی عمر بن علی بن الحسین: أن علی بن الحسین لما أتی برأس عبید الله بن زیاد، و رأس عمر بن سعد، قال: فخَّر ساجدا و قال: الحمد لله الذی أدرک لی ثأری من أعدائی، و جزی الله المختار خیرا؛

وقتی سر ابن زیاد و ابن سعد را آوردند، پدرم (علی بن حسین علیه السلام) بلافاصله سجده کرد و فرمود: خدا را شکر که انتقام مرا از دشمنانم گرفت و خدا به مختار جزای خیر بدهد.

اینها بخشی از روایات است. مرحوم آقای خویی در مقام استقصاء و تتبع نبوده‌اند و فقط این چند روایت را نقل کردند. (۱)

۲. روایات ذامه

آقای خوئی سپس روایاتی که بر ذم مختار اشاره دارد را بیان می‌کند.

۱- معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۹۴.

ص: ۴۰

روایت اول:

عن أبی عبد الله ع قال: کان المختار یکذب علی علی بن الحسین؛

امام صادق (ع) فرمود: مختار بر جدم دروغ می‌بست!

روایت دوم:

عن أبی جعفر (ع) قال: کتب المختار بن أبی عبیده إلی علی بن الحسین (ع)، و بعث إلیه بهدایا من العراق، فلما وقفوا علی باب علی بن الحسین دخل الآذن یستأذن لهم فخرج إلیهم رسوله فقال: أمیطوا عن بابی فإنی لا أقبل هدایا الکذابین، و لا أقرأ کتبهم؛

از امام باقر (ع) نقل شده که مختار برای امام زین العابدین (ع) هدایایی از عراق فرستاد. وقتی مأمورین به درب منزل آمدند که هدیه را تقدیم کنند، امام پیام فرستاد که برگردید و از خانه من فاصله بگیرید و این جا نباشید؛ من هدایای دورغ‌گویان را نمی‌پذیرم و نامه‌شان را نمی‌خوانم.

دقت کنید! اصلا پیداست که این جعل است و قالب خاصی دارد.

روایت سوم:

عن عمر بن علی: أن المختار أرسل إلی علی بن الحسین بعشرین ألف دینار فقبلها، و بنی بها دار عقیل بن أبی طالب، و دارهم التی هدمت، قال: ثم إنه بعث إلیه بأربعین ألف دینار بعد ما أظهر الکلام الذی أظهره، فردها و لم یقبلها، و المختار هو الذی دعا الناس إلی محمد بن علی بن أبی طالب ابن الحنفیهٔ، ... و هو الذی حمله علی الطلب بدم الحسین، و دلّ علی قتلته، و کان صاحب سره، و الغالب علی أمره، و کان لا یبلغه عن رجل من أعداء الحسین، أنه فی دار أو موضع، إلا قصده، و هدم الدار بأسرها و قتل کل من فیها من ذی روح، و کل دار بالکوفه خراب فهی مما هدمها، و أهل الکوفه یضربون به المثل، فإذا افتقر إنسان قالوا: دخل أبو عمره بیته؛

فرزند امام زین العابدین (ع) می گوید: مختار بیست هزار دینار برای امام زین‌العابدین (ع) فرستاد، ولی حضرت آن‌را قبول کرد و خانه‌های آل ابی‌طالب را که ویران شده بود، ساخت. بعد دوباره مختار چهل هزار دینار فرستاد؛ ولی این بار امام نپذیرفت و این در زمانی بود که مختار مردم را به امامت محمد حنفیه دعوت می کرد ... بعد بیان می کند مختار کسی بود که هر زمان خبر می‌دادند یکی از قاتلان حسین (ع) در فلان خانه است، خودش را با نیروها می‌رساند و خانه را روی سر او خراب می کرد. چنان کردند که اهل کوفه اگر کسی فقیر می‌شد، مثال می‌زدند: به نظرم مختار به خانه‌ات آمده است! (۱)

آقای خویی پس از نقل این روایات می‌فرماید:

هذه الروایات ضعیفهٔ الأسناد جدا، علی أن الثانیهٔ منهما فیها تهافت و تناقض و لو صحت فهی لا تزید علی الروایات الذامهٔ الواردهٔ فی حق زرارهٔ، و محمد بن مسلم، و برید، و أضرابهم.

۱. روایات ضعیف است.

۲. در روایات تناقض است.

۳. فرض کنید این روایات صحیح باشد، ولی این مثل روایات ذامه‌ای است راجع به زراره. راجع به محمد بن زراره. با آن روایات را چه کار می کردیم؟ آیا سبب می‌شود که ما از زراره دست برداریم یا رفع تعارض و یا جمع می کردیم. این را هم همین طور.

۱- میدانی می گوید امویین چنان بعد از قضیه امام حسین منفور خاص و عام شدند که روز عاشورا اینها احساس ذلت و حقارت می کردند. لذا کسی را که می‌خواستند بگویند خیلی ذلیل است، می گفتند: «اذل من اموی یوم عاشورا فی الکوفه». میدانی، مجمع

الامثال، ج ۲، ص ۲۱.

ص: ۴۱

بنابراین نمی توان با تکیه به این روایات، شخصیتی که دل اهل بیت را خنک کرد را طرد نمود. کسی که توسط مصعب بن عمیر محاصره شد و با هفتصد نفر قتل عام شدند. آل زبیر دست کمی از آل امویه نداشتند. خیلی از روایات را بر علیه امیر المؤمنین (ع) جعل کردند. خیلی از روایات در مدح جدشان جد مادری‌شان اینها جعل کردند. مصعب آدم مجرمی بود (۱) به دستور او خانه مختار را محاصره کردند. به زنها و بچه‌هایش گفت یا تبری بجویید. بگویید ما از مختار بیزاریم. همه قبول کردند گفتند ما بیزاریم مگر دو تا زن. یکی دختر سمره بن جندب بود. یکی هم دختر نعمان بن بشیر بود. این دو تا گفتند نه. چه طور اظهار بیزاری بجوییم از مردی که روزه‌دار بود. شب‌ها به عبادت برمی‌خاست و جانش را برای خدا، رسول خدا نثار کرد تا خونخواه فرزند دختر پیامبر باشد.

روایت چهارم:

او همدست با جریانی بود که برای تحویل دادن امام مجتبی به معاویه تلاس می کردند. این روایت را صدوق نقل می کند. او فرموده است:

أن الحسن (ع) لما صار فی مظلم ساباط، ضربه أحدهم بخنجر مسموم، فعمل فیه الخنجر، فأمر ع أن یعدل به إلی بطن جریحی، و علیها عم المختار بن أبی عبیدهٔ مسعود بن قیلهٔ، فقال المختار لعمه: تعال حتی نأخذ الحسن ع و نسلمه إلی معاویهٔ فیجعل لنا العراق، فنظر بذلک الشیعهٔ من قول المختار لعمه، فهموا بقتل المختار فتلطف عمه لمسألهٔ الشیعهٔ بالعفو عن المختار ففعلوا.

امام مجتبی (ع) وقتی به ساباط «مدائن» رسید آقا را ترور نافرجام کردند. و فردی با خنجر به آقا حمله کرد و آن خنجر اثر خودش را گذاشت و ضربه کاری بود. بعد امام دستور دادند که من را ببرید منطقه. «بطن جریحا» ... آن جا عموی مختار والی و مسؤولیت آن منطقه را داشت. آقا را آوردند آن جا و بستری شدند. مختار به همراه عموی خود به دیدن امام آمد. بعد شروع کرد توی گوش عمو گفت: بیا امام را تحویل معاویه بدهیم. تا استاندار عراق شویم. این حرف را که زد محافظین و شیعیانی که دور حضرت (ع) ا بودند نگاه تندی به او کردند و خواستند او را بکشند عمویش در حق او شفاعت کردو آنها هم عفو کردند.

این اشکال مهم است وخیلی‌ها این را مطرح می کنند. لیکن:

اولا: از قبل و بعد سندش اطلاع ندارند. آقای خویی می‌فرماید که این روایت مرسله است. صدوق این را مرسلًا نقل می کند و غیر قابل اعتماد است چه طور وقتی می‌رسید به مختار هر روایت ضعیف را می‌پذیرید.

ثانیا: در صورت صحت روایت، ممکن است بگویم استمزاجی از سوی مختار بوده است. دوران امام مجتبی (ع) مخصوصاً بعد از آن جنگ، خیانت‌ها زیاد شد. مختار ترس داشت که مبادا عمو هم از این نمونه ها باشد. خواست او را استمزاج و امتحان کند ببیند آیا وضع عمو همین است. که اگر چنین است آقا را جابجا کند و به جای امنی ببرند. و این حرف را ایشان زد از باب شفقت بر امام مجتبی (ع). این فرمایش مرحوم آقای خویی است.

مرحوم خوئی می‌فرماید که نظر ما این است. بعد می‌فرماید که اتفاقاً بعضی از افاضل برای من نقل کردند که ما از معصوم روایت در توجیه کار مختار دیدیم ولی ایشان آن روایات را نقل نکردند.

ارتباط مختار و محمد حنفیه

۱- و قد کان مصعب نصبه علی باب القصر بمسمار. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۱۵.

ص: ۴۲

یک اشکال مهمی که طرح شده است این است که می گویند مختار مردم را به امامت محمد بن حنفیه دعوت می کرد. آقای خویی در مقام جواب می‌فرمایند که اصلًا امامت محمد حنیفه بعد از فوت محمد حنفیه مطرح شد. و مختار در حیات محمد حنفیه کشته شد. پس اصلًا قضیه از اساس منتفی است. و چنین چیزی نیست.

توجه به این نکته لازم است که: امام نمی‌توانست مستقیماً وارد بشود و مختار را تأیید کند. امام هم می‌خواست کار خودش را بکند و هم می‌خواست بالاخره محفوظ باشد. لذا گاهی که مختار برای آنها پول می‌فرستاد امام زین العابدین (ع) پول را برای استاندار می فرستاد ولی می فرمود مختار این پول برایم فرستاده نه می‌خواهم و نه نمی‌خواهم. خودتان می‌دانید. یعنی ما کاری به مختار نداریم. از آن طرف هم از سران کوفه می‌آیند خدمت محمد حنفیه سوال می کردند این قیام کرده چه کار کنیم؟ می فرمود: برویم ببینم فرزند برادرم چه می گوید. بعد می‌آید خدمت امام و جریان را عرض می کنند. حضرت می فرمود: این سؤالات چیست که می کنید. هر کس پیشانی بند بست به عنوان انتقام گرفتن از خون حسین، باید به او کمک کرد. ببینید جواب صریح ندادند. اصلًا موقعیت ایجاب نمی کرد که امام صریح پاسخ بگوید. ولی با این سیاست حرکت می کرد. لذا آقای خوئی می‌فرماید که این قول باطل است چون محمد حنفیه ادعای امامت نکرد تا مختار مبلّغ او بشود. و کیسانیه بعد از مرگ محمد بن حنفیه شکل گرفت. بعد آقای خویی یک مطلبی را از ابن داود از کشی نقل می کند. ابن داود بعد از این که روایات مادحهٔ را می آورد می گوید که: روایاتی که در مذمت مختار نقل شده است آنها (عامه) این مطالب را وضع کردند. حرف‌ها، حرفهای آنهاست. برای این که سیاه کنند چهره را. بعد مرحوم آقای خویی می‌فرماید

اولًا حرفی که ابن داود به کشی نسبت داده من ندیدم شاید در نسخه‌هایی باشد که پیش خود ایشان بوده است. نسخه‌ای که پیش من هست این جمله نیست ولی حرف من این است. و ما قبلًا گفتیم. مضافاً بر این که روایاتی که مختار را مذمت می کند ضعیف‌اند و ممکن است از امام صادر شده باشد اما حمل بر تقیه است. بر حسن حال مختار این کافی است. که او شاد کرده اهل بیت را. هر کسی که شنید خوشحال شد. قاتلین حسین را کشت. و یک خدمت بزرگی که ایشان تقدیم اهل بیت کرده است مستحق جزاء است. خدا پاداشش را می‌دهد. آیا اصلًا احتمال می‌دهید رسول الله و اهل البیت این خدمات را ندیده بگیرند.

آقای خویی سپس می‌فرماید:

محمد حنفیه وقتی در جمعی از شیعه نشسته بود و گله می کرد از حرکت کُند مختار، حرفش تمام نشده بود که دو تا سر نحس عبیدالله و عمر سعد را آوردند جلوی او در مدینه. این را که دید حرفش را قطع کرد دست برد به طرف آسمان گفت که: اللهم لاتنسی هذا الیوم للمختار ... خدایا این روز، روز بزرگی است. این روز را در پرونده عمل مختار ثبت بکن. و بهترین جزاء از اهل بیت را به ایشان بده. والله بعد از این کاری که تقدیم کرد به پیشگاه اهل بیت دیگه ما هیچ گله‌ای از مختار نداریم.

ص: ۴۳

تلاش ذهبی در نفی شخصیت مختار

ابن داود به نقل از کشی مدعی بود که روایاتی که منافات با مدح و تعریف و تمجید مختار رسیده از جعلیات عامه است. (۱) باید روی این نکته تکیه کرد اصلًااین تعبیراتی که برای مختار وضع کردهاند؛ مثل «کذاب» یا تعبیری که اومی‌گوید «وحی بر من نازل می‌شود» و یا «ادعای نبوت» ببینیم ریشه‌اش به کجا می‌رسد. خواهیم دید همین حرفی است که آقای کشی نسبت به امویان درباره مذمت مختار زد.

از ذهبی دو مطلب نقل می کنم (۲)؛ نخست حرفی است که رفاعه فتیانی به مختار نسبت می‌دهد. دوم حرفی است که شعبی به مختار نسبت می‌دهد. همه اینها را ذهبی نقل می کند.

۱. رفاعه فتیانی می‌گوید:

دخلت علی المختار فألقی إلی وسادة و قال: لو لا أن أخی جبریل قام من هذه لألقیتها إلیک. فأردت أن أضرب عنقه، فذکرت حدیثا حدثنیه عمرو بن الحمق قال: قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: أیما مؤمن أمّن مؤمنا علی دمه فقتله، فأنا من القاتل بریء؛

بر مختار وارد شدم. برایم بالشت انداخت. یک بالشت دیگر پیش او بود آن را نینداخت. گفت که روی این بالشت بنشین. من این بالشت را که پیش دستم بود به تو ندادم. چون جبرئیل این جا نشسته بود. اگر جبرئیل روی این ننشسته بود همین را برای تو می‌انداختم. این حرف را که ایشان زد. می‌خواستم با این ادعا گردنش را بزنم. یعنی او ادعای نزول وحی می کند. توی خانه‌اش بودم می‌خواستم بکشمش. ولی یاد حدیث عمرو بن حمق افتادم که پیامبر فرموده‌اند کسی که شما را تأمین داد و به شما مطمئن شد و به خانه‌اش راهت داد اگر ترورش کردی من از تو بریء هستم. لذا من نخواستم بکشم مختار را من یاد این حدیث افتادم و نکشتمش.

اصلًا نسبت ادعای نزول وحی نسبت به مختار ریشه‌اش به رفاعه فتیانی برمی گردد. این آقا کیست؟ چه قدر اعتبار دارد؟ از ذهبی در شگفت نیستیم. ذهبی کارش همین است. ببینید هر چه که نسبت فضائل اهل بیت باشد آنرا اصلًا برنمی‌تابد. یک انگی می‌زند. اما این جا که می‌رسد هیچ بحث سندی نمی کند چون در مقام مذمت کسی است که انتقام گیرنده خون اهل بیت است. پس این اتهام به رفاعه‌ای (۳)منتهی شد که ما نمی‌دانیم او کیست.

۲. شعبی. می گوید:

أقرأنی الأحنف کتاب المختار إلیه، یزعم فیه أنّه نبیّ.

احنف بن قیس نامه‌ای از مختار به من نشان داد که در نامه نوشته که من پیامبر هستم.

به شرح حال عامر بن شراحیل شعبی نگاه کنید. به فرمایش مرحوم آقای خویی «کان متجاهراً ببغض علی» یعنی در اظهار بغض و کینه و عداوت نسبت به امیر المؤمنین چیزی را مخفی نمی کرد. مرحوم صاحب قاموس می‌فرماید. او هر جا منبر می‌رفت سخنرانی می کرد قسم می‌خورد. می گفت علی ابن ابیطالب از دنیا رفت و قرآن بلد نبود. چهار نفر فقط در جمل از صحابه پیامبر با علی بودند. اگر پنجمین پیدا کردید فأنا کذاب. مثل این که اصلًا هیچ برنامه دیگری نداشته جز توهین به علی ابن ابیطالب علیه السلام. به نبیذ و قمار بازی هم معروف بود ه است (۴). هر چه اتهام و دروغ است به شیعه بسته است. مقایسه می کند شیعه را با یهود و بعد می گوید شیعه از یهود بدتر است.

۳. ابن ضبعان کلبی، از کسانی است که به مختار اتهام زده است و این نکته را مجلسی (۵) گفته است. گویا اولین کسی که تهمت «کذاب» را به مختار زد همین آقا بود. در زمانی که مختار و ابراهیم اشتر در مصاف با شامیان قرار گرفتند ابن ضبعان وقتی از

۱- رجال ابن داود، ص ۵۱۳، ش ۴۷۸.

۲- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۵۴۴

۳- البته مراد، رفاعه بن شداد بجلی نیست، او جزء توابین است که در جنگ با لشکر شام بعد از شهادت امام حسین به همراه عده ای، بالغ بر نه هزار نفر به گفته تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۲۱۳ به قتل رسید. مستدرکات علم الرجال ۳، ص ۴۰۳.

۴- قاموس الرجال، ج ۵، ص ۶۱۲.

۵- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۸۰.

ص: ۴۴

لشکر شام برگشت. حرفش این بود. نادی یا شیعه المختار الکذاب؛ ای پیروان مختار کذاب، بعد شروع کرد به رجز خواندن. فسق و کفر شدید اشعار نمایان می‌شود.

انا ابن ضبعان الکریم المفضل من عصبه یبرون من دین علی

من جزو همان نواصب هستم. من جزو گروهی هستم که بیزاری می‌جوینـد از دین علی ابن ابیطالب. مگر ناصبی چیست؟ در همان حال احوص بن شداد الهمدانی آمد و شروع کرد به جواب دادن او، او از همان بازماندگان گارد ویژه علی ابن ابی طالب بود.

أنا ابن شداد علی دین علی لست لعثمان بن أروی بولی

من کاری به حزب و رهبری حزب‌تان ندارم. من بر دین علی هستم.

لأصلین القوم فیمن یصطلی بحر نار الحرب حتی تنجلی

آتش‌تان می‌زنم. یک نفرتان را هم زنده نمی‌گذارم.

آن وقت می‌آیـد آقای ذهبی همان اول مثل این که حرف برای گفتن ندارد بفرمایید مختار ابن ابی عبید ثقفی الکذاب. همان حرفی که ناصبیـان در مصـاف زده این آقا هم در کتابش می نویسـد: «المختار الکـذاب». این جا دیگر صـحابه تراشـی نمی‌کنـد. آری اگر اموی باشـد. به هر نحوی شـده اموی را آرم صـحابی به او می زننـد «له صـحبه». بله یـک وقتی پیامبر مثلًا آن جا بود. او هم پیامبر را دید. پس می شود صحابی. پیداست روحیه و تفکر اموی است. می‌خواهد به طریقی شجره ملعونه را تطهیر کنند چون خودش جزو ملعونین است.

خلاصه در آن جا صحابی می‌تراشد. اما این جا می گوید «کان ابوه اسلم فی حیاه النبی». در زمان پیامبر اکرم مسلمان شد. «و لم نعلم له صـحبه». گمان نمی‌کنم پیامبر را دیده باشد. زمان پیامبر اسـلام آورده. بعد می‌گوید مختار آن جاها بود. می گوید بالاخره آن هم معلوم نیست. خلاصه از همان اول اگر خواسته باشـد فحش بدهد نگویند تو به صـحابه داری جسارت می‌کنی. بعد می‌آید از مختار تعریف می‌کند. خوب تعریفش را دقت کنید؛ می‌گوید:

کان من کبراء ثقیف و ذوی الرأی و الفصاحه و الدهاء و قله الدین؛

او شخصیتی بلند مرتبه در قبیله ثقیف بود همچنین او فردی صاحب نظر، سخنور و شجاع بود اما دینش کم بود!.

شمس الدین ذهبی که از امویان دفاع می‌کند دیندار است اما مختار دینداری اش کم بود البته در ادامه ماهیتش روشن می شود یک حدیثی را از پیامبر نقل می‌کند. نمی‌دانم چه جوری اینها را تطبیق می‌دهند بر مختار. می‌گوید که پیامبر اکرم فرمودند

«یکون فی ثقیف کذاب و مبیر؛ در طایفه ثقیف یک کذاب و خونریز و سفاک است.»

بعد خودش می‌گوید. بله کذابش همین مختار است. و مبیرش هم حجاج است. بعد می‌گوید حال چرا کذاب است؟ می‌گوید:

ادعی ان الوحی یأتیه و انه یعلم الغیب نشأ المختار بالمدینه یعرف بالمیل الی بنی هاشم (۱)...

او ادعا کرد که برایش وحی می شود و او غیب می داند و در مدینه رشد کرد و مدینه‌ای‌ها تمایل به بنی هاشم داشتند.

بنابراین مشکل مختار این است که به اهل بیت تمایل داشته است. بعد می‌گوید:

۱- سیر اعلام النبلاء ج ۳، ص ۵۴۴.

ص: ۴۵

مختار در زمان معاویه، بصره آمد و در آنجا مروج امام حسین (علیه السلام) بود، زمانی که عبیدالله استاندار بصره بود او را دستگیر کردند. و صد شلاق به او زد. به خاطر طرفداری از امام حسین (علیه اسلام). او را خلع لباس کرد به سمت طائف تبعید کرد. هنگامیکه ابن زبیر به مکه پناهنده شد مختار به سوی او رفت. و گفت من می‌خواهم با تو باشم. بعد می گوید از ابن زبیر اجازه گرفت (۱). که بیاید عراق. عراق که وارد شد و شعیان مثل سلیمان صرد دورش جمع می شوند.

ذهبی این جا از کنارش با سرعت می گذرد. می‌بیند عجب سلیمان بن صرد هم تحت تأثیر همین آقا قرار گرفته است. سلیمان بن صرد صحابی است. شما که می گویید صحابی همه شان عدول هستند. این هم بالاخره تحت تأثیر این کذاب و مدعی نبوت قرار گرفته است. این جا خیلی سریع از کنارش می گذرد. می گوید مختار با القائات شروع کرد خراب کردن اینها. سلیمان بن صرد را خراب کرد. اینها را فاسدشان کرد!! می گفت من از طرف مهدی آمدم. مهدی، محمد بن حنفیه است. جمعیتی گول خوردند!! چون به انتقام خون حسین قیام کردند از سلیمان هم خوشش نیامد گفت از سلیمان هیچ کاری صورت نمی گیرد و مردم را به هلاکت می‌اندازد. و کاری هم پیش نمی‌برد. عمر سعد ترسید رفت عده ای هم از ابن صرد خواست که یک کم دست نگاه دارید. سلیمان گفت ما تصمیم خودمان را گرفتیم. ما قیام می کنیم. کسانی که از زندگی دست شسته بودند. سلیمان حرکت کرد در سال ۶۲ رفتند مخصوصاً کنار قبر امام حسین رفتند و آن جا گریه کردند و یک شب هم آن جا ماندند. و قالوا یا رب قد خذلناه. ما بودیم که خذلان کردیم. خیانت کردیم. فاغفر لنا و تب علینا.

می گوید مختار از زندان آزاد شد. شروع کرد تعقیب کردن. کسانی را که قاتل حسین بودند. شمر را کشت عمر بن سعد را کشت بعد می گوید ادعای وحی کرد! آری برای بار سوم در این کتاب که چهار صفحه راجع به مختار دارد. می گوید این آقا ادعای وحی می کند. این خط، خط اموی است. و برای خراب کردن چهره این شخصیت است.

کلام پایانی

در پایان، دیدگاه دو متفکر شیعی دردفاع از شخصیت مختار ارائه می شود.

۱. سخن ابن نماء

ابن نماء کتابی به نام «مثیر الاحزان» و کتاب دیگری به نام «اخذ الثار» دارد و مستقل چاپ شده که سخن او را از بحار الانوار نقل می کنیم:

اعلم أن كثيرا من العلماء لا يحصل لهم التوفيق بفطنه توقفهم على معانى الألفاظ و لا رويه تنقلهم من رقده الغفله إلى الاستيقاظ و لو تدبروا أقوال الأئمه فى مدح المختار لعلموا أنه من السابقين المجاهدين الذين مدحهم الله تعالى جل جلاله فى كتابه المبين و دعاء زين العابدين ع للمختار دليل واضح و برهان لائح على أنه عنده من المصطفين الأخيار و لو كان على غير الطريقة المشكوره و يعلم أنه مخالف له فى اعتقاده لما كان يدعو له دعاء لا يستجاب و يقول فيه قولا لا يستطاب و كان دعاؤه عليه السلام له عبثا و الإمام منزه عن ذلك و قد أسلفنا من أقوال الأئمة فى مطاوى الكتاب تكرار مدحهم له و نهيهم عن ذمه ما فيه غنيه لذوى الأبصار و بغيه لذوى الاعتبار و إنما أعداؤه عملوا له مثالب ليباعدوه من قلوب الشيعة كما عمل أعداء أمير المؤمنين عليه السلام له مساوى و هلك بها كثير ممن حاد عن محبته و حال عن طاعته فالولى له عليه السلام لم تغيره الأوهام و لا باحته تلك الأحلام بل كشفت له عن فضله المكنون و علمه المصون فعمل فى قضيه المختار ما عمل مع أبى الأئمه الأطهار عليه السلام (۲)؛

۱- همان، ج ۳، ص ۵۳۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۴۵، ص: ۳۸۷

ص: ۴۶

بسیاری از علما درست دقت نمی‌کنند. به الفاظ و عبارات درست دقت نمی‌کنند. و یک روشی را پیش نمی‌گیرند که بیدار شوند. این جور بی دلیل صحبت نکنند. نسبت به اشخاص اگر روایات ائمه را در مدح مختار تدبر می‌کردند به این نتیجه خواهند رسید. مختار را به خاطر مجاهدتش خدا مدحش کرده. امام زین العابدین مختار را دعا کرده و جزو انتخاب شده‌هاست اگر مختار مورد تقدیر نبود چرا امام برای او دعا کند ما در کتاب‌مان حرفهای بزرگان را، حرفهای ائمه طاهرین را آوردیم ذمت نکنید مختار را. خود ائمه مدح کردند مختار را. این بازی است که اینها (امویان) درآوردندیعنی مذمت او را تا از قلب شیعه و اینها دورش کنند. همچنانکه در باره امیرمومنان ع دست به جعل روایت زدند، همان طوری که اینها این جوری جعل کردند. اینها را هم آنها جعل کردند. جعلیات اثر خودش را گذاشت یک سری تردید پیدا کردند و هلاک شدند کسی که ولی علی بن ابیطالب علیه السلام باشد تحت تأثیر تبلیغات قرار نمی‌گیرد همان بلایی که سر احادیث ائمه می‌آوردند، همان سیاه نمایی که نسبت به ابی الائمه انجام دادند نسبت به مختار هم انجام دادند.

۲. سخن علامه امینی

علامه امینی یک دفاع محکم، علمی و عاطفی از مختار دارد. می‌فرماید:

هر کس بر تاریخ و حدیث و علم رجال با دیدی نافذ نظر اندازد، در می‌یابد که مختار، در پیشاپیش مردان دین و هدایت و اخلاص است و نهضت بزرگ او جز برای بر پا داشتن عدل، از راه برکندن بنیان کافران و در آوردن ریشه ستم امویان نبوده و ساحت او از آئین کیسانی بدور بوده و آنهمه تهمت و طاماتی که بر وی بسته‌اند، راهی به درستی و راستی ندارد و بهمین جهت پیشوایان و رهبران بزرگوار ما یعنی حضرات سجاد و باقر و صادق علیهم السلام بر وی رحمت آورده‌اند و مخصوصا امام باقر (ع) او را بسیار ستوده است. و این شخصیت و اعمالش همیشه در پیشگاه خاندان پاک پیغمبر (ص) مورد سپاس بوده است. علماء اعلام نیز وی را بزرگ شمرده و به پیراستگی ستوده‌اند که از آن جمله‌اند: سید ما «جمال الدین بن طاوس، در کتاب رجالش «آیت اللّه علامه» در خلاصه «ابن داود» در رجالش «ابن نمای» فقیه، در رساله جداگانه‌ای بنام «ذوب النضار» که درباره او نوشته است. محقق اردبیلی در «حدیقة الشیعه» صاحب معالم در تحریر طاوسی، قاضی نور اللّه مرعشی در مجالس المؤمنین و شیخ ابو علی در منتهی المقال به دفاع از او پرداخته‌اند. و دیگر دانشمندان نیز. کار بزرگداشت گذشتگان از او به آنجا رسیده است که شیخ شهید اول در کتاب مزار خود زیارت مخصوصی برای او یاد کرده و در آن گواه راستینی است بر شایستگی و درستی او در کار ولایت و اخلاص وی در طاعت خداوند و محبّت نسبت به امام زین العابدین و خشنودی رسول خدا و امیر مؤمنان از او و نیز حکایت دارد از اینکه وی در راه رضای پیشوایان دین و نصرت خاندان پاک پیغمبر و خونخواهی آنان، فداکار و جانباز بوده است (۱).

بنابراین امویون این جو ضد مختار را ساختند. چرا ما نسبت به روایاتی که نعوذ بالله در مذمت اهل بیت هست یا مدائح خلفا و دیگران هست اینها را ما اذعان داریم که امویون لجنه‌ای داشتند، انتشار می‌دادند؛ چرا نسبت به اینها چنین احتمالی نمی‌دهیم؟ آری یک کسی که خودتان می‌گویید شلاق خورده، تبعید شده، زندان رفته، شعارش امام حسین (ع) بوده، بعد هم اینها را به زانو در آورده و خواب راحت از چشمشان ربوده خب اینها می‌خواهید یک حدیث علیه او جعل نکنند. ابن نما اذعان دارد که دشمنان برای کوبیدن اش احادیثی جعل کردند.

سلام علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حیاً.

۱– الغدیر، ج ۲، ص ۴۸۸.

ص: ۴۷

ص: ۴۸

کوفه و کوفیان

مقدمه

شهر کوفه که به دلیل گسترش نجف اشرف، امروزه از توابع آن به شمار میرود، در دوره‌ای طولانی مرکز سیاسی و حکومتی مسلمین بوده است. در تاریخ و فرهنگ تشیع، بعد از مکه و مدینه منوره شهری به اهمیت کوفه در صدر اسلام وجود نداشته است. متأسفانه در فرهنگ عمومی کوفه تداعی کننده بی‌وفایی، نفرت، خیانت و جنایت است، اما بر خلاف این تصور غیر واقعی و غیر مستند، کوفه دارای چنان سابقه فرهنگی، فکری، سیاسی و اجتماعی است که ائمه هدی علیهم السلام اعتباری ویژه برای این شهر قائل گردیده و در احادیثی معتبر به ستایش آن و اهلش پرداخته‌اند.

کوفه بزرگ‌ترین شهری است که توسط مسلمین بنا گردید؛ شناخت این شهر و کوفیان محور این نوشتار است.

وجه تسمیه کوفه

کوفه شهری است مشهور در سرزمین بابل، از نواحی بین‌النهرین جنوبی که گاهی آن را «خدّالعذرا» و «کوفۀ الجند» (کانون رزمندگان) نامیده‌اند. گویند چون دایره شکل است، به این نام معروف شده است. برخی گفته‌اند به تپه‌های پوشیده از شن‌های هلالی شکل (برخان) کوفه گویند. برخی مورخان کوفه را واژه‌ای عربی دانسته‌اند که در اصل «کوفاه» بوده و این واژه نام منطقه‌ای است که نگهبانی و دژبندی شده است (۱).

ضرورت تأسیس کوفه

شهر «حیره» واقع در چند کیلومتری کوفه کنونی به‌منزله سنگری برای حفظ شهرهای ایران از تاخت و تاز قبایل صحرایی و چادرنشین بود که با فتح آن (۲)، اندکی بعد رزمندگان مسلمان شهر «مداین» (تیسفون) را که مرکز فرمانروایی ساسانیان بود، فتح کردند. سپس باقی‌مانده سپاه یزدگرد را در «جلولا» که منطقه مرزی بین ایران و عراق بود، درهم شکستند. با این پیروزی قوای ساسانی از دره دجله و فرات یعنی منطقه جنوبی جزیره به‌طور کامل بیرون رانده شد. پس از آن، مسلمانان این ضرورت را احساس کردند که حکومت مستقری در مناطق فتح شده به‌وجود آورند. اولین اقدام برای این هدف، انتخاب یک پایتخت بود و سرزمینی که کوفه نامیده شد، برای این منظور مناسب بود؛ زیرا به غیر مسلمانان آلوده نبود. در این شهر، تأسیس یک دستگاه اداری، سیاسی و نظارتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید؛ زیرا اداره مناطق فتح شده توسط رؤسای محلی صورت می‌گرفت و مسلمانان هیچ‌گونه مباشرت و نظارت مستقیمی در این باره نداشتند (۳).

به علاوه کوفه می‌توانست کانونی برای مهاجران از راه رسیده و نیز پایگاهی برای دفع حملات دشمنان زخم‌خورده و ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی در قلمرو جدید باشد.

مورخان می‌گویند: خلیفه وقت در نامه‌ای از «سعد بن ابی وقاص» خواست تا محلی را برای هجرت مسلمانان و پیروان ایشان برگزینند که بین آن محل و خود وی دریا فاصله نباشد. سعد به شهر انبار آمد تا منزلگاه را در آن جا قرار دهد؛ اما حشرات موذی فراوانی در آن محل ساکنین را آزار می‌داد. «عبدالمسیح بن بقیله» که به منطقه آشنایی داشت، سعد را به سرزمینی هدایت کرد که از فلات پایین‌تر و از زمین پست (جلگه‌ای) و پشه‌گیر مرتفع‌تر است. این ناحیه «سورستان» نامیده شد که همان کوفه کنونی باشد.

رزمندگان مستقر در نواحی شرقی به دلیل فتوحات متوالی، احساس خستگی می‌کردند و نمی‌توانستند در محلی که اقلیمی نامناسب داشت، اقامت گزینند. آنان نیازمند منطقه‌ای بودند که مناسب خُلق و خویشان باشد و تا اندازه‌ای برایشان آرامش و آسایش به‌وجود آورد. به علاوه، کوفه آسان‌ترین مسیر برای ارتباط حجاز با عراق بود و نیز گذرگاه فرات میانه و تمامی بابل در این ناحیه بود. اگر

چه موقعیت حاشیه‌ای داشت و دور از مرکز بود، ولی مسیرهای ارتباطی مناسب، آن را با مرکز خلافت مرتبط می‌ساخت. تلفیق جالب میان صحرای هموار و زمین زراعی و مسکونی و نزدیک بودن کوفه به منابع آب، از عوامل انتخاب آن برای شهری مهم به شمار می‌آمده است؛ زیرا کوفه در محلی واقع است که جلگه به سوی دشت‌های آبیاری شده و زراعی، کشیده شده و در یک موضع خشک، بر روی تراسی در کنار شاخه اصلی فرات و در ارتفاع دو متری از سطح دریای آزاد قرار گرفته است (۴).

«طبری» می‌نویسد:

۱- محمد تقی مدرسی امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی،، ترجمه حمید رضا آژیر، ص ۳۹.

۲- کریستین سن ایران در زمان ساسانیان،، ترجمه رشید یاسمی، ص ۱۱۵.

۳- دانیل دنت، مآلیات سرانه و تاثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد، ص ۵۰.

۴- هشام جعیط، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ص ۸۴ و ۸۵.

ص: ۴۹

«سلمان فارسی» به قصد انبار رفت و از غرب فرات عبور کرد و جایی را نپسندید تا به کوفه رسید «حذیفهٔ بن یمان» هم از مشرق این رودخانه رفت و جایی را نیافت تا آن که به ریگزاری رسید با شن‌های سرخ که آن‌جا را «سهله» گویند و چون آمیختگی ریگ و شن را بدید، کوفه نامیدش. آن‌گاه در آن محل فرود آمدند و نماز اقامه کردند و این گونه نیایش کردند: پروردگارا! این مکان را برای ما مبارک گردان و آن را اقامتگاه ما قرار ده. و اوضاع را به سعد وقاص گزارش دادند در این حال سعد از مداین بیرون آمد و در محرم الحرام سال هفدهم هجری در کوفه اردو زد و برای خلیفه نوشت در جایی سکونت اختیار کرده‌ایم که میان حیره و فرات قرار دارد (۱).

بدین گونه اولین شهر اسلامی بعد از ظهور اسلام، توسط مسلمین احداث شد؛ ناحیه‌ای که در ۴۴ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه عرض شمالی قرار دارد.

چگونگی شکل گیری شهر

سه مؤلفه اساسی در شکل گیری کوفه دخالت داشت: منطقه وسیع مرکزی که قداست داشت و به مسجد اختصاص یافت. در همین فضا مرکز اجتماع مسلمانان و مقرّ فرماندهی نیروهای رزمنده در نظر گرفته شد؛ مکانی که بعدها به صورت مرکز فرماندهی درآمد. در پشت این محل، خانه‌های مسکونی قبایل، گرد هسته مرکزی شهر ساخته شده بود. مؤلفه سوم گذرگاه‌ها و کوچه‌بندی‌هایی بود که ضمن مناسب بودن برای تردد و حمل و نقل، قلمرو استقرار هر قبیله را مشخص و تثبیت می‌کرد و تجمع افراد در فضای وسیع مرکزی و پیرامونی را امکان‌پذیر می‌نمود.

وقتی جایگاه مسجد معین شد، سعد دستور داد تا مردی تیرهایی را در جهت وزش باد قبله، باد شمال، باد جنوب و باد صبا رها کند و محل فرود آن‌ها را نشانه‌گذاری نماید. فاصله پرتاب تیرها ۵۵ متر بود که محدوده شهری را تعیین می‌کرد (۲).

بازار شهر در سمت شمال و در شرق مسجد کوفه قرار داشت؛ به طوری که ضلع شمالی مسجد را احاطه می‌کرد و به ضلع شرقی می‌رسید. این مرکز تجاری، پوششی از حصیر داشت. در همان محدوده مرکزی، سعد جایی را برای رسیدگی به امور سیاسی و اجتماعی کوفه تعیین کرد و بر گرداگردش حصاری از نی کشید و به دربی چوبی مجهز ساخت. این بنای ساده در دهه‌های بعد به قصر و دارالاماره مبدّل گردید. در جنوب غربی مسجد، فضایی در نظر گرفته شد که آن را «رحبه» می‌گفتند و جز در مواقعی خاص به اشغال درنمی‌آمد. حضرت علی (ع) وقتی به کوفه گام نهاد، به قصر حکومتی نرفت و در این میدان برای خویش خانه‌ای از نی در نظر گرفت (۳). خانه‌ای که امروزه به مثابه زیارتگاهی در کوفه از آن بازدید می‌شود، محل سکونت یکی از خواهران حضرت علی (ع) بوده و مولای متقیان در آن رفت و آمد داشته‌اند. دیوارکشی و ترکیب این بنا کاملا۔ جدید است. افرادی که از خانه منسوب به امیرالمومنین (ع) دیدن می‌کنند، بدان تبرک می‌جویند و برخی در تعظیم شرافت و شأن والای صاحب خانه، در آن به خواندن دعا و نماز مشغول می‌گردند. اصل این عمارت توسط «محسن خان خراسانی» تعمیر و بازسازی گردیده است (۴).

سعد در شمال مسجد، پنج خیابان، در جنوب غربی (رو به قبله) چهار خیابان و در شرق و غرب، هر کدام سه خیابان گشود. قبیله «سلیم» و «ثقیف» را در شمال و در کنار دو راه ارتباطی جای داد؛ «همدان» را در کنار معبری و «بجیله» را در کنار راهی دیگر. در جنوب غربی «بنو اسد» را در کنار خیابانی مستقر ساخت و قبایل دیگر نیز در شرق و غرب استقرار یافتند (۵).

در پنج سال اول بنیان‌گذاری کوفه، کلبه‌هایی از نی ساخته شد که در آن‌ها حریق رخ داد و نابود شدند. در سال ۲۴ هجری چادرهایی با دیوارهایی از گل خشک تثبیت گردید و از سال ۵۰ هجری خانه‌هایی واقعی به کمک خشت ساخته شد (۶).

کوفه از سال هفده هجری که بنا گذاشته شد، تا سال ۱۳۲ هجری هم‌چنان به صورت شهری باز و گسترده بود؛ البته در هر مرحله‌ای، تکامل و سامان یافته و جلوه‌های معماری را به خود می‌گرفت.

اگر چه طرح اولیه از نظمی جالب پیروی می‌کرد، اما افزایش مهاجرت به سوی کوفه، و رشد غیر طبیعی جمعیت، موجب هجوم به هسته مرکزی و برخی فضاهای باز کنار معابر گردید و کوفه را به صورت شهری انبوه، درهم، پرپیچ و خم، با کوچه‌های تنگ و بن‌بست درآورد. در واقع تراکم غیراصولی مناطق مسکونی، به معابر و مراکز ارتباطی فشار آورد (۷).

ساکنین کوفه

کوفه در آغاز تأسیس، نزدیک به چهل‌هزار نفر رزمنده را در خود جای داد (۸) و با توجه به این که بسیاری از نیروهای نظامی و سربازان، خانواده خویش را به همراه آورده بودند، در آن زمان نزدیک به یکصد هزار نفر در کوفه اقامت داشتند.

بعد از به‌وجود آمدن این شهر اسلامی، به دلیل نزدیکی به رودخانه فرات و برخی شعبات آن، قرار گرفتن در حوالی سرزمین ایران، رونق اقتصادی که از راه غنایم و خراج سرزمین‌های فتح شده به‌دست آورده بود، مهاجرت اقوام و گروه‌های مختلف از دیگر نقاط جهان اسلام به سوی کوفه، روند فزاینده‌ای به خود گرفت و چون حضرت علی (ع) آن را مقرّ حکومت خود تعیین نمود، سیل مهاجرت‌ها شدت یافت؛ به‌گونه‌ای که در سال ۳۷ هجری و در نبرد صفین ۶۵۰۰۰ نیروی نظامی در کوفه مستقر بود (۹).

۱- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۸۴۷- ۱۸۴۰ و تاریخ ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۴۴۸.

۲- حسین قره چانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، چ اول، ص ۲۷۰.

۳- بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۴ و معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۴، ص ۴۹۱.

۴- سیمای کوفه، از همین قلم، ص ۲۱۱.

۵- کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۶- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۸۴۷.

۷- کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۸- معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.

۹- مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و عاشورا، دفتر دوّم، ص ۳۸۳.

ص: ۵۰

از سال ۵۰ هجری که «زیاد بن ابیه» از سوی معاویه، بر کوفه حاکم گردید، از بیم فراوانی شیعیان در این شهر، با فشار و ارعاب و تهدید، به انتقال نیروی عظیم انسانی از کوفه به شام و خراسان بزرگ و دیگر نقاط اقدام نمود. او تنها در یک مرحله پنجاه هزار نفر را به سوی خراسان کوچ داد. با این وجود هنوز یکصد و چهل هزار نفر در کوفه ساکن بوده‌اند.

ساکنین کوفه از نظر خاستگاه نژادی و جغرافیایی به دو دسته کلّی تقسیم می‌شدند: جوامع عرب و غیر عرب. بخشی از عرب‌های کوفه، قبایلی بودند که با شروع فتوحات اسلامی در ایران و بین النهرین، از شبه جزیره عربستان به قصد شرکت در جهاد، به سوی عراق کوچ کردند و بعد از خاتمه نبرد، در کوفه و بصره اقامت گزیدند. اینان که هسته اولیه سکنه کوفه را به‌وجود آوردند، از دو تیره «قحطانی» و «عدنانی» بودند که به «یمانی‌ها» و «نزاری‌ها» معروف گردیدند. بخش دیگری از عرب‌ها قبایل «بنی تغلب» بودند که قبل از ظهور اسلام، در نواحی جنوبی عراق سکونت داشتند و بعد از فتوحات اسلامی، در کوفه اسکان داده شدند.

مهم‌ترین گروه غیر عرب کوفه «موالی» بودند. آنان با قبایل مختلف عرب پیمان می‌بستند و ولایت آنان را می‌پذیرفتند. موالی از نژادهای گوناگون ایرانی، رومی و ترک بودند که عرب‌ها به همه آن‌ها «عجم» می‌گفتند. بزرگ‌ترین گروه موالی کوفه را ایرانیان با عنوان «حمراء دیلم» به‌وجود آوردند. آنان به رهبری شخصی به نام «دیلم» به رزمندگان اسلام پیوستند و با سپاه سعد وقاص پیمان همکاری بستند. این افراد برخی حرفه‌ها، فنون و صنایع متداول آن زمان را در کوفه اداره می‌کردند. موالی ضمن آن‌که انسان‌هایی زجردیده و محرومیت کشیده بودند، از حمایت علویان و شیعیان برخوردار شدند و به همین دلیل برای برپایی یک حکومت شیعی آماده هر گونه همکاری بودند؛ اما اشراف کوفه و برخی سران قبایل که هویت خویش را در پناه بنی‌امیه به‌دست آورده و حفظ کرده بودند، نمی‌توانستند تحمل کنند که موالی اقتدار سیاسی و اجتماعی به‌دست آورند (۱).

گرایش‌های فکری و کلامی در کوفه

مسلمین کوفه شامل شیعیان، خوارج، حامیان بنی‌امیه و افراد بی‌تفاوت بودند. در میان شیعیان، افراد سرشناس و برجسته‌ای چون «سلیمان بن صرد خزاعی»، «مسیب بن نجبه فزاری»، «مسلم بن عوسجه اسدی»، «حبیب بن مظاهر اسدی» و «ابوثمامه صاعدی» دیده می‌شدند که از یاران حضرت علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بودند. این افراد به خاندان طهارت و نبوت علاقه قلبی همراه با معرفت داشتند و چون معاویه به هلاکت رسید، برای انتقال خلافت به خاندان علوی با حضرت امام حسین (ع) به نامه‌نگاری پرداختند. شمار زیادی از مردم کوفه را شیعیان عادی تشکیل می‌دادند. این افراد اگرچه نسبت به ائمه هدی (ع) ارادت می‌ورزیدند، ولی اختناق و فشار سیاسی والیان ستمگری چون «زیاد بن ابیه» و فرزندش «عبیدالله» چنان آنان را در هراس و تشویش قرار داده بود که تا احتمال پیروزی حرکتی را با درصد بالا نمی‌دادند، در آن شرکت نمی‌کردند.

«عمروبن حجاج زبیدی»، «یزید بن حرث»، «عبدالله بن مسلم»، «عمروبن حریث»، «عمّاره بن عقبه»، «عمر سعد» و «مسلم بن عمروباهلی»، اشراف و افراد سرشناس کوفه بودند که می‌کوشیدند فضای سیاسی و اجتماعی کوفه و نواحی پیرامون را به نفع بنی امیه تغییر دهند. حکومت بیست ساله امویان در کوفه این شرایط را فراهم ساخت که این افراد در جهت اهداف ناپاک خود پیش بروند و حامیان بیشتری به‌دست آورند. برخی از این افراد به عنوان رئیس قبیله قادر بودند با نیرنگ‌هایی که به کار می‌گرفتند، فضای سیاسی کوفه را برای جلوگیری از خیزش‌ها و قیام‌های شیعیان متشنّج سازند. خوارج کوفه اگرچه در نبرد نهروان سرکوب شدند، اما سیاست‌های غلط امویان موجب گردید دوباره قدرت یابند و آشوب‌هایی را پدید آورند. علاوه بر این‌ها، اشخاصی در کوفه می‌زیستند که تابع شرایط اجتماعی پیش آمده بودند و چون احتمال پیروزی طیفی را می‌دادند، خود را به آن نزدیک می‌کردند؛ اما به محض مشاهده آثار شکست یا قدرت گرفتن و غلبه طرف مخالف، به سرعت صحنه را خالی می‌کردند. این‌ها که درصد مهمی از سکنه کوفه را تشکیل می‌دادند، صرفاً درصدد بودند لقمه نانی به‌دست آورند و امیال خویش را ارضا کنند و در

واقع بنده شکم و شهوت بودند (۲).

درصد کمی از کوفیان، مسیحیان عرب (از بنی تغلب) مسیحیان نجران و نبطی، یهودیان رانده شده از جزیرهٔ العرب در زمان خلیفه دوم و مجوسیان ایرانی بودند.

نظام سیاسی حاکم کوفه

مهم‌ترین مقام اجرایی کوفه، والی بود که از سوی حکومت مرکزی منصوب می‌شد. امیر کوفه علاوه بر اداره این شهر، بر توابع آن نیز نظارت داشت. این نقاط پیرامونی، شهرهای مهمی از ایران بود که توسط لشکر کوفی فتح گردیده و اداره آن‌ها در اختیار والی کوفه بود. عمده خراج این مناطق نیز در شهر کوفه هزینه می‌گشت. قزوین، زنجان، طبرستان، ری، کابل، سیستان و انبار در زمره این نقاط بودند. عبیدالله زیاد با عمر سعد شرط کرد که اگر در جنگ کربلا و نبرد با امام حسین (ع) حضور یابد، به امارت ری برگزیده خواهد شد (۳).

والی کوفه این وظایف را عهده‌دار بود: فرماندهی کلّ قوا و سپاهیان برای پیگیری فتوحات جدید، سرکوبی مخالفان، جمع‌آوری خراج و زکات، عهده‌داری امر قضاوت با تعیین قاضی، مهیا نمودن امور حجّ، اجرای حدود شرعی، امامت جمعه و جماعت.

۱- باقر شریف قریشی، حیاهٔ الامام الحسین (ع)، ج ۲، ص ۴۳۸؛ فتوح البلدان، ص ۲۷۹ و دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۸۸.

۲- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۹۹۶؛ حیاهٔ الامام الحسین، ج ۲، ص ۴۴۱ و ابوعلی عسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۲، ص ۵۷.

۳- فارق محمر فوزی، تاریخ العراق، فی عصور الخلافه العربیه الاسلامیه، ص ۲۲۱.

ص: ۵۱

اولین حکم‌ران کوفه سعد بن ابی وقاص بود که در سال ۱۷ هجری این شهر را بنیان نهاد و بر اداره‌اش اهتمام ورزید. «مغیرهٔ بن شعیر» حاکم بعدی بود که معاویه از وجهه او برای اداره کوفه استفاده کرد. مغیره کوشید تا حدودی به طور مستقل عمل کند و در مقابل برخی خیزش‌های شیعیان دست به کشتارهای شدید و سرکوبی‌های خونین نزد. مغیره تمایلات عثمانی داشت و به همین دلیل از بیعت با حضرت علی (ع) امتناع ورزید (۱).

«عمار یاسر» که مسلمانی معتقد و مبارز و فداکار بود و صحابی صمیمی پیامبر اکرم (ص) به شمار می‌رفت، توسط خلیفه دوم به سمت استاندار کوفه تعیین شد. «عبدالله بن مسعود» نیز صندوق‌دار بیت‌المال گشت. عمار در این مقام بر اساس تعالیم اسلامی رفتار کرد و می‌کوشید با فروتنی، زهد و پارسایی و همچون مردم عادی روزگار بگذراند. او در نود و سه سالگی در جنگ صفین در رکاب حضرت علی (ع) به شهادت رسید. «نعمان بن بشیر انصاری» به عنوان امیر کوفه، روش آرام و ملایمی را در پیش گرفت و تا زمان مرگ معاویه، در این سمت باقی بود. نعمان از حامیان بنی‌امیه بود. «ابوموسی اشعری» را عثمان برای امارت کوفه در نظر گرفت و اگرچه از سوی حضرت علی (ع) در این سمت ابقا گردید، ولی بنای کارشکنی را با آن امام همام نهاد و مردم را از همکاری با امام متقین بازمی‌داشت. در ماجرای حکمیت، وی با حیله‌گری «عمروعاص»، حضرت علی (ع) را از خلافت خلع و فرمانروایی معاویه را تثبیت کرد.

وقتی زیاد بن ابیه که فردی جنگ‌جو، جاه‌طلب و اهل شرارت و فتنه بود، از سوی معاویه به عنوان والی کوفه تعیین شد، به سرکوبی خونین شیعیان دست زد و جمعی از یاران حضرت علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع) را به شهادت رسانید.

فرزندش، عبیدالله که بعد از ناتوانی نعمان بن بشیر در سرکوبی قیام «مسلم بن عقیل»، علاوه بر حکومت بصره، حکمران کوفه نیز گردید، دوازده هزار نفر از شیعیان را دستگیر و محبوس ساخت. قیام فرزند عقیل و فرستاده امام حسین (ع) را درهم کوبید و او و برخی یارانش از جمله «هانی بن عروه» را به شهادت رساند و لشکری را برای مبارزه با حضرت اباعبدالله (ع) به کربلا روانه ساخت و در این رویداد مهم، جنایات بی‌شماری مرتکب گردید.

یکی از سفاک‌ترین والیان کوفه «حجاج بن یوسف ثقفی» است که «عبدالملک مروان» او را به این سمت منصوب کرد. وی با مردم این دیار و اطراف، رفتاری ظالمانه و خشن داشت و موجی از بیم و هراس را بر کوفه حاکم ساخته بود. منابع تاریخی گفته‌اند وی بیش از یکصد هزار نفر را زیر شکنجه به قتل رساند و موقعی که این خون‌خوار به هلاکت رسید، در زندان‌هایش پنجاه هزار مرد و سی هزار زن شرایط بسیار مشقت‌باری را سپری می‌کردند (۲).

منابع درآمد کوفه و کوفیان

خراج شهرهایی چون گرگان (استرآباد)، سیستان، انبار و برخی مناطق آذربایجان، به بیت‌المال کوفه انتقال می‌یافت و پس از تأمین نیازهای عمومی شهر و اهالی آن، مازادش برای حکومت مرکزی ارسال می‌شد، عمده درآمد دولت، از خراج نقاط فتح شده توسط رزمندگان کوفه بود. غیرمسلمان‌ها چون مجوسیان، یهودیان و مسیحیان، سالانه و به‌طور سرانه به حکومت جزیه پرداخت می‌کردند. غنایم منقول نقاط مفتوحه، اموال فرمانروایان و امرای دشمن نیز خزانه امارت کوفه را تشکیل می‌داد. اخذ عوارض بازرگانی از تاجرانی که اجناس و کالاهای گوناگون به کوفه می‌آوردند، به توان مالی حکمران کوفه می‌افزود. این درآمدهای قابل توجه، علاوه بر ارزش اقتصادی، یک نوع اقتدار سیاسی و اجتماعی برای والی این شهر به‌وجود می‌آورد و او از این رهگذر می‌توانست برای مخالفان و دشمنان دردسرهای زیادی فراهم کند. چنان‌که عبیدالله بن زیاد موفق شد با پرداخت رشوه‌های کلان به رؤسای قبایل و اشراف کوفه و نیز افزودن بر عطایای آنان، این افراد را برای نبرد با امام حسین (ع) راضی کند. وقتی «مجمع بن عبدالله عائذی» در کربلا- به نیروهای سیدالشهدا (ع) پیوست، در پاسخ به آن حضرت که اوضاع و احوال کوفیان را جویا گردیده بود،

گفت: بزرگان کوفه که از بخشش‌ها و رشوه‌های فراوان حکومت برخوردار شده‌اند، یکپارچه برای جنگیدن با شما بسیج گردیده‌اند (۳).

مردم کوفه بخشی از منابع مالی خود را از طریق کسب و کار، فعالیت‌های زراعی و دامی، روی آوردن به فنون و صنایع دستی و خدمات اداری و انتظامی در دستگاه حکومت وقت، به‌دست می‌آوردند.

کوفیان مقداری وجوهات نقدی به صورت یک‌جا یا در اقساطی سالانه، با عنوان «عطا» از حکومت دریافت می‌کردند و کمک‌های جنسی که شامل گندم، جو، خرما، روغن و برخی مواد غذایی دیگر بود و «رزق» نامیده می‌شد، به آنان تحویل می‌گردید. حضرت علی (ع) در پرداخت این مقرری، اصل مساوات و عدالت را رعایت می‌نمود و حتی مخالفان را از آن محروم نکرد (۴).

با روی کار آمدن امویان و مروانیان، هنگام پرداخت عطا، مسائل طبقاتی و سیاسی لحاظ گردید و شرط آن میزان تقرّب و وابستگی به دربار بنی‌امیه و سرسپردگی به حکومت مرکزی بود. مخالفان به‌خصوص شیعیان، تهدید به قطع آن شدند و موالی از دریافت آن محروم بودند.

متأسفانه وابستگی کوفیان به این مقرّری و یارانه والی کوفه، یک نقطه ضعف بزرگ را به‌وجود آورد و دستگاه حکومت از آن به عنوان اهرمی در برابر مخالفان خود استفاده کرد. وقتی مسلم بن عقیل همراه یاران خویش قصر عبیدالله زیاد را به محاصره درآورد،

۱- مروج الذهب، مسعودی، ج اول، ص ۷۰۹ و ۷۵۴.

۲- تتمهٔ المنتهی، محدث قمی، ص ۶۴- ۶۰؛ شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۵، الشیعه و الحاکمون، محمد جواد مغنیه، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

۳- تنظیمات جیش العربی الاسلامی فی العصر الاموی، خالد جاسم الجناس، ص ۸۶ و الحیاهٔ الاجتماعیهٔ والاقتصادیهٔ فی الکوفه فی القرن الاول الهجری، ص ۲۲۲- ۲۱۹.

۴- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶.

ص: ۵۲

وی اطرافیان مسلم را در صورت پراکنـده گردیـدن از اطرافش، به افزایش میزان عطا تشویق و در غیر این‌صورت به قطع آن تهـدید نمود. او با همین شیوه، لشکر قابل توجهی را رهسپار کربلا کرد تا با امام حسین (ع) بجنگند (۱).

در روز عاشورا وقتی امام (ع) خواست در بیاناتی، حقایقی را بیان کند و با سپاه دشـمن اتمام حجّت نماید، این افراد با سر و صدا و غوغا سـعی می‌کردند از بیانات حضـرت جلوگیری کنند. سـرانجام حضـرت اباعبدالله رشـته کلام را به دست گرفت و خطاب به آن دنیازدگان فرمود: شـما از روی عصیان به سـخنان من گوش نمی‌دهیـد (و باید همچنین باشد)؛ زیرا آن‌چه را که به شـما داده‌اند، از مال حرام بوده و شکم‌هایتان از حرام انباشته گردیده و این امر بر قلب‌های شما مهر زده است (۲).

امتیازات کوفه در روایات

کوفه را «برج اسـلام» (قبـهٔ الاسـلام) و مردمش را «اهل الاسـلام» وصف نموده‌انـد و درباره سـلحشوران این شـهر گفته‌اند: نیزه خدا، ذخیره ایمان و جمجمه عرب هستند که سنگر مرزی را حفاظت کرده و دیگر مسلمانان را تقویت می‌نمایند (۳).

حضرت علی (ع) فرموده است:

مکه حرم الله، المدینهٔ حرم رسول الله و الکوفه حرمی لا یریدها جبار بحادثه الّا الله؛

مکه حرم خداونـد، مـدینه حرم نبی اکرم و کوفه حرم من است (۴). هیچ سـتمگر جباری اراده بدی درباره‌اش نمی‌کند، مگر این‌که خداونـد متعال هلاـکش می‌نمایـد. و نیز آن امـام پارسایـان می‌فرماینـد: ای کـوفه! تـو را می‌بینم که همچـون چرم عکـاظی کشـیده می‌شـوی و از حوادث زمـانه پایمـال می‌گردی و به انواع بلایـا و مصـایب گرفتـار می‌شوی و من می‌دانم که هیـچ ظـالمی به تو جفا نمی‌کند، مگر آن که خداوند او را به بلایی گرفتار کند یا کشنده‌ای را بر وی مسلّط نماید (۵).

از آن حضرت نقل شده که فرموده‌اند:

کوفه، شهر ما، محل اقامت ما و پایگاه شیعیان ماست.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

سرزمین کوفه به ما علاقه دارد و ما هم آن را دوست می‌داریم؛ سپس چنین دعا کردند: خدایا! بدخواه و دشمن کوفه را به مجازات برسان ۲۶

امیرمؤمنان در تفسیر آیه «و آویناها الی ربوه ذات قرار و معین» (۶) فرموده‌اند: منظور از «ربوه» شهر کوفه، «قرار» مسجد آن و «معین» رودخانه فرات می‌باشد.

«موسی بن بکره» از امام کاظم (ع) و آن حضرت از پدرانش روایت نموده که رسول اکرم (ص) فرمودند:

خداوند از میان شـهرها، چهار شـهر را برگزید و افزود: «والتین و الزیتون و طور سـنین و هذا البلد الامین» (۷). منظور از «تین» مدینه، «زیتون» بیت المقدس، «طور سنین» کوفه و «بلد امین» مکه می‌باشد (۸).

امیرمومنان (ع) کوفه را این‌گونه خطاب قرار داده‌اند:

ای کوفه! چقـدر پـاکیزه‌ای و بوی خوش داری، ولی بسـیاری از اهـل تو خبیثنـد؛ آن کس که از تو خارج شود، همراه گناهان بیرون می‌آید و آن که بر تو وارد گردد، به همت رحمت وارد می‌شود (۹).

به روایت «سـید بن طاووس» امام صادق (ع) کوفه را باغی از باغ‌های بهشت معرفی کرده‌انـد و در پاسـخ مردی که پرسـیده بود کجا منزل تهیه کند، فرموده بودند:

بر تو باد که به عراق بروی و در کوفه ساکن شوی؛ زیرا از چهار سوی آن تا چهار فرسخ دارای برکت است (۱۰).

به فرموده امام شـشم، از فضایل کوفه این است که یک درهم صـدقه در این شـهر، با صد درهم صدقه در نقاط دیگر برابری دارد و

یک رکعت نماز در آن، معادل یکصد رکعت نماز می‌باشد (۱۱).

مسجد بزرگ کوفه

امام باقر (ع) فرموده‌اند:

کوفه سرزمین پاکیزه‌ای است که در آن مقابر پیامبران مرسل و غیر مرسل قرار دارد. فرستادگان الهی در آن منزل داشتند و در این مکان، آن بزرگان خداوند را عبادت کرده‌اند.

از برخی روایات چنین برمی‌آید که هفتاد پیامبر در مسجد کوفه نماز خوانده‌اند. در مسجد کوفه، از تنور نوح آب فوران کرد و در کنار پنجمین ستون مسجد حضرت ابراهیم (ع) نماز خواند. عصای موسی، انگشتر سلیمان و بوته کدوی سبز شده برای یونس نبی در مسجد کوفه بوده است. گویند حضرت ادریس در محل کنونی مسجد سهله، عبادت و خیاطی می‌کرده است (۱۲).

۱- الحیاة الجتماعیه ... ص ۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۷۷ و حیاه الامام الحسین، ج ۲، ص ۴۵۳.

۲- موسوعة الکلمات الامام الحسین (ع)، قم، پژوهشکده باقر العلوم (ع)، ص ۴۳۲.

۳- طبقات الکبری، ابن سعد، ج ۶، ص ۳۷.

۴- الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۶۳.

۵- تاریخ الکوفه، براقی، ص ۶۳.

۶- سوره مؤمنون، آیه ۵۰.

۷- سوره تین، آیات اول تا سوم.

۸- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۹۹، ص ۳۸۳ و معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۳۷۳.

۹- تاریخ الکوفه، ص ۶۰ و ۶۱.

۱۰- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۸۰ و ج ۱۰۰، ص ۳۹۳.

۱۱- تاریخ ابن عساکر، ج ۱، ص ۴۵ و فضل الکوفه و مساجدها، محمد بن جعفر مشهدی، ص ۱۵.

۱۲- بحارالانوار، ج ۹۷، کتاب فرار، باب مسجد السهله و سایر مساجد کوفه.

ص: ۵۳

برخی منابع نوشته‌اند که پیرو شعیب پیامبر در کوفه، در سمت شرقی فرات دفن گردیده است، مورخین عقیده دارند آرامگاه یونس نیز در این شهر می‌باشد (۱)

جبرئیل در کوفه بر نوح فرود آمد و به وی گفت باید به فرمان الهی کشتی بسازد. از حضرت امام رضا (ع) نقل گردیده که فرموده‌اند:

مسجد کوفه خانه حضرت نوح است و اگر شخصی صد بار داخل این مکان مبارک گردد، خداوند او را مشمول صد مغفرت خواهد کرد؛ زیرا دعای حضرت نوح شامل حالش می‌گردد که فرمود: «رب اغفرلی و لوالدی و لمن دخل بیتی مومنا» (۲)

فرزند نوح در محل کنونی کوفه از کوهی بالا رفت تا خود را از عذاب الهی برهاند؛ ولی آن کوه متلاشی شد و به صورت ریگ نرمی در آن بیابان گسترده شد و سرزمین نسبتا وسیعی را که نسبت به اطراف بلندتر بود، تشکیل داد که به نجف مشهور شد (۳)

حضرت ابراهیم (ع) به همراه برادرزاده‌اش حضرت لوط، از کنار فرات پیش رفت تا به کوفه رسید و در محل کنونی مسجد کوفه، کنار پنجمین ستون به نماز ایستاد. به همین دلیل امام صادق (ع) به اصحاب و پیروان خود توصیه کرده‌اند در کنار این ستون دو رکعت نماز بخوانند؛ زیرا آن‌جا مصلای حضرت ابراهیم (ع) بوده است. آن‌گاه آن حضرت از کوفه به کربلا رسید و از این‌جا به سوی محل سکونت «عمالقه» رفت (۴)

از روایات چنین برداشت می‌شود که مسجد جامع یا مسجد اعظم کوفه، از لحاظ قدمت و قداست، سابقه‌ای طولانی دارد. «سید بحرالعلوم» با استفاده از حدیثی نوشته است که حضرت آدم طرح آن را ریخته و نیز پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

در شب معراج در حالی که سوار بر براق بودم، جبرئیل مرا همراهی می‌کرد. از مسجد کوفه عبور کردم که جبرئیل گفت: ای محمد! این‌جا کوفه و آن هم مسجد کوفه است؛ فرود آی و در این محل نماز بخوان. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: فرود آمدم و نماز خواندم؛ در این حال فرشته الهی گفت آگاه باش که این مسجد را بیست بار ویران و بیست بار آباد دیده‌ام!

امام صادق (ع) فرموده‌اند: انتهای مسجد کوفه، آخر سراجین است که حضرت آدم آن را ساخت و من اکراه دارم سواره وارد آن شوم. از ایشان پرسیدند چه کسی نقشه‌اش را تغییر داد؛ فرمود: توفان نوح آن را دگرگون ساخت؛ سپس اصحاب «کسری» و «نعمان بن منذر» و بعد از آن، «زیاد بن ابیه» باعث دگرگونی آن شدند (۵)

سعد وقاص هنگام بنیان‌گذاری کوفه، نخست طرح بنای مسجد کوفه را ریخت و این مکان مقدس و مبارک را در کانون اصلی و مرکزی شهر قرار داد؛ به‌گونه‌ای که محلات، بخش‌ها و اجزای شهر در بافتی یگانه با مسجد پیوندی تنگاتنگ داشتند و بافت شهری کوفه، هویت معنوی خود را از این مکان می‌گرفت. از آن زمان، تحولات و تعمیرات گوناگونی در این مسجد به‌وجود آمد.

«ابن جبیر» سیاح قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری که آن را از نزدیک دیده، می‌نویسد:

در این مکان محرابی دیده می‌شود که از کف رواق بالاتر است؛ چنان‌که گویی خود مسجد کوچکی است که همان محراب امیرالمومنین (ع) می‌باشد و در همان جایگاه بود که ملعون شقاوت پیشه «عبدالرحمن ابن ملجم مرادی» «حضرت را به شهادت رساند (۶)

مسجد کوفه از تمامی مساجد جهان اسلام، به جز مسجد الحرام، قدیمی‌تر است وحتی پیش از خلقت آدم، خداوند به آن برکت داده و طی قرون متوالی محل عبادت پیامبران، اولیا و اوصیای الهی و انسان‌های پارسا و پرهیزکار بوده است. در اهمیت آن همین بس که طبق فقه شیعه، مانند مسجدالحرام و مسجدالنبی نماز مسافر در آن کامل ادا می‌گردد و یک رکعت نماز در آن، پاداش هزار رکعت نماز در دیگر اماکن عبادی را دارد.

امام صادق (ع) مسجد کوفه را برتر از بیت المقدس و با فضیلت‌تر از آن معرفی کرده و فرموده‌اند: حتی نشستن در این مکان، بدون

نماز و دعا، عبادت است.

«اصبغ بن نباته» روایت کرده است: روزی در مسجد کوفه در محضر امیرالمومنین بودیم که آن حضرت فرمود:

ای کوفیان! خداوند متعال چیزی به شما عطا کرده که تاکنون به هیچ کس نداده و عبادتگاه شما را بر سایر مراکز عبادی برتری داده است و آن، خانه حضرت آدم، نوح، ادریس، عبادتگاه ابراهیم خلیل و مصلّای برادرم خضر است. مسجد شما یکی از چهار مسجد بافضیلت است که خداوند آن را برای اهلش برگزیده و کس که در آن نماز گزارده، شفاعتی می‌کند که ردّ نمی‌شود. روزی فرا خواهد رسید که آن‌جا عبادتگاه و مصلای فرزندم حضرت مهدی (عج) و مؤمنان خواهد گردید و هیچ فرد باایمانی بر روی زمین باقی نمی‌ماند که یا در مسجد کوفه نماز خوانده یا در آرزوی آن است که این‌جا نماز بگزارد. این مسجد را ترک نکنید و با اقامه نماز در آن، به سوی خداوند متعال تقرب جویید و به منظور برآوردن حاجت‌های خود تضرّع نمایید (۷)

به نقل از «ابوحمزه ثمالی» امام باقر (ع) فرموده‌اند:

۱- آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر، سید عبدالرزاق کمونه حسینی، ترجمه عبدالعلی صاحبی، ص ۲۵۶.

۲- سوره نوح، آیه ۲۹.

۳- تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم، حسین عماد زاده، ص ۲۱۳.

۴- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵ و اعلام قرآن، محمد خزائلی، ص ۲۳۹.

۵- فضل الکوفه و مساجدها، ص ۲۹- ۲۷.

۶- سفرنامه ابن جبیر، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۷- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ۳۸۹ و ۳۹۰.

ص: ۵۴

اقامه نماز واجب در مسجد کوفه، معادل یک حجّ مقبول و به جای آوردن نماز مستحبی در آن، هم‌وزن یک عمره پذیرفته شده می‌باشد (۱)

«محمد بن سنان» می‌گوید: از حضرت امام رضا (ع) شنیدم که فرمود:

نماز فرادا در مسجد کوفه از هفتاد نماز جماعت در دیگر مساجد فضیلت افزون‌تر دارد (۲)

تعداد نمازهای مستحبی زیارت مسجد کوفه به هفتاد رکعت می‌رسد و طبق مفاد روایات، انسان باید از باب الفیل وارد مسجد گردد.

مساجد کوفه

بعد از مسجد کبیر کوفه، مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن قلمرو نمی‌باشد. این مکان مبارک و مقدس در سه کیلومتری مسجد اعظم کوفه و در شمال غربی آن واقع است. در سبب نام‌گذاری آن، چندین مورد را برشمرده‌اند: یکی این که در سرزمینی هموار و با خاکی نرم واقع گردیده است. دیگر آن‌که شخصی به نام سهیل بر بنای آن اهتمام ورزیده و رفته رفته نام او به سهل بدل یافته است. مسجد سهله در آغاز به «مسجد بنی ظفر» مشهور بوده و نیز به آن «مسجد برّی» و «مسجد القری» هم گفته‌اند.

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

وقتی وارد کوفه شدی، به مسجد سهله برو که محل اقامت و خیاطی ادریس نبی بوده و او در آن نماز می‌خواند. اگر کسی در آن به آن‌چه می‌خواهد دعا کند، خواسته‌های وی برآورده می‌شود و خداوند در روز رستاخیز مقام بزرگی همچون منزلت ادریس به وی عنایت می‌کند و از ناهمواری‌های دنیا و نیرنگ‌های دشمنان مصون می‌ماند (۳).

مسجد سهله تنها مکانی است که به اسناد معتبر، آن را به امام مهدی (عج) نسبت داده‌اند و بسیاری از تشرفات عصر غیبت کبری به حضور ایشان، در این مسجد اتفاق افتاده است و برخی روایات تصریح نموده‌اند که مسجد سهله، محل اقامت حضرت قائم خواهد بود.

همچنین زید بن صوحان با انگیزه‌ای پاک و خالصانه در جنوب مسجد سهله مسجدی ساخت که از جمله اماکن مبارک و عبادی کوفه به شمار می‌آید و به نام خودش معروف است. «زید» از اصحاب خاص حضرت علی (ع) بود که در جنگ نهاوند یکی از دستانش قطع گردید و به افتخار جانبازی در جهاد نایل آمد؛ با این وجود در جنگ جمل و در رکاب حضرت علی (ع) به نبرد با ناکثین پرداخت و در این جنگ شهید شد.

برادر زید، یعنی «صعصعهٔ بن صوحان» که از اصحاب خاص امیرالمومنین است، در کوفه مسجدی ساخت که شایسته است در آن دو رکعت نماز خواند.

مسجد حنانه، مسجد حمراء معروف به مسجد حضرت یونس، مسجد جعفر و مسجد بنی‌کاهل از دیگر مساجد کوفه است. برای این مساجد نیز فضایل و مقاماتی ذکر گردیده و عبادات و دعا در آن‌ها سفارش شده است (۴).

در کوفه مساجد دیگری وجود دارد که به اماکن ملعونه معروفند و اگرچه اکنون آثاری از آن‌ها دیده نمی‌شود، ولی باید از سازندگان این بناها بیزاری جست. این مکان‌ها عبارتند از: «مسجد ثقیف» که «مغیرهٔ بن شعبه ثقفی» آن را ساخت. وی از مخالفان اهل بیت و جاعل حدیث است. «مسجد اشعث بن قیس کندی» که به نشانه خصومت با حضرت علی (ع) آن را ساخت. «مسجد جریر بن عبدالله بجلی» و او کسی است که دشمنی خود را نسبت به حضرت علی (ع) بروز داد. «مسجد سماک بن مخزمه هالکی اسدی» که از حضرت علی فاصله گرفت. «مسجد شیث بن ربعی» که به نشانه مسرور گردیدن از کشته شدن امام حسین (ع) آن را ساخت (۵). محدث قمی در «منتهی الآمال» درباره این مساجد مطالبی آورده است.

۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق ص ۷۳ و ۷۴.

۲- کافی، ج ۳، ص ۲۹۰؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۱.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۴.

۴- ر. ک: بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۸- ۴۴۶ و فضل الکوفه و مساجدها، ص ۱۹- ۱۷.

۵- تاریخ الکوفه، ص ۶۷ و ۶۸.

ص: ۵۵

ص: ۵۶

تل زینبیه و حضرت زینب سلام الله علیها

نگاهی به شخصیت حضرت زینب (سلام الله علیها)

دُخت فاضله امام علی بن ابی‌طالب (ع)، بانوی جلیل القدر، عقیله الهاشمیین، زینب کبری (س) منزلتی بزرگ و جایگاهی متمایز دارد. او از زمره زنان عالمه، عابده، زاهده و عفیفه‌ای است که موفّق به دیدار چهار تن از امامان علیهم السّلام گردید. شخصیت ممتاز او موجب شد تا امام علی (ع) عنایتی فراوان و متفاوت از سایر دخترانش به وی داشته باشد.

یحیای مازِنی گوید:

من روزگاری دراز در مدینه و در جوار امیرالمؤمنین زندگی می‌کردم و خانه‌ام نزدیک خانه دخترشان زینب بود؛ ولی به خدا سوگند، نه قد و بالایی از او دیدم و نه صدایی از او شنیدم. هر زمان که می‌خواست به زیارت مزار جدّش رسول خدا برود، شب هنگام از خانه خارج می شد و این در حالی بود که حسن در جانب راستش و حسین در جانب چپش و امیرالمؤمنین پیشاپیش او حرکت می‌کردند و زمانی که به قبر شریف رسول خدا نزدیک می‌شدند، امیرالمؤمنین جلوتر می‌رفتند و چراغ قندیل‌های آن‌جا را خاموش می‌کردند. یک بار حسن (ع) از علّت این کار پرسید و ایشان در پاسخ فرمود: می‌ترسم کسی به قامت خواهرت زینب نگاه کند.

زینب کبری (س) نزد برادران خویش، به‌ویژه امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نیز مقامی ارجمند داشت. آنان نسبت به وی بسیار رئوف و مهربان بودند و او را بسیار تکریم می‌کردند. برخی روایت کرده‌اند هنگامی که امام حسن (ع) مسموم شد و حالشان منقلب گشت و در تشتی که پیش روی ایشان گذاشته بودند، خون بالا می‌آوردند، همین که شنیدند خواهرشان زینب (س) پس از آگاهی از واقعه، سرآسیمه برای پی‌جویی حالشان آمده‌اند، در همان حال، از سرِ رأفتی که به خواهرشان داشتند، فرمان دادند تا آن تشت را بردارند و پنهان کنند.

نیز هنگامی که او به زیارت برادرش امام حسین (ع) می‌رفت، حضرت از سر تکریم و بزرگداشت، پیش پایش برمی‌خاست و وی را بر جای خویش می‌نشاند و این نشان از مقام والای زینب (س) نزد برادرش امام حسین (ع) است. (۱)

زینب کبری (س) بعدها برای ایفای رسالتی عظیم انتخاب شد و با این‌که پیشاپیش به تمام دشواری‌ها و محنت‌های آن آگاهی یافته بود، با صبری زیبا، ایمانی نیرومند و اخلاصی کامل، با آن مصائب و رنج‌ها مواجه شد و با بینایی کامل، رسالت خویش را به انجام رساند. آری، وی در نهضت امام حسین (ع) و مصیبت‌ها و رنج‌هایی که بر ایشان رفت، شرکت جست و از آن پس، پیام‌آور آن نهضت خون‌بار و عظیم تاریخی شد. خطابه‌های شجاعانه او در واقعه عاشورا و نیز در کوفه و شام، فراموش ناشدنی است، این همان حقیقتی بود که رسول خدا (ص) سال‌ها پیش، از آن خبر داده بود و می‌دانست که زینب کبری (س) نزد خداوند مقامی ارجمند خواهد یافت.

در حدیثی منسوب به پیامبر اکرم (ص) آمده است که ایشان در ولادت زینب (س) گریست. فاطمه زهرا (س) به ایشان عرض کرد: پدر جان! چرا گریه می‌کنی؟! خداوند چشمت را گریان نسازد! رسول خدا (ص) فرمود: «ای فاطمه! بدان که پس از من و تو، باران مصیبت‌ها و شدائد بر سر این دختر خواهد بارید». (۲)

به گفته برخی مورّخان و سیره‌نویسان، عقیله بنی‌هاشم، زینب کبری (س) در سال ۶۲ هجری و به گفته برخی دیگر، در سال ۶۵ هجری چشم از جهان فرو بست. درباره محلّ وفات و مدفن آن حضرت سه روایت وجود دارد:

برخی معتقدند ایشان پس از آن‌که با کاروان اسیران، از شام به مدینه بازگشت، در آن‌جا وفات یافت و پیکر مطهّرش نیز در

همان‌جا به خاک سپرده شد. برای نمونه، میرزا عبّاس قلی خان مستوفی در کتاب خود به نام «الطِّراز المُذَهَّب» تصریح می کند که از نظر او، صحیح آن است که جناب زینب (س) پس از بازگشت از شام به مدینه منوّره، در همان جا از دنیا رفت و در همان جا نیز دفن شد. او در ادامه می گوید: و نمی‌دانم که چه زمانی وفات یافته است. (۳)

برخی دیگر معتقدند که ایشان در سرزمین شام چشم از جهان فرو بست و در همان‌جا نیز به خاک سپرده شد. میرزا عبّاس قلی خان مستوفی، این دیدگاه را در کتاب خود از کتاب «بحر الأنساب» روایت می کند و شیخ جعفر نقدی نیز در کتابش به نام «زینب الکبری» سخن او را چنین بازگو می کند:

گفته شده که او در یکی از قُرای شام وفات یافت. این قول در کتاب «الطّراز المذّهب» نیز به یکی از متأخّرین نسبت داده شده است؛ دیدگاه مزبور اصرار دارد که دلیل بازگشت او به شام و وفاتش در آن‌جا، داستان همان قحطی‌ای است که دامن‌گیر اهل مدینه گردید و سبب شد که وی با همسر خود عبدالله بن جعفر به شام مهاجرت کند و در همان‌جا نیز بدرود حیات گوید.

این دیدگاه قابل دفاع نیست؛ چرا که از این داستان هیچ اثری در کتب تاریخ، سیره‌ها، انساب و سرگذشتنامه‌ها نیست و موشکافان اخبار اهل بیت علیهم السّلام همچون کلینی، صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، ابن شهرآشوب، طبرسی، ابن فتّال، علّامه حلّی، ابن طاووس، وزیر اربلّی، مجلسی و دیگران، که درباره خاندان رسالت کتاب تألیف کرده‌اند نیز ذکری از آن به میان نیاورده‌اند؛ به ویژه، علّامه مجلسی که به گردآوری آثار اهل بیت علیهم السّلام از اقصا نقاط جهان اسلام پرداخت و در نتیجه، کتابخانه‌ای مشتمل بر هزاران کتاب منحصر به فرد پدید آورد و بر محتوای آنها اطّلاع یافت و در احاطه به سِیَر و آثار و اخبار اهل‌بیت رسالت علیهم السّلام چهره‌ای بارز گردید. (۴)

برخی دیگر چون ابوالحسین یحیی بن حسن عُبَیدُلی نسّابه (متوفّای ۲۷۷ هجری) در کتابش به نام «أخبارالزّینبیات» می گوید:

۱- الشّیخ جعفر النّقدی، زینب الکبری، ص ۲۲.

۲- الشّیخ باقر شریف القُرَشی، السّیدهٔ زینب رائدهٔ الجهاد، ص ۲۰۰.

۳- السّید جعفر آل بحر العلوم الطّباطبائی، تحفهٔ العالِم فی شرح خطبهٔ المعالِم، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴- زینب الکبری، ص ۱۲۰.

ص: ۵۷

زینب کبری (س) پس از آن که از اسارت بنی‌امیه به مـدینه آمد، شـروع به تحریک مردم علیه یزید بن معاویه نمود. عمرو بن سـعید أشـدق که والی مـدینه بود، از ترس آن‌که زمام امور را از دست بدهـد، نامه‌ای به یزیـد بن معاویه نوشت و او را از این جریان باخبر کرد. یزیـد نیز در نامه‌ای، به وی فرمان داد که میان زینب (س) و مردم جـدایی بینـدازد. لـذا والی مـدینه فرمان داد تا حضـرت را از مدینه اخراج کنند و البتّه او را برای رفتن به هر جای دیگری آزاد گذاشت.

حضـرت زینب و جمعی از همراهـان در آخر مـاه ذی‌حجّه وارد مصـر شدنـد و مسـلمهٔ بن مخلـد انصاری که والی آن سامان بود، به همراه گروهی به اسـتقبال ایشان رفت. وی حضرت را در خانه خویش که در منطقه «حَمراءِ قُصوا» قرار داشت فرود آورد و در همان جا اسکان داد. زینب کبری (س) یازده ماه و پانزده روز در آن‌جا اقامت داشت و در شبِ شنبه، پانزدهم رجب سال ۶۲ هجری چشم از جهان فرو بست و پیکر مطهّر او در همان اتاق محلّ سکونتش به خاک سپرده شد. (۱)

آن‌چه این دیدگاه را پذیرفتنی می‌کند، سخن شیخ جعفر نقدی است. وی در کتابش از ابوعبدالله محمّد کوهینی فاسی اندلسی سیاح چنین نقل می‌کنـد که وی در ۱۴ محرّم سال ۳۶۹ هجری، در همان دوره‌ای که ابونصـر، نَزار بن المُعزُّ لِدین الله، ابوتمیم مَعد فاطمی خلافت می‌کرد، وارد قـاهره شـد و به زیـارت اماکن متبرّکه‌ای رفته که یکی از آنها حرم زینب کبری (س)، دختر علی بن ابی‌طالب (ع) بوده است. (۲)

بـا تأمّل و بررسـی تمـام ایـن روایـات، معلوم می‌شـود دیـدگاه اخیر که مبتنی بر روایت یحیی بن حسن عُبَیـدُلی است، قـدیمی‌ترین آنهـاست. بـا این حـال، آن‌چه اهمّیت دارد این است که بارگاه‌های نورانی خانـدان رسالت، هر چنـد که در اماکن و انتساب آنها به صاحبانشان اختلاف نظر باشد، پیوسته باقی خواهند ماند تا زیارتگاه تمام عاشقان و شیعیان این خاندان پاک باشند.

تَلِّ زینبیه

این مقـام که بر روی یـک بلنـدی به نـام «تَلِّ زینبیه» قرار گرفته، در سـمت جنوب غربی صـحن امـام حسـین (ع) و نزدیـک یکی از درهای حرم مطهّر، به نام «باب الزّینبیه» است و فاصلـه آن تا صحن شریف حسینی ۱۵۰ قدم (۳) (حدود ۳۲ متر) است. گفته می‌شود که این تَلّ در روز عـاشورا، مُشـرف بر قتلگاه شـهیدان بوده و عقیله بنی‌هاشم زینب کبری (س) از فراز این بلنـدی، از حال برادرش امام حسـین (ع) مطّلع می‌شده و بر وضـعیت جنگ و حوادث آن اشـراف می یافت؛ به همین سـبب، این زیارتگاه تبرّکاً به همین نام، یعنی «تَلّ» نامیده شد.

مرحوم شیخ محمّد سَماوی در شعری به زبان عربی از این مزار یاد کرده که ترجمه دو بیتش چنین است:

و آن، ج--- ایی است بلنـد در یـک بلنـدی که بر قتلگـاه، مُش--- رف بوده است؛ گفته می‌شود که زینبِ عقیله، بـدان جا آمـده، نگرانِ نواده پیامبر بوده یا بدان پناه جست. (۴)

خطیبِ شاعر، شیخ هادی شیخ صالح خَفاجی نیز ابیاتی به عربی سروده که ترجمه آن چنین است:

رواس---- ت ک-- ه ه---- ر چش-- می بگرید؛ ب-- ا ن-- وح---- ه‌ها و نال--- ه‌ه-- ا

ب--- رای حس---- ین ن--- واده ط-- ه؛ ک-- ه او ج----- نّ و ان--- س را گ-- ریان---- د

ای زائر نواده مصطف-- ی که هدایتگ-- ر ب--- ود و امین

تو بر ت--- ربت سرزمینی ایستاده‌ای که حس--- ین را در آن ذبح کردن-- د

در آن ب--- ایس-- ت و ب---- ر حسین گریه کن؛ ب--- ا فری---- اد و ش--- یون و آه

مص---- یبت او ک-- وه‌ها را ت-- کان داد؛ و ج----- نّ و ان--- س را آب ک-- رد

ای---- نج--- ا ب--- ود که او به روی در اف-- تاد؛ و نچش---- ید آب گ-- وارا را

گرداگرد او خاندانش قربانی شدند؛ هم از زخم خنجر و هم از زخم نیزه

این‌جا بود که افتاد آن کَس؛ که محاسنش خونین شد و رگ‌هایش بریده

و ای-- ن ج--- ا ب--- ود که زین--- ب ندا داد؛ ای ف--- رزند مادرم! ای حس----- ین!

ای--- ن ق--- وم بر ما هجوم آوردند؛ که هم بدبخ--- ت بودند و هم ملع--- ون

اگ-------- ر زن------- ده‌ای نجات----- مان بده؛ از س---- رک----- شانی مش--- رک

که آتش زدن-- د خیمه‌ها را و گریاندند؛ تمام چش-- م‌های فرزندانتان را (۵)

همچنین هاشم رضوی در کتاب «راهیان کربلا» می گوید:

پس از آن‌که خیمه گاه را زیارت کردیم، با تلّ زینبیه مواجه شدیم و این تلّ، یک بلندی است که جناب زینب کبری (ع) بر آن می‌ایستاد و حوادث روز عاشورا را نظاره می کرد. (۶)

این مقام عبارت است از پنجره‌ای کوچک و از جنس بُرُنزِ زرد که بر دیوار خانه‌ای نصب شده است و از سال ۱۳۰۰ هجری قمری در ملکیت مرحوم سید عبدالرّضا آل طعمه بوده است. بر فراز این پنجره، ابیاتی به زبان فارسی بر روی کاشی نقش بسته و بالای آن، سنگ‌های کاشی بسیار زیبایی است که بر آنها، نقش و نگارهایی با آب طلا نقش گردیده و سپس واقعه عاشورا به تصویر کشیده شده

۱- أبوالحسین یحیی بن الحسن العُبَیدُلی، أخبار الزّینبیات، ص ص ۱۱۸- ۱۲۱.

۲- زینب الکبری، ص ۱۲۰- ۱۲۲

۳- حسین عماد زاده، تاریخ و جغرافیای کربلای مُعَلّی، ص ۱۷۸.

۴- الشّیخ محمّد السّماوی، مجالی اللّطف بأرض الطّف، ص ۵۹.

۵- دیوان الشّیخ هادی الشّیخ صالح الخَفاجی، نسخه خطّی.

۶- کربلا رفته‌ها، هارون و هومن، ص ۳۸۶، به نقل از کتاب راهیان کربلا.

ص: ۵۸

است. این نماد در دهه سوم قرن پیش، ساخته شده و گفته می‌شود که خطیبِ مرحوم، شیخ محمّد واعظ یزدی متوفّای سال ۱۳۳۷ قمری نیز متصدّی ساخت این مقام بوده است. (۱)

پنجره تلّ در سال ۱۳۳۹ قمری توسّط مرحوم عبدالحسین جعفر تعویض و نوسازی شده است. کاشی‌کاری آن نیز به‌دست مرحوم حاج رضا کاشی‌کار و پس از او، فرزندش عبدالمجید کاشی کار انجام گرفته‌است.

این مقام برای بار دوم در سال ۱۳۹۹ قمری با تلاش مرحوم حاج عبّاس حاج علی وکیل بازسازی شد. مرحوم حاج عبّاس، خانه مذکور را از مالکش خرید و ساختمان مقام را تبدیل به بنایی چشم‌گیر به مساحت هشت متر در هشت مترکرد.

سومین و آخرین بازسازی مقام نیز در رجب سال ۱۴۲۰ قمری به پایان رسید. این بازسازی به دست سید ناصر سید راضی شُبّر و با نظارت مهندس عبدالمنعم عبدالأمیر کربلائی انجام گرفت. در آخرین نوبت بازسازی، گرداگرد مقام، دیوار کوتاهی مزین به کاشی کربلایی نگارین و دارای کتیبه ساخته شد و بر روی آن نرده‌هایی فلزّی نصب گردید و بدین ترتیب بر مساحت مقام افزوده شد؛ به گونه‌ای که اکنون مساحت ورودی مقام به اضافه رواق و کفشداری جمعاً ۷۰ متر مربّع و مساحت کلّی آن ۱۵۰ متر مربّع است.

ورودی این زیارتگاه دری چوبی است که به شکلی بدیع بر روی آن کار شده و اطراف چهارچوب آن، آجرنماست و بالای آن نیز کتیبه‌ای حاوی آیاتی از قرآن به خطّ ثلث نصب شده است.

بر بالای این مقام، یک گنبد فیروزه‌ای منتظم و مستحکم قرار گرفته که پوششی سنگی دارد و دیواره‌های آن با کاشی کربلایی مزین شده است. بر بالای جانب راست آن نیز کتیبه‌ای است که در آن، آیاتی از قرآن بر کاشی نقش بسته است. این مقام، زیرزمینی دارد که در نخستین بازسازی ایجاد شده و در بازسازی دوم توسعه یافته است. درِ پشتی این زیرزمین به اتاقی منتهی می‌گردد که از آن برای نگه‌داری فرش‌ها، چراغ‌ها، هدایا و نذورات زائران استفاده می‌شود.

مؤلّف کتاب «راهیان کربلا» در بیان مشاهدات خود از این مقام می نویسد:

امروزه بر روی این تلّ، بقعه‌ای است با گنبدی مجلّل که زوّار در آن به اقامه نماز و زیارت و دعا می‌پردازند و ادای تحیت می‌کنند. برای ورود به این مقام باید از ده پلّه بالا رفت؛ پلّه‌هایی طولانی به درازای ۱۰ متر و هر یک به ارتفاع ۲۵ سانتی‌متر. این مکان مقدّس در فاصله ۱۰۰ متری خیمه‌گاه حسینی قرار دارد. (۲)

متولّیان پیشین اداره این مقام به قرار زیر بوده‌اند:

ابتدا سید ابوالقاسم حائری یزدی، سپس شیخ صالحِ کِشوانِ اسدی و بعد از او فرزندش حاج عبدالأمیر و اکنون نیز فرزند حاج عبد الأمیر به نام حاج سَعد، اداره این بقعه متبرّک را بر عهده دارد و کارکنانی از سوی هیئت امنای آستانه مقدّسه حسینی نیز او را یاری می‌کنند.

سنه ۱۴۲۰ قمری که تاریخ سومین و آخرین تجدید بنای این مقام است را شاعر کربلایی، حاج محمّد علی حسینِ حَلّاق در بیت زیر، به حساب ابجَد، ثبت نموده است:

لَهفِي على أُمِّ المَصائِبِ أَرِّخُوا* رَوضُ المَقامِ بِلُطفِ زَينَب جُدِّدا (۳)

۱- شیخ محمّد کلباسی حائری، تاریخ کربلا، ص ۱۴۹.

۲- کربلا رفته‌ها، هارون و هومن، ص ۳۸۶، به نقل از کتاب راهیان کربلا.

۳- دیوان الشّیخ محمّد علی الحلّاق، نسخه خطّی.

ص: ۵۹

ستارگان حرم کاظمین

در دو شـماره پیشـین، به زنـدگی چند تن از سـتارگان حرم علوی و حسـینی پرداختیم. اکنون برآنیم تا شـرح حال چند تن از فقها و علمایی را مرور کنیم که در حرم مطهر امام موسی کاظم و امام محمد تقی (علیهماالسلام) در شهر کاظمین مدفونند.

جعفر بن محمد قولویه قمی

در سال ۲۹۰ هجری در شـهر قم متولـد شـد و یکی از محدثان قرن چهارم هجری است. پدرش محمد بن موسـی نیز از محدثان بنام آن شهر به شمار میآمد (۱). جعفر نخست علوم حدیث را از محضر سعد بن عبدالله اشعری قمی آموخت و سپس به شهرهای کوفه و بغـداد که در آن عصـر مرکز علوم فقه و حـدیث و کلام بود، سـفر کرد و از محضـر علمی محـدثان بسـیاری، از جمله: شـیخ کلینی، احمـد بن ادریس قمی و علی بن حسـین بن بـابویه (پـدر شـیخ صـدوق) بهرههـای فراوان برد. آنگاه خود در ردیف اسـتادان فقه و حدیث قرار گرفت و فقهایی مانند: شیخ صدوق، شیخ مفید، هارون بن موسی تلعکبری و ابن غضائری و دیگران را تربیت نمود (۲). مقام و منزلت این محدث و فقیه بزرگ در میان اندیشـمندان و فقهای شـیعه بر کسـی پوشـیده نیست (۳). جعفر بن محمـد در فقه و حدیث، سـرآمد علمای عصـر خویش به شمار میرفت و در این دو رشته تألیفاتی هم از خود به یادگار گذاشت که معروفترین آنها کتاب ارزشمند «کامل الزیارات» است (۴).

او در این اثر مانـدگار، به اهمیت و ثـواب و آثـار زیـارت قبور پیـامبران، امامـان و اولیـای الهی در ۱۰۶ بـاب پرداخته است (۵). این کتاب به همت علامه امینی، «صاحب الغدیر»، در ۳۳۷ صفحه به زیور چاپ مزین شد و در اختیار علاقهمندان قرار گرفت.

در تاریخ معروف اسـت که فرقه گمراه قرامطه، در آشـوبی به سـال ۳۱۷ هجری حجرالاـسود را از مکه به سـرزمین هجر بردنـد و به مدت ۲۲ سـال در آنجا نگه داشـتند و چون در سال ۳۳۹ هجری خواسـتند تـا آن را بازگردانند و در بیت الله الحرام در جـای خود نصب کننـد، جعفر بن محمـد قولویه که بنـابر اعتقـادات شـیعه میـدانست نصب حجر الاـسود فقـط به دست مبارك امام زمان (عـج) امکان پـذیر است، تصـمیم گرفت تا به مکه سـفر کند و در این مراسم به زیارت حضـرت حجت (عج) مشـرف شود. پس به عشق و شوق این دیدار راهی سـفر حج شد؛ ولی در میان راه، در شـهر بغداد سخت بیمار گشت و نتوانست به راه خود ادامه بدهد. به ناچار فردی به نـام ابن هشـام را نـایب گرفت تـا در این مراسم حاضـر شود و به نیابت از او با حضـرت دیـدار کنـد و در ضـمن نامهای نیز نوشت تا به حضـرت تقدیم دارد و در آن نامه دو سؤال از امام پرسـید: اول اینکه آیا از این بیماری نجات پیدا میکند، و دوم اینکه مـدت عمر من چنـد سـال خواهـد بود. ابنهشـام بـا شـتاب خود را به مکه رسانـد و شاهـد نصب حجرالاـسود به دست مبـارك امام دوازدهم حضـرت حجت (عج) شد و نامه را به امام رساند. حضرت بدون اینکه نامه را بخواند، در جواب فرمود: به ابن قولویه بگو که از ناحیه این بیماری نگران مباش و مدت عمر تو از این به بعد سی سال خواهد بود (۶).

این محـدث و فقیه بزرگ، پس از این ماجرا، درست سـی سال زندگی کرد و در سال ۳۶۹ هجری قمری چشم از جهان فرو بست و در پایین پای مرقد نورانی امام هفتم و نهم در رواق شرقی حرم آرام گرفت (۷).

شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان، معروف به «شیخ مفید» در یازدهم ذیقعده ۳۳۶ هجری در عکبرای بغداد دیده به جهان گشود (۸). کلام را نزد ابن جنید اسـکافی، ابو یاسـر و علی بن عیسی رمانی (عالم سنی) فرا گرفت و فقه و حدیث را از محضر ابن قولویه و ابن حمزه و شـیخ صـدوق آموخت و در مباحثهای که میان او و اسـتادش علی بن عیسـی رمانی رخ داد و بر اسـتاد چیره گشت، از سوی اسـتاد ملقب به «شیخ مفید» شد. در نهایت به کرسی تعلیم و تربیت و تحقیق تکیه زد و مرجعیت دینی شیعیان را نیز عهدهدار شد (۹).

شبی شیخ مفید در خواب دید که حضرت فاطمه (س) دخت پیامبر (ص) دست امام حسن و امام حسین (علیهماالسلام) را گرفته و خطاب به او فرمود: ای شیخ! به این دو درس فقه بیاموز! شیخ از خواب بیدار شد و حیرت سراپای وجودش را فرا گرفته بود و عجله میکرد تا از تعبیر آن آگاه شود. همان روز هنگامی که در درس حاضر شد، مادر سید مرتضی و سید رضی را دید که به همراه دو فرزندش به حضور شیخ آمدند. مادر از شیخ درخواست کرد تا تعلیم و تربیت پسرانش را بر عهده بگیرد، و شیخ نیز با کمال اشتیاق این مسئولیت را پذیرفت. این دو سید نوجوان در حوزه درس شیخ مفید تربیت شدند و در ردیف فقهای عصر خویش قرار گرفتند (۱۰).

روزی شیخ مفید در جواب سؤال فردی، فتوایی صادر کرد که پس از چند روز دریافت این فتوا اشتباه بوده است و فهمید که اشتباه وی طی پیغامی از سوی حضرت ولی عصر (عج) به آن فرد سؤال کننده، جبران شده است؛ ولی تصمیم گرفت تا دیگر فتوایی ندهد. در

۱- مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ج ۶، ص ۱۲۱.

۲- سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.

۳- رجال نجاشی، ص ۱۲۳.

۴- قهپایی، مجمع الرجال، ج ۲، ص ۴۱.

۵- اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۵.

۶- شیخ عباس قمی، فوائد الرضویه، ص ۷۹.

۷- همان، ص ۷۸ و اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۴) جهت آگاهی بیشتر از شرح حال وی ر. ک به: گلشن ابرار، ج ۸.

۸- رجال نجاشی، ص ۴۰۲.

۹- فوائد الرضویه، ص ۲- ۶۳۱.

۱۰- علامه امینی، الغدیر، ج ۴، ص ۱۸۴.

ص: ۶۰

این هنگام حضرت در نامهای خطاب به شیخ نوشت: «بر شماست که فتوا بدهید و بر ماست که شما را یاری کنیم و از خطا حراست نماییم» (۱).

علاوه بر سید مرتضی و سید رضی، شیخ طوسی، نجاشی و سلار دیلمی از شاگردان وی به شمار میآیند. شیخ مفید در فقه، اصول، کلام، حدیث، اخلاق و تاریخ، تالیفات گران‌سنگی دارد. نجاشی در کتاب خود، برای استادش دویست اثر برمی‌شمارد (۲)

شیخ مفید پس از سال‌ها تلاش و کوشش در ۷۶ سالگی چشم از جهان فرو بست و شاگردش سید شریف مرتضی بر پیکرش نماز خواند و در خانهاش واقع در محله «درب الریاح» دفن گردید؛ اما پس از مدتی به کاظمین انتقال یافت و در جوار حرم امام جواد (ع) کنار مرقد استادش ابن قولویه به خاک سپرده شد (۳)

خواجه نصیرالدین طوسی

در هنگام طلوع آفتاب یازدهم جمادی‌الاولی ۵۹۷ هجری در شهر توس به دنیا آمد. قرائت قرآن و آموزش زبان عربی و فارسی را نزد پدر آموخت. در خدمت دائیاش نورالدین علی بن محمد شیعی و کمال‌الدین محمد جاسب، حکمت، منطق و ریاضیات فرا گرفت و در نزد دائی پدرش، نصیرالدین عبدالله بن حمزه، رجال، درایه و حدیث آموخت. آن‌گاه عازم حوزه نیشابور شد و در فقه و اصول، از سراج‌الدین قمری و در اشارات ابن سینا از فریدالدین داماد نیشابوری بهره برد. سپس به قم و اصفهان رفت و مدتی از محضر استادان آن دو مرکز علمی هم بهره برد. در نهایت به عراق هجرت نمود و در آن‌جا از محضر علامه حلی بهرههای فراوان برد و به درجات عالی علوم اسلام نایل گردید (۴)

بخش مهمی از زندگی خواجه نصیر، مصادف با حمله مغولان به ایران و قتل و غارت مردم شهرهای مختلف بود که با تدبیر و درایت خواجه، جلوی بسیاری از قتلها، غارتها و آتش زدن کتابخانهها و دستگیری و حبس دانشمندان گرفته شد و به‌خصوص شهرهای نجف و کربلا و کاظمین و سامرا از هجوم و تجاوز آنان در امان ماند. بر اثر رفتار و کردار حکیمانه خواجه نصیر، سرداران مغول که بسیار خون‌خوار و خشن و وحشی بودند، به اسلام روی آوردند و مسلمانانی معتدل و منطقی شدند (۵)

از خدمات علمی- فرهنگی خواجه نصیر تأسیس رصدخانه مراغه و تألیف کتابهای ارزشمندی مانند: «اخلاق ناصری»، «اوصاف الاشراف»، «زیج ایلخانی» و «تحریر اقلیدس» میباشد.

او در هجدهم ذیحجه سال ۶۷۳ هجری در شهر کاظمین چشم از جهان فرو بست. هنگام وفات به وی پیشنهاد کردند تا وصیت کند جنازه او را به نجف منتقل کنند، ولی خواجه در جواب با احترام گفت: من از ساحت قدسی امام موسی بن جعفر (علیه السلام) شرم میکنم که وصیت کنم تا جنازهام را از کاظمین بیرون ببرند (۶). پس پیکرش در رواق غربی حرم به خاک سپرده شد.

سید اسماعیل صدر

او در اصل از جبل عامل لبنان بود. جدش سید صالح بر اثر ظلم و ستم کارگزاران دولت عثمانی، از لبنان به عراق هجرت کرد. بعد به ایران آمد و در اصفهان ساکن شد. پدرش سید محمد صدرالدین عاملی، از علمای بزرگ اصفهان و نجف است. سید اسماعیل در چنین خانوادهای، در سال ۱۲۵۸ هجری قمری در شهر اصفهان متولد شد. در شش سالگی پدر را از دست داد و مقدمات علوم اسلامی را نزد برادرش سید محمد علی، معروف به «آقا مجتهد» و پسر خاله‌اش سید محمد باقر اصفهانی فرا گرفت (۷)

در سال ۱۲۸۱ هجری به نجف رفت و در درس شیخ راضی بن شیخ محمد و شیخ مهدی آل کاشف الغطا و میرزا محمد حسن شیرازی حاضر شد. بعد به همراه استادش میرزای شیرازی به سامرا هجرت کرد. پس از رحلت استاد، به کربلا رفت و سالهای طولانی در این شهر به تدریس و تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت و مرجعیت شیعیان را بر عهده گرفت (۸)

سید اسماعیل صدر به وحدت میان شیعه و سنی در مقابل دشمنان اسلام و تشیع تاکید داشت. در ایامی که غرب میخواست میان

دولت عثمانی و ایران اختلاف ایجاد کرده و زمینه نابودی هر دو کشور را فراهم آورد، او به همراه آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ عبدالله مازندرانی و حاج آقا نورالله اصفهانی، بیانیهای صادر کردند و در آن با تمسک به آیه شریفه «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» دول اسلامی را در برابر بیگانگان، به صلح و دوستی فراخواندند (۹)

او در اواخر عمر شریفش به شهر کاظمین آمد و در جوار حرم امام موسی کاظم و امام محمد تقی (علیهماالسلام) مسکن گزید و سرانجام در روز سه‌شنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۳۸ قمری چشم از جهان فرو بست و در اتاقی در رواق شرقی حرم مطهر آن دو امام همام به خاک سپرده شد. این حجره هم اکنون به «مقبره خاندان صدر» معروف است.

سید حیدر صدر و سید محمد جواد صدر و سید محمد مهدی صدر و سید صدرالدین صدر، از مراجع نجف و قم از فرزندان سید اسماعیل صدر هستند. امام موسی صدر و شهید سید محمد باقر صدر نیز از نوادگان وی محسوب میشوند (۱۰)

۱- میرزا محمد تنکابنی، قصص العلما، ص ۴۰۰.

۲- رجال نجاشی، ص ۳۹۹.

۳- میرزا عباس فیضی، همان، ص ۴۰۳ و تاریخ کاظمینی، ص ۲۶۶.

۴- اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۴ و ۴۱۵) فوائد الرضویه، ص ۶۰۴.

۵- اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۶.

۶- فوائد الرضویه، ص ۶۰۴.

۷- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۳.

۸- همان.

۹- موسی نجفی، حاج آقا نورالله اصفهانی، ص ۴۲.

۱۰- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۳ و ۴۰۴.

ص: ۶۱

سید مهدی حیدری

او به خاندان بزرگ شیعی عراق به نام «آل حیدری» منسوب است. این خاندان در شهر کاظمین سکونت داشتند. پدرش سید احمد و جدش سید حیدر از علما و مجتهدان سرشناس کاظمین به شمار می‌آیند. سید مهدی در سال ۱۲۵۰ قمری در این شهر متولد شد. مقدمات را نزد پدر آموخت و سپس به درس شیخ محمد حسین آل یاسین رفت. در نجف و سامرا در محضر شیخ انصاری و میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزای شیرازی به درجه اجتهاد رسید و رهبری شهر کاظمین و حومه را عهده‌دار شد (۱)

در جنگ جهانی اول که سرزمین عراق از سمت فاو و بصره مورد تهاجم قوای انگلیسی قرار گرفت، او در تلگرافی به علمای نجف و کربلا خواستار صدور فتوای جهاد بر ضد قوای اشغالگر شد. این مجتهد مجاهد، چهار فتوای جهاد (یک فتوای انفرادی و سه فتوای مشترک با مراجع نجف) صادر کرد و در آنها از عموم مسلمانان خواست تا به هر نحو ممکن در مقابل دشمن بایستند و مردم عراق را در سرکوب متجاوزان یاری نمایند. او در حرم کاظمین حاضر شد و با سخنرانی حماسی، مردم را به حضور در جبهه‌ها دعوت کرد و اعلام نمود که خود نیز در خط مقدم حاضر خواهد شد. مرجع شهر کاظمین که حدود هشتاد و پنج سال داشت، روز سه‌شنبه ۱۲ محرم ۱۳۳۵ هجری در پیشاپیش جهادگران راهی جبهه‌های نبرد گردید. مردم کاظمین با شور و حالی کم‌نظیر، وی را تا بغداد بدرقه کردند و در طول این مسیر به حمایت از وی شعارهای حماسی سر دادند.

سپاهیان سید مهدی حدود چهار ماه در جبهه کوت مستقر شدند و حماسه آفریدند؛ به طوری که موجب تقویت روحیه قوای دولت عثمانی و کسب پیروزیهایی شدند (۲)

در این جنگ، یکی از فرماندهان قوای دولت عثمانی که زخمی شده بود، در بیمارستان بغداد بستری می‌شود. یکی از روحانیون وابسته به دولت عراق که از اهل تسنن بود، به عیادت او می‌رود. فرمانده به او می‌گوید:

«شما در این‌جا با خیال راحت و آرامش و نعمت زندگی می‌کنید و مدتی است که مورد حمایت دولت هستید و از امکانات دولتی استفاده می‌کنید؛ در حالی که امام سید مهدی حیدری، با آن کهولت سن و عظمت علمی، در خط مقدم جبهه است و با انگلیسیها می‌جنگد و در طول عمرش یک ریال از اموال دولتی استفاده نکرده است» (۳)

در همان ایامی که فقیه کاظمین در جبهه کوت بود و نیاز شدید به پول و کمک مالی داشت، جاوید پاشا از فرماندهان قوای عثمانی به حضور او می‌رسد و مقداری پول و هدایا به وی تقدیم می‌کند؛ ولی سید همه را بازمی‌گرداند و می‌فرماید که ما از کمکهای شما بی‌نیازیم (۴)

سرانجام پس از سالها مبارزه و جهاد و تدریس و تحقیق، در ۱۱ محرم ۱۳۳۶ هجری هنگام نماز مغرب و عشا به دعوت حق لبیک گفت و چشم از جهان فروبست و پیکرش در حسنیه الحیدریه کاظمین، در کنار مقبره آل حیدری به خاک سپرده شد (۵)

سید مصطفی کاشانی

او فرزند عالم بزرگ سید حسین کاشانی و پدر عالم مبارز، سید ابوالقاسم کاشانی، رهبر نهضت ملی شدن نفت در ایران است. سید مصطفی در ۱۲۶۸ هجری در کاشان متولد شد. مقدمات و سطح را نزد پدر آموخت. در بیست سالگی به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد تقی اصفهانی و شیخ محمد باقر اصفهانی و جهانگیرخان قشقایی فقه، اصول و حکمت و فلسفه آموخت. سپس چند سال به تهران آمد و در این شهر به تدریس و تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت. در سال ۱۳۱۳ هجری هنگام بازگشت از سفر حج به نجف هجرت کرد و در آن‌جا حوزه درسی پر رونقی تشکیل داد و ماندگار شد (۶)

این عالم مجاهد نیز در جنگ جهانی اول و اشغال سرزمین عراق، علاوه بر صدور فتوای جهاد، خود در خط مقدم جبهه‌ها حاضر بود. در این نبرد، فرزندش سید ابوالقاسم کاشانی هم در کنار پدر بود. او پس از پایان جنگ، به کاظمین رفت و در این شهر ساکن

شد و حدود چهار سال در این شهر به تدریس و اقامه نماز جماعت و رهبری مردم ادامه داد. سرانجام در شب نوزدهم رمضان ۱۳۳۶ هجری قمری جان به جان آفرین تسلیم نمود و پیکرش در حد فاصل ایوان قبله و صحن قریش به خاک سپرده شد (۷)

سید حسن صدر

وی از خاندان صدر است که اجدادش از جبل عامل لبنان به عراق آمدند و در شهر کاظمین ساکن شدند. پدرش علامه سید هادی صدر، از عالمان بزرگ کاظمین به شمار می‌آید. سید حسن صدر در روز جمعه ۲۹ رمضان ۱۲۷۲ قمری در کاظمین متولد شد (۸). او

۱- گلشن ابرار، ج ۷، ص ۲۱۴ و ۲۱۶.

۲- همان، ص ۲۱۷- ۲۲۰.

۳- همان، ص ۲۲۱) به نقل از الامام الثائر السید مهدی الحیدری، سید احمد اشکوری، ص ۳۶.

۴- همان.

۵- همان، ص ۲۲۴.

۶- اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۲۷.

۷- ریحانهٔ الادب، ح ۵، ص ۲۱.

۸- اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۳۲۵.

ص: ۶۲

مقدمات را در این شهر فرا گرفت و سپس به توصیه پدر به نجف رفت و هفده سال در این حوزه از محضر اساتیدی چون میرزای شیرازی و ملاحسینقلی همدانی بهره برد و به درجه اجتهاد رسید. علامه محمد جواد بلاغی و شیخ مرتضی آل‌یاسین از شاگردان او هستند. پس از رحلت میرزای شیرازی، مردم کاظمین به وی مراجعه کردند و از او خواستند تا مرجعیت آنان را قبول کند؛ ولی او همه را به آیت الله سید اسماعیل صدر ارجاع داد.

در آن زمان، جرجی زیدان تاریخ‌نگار معروف کتابی به نام «تاریخ آداب الّغهٔ العربیه» نوشت و در آن، شیعه را گروهی کوچک توصیف کرد که هیچ آثار علمی ارزشمندی ندارند. وقتی سید حسن صدر از این اتهام آگاه شد، در یک اقدام اساسی، دست به تحقیقات شگرفی زد و کتابی را با عنوان «تأسیس الشیعهٔ الکرام لفنون الاسلام» نوشت و در آن خدمات علمی- فرهنگی و دینی علمای شیعه و اسلام را معرفی کرد (۱). وی کتابهای ارزشمند دیگری نیز دارد که بالغ بر نود عنوان است (۲).

این فقیه بزرگ سرانجام در غروب روز پنج شنبه ۱۱ ربیع الاول ۱۳۵۴ قمری در سن هشتاد و دو سالگی در بغداد به رحمت ایزدی پیوست و طی تشییع باشکوهی پیکرش در یکی از حجرههای صحن حرم کاظمین، در کنار مرقد پدر به خاک سپرده شد (۳)

شیخ محمد خالصی‌زاده

وی فرزند عالم مجاهد شیخ محمد مهدی خالصی است که در سال ۱۲۶۶ شمسی در کاظمین به دنیا آمد. مقدمات را نزد پدر و بعضی عالمان دیگر آموخت. سپس در محضر آخوند خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی به درجه اجتهاد رسید. علاوه بر علوم حوزوی به دانش جدید هم علاقه نشان داد و زبانهای انگلیسی، فرانسه، ترکی و فارسی را فرا گرفت و چند کتاب انگلیسی را نیز به فارسی ترجمه کرد (۴)

در جنگ جهانی اول، در کنار پدر مبارز و سایر علمای بزرگ، بر ضد قوای متجاوز انگلیسی قیام کرد. در خط مقدم جبهه بود که با اصابت ترکش خمپاره، از چند ناحیه زخمی شد و از نظر بینایی دچار مشکل گردید. شیخ محمد پس از اتمام جنگ نیز مبارزه سختی بر ضد سیاستهای سلطه‌جویانه انگلستان آغاز کرد؛ به‌طوری که موجب تبعید او از عراق به ایران در سال ۱۳۰۱ شمسی شد. در ایران مطبوعات را سنگر مبارزه خویش قرار داد و روزنامه «اتحاد دنیای اسلام» را به کمک پدرش شیخ محمد مهدی خالصی که در آن ایام در ایران در تبعید بود، منتشر کرد و با مجلات و روزنامههای نور، منشور و وظیفه همکاری داشت. مقالات متعددی در جهت افشای سیاستهای شوم انگلیس در منطقه نوشت و از سوی دیگر با رضاخان به مبارزه برخاست و در سنگر دیگری، با وهابیون وابسته به عربستان نیز درگیر شد (۵)

این عالم مجاهد پس از ۲۷ سال تبعید در ایران، در آبان ۱۳۲۸ شمسی به زادگاهش بازگشت و در کاظمین به فعالیتهای دینی، اجتماعی و سیاسی خود ادامه داد (۶). از وی حدود نود عنوان اثر علمی به زبان فارسی و عربی در موضوعات مختلف به چاپ رسیده که حدود ده عنوان نیز خطی است، افزون بر این، مقالات علمی و حماسی بسیاری در مجلات و روزنامههای گوناگون از وی به چاپ رسید (۷)

سرانجام شیخ محمد خالصی‌زاده در روز جمعه نوزدهم رجب ۱۳۸۳ قمری برابر سی‌ام آذر ۱۳۴۲ شمسی در بیمارستان رازی بغداد رحلت کرد. با تشییع کم‌نظیری پیکرش را به کاظمین آوردند و در ایوان غربی حرم، داخل حجره‌ای که در آن تدریس می‌کرد، به خاک سپردند (۸)

سید هبهٔ الدین شهرستانی

سید محمد علی، فرزند سید حسین از خاندان شهرستانی، معروف به سید هبهٔ الدین شهرستانی در رجب سال ۱۳۰۱ هجری در سامرا متولد شد. مقدمات را نزد پدر آموخت و در شعبان ۱۳۲۰ به نجف هجرت کرد و در محضر آخوند خراسانی، سید کاظم یزدی و

شیخ الشریعه اصفهانی به درجه اجتهاد رسید (۹)

این فقیه بزرگ برای اتحاد و بیداری مسلمانان جهان تلاشهای دینی و فرهنگی بسیاری کرد. با شخصیتهای اهل سنت مثل شیخ محمد عبده ارتباط مستمر برقرار نمود و در مجلات «النهار»، «المقتطف» و «الهلال» مقالاتی نوشت و افکار و اندیشههای خود پیرامون وحدت میان مسلمانان را انتشار داد (۱۰)

۱- الذریعه، ج ۳، ص ۲۹۸ و گلشن ابرار، ج ۳، ص ۶۰۴.

۲- اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۳۲۶.

۳- همان، ص ۳۲۵.

۴- گلشن ابرار، ج ۶، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۵- همان، ص ۱۹۱ و ۱۹۴.

۶- همان، ص ۱۹۹.

۷- همان، ص ۲۰۵- ۲۰۲.

۸- همان، ص ۲۰۵.

۹- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۸۷.

۱۰- همان، ص ۶۸۸.

ص: ۶۳

او در جنگ جهانی اول که منجر به اشغال سرزمین عراق توسط انگلستان شد، شجاعت بسیاری در برابر نیروهای اشغالگر از خود نشان داد و همراه سایر مراجع و اساتید به وظیفه تاریخی خود عمل کرد. در بخشی از تلگرامی که از جبهه کوت ارسال کرده بود، چنین آمده است:

... در سوم شباط (اسفند) با پرچم شریف علی (ع) همراه گروهی از علمای نجف، لشکرگاه سپاه اسلام در جبهه کوت را زیارت کردیم. از صمیم قلب شجاعت سپاهیان شجاع و فداکاریهای آنان را در بازپسگیری مناطق غصب شده، مشاهده کرده و تشکر نمودم. در حالی که فرمانده شجاع و فرد کم‌نظیر روزگار، فرمانده کل لشکر حضرت خلیل‌بَک نیز در میان آنها بود. همه بر این باوریم که لشکر ما تاکنون هرگز در عراق چنین نظم و قدرتی نداشته است و این‌گونه به حکم قانون الهی «و اعدّوا لهم ما استطعتم من قوّة» آماده دفاع نبوده است. انتظار میرود دشمنان به یاری خداوند به‌زودی نابود شوند (۱)

پس از پایان جنگ، هبهٔ الدین هرگز از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی کنار نکشید و در راه استقلال سرزمین عراق به مبارزات خود استمرار بخشید. او در انجمن سری «الجمعیهٔ الوطنیهٔ الاسلامیه» که زیر نظر فرزند بزرگ میرزای شیرازی اداره و رهبری میشد، حضور چشم‌گیر داشت و موجب دلگرمی استقلال‌طلبان بود. نامههای حماسی و تاریخی او به «سِر پرسی کاکس» عامل انگلیس در عراق، نشان از صلابت روح و عظمت نفس او در برابر بیگانگان و دشمنان استقلال کشورهای اسلامی دارد (۲)

او بیش از صد عنوان اثر علمی از خود به جای گذاشت و سرانجام در شب دوشنبه ۲۶ شوال ۱۳۸۶ قمری (هفدهم بهمن ۱۳۴۵ شمسی) چشم از جهان فروبست و پیکرش در ضلع شرقی حرم کاظمین جنب درب ورودی کتابخانه خودش به خاک سپرده شد (۳). امروزه این کتابخانه به‌نام «کتابخانه جوادین» معروف است.

۱- عباس عبیری، هبهٔ الدین شهرستانی، ستاره سامرا، ص ۴۴.

۲- همان، ص ۶۷- ۶۹.

۳- همان، ص ۹۹.

ص: ۶۴

ص: ۶۵

مدرسه آیت‌الله‌العظمی بروجردی در نجف

ساخت مدرسه

مدرسه آیت‌الله بروجردی، در ضلع شرقی حرم امیرمؤمنان علی (ع)، روبه‌روی باب امام رضا (ع)، در ابتدای بازار بزرگ نجف (سوق الکبیر) قرار دارد. این مدرسه به منظور تقویت حوزه علمیه نجف، در سال ۱۳۷۳ قمری (۱۳۳۳ شمسی) به دستور آیت‌الله العظمی بروجردی و به اشراف و مدیریت مرحوم «حاج شیخ نصرالله خلخالی» ساخته شد تا طلاب و فضلای جوان در آن مشغول تحصیل، تدریس و تحقیق شوند و آینده این حوزه، از حیث نیروی انسانی تأمین گردد.

این مدرسه در زمینی به مساحت پانصد متر مربع و در چهار ضلع در سه طبقه، به روشی کاملًا ابتکاری و چشم‌نواز و با رعایت اصول معماری و مهندسی تاسیس شد که در آن مقطع یکی از مدارس نمونه و منحصر به فرد حوزه نجف به شمار می‌آمد و نزدیک‌ترین مدرسه به حرم بود. ۶۴ حجره و یک کتابخانه مجهز (۱) کتابخانه حدود هشت‌هزار جلد کتاب داشت. به علاوه مرحوم «آیت‌الله بروجردی» به خاطر اهتمام بیشتری که به رونق این مدرسه داشت، بخشی از کتاب‌های شخصی خویش را به این کتابخانه منتقل نموده بود (۲). همچنین فرزند کوچک خویش آقای «سید احمد بروجردی» را هم ملزم ساخت تا به نجف هجرت کند و در این مدرسه ساکن شده و به تحصیلات خود ادامه بدهد (۳). این مدرسه دارای حیاط بزرگی بود که در وسط آن حوض بزرگی هم قرار داشت.

مدرسه آیت‌الله بروجردی در نجف مورد توجه شخصیت‌های حوزوی قرار گرفت و حتی «آیت‌الله سید موسی بحرالعلوم» در تاریخ تاسیس آن، چند بیت شعر به ترتیب زیر سرود:

هذه مدرسهٔ شیدت لمن طلب العلم و من ادی فروضه

سسته ید اعلی مرجع زاده الله من الجاه عریضه

للحسین بن علی اجرها جبرالله به الحق مهیضه

و عن الصادق قد ارختها «طلب العلم کما جاء فریضه» (۴)

تولیت این مدرسه را مرحوم «حاج شیخ نصرالله خلخالی» برعهده داشت. ایشان شخصیتی بسیار توانا، مدیر و مدبر و دارای ویژگی‌های اخلاقی فراوان و نماینده تام الاختیار آقای بروجردی در حوزه نجف بود. به همین سبب مدرسه را به بهترین شکل اداره می‌کرد و این مدرسه یکی از مدارس معتبر و مهم حوزه نجف شمرده می‌شد.

شکوفایی بیشتر مدرسه

در آبان ماه سال ۱۳۴۴ که حضرت امام خمینی (ره) به نجف تبعید شد، بلافاصله حاج شیخ نصرالله خلخالی از ایشان درخواست کرد تا در این مدرسه نماز جماعت اقامه کند. امام خمینی (ره) در ابتدا نپذیرفت؛ ولی بعد به اصرار آقای خلخالی پاسخ مثبت داد. حضور حضرت امام رونق و تحرک مضاعفی به این مدرسه بخشید. مدرسه آیت‌الله بروجردی حیاط بزرگی داشت که نزدیک غروب تمام سطح آن با زیلو و فرش پوشیده و آماده می‌شد. امام خمینی (ره) نماز مغرب و عشاء را هر روز با عظمت و شکوه خاصی در این مدرسه اقامه می‌کرد و این نماز در سطح حوزه نجف از نظر کمی و کیفی نظیر نداشت؛ (۵) چون تا آن زمان سابقه نداشت که در نجف مرجع تقلیدی در مدرسه نماز جماعت برگزار کند. طلاب و فضلای بسیاری شرکت می‌کردند، حتی بعضی از اساتید و شخصیت‌های سرشناس حوزه مثل: مرحوم آیت‌الله شیخ مجتبی لنکرانی که از اعضای استفتای آیت‌الله خویی بود در نماز حاضر می‌شدند و به امام اقتدا می‌نمودند، شاگردان خود حضرت امام نیز که جای خود داشتند (۶). در ایام ماه مبارک رمضان،

حضرت امام به جای اقامه جماعت مغرب و عشاء، نماز ظهر و عصر را در این مدرسه به‌جا می‌آوردند.

از سوی دیگر، این مدرسه به طور طبیعی و تدریجی به محل تجمع طلاب و روحانیون انقلابی تبدیل شد. این آقایان وقتی از ایران به نجف می‌آمدند آقای خلخالی با اشاره مرحوم «حاج‌آقا مصطفی خمینی»، حجره در اختیار آنان قرار می‌داد. به‌طوری که چند بار این مدرسه مورد هجوم ماموران رژیم بعثی عراق قرار گرفت. آنها وارد مدرسه شدند، قفل بعضی حجره‌ها را شکستند و اثاثیه و کتاب‌های طلاب را به‌هم ریختند (۷). علاوه بعضی طلاب و فضلای دیگر نیز که به عنوان زیارت به نجف می‌آمدند به‌طور موقت در سرداب مدرسه اسکان داده می‌شدند. این مدرسه محل دیدار حضرت امام خمینی (ره) با سایر افراد هم بود. کسانی که از ایران یا کشورهای عربی و غیرعربی به عنوان زائر به نجف می‌آمدند، هنگام نماز مغرب و عشاء وارد مدرسه آیت‌الله بروجردی می‌شدند و گاهی قبل از نماز یا بعد از آن به زیارت امام خمینی (ره) می‌شتافتند و مسائل‌شان را مطرح می‌کردند، حضرت امام نیز با آغوش باز آنها را به حضور می‌پذیرفت (۸).

به طور کلی حضور امام خمینی (ره) در مدرسه آیت‌الله بروجردی، موقعیت این مدرسه را در نجف به موقعیت مدرسه فیضیه در قم تغییر و ارتقا داد و به آن محوریت بخشید. در بعضی مواقع که حضرت امام به دلایلی نمی‌توانست در نماز حاضر بشود به جای ایشان، حاج‌آقا مصطفی خمینی، نماز اقامه می‌کرد و البته این حالت به‌ندرت اتفاق می‌شد.

۱- جعفر شیخ با قر آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲- علی دوانی، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت‌الله بروجردی، ص ۲۰۳.

۳- همان، ص ۲۲۸.

۴- ماضی النجف و حاضرها، ص ۱۴۴.

۵- خاطرات سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۹۱.

۶- خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ج ۲، ص ۸۲.

۷- خاطرات محمد حسن رحیمیان، حدیث روشن، ص ۲۱۳ و ۲۳۸.

۸- خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ج ۱، ص ۱۲۹ و ج ۲، ص ۲۷۲.

ص: ۶۶

وضعیت فعلی مدرسه

با کمال تأسف، این مدرسه در اواخر دهه شصت در مسیر طرح احداث خیابان قرار گرفت و به این بهانه حدود سه چهارم ساختمان و حجره‌های آن توسط ایادی رژیم بعثی عراق تخریب شد. ایادی رژیم بعثی حتی نام مدرسه را به نام «امام حسین (ع)» تغییر دادند. یکی از علما که در دوران طلبگی چند سالی در این مدرسه ساکن بود می گوید:

... بعد از جنگ تحمیلی و برقراری روابط عراق با ایران که به زیارت رفتم دیدم نصف آن مدرسه را وابستگان به حزب بعثی غصب و به مغازه و خیابان تبدیل کرده‌اند و نام مدرسه از بروجردی به امام حسین (ع) تغییر داده‌اند. این اقدام البته از روی شیطنت بعثی‌ها بود نه از روی محبت به امام حسین (ع)، زیرا وقتی دشمنی آنان نسبت به ایران و جمهوری اسلامی افزایش یافت، شروع کرده‌اند به ایرانی زدایی از عراق و از بین بردن آثاری که متعلق به ایرانیان بود و نام ایرانی داشت؛ «بروجردی» را به «امام حسین (ع)» تغییر دادند که دیگر هرگز و تا ابد کسی جرأت نکند که نام مدرسه را از امام حسین (ع) دوباره به بروجردی برگرداند ... (۱)

در بهمن سال ۱۳۸۸ طی سفر زیارتی- تحقیقی، بازدیدی از این مدرسه انجام گرفت، معلوم شد تنها در ضلع شرقی مدرسه، از ۶۴ حجره، فقط ۲۵ حجره باقی مانده است. در عین حال طلاب و فضلا در حجره‌ها ساکن و مشغول تحصیل و مباحثه بودند. علاوه در بازدید از زیرزمین (سرداب) مدرسه نیز دیده شد. چند نفر از طلاب زائر که از مناطق دیگر وارد شهر نجف شده بودند در این مکان اسکان داده شده و به‌سرمی‌برند.

این مدرسه هم اکنون زیر نظر مرجع دینی حضرت «آیت‌الله العظمی سیستانی» اداره می‌شود و از مدارس نسبتاً فعال حوزه نجف به‌شمار می آید.

۱- خاطرات شیخ عبدالحمید بنایی، ص ۵۱.

ص: ۶۷

اهل‌بیت آفتاب

در مدح و منقبت اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام

محمد ساقی بزم وجود است

ولایت همچو می در جام هستی است

علی عطر و جهان گلخانه اوست

هر آنکس درس عقل و فطرت آموخت

شما ای عترت مبعوث خاتم

شما از اهل بیت آفتابید

جهان جسم و شما جان جهانید

شما اسرار هستی را امینید

شما سرچشمه احسان و جودید

جهان گلخانه و انسان گل آن

محمد پیک رحمت، قاصدشور

شما موجی از آن دریای نورید

امیر کشور دل‌ها شمایید

شما یک نور، در چندین رواقید

فروزان مشعل همواره جاوید

دیانت بی شما کامل نگردد

کدام عاشق در این ره، در بلا نیست؟

اگر در سوگتان شد دیده نمناک

گواه عشق ما این دیده و دل

شما راه سعادت را دلیلید

شما حقّید و دشمن‌ها سرابند

شما تفسیر «نور» و الضّحی» یید

امامید و شهیدید و گواهید

جهان مست از می غیب و شهود است

غدیر خم، خم این شور و مستی است

حقیقت، برگی از افسانه اوست

مرام دوستی با عترت آموخت

شما ای برترین اولاد آدم

گل جان محّمد (ص) را گلابید

شما هم آشکار و هم نهانید
فروغ آسمان، روی زمینید
صفابخش گستان وجودید
شما عطر و گلاب این گلستان

ص: ۶۸

فروغ آیه «نورٌ علی نور»

برانگیزنده شور و شعورید

شما آئینه‌های حق نمایید

شما نور حجازید و عراقید

شمایید و شمایید و شمایید

بجز با عشقتان دل، دل نگردد

کدامین دل، شما را مبتلا نیست؟

اگر از عشقتان دل گشت غمناک

رساند «اشک» و «غم» ما را به منزل

شما مقصود هر ابنُ السّبیلید

کفی پوچند و چون نقشی برآبند

شما معنای قرآن و دعایید

مصون از هر خطا و اشتباهید

شما راه خدا را باز کردید

فدا کردید جان، تا دین بماند

شما نور خدا در روی خاکید

شما شیرازه امّ الکتابید

تولّای شما فرض خدائی است

هرآن‌کس را که در دین رسول است

اگر مولا «ولی» می‌شد چه می‌شد؟

ولی خاتم دوباره بی‌نگین شد

سقیفه ساعد ماتم شد آن‌روز

دوباره بولهب آتش برافروخت

سران توطئه با هم نشستند

هزاران دست بیعتگر کجا رفت؟

اگر پیمان مردم با «ولی» بود

نه فرمان نبی از یاد می‌رفت

نه بر روی زمین می‌ماند قرآن

نه حق، بی‌یاور و مظلوم می‌ماند

نه زهرا کشته می‌شد در جوانی

نه از دست ستم می‌خورد سیلی

نه بازویش کبود از تازیانه

نه تیغ کینه در دست جنون بود

نه فرق علی شمشیر می‌خورد

نه خون دل نصیب مجتبی بود

ص: ۶۹

نه زینب بذر غم می‌کاشت در دل

بقیع ما نه غم افزای جان بود

غدیر خم اگر سایه فکن بود

صفوف ما جدا از هم نمی‌شد

نه بذر فتنه می‌پاشید دشمن

نه صدها بار می‌مردیم هر روز

شهادت را شما آغاز کردید

به خون خفتید، تا آئین بماند

صراط مستقیم و راه پاکید

شما میزان حق، روز حسابید

قبول و ردّ آن مرز جدایی است

ولایت، مهر و امضای قبول است

خلیفه، گر «علی» می‌شد، چه می‌شد

عدالت با علی خانه نشین شد

نصیب و سهم شیعه، غم شد آن‌روز

درِ بیت النّبی در شعله‌اش سوخت

دل و پهلوی عصمت را شکستند

وفا با آل پیغمبر کجا رفت؟

اگر پیوند با «آل علی» بود

نه رنج و زحمتش بر باد می‌رفت

نه «قدرت» تکیه می‌زد جای «برهان»

نه امّت از علی محروم می‌ماند

نه می‌شد خسته از این زندگانی

نه رویش می‌شد از بیداد، نیلی

نه دفن او شبانه مخفیانه

نه محراب علی رنگین ز خون بود

نه بر حلقوم اصغر تیر می‌خورد

نه پرپر لاله‌ها در کربلا بود

نه می‌زد سر ز غم بر چوب محمل

نه ویران و چنین و بی‌سایبان بود

«ولایت»، اهرمی دشمن شکن بود

شکوه و عزّت ما کم نمی‌شد

نه «ما» تقسیم می‌شد بر «تو» و «من»

نه جام زهر می‌خوردیم هر روز

از اول عشق را با غم سرشتند

ص: ۷۰

کنون ماییم و درد داغداری

هنوز اشک عزا پیوسته جاری است

غدیر ما محرّم دارد امروز

ولایت، گنج عشقی در دل ماست

شما آل رسول خاتم هستید

دل و جان جهانی عاشق آباد

کریمان، با بدان هم بد نکردند

اگر ناقابلیم و شرمساریم

شما در ظاهر و باطن امیرید

کتاب شیعه را با خون نوشتند

کنون ماییم و اشک و سوگواری

رواق چشممان آیینه‌کاری است

محرّم، بذر غم می‌کارد امروز

محبّت هم سرشته با گل ماست

که با جود و کرم میثاق بستید

فدای نام شیرین شما باد

کسی را از در خود رد نکردند

به‌جز عشق شما چیزی نداریم

عنایت کرده دست ما بگیرید

ص: ۷۱

کربلا میدان حق و باطل است

کربلا میدان حق و باطل است
خویش سنجد با وی آن‌کو عاقل است
«کلّ ارضٍ کربلا» را خوانده‌ایم
از چه پس در کار خود وامانده‌ایم؟
کربلا چون آزمونی تابناک
می‌درخشد بر سیاهی‌های خاک
کربلا را در درون خود ببین
«کلّ ارضٍ کربلا» این است، این
هر حقیقت را که بفروشی به زر
خویشتن را در صف اعدا نگر
چون ز تو مظلوم خواهد یاوری
گر نکوشی، یک شقی دیگری
بهر هر هابیل، قابیلی نگر
هر خلیل خیر را نمرود شرّ
نیست موسی را ز فرعونی گریز
هر مسیحا با یهودا در ستیز
کربلا هم عرصه خیر و شرّ است
اهرمن این سو، خدا در آن سر است
پرسم از خود، در کدامین سو منم؟
در سپاه دوستم، یا دشمنم؟
کاش عاشورا کنار آن امام
داشتم سهمی از آن شور و قیام
پیش او از تن سپر می‌ساختم
سر به پای مهر او می‌باختم
کربلا آیینه عشق خداست
از نماز عشق، خاکش مهر ماست
عشق، خونین چهره، زیباتر بود
بوسه عشّاق بر خنجر بود
عشق از عباس می‌آموز و بس
نیست همتایی مر او را هیچ‌کس
کربلا را کرده میدان وفا

سر جدا افکنده و دستان جدا

ای رساتر از بلندای وفا

در فضیلت رفته تا اوج خدا

چهره در خوناب شستن، کار توست

تشنه دست از آب شستن، کار توست

ص: ۷۲

اشک مشک

چشمم از اشک پر و مشک من از آب تهی است

جگرم غرقه به خون و تنم از تاب، تهی است

گفتم از اشک کنم آتش دل را خاموش

پر ز خوناب بود چشم من از آب، تهی است

به روی اسب قیامم، به روی خاک سجود

این نماز ره عشق است، از آداب، تهی است

جان من می‌برد آن آب کزین مشک چکد

کشتی‌ام غرق در آبی که ز گرداب، تهی است

هر چه بخت من سرگشته به خواب است، حسین

دیده اصغر لب تشنه‌ات از خواب، تهی است

دست و مشک و علمی لازمه هر سقاست

دست عباس تو از این همه اسباب، تهی است

مشک هم اشک به بی‌دستی من می‌ریزد

بی سبب نیست اگر مشک من از آب، تهی است

فیض زیارت

روشن آن دیده که هر شب به عزای تو گریست

صبح زد چاک گریبان و برای تو گریست

خواست آدم شود آسوده ز گرداب بلا

خواند نام تو و بر کرب و بلای تو گریست

نوح، کشتی چو بنا کرد بر آن خشک زمین

آسمان آن همه دریا به هوای تو گریست

شعله سرکش آتش به خلیل ره دوست

تب او سرد شد و گل به صفای تو گریست

زمزم آن روز که جوشید از آن وادی عشق

عطش شوق تو را دید و به پای تو گریست

این همه دیده گریان اگر از لطف خداست

می‌توان گفت به سوگ تو خدای تو گریست

ای که آهنگ عراق تو بود راه حجاز

بلبل عشق بر این شور و نوای تو گریست

زائری کو شده از فیض زیارت محروم

دل حرم کرد و بر این صحن و سرای تو گریست

دردمندی که شد از نوش طبیبان مأیوس

ص: ۷۳

به عزای تو به امید شفای تو گریست

من چرا اشک نریزم به رثای تو حسین

دل که آتش شد و از شور عزای تو گریست

تشنه لب بودم و آبم به نظر آینه بود

شرمگین بود به خجلت به عزای تو گریست

عبد صالح

عباس، ای مقام تو فوق مقام‌ها

نام مبارک تو روان‌بخش کام‌ها

باب الحوائجی و اباالفضل کُنیتی

از احترام توست همه احترام‌ها

در روز حشر، غبطه به حال تو می‌برند

مستشهدین و منتخبین و امام‌ها

در مکتب وفا و ادب راه و رسم تو

فصل الخطاب مردمی است مرام‌ها

سقّای کربلا و علمدار شاه دین

فرزند شیر حق و هُژَبر کنام‌ها

با کام تشنه آب ننوشیدی از فرات

یاد لب حسین و دگر تشنه کام‌ها

دستت جدا شد از تن و دست خدا شدی

حق در عوض سپرد به دستت زمام‌ها

معصوم نیستی و ز معصوم کم نئی

معنای عصمتی و مسمّای نام‌ها

ص: ۷۴

عرفات محبّت

عاشق چو رو به کعبه عشق و وفا کند

در پیش، راه بادیه گرد غریب وار

بی اعتنا به زحمت و رنج مسافرت

آن‌جا که موقف عرفات محبّت است

از صدق چون نهاد قدم در منای عشق

در مشعرالحرام وفا چون گشود بار

بر گرد خیمه‌گاه بگردد پی وداع

از مروه خیام، شتابان به قتله‌گاه

پس در کنار زمزم اخلاص، تشنه لب

آن‌گاه دست و روی بشوید به خون خویش

قربان عاشقی که حدیث مصیبتش

بی‌اختیار خون چکد از دیده «جلی»

احرام خود ز کسوت صبر و رضا کند

ترک عشیره و بلد و اقربا کند

در هر قدم تحمّل خار جفا کند

در پیشگاه دوست، سر و جان را فدا کند

نقدینه حیات خود از کف رها کند

از آه خویش، مشعل سوزان به‌پا کند

با چشم اشکبار، طواف النسا کند

رو آرد و به هروله قصد صفا کند

بنشیند و به زمزمه، یاد خدا کند

برخیزد و نماز شهادت به‌پا کند

ایام را هر آینه ماتم‌سرا کند

هر گه که یاد واقعه کربلا کند

ص: ۷۵

معنای عباس

عباس یعنی تا شهادت یکه‌تازی

عباس یعنی عشق، یعنی عشق‌بازی

عباس یعنی با شهیدان همنوازی

عباس یعنی یک نیستان تکنوازی

عباس یعنی رنگ سرخ پرچم عشق

یعنی مسیر سبز پر پیچ و خم عشق

جوشیدن بحر وفا معنای عباس

لب تشنه رفتن تا خدا معنای عباس

بی‌دست با شاه شهیدان دست دادن

بی‌سر به راه عشق و ایمان سر نهادن

یک مشک آب سرد و دریایی طراوت

یک بارقه از حقّ و خورشیدی حرارت

خون علی عباس را تقریر می‌کرد

آیات سرخ عشق را تفسیر می‌کرد

عباس بود و یاری خون خدا بود

در چلچراغ چشم او محشر به‌پا بود

پایان او آغاز قاموس وفا بود

پایان او آغاز کار مصطفی بود

با گام‌های شور، آهنگی دگر زد

بر چهره شب رنگ رخسار سحر زد

عباس یعنی یک نیستان تکنوازی

هفتاد و دو آهنگ حق را همنوازی

ص: ۷۶

کارنامه سفر به نجف

اذن دخول

آنهـا پیاده و ما سواره؛ گرچه همه زائر بودیم، اما تفاوت بسیار بود و پاداش نیز متفاوت. آنها با چهره و لباس غبارآلود و ما آراسـته. در حـالی که نظاره‌گر صـفا و صـمیمت و ساده‌گی‌شان بودیم، از کنارشان عبور می‌کردیم تا شایـد پیش از غروب آفتاب خود را به آسـتان مقـدس نجف برسانیم. اما گذر از کنار هر کدام چیزی جز غبطه بر ما نمی‌افزود. زائر راستین، آنان بودند که به عشق زیارت امیرمومنان (ع) پرچم ارادت بر دوش، با پای پیاده و گاه برهنه راهی حرم علوی بودند.

سفر متفاوتی برایم رقم خورده بود که به درخواست مـدیر مسئول محترم انجام شـد و صـرفا برای زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی باهـدف غنای بیشتر این فصـلنامه، که تازه متولـد شده بود و می‌خواست عهده‌دار نشـر و توسـعه فرهنگ زیارت عتبات عالیات باشد. همراهی «حجت‌الاسلام عبدالرحیم اباذری» و دوست دیگری نیز نشاط کاری سفر را مضاعف می‌ساخت. قرارمان نیز در وهله اول، کار و بعد زیـارت بود. از این رو می‌توانستیم سـفر را یـک سـفر کاری بنامیم و این گزارش را نیز یک «کارنامه». گرچه ثمرات این سـفر نتیجه تلاش جمعی بود؛ از این رو به دلیل انتخاب اول شخص برای زبان این نوشتار، از مدیر اجرایی فصلنامه پوزش می‌خواهم.

این سـفر هشت روزه در دهه پایـانی بهمن ۱۳۸۸ انجـام شـد و تلاقی آن با روزهای پایانی صـفر ۱۴۳۱ توفیق مضاعفی بود. درسـت وقتی وارد نجف اشرف می‌شدم که در آستانه رحلت پیامبراکر م (ص) بود؛ زمانی که آن را ایام زیارتی امیرمومنان (ع) می‌شمرند و سیل جمعیت به سمت این آستان سرازیر بود. گزارش‌نویسی از سفر سبک خاصی دارد و بیشتر، گزارش وقایع و مشاهداتی است که هر روز انجـام می‌گیرد و نویسـنده بـا مهـارت خود، آن را روایت می‌کنـد که گاه با حاشیه‌های کوتاه و بلنـدی نیز همراه است. این گزارش یک تفاوت شکلی با سفرنامه‌های دیگر دارد: با دو بخش کردن سفر به نجف و کربلا به صورت موضوعی، تمام مشاهدات روزهای مختلف در همان موضوع گزارش می‌شود. البته در حاشـیه زیارت این دو شهر مشهور، از شهرها و اماکن دیگری نیز بازدید شـد که در ضـمن این دو بخش اصـلی از آن یاد می‌شود. از این رو، دیـدار از «زیـد بن علی» و «ذی الکفل» را در این بخش روایت می‌کنم و همچنین زیارت از کاظمین و سامرا را در بخش دوم. هم‌چنین برآنم تا از توضیح نکات مشهوری که غالب مخاطبان از آن اطلاع دارند نیز پرهیز کنم.

حرم شناسی

به اعتراف هر زائر نجف، آسـتان علوی هیبت خاصی دارد که برگرفته از هیبت صاحب حرم است. به گفته آیت‌الله کشمیری: «نجف چیز دیگری است؛ اگر اعلم علما به آن‌جا بیاید، مانند طلبه‌ای خواهد بود».

در آسـتان سالار مؤمنان، نشانه‌ها و مکان‌هایی هست که رنگ و بوی علوی دارد و شناخت آن برای هر زائری شایسته است. مساجد و مقابر صـحن و حرم مطهر، یکی از بخش‌های مهم سفر در روزهای اقامتم در نجف بود که می‌تواند برای مخاطب این نوشتار مفید باشد.

۱. مسـجد الرأس: این مکان در ضـلع غربی حرم قرار دارد که پیشتر، از سمت غربی صحن نیز بدان راه بود. قرارگرفتن این بخش در سمت سرِ حضـرت امیرمومنان (ع) سـبب نام‌گذاری این مسجد است؛ گرچه وجود برخی از روایات مبنی بر دفن سر امام حسین (ع) در بخش بالاسـر نیز ممکن است دلیـل این نام‌گـذاری باشـد. سـاخت این مسـجد را به غـازان بن هولاـکو یـا شـاه عباس اول نسـبت می‌دهند. در سال ۱۴۲۶ هجری مسجد قدیمی تخریب شد تا در طرح بزرگ توسعه حرم، داخل رواق مقدس قرار گیرد.

۲. مسـجد خضـراء: این بنای قـدیمی در ضـلع شـمال شـرقی صـحن مطهر قرار گرفته و دو درب دارد: درب نخست در سوّمین ایوان

سمت راست از باب مسلم بن عقیل (ع) است و درب دیگر به فضای بیرون صحن باز می‌شود. بنای فعلی مسجد به دستور آیت‌الله خویی انجام شد. ایشان در این‌جا فقه و اصول تدریس می‌کرد و مدت‌ها اقامه جماعت می‌نمود و سرانجام پیکر پاکشان در جوار آن به خاک سپرده شد.

۳. مسجد عمران: این مکان قدیمی در شمال صحن قرار دارد و عمران بن شاهین خفاجی، معاصر عضدالدوله دیلمی، برای وفای به نذر خود، آن را بنا کرد. درب بزرگ، پنجره ها و مشبک‌های چوبی، جلوه زیبایی به بنا داده است. در رواق غربی مسجد، آیت‌الله سیدکاظم یزدی (صاحب عروه) مدفون است. وقتی به مسجد عمران رفتم، بازسازی آن هنوز ادامه داشت.

۴. مقابر: شخصیت‌های بنام بسیاری در ایوان اصلی و حجره‌های پیرامون صحن امام به خاک سپرده شده‌اند که زیارت و قرائت فاتحه بر مزار آنان شایسته است. هم‌چنین نام برخی دیگر از شخصیت‌ها نیز در کتاب‌ها وجود دارد. کتاب «معارف الرجال» از شیخ

ص: ۷۷

محمد حرزالدین (متوفی ۱۳۶۵ ق) یکی از فاخرترین آثاری است که اطلاعات ارزشمندی در متن و حاشیه آن درباره تاریخ حرم می توان یافت. بر اساس نکات مندرج در این کتاب، مفاخر ذیل نیز در آستان علوی مدفون هستند:

عضدالدوله دیلمی (متوفی ۳۷۲ ق) در سرداب واقع در ایوان طلا و پایین پای امام مدفون است و میرزا هادی خراسانی (متوفی ۱۳۵۳ ق) آن را دیده است. خراسانی همچنین از وجود قبر میرداماد (۱۰۴۱ ق) میرفندرسکی (متوفی ۱۰۵۰ ق) و میرعماد خطاط (متوفی ۱۰۲۴ ق) در ایوان طلا گزارش می‌دهد. (۱)

حرزالدین، سوگمندانه از حادثه‌ای در سال ۱۳۱۶ چنین گزارش می‌دهد که در تخریب و بازسازی صحن و سرداب‌های آن به دستور سلطان عبدالحمید عثمانی، قبرهای بسیاری ویران شد. سنگ‌نبشته‌های برآمده از زیرزمین، متعلق به سلطان معزالدین (متوفی ۷۹۱ ق) شاهزاده سلطان بایزید (متوفی ۸۰۳ ق) و برخی دیگر بود که تمامی آنها محو شد. (۲)

یک نکته: پس از فروپاشی حکومت صدام به دلیل فروکاستن اختلافات، نماز جماعت رسمی در صحن علوی تشکیل نمی‌شود و هر کاروان ایرانی در وقت نماز، برای خود صف و جماعتی تشکیل می‌دهد و روحانیون محترم کاروان نیز اقامه جماعت می کنند. در این سفر مشاهده کردم که بعثه مقام معظم رهبری در یک اقدام پسندیده، به هنگام نماز صبح، نماز جماعت واحدی را برگزار می‌کند که غالب زوار ایرانی و حتی عرب زبان در آن حضور دارند. نماز جماعت را نیز مسئول محترم بعثه در نجف اشرف یا یکی از روحانیون ایرانی اقامه می کند. پس از نماز نیز به صورت متمرکز زیارت امین الله خوانده می‌شود. امید است این برنامه پسندیده ادامه یابد.

مزارها و مکان‌ها

۱. وادی السلام: پیش از طلوع آفتاب، فرصت خوبی برای رفتن به وادی السلام بود. مزار دو پیامبر بزرگ حضرت هود و صالح (ع) زائران بسیاری داشت، بنای مقبره، قدیمی و بدون هیچ تغییری است. این دو از معدود انبیایی هستند که در قرآن و در کنار بیست و چهار نبی دیگر، از ایشان یاد شده است. گویا هود و صالح دو پیامبر عرب در دوره میان نوح و ابراهیم هستند و قرآن آن دو را پس از نوح یاد می‌کند. (۳) دو روایت وجود دارد که از وصیت امیرمؤمنان (ع) مبنی بر تعیین محل دفن ایشان در کنار قبر هود و صالح گزارش می‌دهد که با استناد به آن‌ها، زیارت این دو پیامبر در نجف مستحب شمرده شده است (۴)

در وادی‌السلام، دو مقام به نام‌های امام صادق (ع) و امام زمان (عج) نیز وجود دارد که با در بسته آن مواجه شدم. به دنبال قبر آیت حق سید علی قاضی (۱۲۸۲ ۱۳۶۶ ق.) بودم که یکی از کارگران مرا بر سر قبر رئیس‌علی دلواری (۱۲۹۴– ۱۲۶۰ ش) برد. او رهبر مبارزه مردم دلیر تنگستان و بوشهر بر ضد دولت استعمار بود و پیکرش را پس از شهادت از بوشهر به این مکان انتقال داده و دفن کردند.

به فاصله چند متر، مرقد آیت الله سید علی قاضی مرا به سمت خود کشاند. نسبت به سال قبل، تغییر محسوسی کرده بود. سنگ قبر بزرگی از مرمر به ارتفاع چهل سانتی‌متر بر روی قبر این عارف نهاده بودند و اطراف آن نیز که مزار خاندان اوست، با موازییک مرمت شده بود. قبر سید حسین قاضی، پدر والای سید علی قاضی را نخستین بار بود که می‌دیدم. گویا مرحوم قاضی طباطبایی خود وصیت کرده بود که پایین پای پدر دفن شود. به‌هر حال مربی نخست و جوهره حرکت و سلوک مرحوم قاضی، پدر ایشان بود.

۲. مقام امام زین العابدین (ع): در بخش غربی حرم، محله عماره قرار دارد و در منتهی الیه آن، بارگاهی است با گنبدی فیروزه‌ای رنگ که به مقام امام زین‌العابدین (ع) مشهور است. در متون روایی، به زیارت ایشان از مزار امیرمؤمنان (ع) اشاره شده و از زیارت امین الله یاد کرده‌اند. (۵) بنای مقام، قدیمی است و نیاز به بازسازی دارد؛ اما متأسفانه با توجه به پروژه توسعه مقام صافی صفا، خبری از تعمیر یا بازسازی این مقام نیست!

۳. صافی الصفا: این بنا در بخش جنوبی مقام زین‌العابدین (ع) قرار دارد. ساختمان قدیمی آن تخریب شده و بر روی تابلویی بزرگ، به پروژه نوسازی عبد صالح خدا «اثیب یمانی» اشاره شده است.

به گزارش دیلمی، همزمان با خلافت امیر مؤمنان (ع) پیکری را از یمن به نجف منتقل می‌کنند. آوردن این پیکر از سوی فرزندان این شخصیت یمنی، با حضور امیرمؤمنان (ع) همراه و با نظارت حضرت، او را بخاک می‌سپارند. درباره علت انتقال پیکر مرد یمنی گفته شده است که او وصیت کرده بود تا جسدش را به «غری» انتقال داده و به‌خاک بسپارند؛ زیرا در این سرزمین فردی (امیر مؤمنان) دفن خواهد شد که بسیاری مشمول شفاعت او خواهند گردید. (۶) گویا این فرد یمنی همان «اثیب یمانی» است که به «صافی صفا» معروف است.

بحر نجف در بخش غربی صافی صفا قرار دارد و اخیرا بزرگراهی نیز در حاشیه آن ایجاد شده که به جاده نجف- کربلا متصل می شود.

۱- معارف الرجال، ج ۳، ص ۲۴۰.

۲- همان، ص ۲۴۴.

۳- هود، آیه ۸۹.

۴- وسائل‌الشیعة ج ۱۴ ص ۳۹۸؛ ر. ك: فرحة الغری ص ۳۸.

۵- الاقبال، ص ۴۷۰.

۶- إرشادالقلوب ج ۲ ص ۴۴۰

ص: ۷۸

۴. مزار شیخ طوسی: در بخش شمالی صحن علوی و در سمت چپ شارع الطوسی، مسجد و مرقد شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) قرار دارد. این مکان یکی از محوری‌ترین مراکز علمی نجف اشرف به‌شمار می‌رفت. آخوند خراسانی در این‌جا تدریس می کرد و تعداد شرکت‌کنندگان در درس اصول او تا آن زمان بی‌سابقه بوده است. این تعداد را در آخرین دوره درسی اصول وی، از هشتصد تا هزار نفر هم گفته‌اند. در حال حاضر، تعمیر و نوسازی ساختمان و همچنین گنبد این مزار با جدیت و سرعت و زیبایی تمام در حال انجام است.

۵. مزار آل بحرالعلوم: در بخش شمالی مسجد شیخ طوسی، مزار سید محمد مهدی بحرالعلوم (۱۱۵۵– ۱۲۱۲ ق) می‌باشد او رئیس حوزه علمی نجف و مرجع شیعیان در روزگار خود بود. در جوار مدفنش، بسیاری از خاندان او مدفونند که تعداد زیادی از آنان از شهدای دوره حکومت بعثی هستند و تصاویر آنان در این مکان نصب شده است.

۶. گنبدهای فیروزه‌ای عماره: وقتی از باب طوسی بیرون آمدم، در سمت چپ، چند گنبد کوچک فیروزه‌ای مرا به سمت خود کشاند. محله عماره در شمال غرب حرم واقع است که سال‌ها محل اقامت و آمد و رفت شخصیت‌های بزرگ شیعی بوده و اکنون نیز مزار برخی از آنان در همین جاست.

مزار شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۸ ق.)، از بناهای قدیمی این محل است که در کنار مسجد کاشف الغطاء قرار دارد؛ با ساختمانی زیبا و سقف‌های چشم‌نواز. طلبه‌های بسیاری درون مسجد مشغول بحث بودند که از رونق علمی آن گواهی می‌داد. در جوار مزار شیخ، شخصیت‌هایی از خاندان کاشف العطاء مدفون هستند.

به فاصله کمی، سه گنبد فیروزه‌ای دیگر کنار هم قرار دارد؛ که اولی مزار شیخ محمد حسن صاحب جواهر (متوفی ۱۲۶۶ ق) است. این عالم والاقدر شیعه در مقبره‌ای که خود ساخته بود، دفن شد. در جوار مرقد شیخ، مسجدی است که در آن نماز جماعت و محفل درس وی برقرار بوده است.

روبه‌روی مرقد صاحب جواهر، مزار ناشناخته‌ای بود که نه تابلویی داشت و نه اهالی از آن اطلاعی داشتند. ازچند نفر مقیم آن‌جا هم که پرسیدم، بی‌فایده بود. گویا این مکان بنا بر تصریح محمد حرزالدین، مقبره سادات آل قزوینی است (۱). سومین گنبد فیروزه‌ای، مزار عالم شیعه سید حسین کوه‌کمری معروف به «سید حسین ترک» (متوفی ۱۲۹۹ ق) است او پس از وفات شیخ انصاری یکی از مراجع شیعه به‌شمار می‌آمد.

مساجد و مدارس

۱. مسجد هندی: شارع الرسول یکی از مهم‌ترین خیابان های نجف است. درست در مقابل باب القبله، در دو سمت خیابان و محله‌های متصل به آن ده‌ها مسجد و مدرسه قرار دارد.

در سمت راست ورودی خیابان، مسجد هندی است که یکی از محوری‌ترین مساجد شهر در اقامه نماز و برپایی محافل درس است. بسیاری از شخصیت‌های حوزوی، نماز را در آن‌جا اقامه می‌کردند: شیخ علی زاهد قمی (متوفی ۱۳۷۱ ق) در آن‌جا به اقامه جماعت می‌پرداخت و عالمانی چون آقا ضیاءالدّین عراقی، محمّدحسین غروی اصفهانی، سید محسن حکیم، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی و سید ابوالقاسم خویی به او اقتدا می‌کردند. پس از ایشان سید محمود شاهرودی عهده‌دار نماز جماعت آن‌جا شد.

در ایام اعتکاف، معتکفین در مسجد هندی اقامت می‌کنند. مرحوم شیخ عباس قمی در مناسبت‌های مختلف در این مسجد منبر می‌رفت؛ ازجمله در عصرهای ماه مبارک و صبح‌های دهه اول محرم. به گفته فرزند ایشان منبر شیخ هم حکم درس را داشت که در ساعت معینی برگزار می‌شد و بسیاری از علما و بزرگان نجف مانند آیت‌اللّه‌سید ابوالحسن اصفهانی نیز در آن شرکت می‌کردند.

درس‌هـای عـالی متعـددی در آن‌جا برپا می‌شـد. خاطره مرحوم آقای دوانی را پیشتر خوانـده بودم که در دوران جوانی، امام خمینی (ره) را در این مسـجد دیـده بود. او می‌نویسـد که در این مسـجد، بعد از درس آقای اصـفهانی، درس آیت‌الله حاج شـیخ محمدعلی کاظمینی خراسانی بر پا می شـد. دیـدم یک آقای بزرگواری با قیافه آراسـته، محاسن مشـکی و قامتی رسا، آمدنـد در پشت یکی از ستون‌های قطور مسـجد هندی جانمازشان را درآوردند، دسـتمال سـفیدی پهن کردند و مهر را گذاشتند و دو رکعت نماز خواندند. بعـد از نماز در حالی که ذکر می‌گفتنـد گوش می‌دادنـد به درس آیت‌الله شـیخ محمدعلی کاظمینی. از همان جا با صدای بلند یک اشـکالی به آقای کاظمینی کردنـد. ایشان هم از همان‌جا جواب داد. امام قانع نشدند و دوباره اشـکال کردند. این اولین باری بود که بنده از هفت هشت قدمی، امام را دیدم و متوجه شدم که نویسنده کتاب «کشف‌الاسرار» ایشان است (۸).

در حال حاضـر سـید محمـد تقی حکیم پیش‌نماز آن‌جاست. وقتی ظهر به آن‌جا رفتم، مسـجد پر بود از نمازگزاران عرب و طلبه. در دهه اخیر هر زمان که برای نماز به آنجا رفتم، ایشان نماز را اقامه می‌کرد.

۱- معارف الرجال، ج ۲، ص ۲۲۸.

ص: ۷۹

۲. مسجد شیخ انصاری: این مکان مقدس که به «مسجد ترک» نیز معروف است، در محله حویش، در شارع الرسول قرار دارد. این مسجد به توصیه شیخ مرتضی انصاری (متوفی ۱۲۸۱ ق) ساخته شد. در تاریخچه ساخت آن نوشته‌اند که یکی از مقلدین شیخ در مسیر خود به مکه، در نجف وجه قابل توجهی (غیر از خمس) را تقدیم شیخ می‌کند تا برای خود خانه‌ای بخرد و از مستأجری رهایی یابد. شیخ نیز با آن پول، این مسجد را می‌سازد. آن تاجر در بازگشت از حج، وقتی از خرید خانه جویا می‌شود، شیخ مسجد را به او نشان می‌دهد و در پاسخ به اعتراض و تعجب او می‌گوید: چه خانه‌ای بهتر از این مکان مقدس که عبادت خدا در آن می شود؟! ما به زودی از این دنیا کوچ می‌کنیم؛ اگر با آن پول، خانه می‌خریدم، بعد از من به ورثه منتقل می‌شد؛ ولی این خانه (مسجد) باقی و ثابت است و به کسی منتقل یا بخشیده نمی‌شود، و خرید و فروش نمی‌گردد (۱).

مسجد شیخ از همان آغاز، محل درس نیز بود سید کاظم یزدی، سید عبدالهادی شیرازی و سیدمحمد حجت کوه‌کمره‌ای در آن‌جا تدریس داشتند. امام خمینی (ره) سلسله درس‌های خارج فقه خویش را در آبان در این مسجد آغاز کرد که تا زمان هجرت از عراق به پاریس ادامه داشت. همچنین این مسجد شاهد اقامه جماعت از سوی امام نیز بوده که با حضور فضلای برجسته حوزه همراه می‌شد می‌گویند مرحوم آیت الله طبسی نجفی، به منظور تأیید و تجلیل و تثبیت موقعیت امام، نماز جماعت خود را در حرم مطهر امیرمؤمنان (ع) تعطیل کرد و در نماز جماعت امام شرکت می‌نمود.

پیش از ظهر به آن‌جا رفتم و دیدم که مسجد بازسازی شده و فرش‌های زیبایی در آن پهن کرده بودند. مسجد پر بود از طلبه‌های عرب و غیر عرب که حلقه‌های بحث را تشکیل داده بودند. رونق علمی این مسجد برایم جالب و نو بود. در سفرهای قبل، چنین ندیده بودم. یکی از طلبه‌های پاکستانی مقیم مدرسه شیخ می‌گفت این بازسازی مرهون آیت‌الله خامنه‌ای است. وقتی از امام جماعت کنونی مسجد جویا شدم، گفت که دو نفر اقامه جماعت دارند: ظهرها آیت‌الله مرعشی و غروب نیزآیت الله سید مهدی خرسان. تا نماز ظهرآن‌جا ماندم و نماز را به امامت آقای مرعشی اقتدا کردم. جمعیت نیز زیاد بود. در شمال مسجد، مدرسه شیخ انصاری قرار دارد که امروزه محل سکونت طلبه‌هاست.

۳. مدرسه سید: این مدرسه در محله حویش واقع است و دو درب دارد که درب اصلی آن، در کوچه منتهی به خانه آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی قرار دارد.

مدرسه سید، به دستور مرجع دینی سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروه) در سال ۱۳۲۷ قمری ساخته شد. این مدرسه در میان مدارس موجود، بهترین و زیباترین معماری را داراست؛ مدرسه‌ای در دو طبقه با ۸۰ حجره کوچک یک نفره و کاشی کاری هنرمندانه. با مراجعه به مدرسه، خادم درب آن را گشود؛ اما به دلیل انجام تعمیرات، به سختی راهم داد. با لطف او گشتی در مدرسه زدم و محو کاشی کاری هنرمندانه مدرسه و کاشی‌های فیروزه‌ای حجره‌های آن شدم که خاطره حضور بیشتر بزرگان حوزه نجف در آن ثبت است. آنان یا در این مدرسه تحصیل کرده یا به تدریس پرداخته‌اند. خادم مدرسه دستم را گرفت و درب دوم مدرسه را نشانم داد. این درب، درست به کوچه پشت منزل امام خمینی (ره) باز می‌شد. همراهی خادم به معنای پایان بازدید هم بود.

۴. مدرسه شیخ مهدی: در کوچه پشت مسجد شیخ طوسی، دو مدرسه وجود دارد که مدرسه شیخ مهدی (مهدیه) یکی از آن دوست. این بنای علمی در سال ۱۲۸۴ قمری توسط شیخ مهدی نواده شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۸۹ ق) ساخته شد. مدرسه در دو طبقه بازسازی شده و تولیت آن به دست خاندان کاشف الغطاء است. اکنون نیز شیخ عباس کاشف الغطاء آن را اداره می کند.

۵. مدرسه قوام: در کنار مدرسه شیخ مهدی، مدرسه قوام قرار دارد. این مدرسه در دوطبقه با ۶۴ حجره و به دستور قوام الملک

فتح‌علی خان شیرازی، در سال ۱۳۰۰ قمری ساخته شده است.

وقتی در گوشه ای از حیاط مدرسه نشستم، یاد اساتید و عالمانی افتادم که در این مدرسه مقیم بودند. از جمله آنان، استاد عزیز مرحوم آیت‌الله میرزا جواد تبریزی است.

معروف است که نواب صفوی نیز در این مدرسه اقامت گزید و از همان روزهای نخست، رابطه نزدیکی با علامه امینی که در یکی از حجره‌های فوقانی مدرسه، کتابخانه کوچکی تأسیس کرده و در حال تألیف کتاب «الغدیر» بود، برقرار کرد.

پیشتر شنیده بودم که در مناسبت‌های خاص، طلبه‌های این مدرسه، با مفروش کردن حیاط، مجلس روضه برپا می‌کردند که با دعوت از منبری های فاضل و معروف نجف مانند مرحوم شیخ محمد علی واعظ خراسانی، جمع زیادی از اساتید و طلبه‌های حوزه به این‌جا می‌آمدند. حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ عبدالخالق دشتی که از طلبه‌های ۵۰ سال قبل این مدرسه است، از بانیان این محفل بود که خاطرات شنیدنی بسیاری دارد.

۱- سید محمد کلانتری، شرح مکاسب ج ۱، ص ۱۳۰.

ص: ۸۰

۷. مـدرسه بروجردی: این مـدرسه در میـان بـازار بزرگ و خیابان امام صادق (ع) قرار دارد و می‌توان آن را نزدیک‌ترین مـدرسه به حرم امیرمومنان (ع) شـمرد. این بنا در سال ۱۳۷۳ قمری در مساحت ۵۰۰ متر در سه طبقه سـاخته شـد که در دوره بعثی‌ها و به سال ۱۴۰۴ قمری بیش از نیمی از آن تخریب گردید. این مرکز علمی را مدرسه امام حسین (ع) نیز می‌نامند.

کتابخانه‌ها

نجف به عنوان یک شـهر علمی کهن و بسیار مهم، از آغاز با کتاب و کتاب‌خوانی، نگهداری کتاب، نُسَخ و چاپ آثار فاخر شناخته شـده و طبیعی است که هر اهـل کتـابی به این شـهر وارد شود، در پی کتاب‌فروشـی و کتابخـانه خواهـد بود. امروزه بـازار حویش با وجود ده‌هـا کتاب‌فروشـی کوچـک و بزرگ، مرکز کتاب نجف به‌شـمار می‌آیـد. هرچنـد که بیشتر آثار منتشره قم و بیروت در آن عرضه می‌گردد، لکن چاپ و نشر آن‌جا با وجود قیمت‌های بالا، رونق خاص خود را داراست.

در میـان کتابخانه‌هـای نجف، چنـد کتابخـانه قـدیمی در خیابـان شـارع الرسول قرار دارد که در یـک نیم‌روز به آنها سـر زدم. به‌جز کتابخانه آقا بزرگ تهرانی، کتابخانه‌های زیر مورد بازدید قرار گرفت:

۱. مکتبه الإمام الحکیم: این کتابخانه که در جوار مسـجد هندی قرار گرفته، در سال ۱۳۷۷ قمری توسط مرحوم آیت الله سید محسن حکیم تأسـیس شد. این مرجع وارسـته نخست مکان مناسبی در اطراف مسـجد هندی انتخاب نمود و با خریداری و تخریب خانه‌های اطراف مسجد، این کتابخانه‌را بنا کرد. در ابتدای تأسیس، مجموع کتاب‌های چاپی ۱۵۰۰۰ جلد و کتاب‌های خطی آن حدود ۲۵۰۰ جلـد بود. سـالن مطـالعه آن در طبقه همکف است و طبقه پـایین نیز مخزن کتب خطی است. وقتی از مسـئول این بخش تعـداد کتب خطی موجود را پرسیدم، به رقم ۴۰۰۰ نسخه اشاره کرد.

۲. مکتبـه امیر المـؤمنین (ع): نخسـت به زیـارت مزار علامـه امینی (متوفـای ۱۳۹۰ ق) رفتم. پیکر مؤلـف کتـاب شـریف «الغـدیر» در سرداب مخصوص جنب کتابخانه عمومی امام امیر المومنین (ع) به خاک سپرده شده است. وقتی به سـمت کتابخانه رفتم، درب بسته بود؛ اما خادم گفت که بعد از ظهر باز است و الان فقط می‌توانید داخل کتابخانه را ببینید. مکتبهٔ الامام امیرالمؤمنین العامه را می‌توان یکی از با ارزش‌ترین کتابخانه‌های علمی جهان اسـلام برشمرد. علامه امینی این کتابخانه را در زمینی به مساحت ۲۶۰ متر مربع بنیان نهاد. ایشان پس از انتشار نخستین جلد کتاب شریف «الغدیر» این مرکز علمی را با بیش از چهل و دو هزار جلد کتاب خطی و چاپی تأسـیس کرد. هم‌اکنون کتب بسیاری به مخزن این کتابخـانه افزوه شـده که بنـا بر اطلاع ارائه شـده درسـایت کتابخانه ((. www ten. bilmai شـمارکتب خطی آن، بیش از هفت هزار عنـوان است. می‌گوینـد که علامـه امینی بر آن بود تـا این مرکز را به یک مجموعه فرهنگی گسترده، شامـل کتابخانه، چاپخانه و نهاد خیریه اسـلامی تعمیم دهـد و به همین سـبب، زمین بزرگی را به مساحت ۱۷۵۰ متر مربع خریداری کرد که امید است این آرزوی ایشان محقق شود. از آقا بزرگ تهرانی نقل شده که گفته است:

پس از وفـات امینی، پیوسـته در این فکر بودم که علامه امینی که عمرش را فـدای مولا علیه‌السـلام کرد، مولا در آن عالم با وی چه خواهـد کرد؟ شبی در عـالم رویـا دیـدم گویی قیـامت برپـا شـده و بیابـانی پر از جمعیت است؛ ولی مردم همه متوجه یک ساختمان هستند. پرسیدم: آن‌جا چه خبر است؟ گفتند: آن‌جا حوض کوثر است. من جلو رفتم و دیدم حوضی است و باد امواجی در آن پدید آورده و متلاطم است و حضـرت علی بن ابی‌طالب علیه السـلام کنار حوض ایسـتاده‌اند و لیوان‌های بلوری را پر می‌کنند و به افرادی که خود می‌شناسـند، می‌دهند. در این اثنا همهمه‌ای برخاست. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند: امینی آمد! با خود گفتم بایستم و رفتار علی علیه السـلام با امینی را به چشم ببینم. ده دوازده قدم مانده بود که امینی به حوض برسد، دیدم حضـرت لیوان‌ها را به جای خود گذاشـتند و دو مشت خود را از آب کوثر پرکردند و چون امینی به ایشان رسـید، به روی او که پاشـیدند و فرمودند: خدا روی تو را سفیـد کنـد که روی ما را سـفید کردی! از خواب بیدار شدم و فهمیدم که علی علیه‌السـلام پاداش تألیف «الغدیر» را به مرحوم امینی

داده است. (۱)

۳. مکتبه الامـام المجتبی (ع): این کتابخـانه بـا ساختمـانی زیبا در محله جدیـده بنا شـده است. این محل پس از شارع الرسول و سور النجف قرار دارد. بنیان‌گذار این کتابخانه، شـیخ باقر شریف قرشی است. پیشتر، ساختمان قدیمی این کتابخانه را دیده بودم؛ اما بنای جدید و نوع چینش موضوعی آثار در طبقات توسط این محقق و برادر مرحومش شـیخ هادی را می‌توان یک شاهکار دانست. شاید نام‌گـذاری این کتابخانه بی‌ارتباط با علاقه این محقق به امام حسن (ع) نباشد؛ زیرا اولین کتاب منتشـر شده از سوی او درباره دومین امام معصوم (ع) است. تعداد کتاب‌های این کتابخانه بیش از ۶۰ هزار جلد است و آثار خطی آن نیز بیش از ۱۰۰۰ عنوان.

به قصد دیدار علامه باقر شـریف قرشی به کتابخانه رفتیم. برادرزاده او جناب حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین هادی پذیرای ما شد و گفت که شـیخ به دلیل بیماری در خانه خود در حی العلما بستری است. ساعتی در کنار شیخ حسین نشستیم و درباره کتابخانه و

۱- یادنامه علامه امینی، ضمیمه روزنامه رسالت، ۱۲ تیر ۶۷، ص ۶.

ص: ۸۱

وضعیت آن صحبت کردیم. شیخ حسین درباره سیره زیارتی علما می‌گفت: اخوان مستنبط سبک خاصی برای زیارت داشتند. آن دو زیارت معمول را حفظ بودند و وقتی وارد حرم می‌شدند، آهسته قدم می‌زدند و بخش‌هایی از آن را می‌خواندند. از شهید شیخ مرتضی بروجردی نقل می‌کرد که او چهل سال نماز صبح را در حرم امیرمومنان (ع) ترک نکرد. یک ساعت حضور نزد شیخ حسین مغتنم بود و ماندگار. در آخر نیز ایشان کریمانه تعدادی از آثار خود را اهدا کرد.

شخصیت‌ها و بیوت علمی

۱. بیوت علمی: نجف به داشتن اسطوانه‌های علمی‌اش شهره است و همواره شخصیت‌های فقهی، اصولی، عرفانی و اخلاقی بسیاری در این شهر بودند. هنوز نام و نظر هر یک از آنان در صدر محافل علمی و حتی خانه‌های شیعیان است. هر چند که در دوره حکومت بعثیان سعی و تلاش زیادی در محو این آثار شد و ده‌ها نشانه، با خاک یکسان گردید و صدها صاحب‌نشان خاک‌نشین شدند، اما هنوز هم وقتی به هر محله و کوچه‌ای که باقی مانده، سر می‌زنی بیت عالمی را می‌بینی که تاریخ گذشته را برایت روایت می‌کند.

به عادت همیشه، از خانه امام خمینی (ره) شروع کردم که در میان خیابان شارع الرسول قرار داشت و تمام آن ویران شده بود؛ اما گویا در حال نوسازی براساس همان نقشه اصلی هستند. روبه‌روی آن، مدفن آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری (۱۴۱۴ ق.) است که اخیرا مدرس بزرگی نیز در کنارش ساخته‌اند؛ از ویژگی های برجسته این عالم، اصرار بر اقامه روزانه نماز جعفر طیار و حفظ تمام وسایل الشیعه بود.

در همین محله حویش قدم می‌زدم که به خانه آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی (متوفای ۱۳۸۲ ق) رسیدم. نقل است که در بدو ورودش به نجف، هیجده حوزه تدریس اخلاق و عرفان وجود داشت. درب خانه باز بود و پیشتر شنیده بودم که همیشه این‌گونه است و محلی است برای بحث‌های علمی. این خانه در دوره‌ای محل تدریس سید نیز بوده است. وقتی وارد خانه شدم، نوه دختری این مرجع از ما استقبال کرد. چند سؤال کردم که برخی از نکات جواب داده شده از این قرار است:

معمولا هر شب علمای بزرگ نجف بعد از نماز مغرب و عشاء در صحن می‌نشستند و یک بحث علمی داشتند. این بحث گاه تا ده شب به درازا می‌کشید و آیت‌الله شیرازی نیز در آن شرکت می‌کرد.

سید در ده سال آخر نابینا شده بود و وقتی رفتن به حرم برایش مشکل می‌شد، به پشت بام می‌رفت و به سمت حرم می‌ایستاد و سلام می‌کرد.

در دوره سید، رفتن به کربلا به سختی انجام می‌شد و ماشین‌های آن زمان، گاه مسیر نجف به کربلا را چهار ساعته طی می‌کردند؛ از این رو معمولا علمایی که به کربلا می‌رفتند، چند روزی می‌ماندند؛ اما سید ضمن اهتمام به زیارت، زود برمی‌گشت.

۲. آیت‌الله شیخ بشیر نجفی: در حال حاضر در حوزه علمیه نجف، در کنار مرجع عالی نجف حضرت آیت‌الله سیستانی، سه مرجع دیگر با سه ملیت متفاوت حضور دارند: آیت الله العظمی سید محمد سعید حکیم؛ آیت‌الله العظمی شیخ اسحاق فیاض و آیت‌الله العظمی شیخ بشیر نجفی. دیدار با آیت‌الله العظمی سیستانی میسر نشد؛ زیرا در این موسم، تنها زائران کشورهای حوزه خلیج فارس را می‌پذیرفتند. وقتی در محله جدیده بودم، از منزل آیت‌الله شیخ بشیر نجفی شروع کردم؛ اما طولانی شدن این دیدار و جمعیت میلیونی زائران در نجف، دیدار دو مرجع بزرگوار دیگر را به سفر بعد موکول ساخت.

منزل ساده این مرجع، گواه ساده‌زیستی ایشان بود. تعداد زیادی از شیعیان بحرین آمده بودند و یک‌به‌یک وارد اتاق شده و پس از سلام و دست‌بوسی می‌نشستند و ایشان به تک تک افراد اظهار لطف و دعا می‌کرد. برخورد عاطفی او دل‌نشین و تأثیرگذار بود. پس از عرض سلام و ارادت، گوشه‌ای از اتاق نشستم. ایشان نیم ساعتی برای جمع سخنرانی کرد که نیمی از صحبت به مباحث

اخلاقی اختصاص داشت و نیم دیگر از حکمت و اهمیت زیارت امام حسین (ع) و این‌که: «امام هدف است، نه پل یا وسیله» و «زائر مانند کسی است که به خود عطر زده است؛ این عطر مدت‌ها فضا را معطر می سازد. زائر باید با عطر زیارت به موطن خود برگردد؛ متحول و مغفور». سخنرانی این مرجع به زبان عربی بود، اما لهجه و شور پاکستانی در آن موج می‌زد.

با پایان سخنرانی و رفتن میهمانان، به اشاره ایشان کنارشان نشستم. پس از معرفی و صحبت‌های نخست، پرسش‌های مختلفی مطرح شد که برخی از نکات در پاسخ‌های ایشان بدین قرار است:

ضمن خواندن زیارت‌های متعدد، باید ارتباط روحی برقرار شود. آقایی بود که وقتی به حرم امیرمؤمنان (ع) مشرف می‌شد، پشت به قبله و روبه‌روی ضریح می‌نشست و چشم‌های خود را می‌بست و مدت‌ها در این حالت بود.

در حکمت زیارت‌های مخصوصه امام حسین (ع) نکاتی نهفته است. به زیارت اربعین توجه کنید. دقت در این نکات می‌تواند قابل تعمیم باشد. در این زیارت دو نکته نهفته است: اول، زیارت در یک روز خاص، نشان و علامت است و خدا می‌خواهد این نشان، برجسته و مشخص باشد؛ نشانی که در کنار نمازهای پنجاه و یک‌گانه قرار می گیرد. دوم، در واژه «اربعین» نیز باید درنگ کرد؛ تکامل در این «چهل» نهفته است.

ص: ۸۲

حوزه قم را درک نکردم و از پاکستان به حوزه نجف آمدم. فقط برای زیارت به قم رفته‌ام.

با فوت سید علی قاضی طباطبایی، حوزه نجف از این مشرب عرفانی خالی نماند.

نماز ظهر و عصر را در همان اتاق به ایشان اقتدا کردم و از ایشان درخواست کردم تا نوار سخنرانی آن‌روز را برای درج در فصلنامه، در اختیار من قرار دهند؛ ایشان نیز به یکی از اعضای دفتر فرمود و لوح فشرده آن را به‌سرعت آماده کردند (۱)

در بازگشت و در همان محله جدیده، مقبره آیت‌الله سید علی بهشتی بابلی (متوفی ۱۴۲۴ ق) بود که در مرقد این فقیه وارسته فاتحه‌ای خواندیم.

۳. علامه سید مهدی خرسان: با نام و آثار این محقق و شخصیت برجسته او تا حدی آشنا بودم. آل خرسان از خاندان‌های ریشه‌دار و معروف نجف به‌شمار می‌آیند که در دانش و فضل شهره‌اند. دیدار با این عالم شهیر را از قبل برنامه‌ریزی کرده بودم. می‌دانستم که در محله حویش ساکن است، اما مکان دقیق را نمی‌دانستم. از یکی از طلبه‌های نجف، آدرس دقیق را جویا شدم که راهنمایی کرد و گفت ایشان هر هفته جمعه ساعت ۱۰ صبح جلسه درس اخلاق دارند. فرصت خوبی بود و در همین ساعت به خانه ایشان در کوچه روبه‌روی مسجد شیخ انصاری رفتم. وقتی وارد اتاق بیرونی ایشان شدم، دور تا دور آن طلبه‌های جوان و میان‌سال نشسته بودند و انگشت‌شمار مردم عادی در میان مستمعین بودند. ایشان نیز صحبت خود را آغاز کرده بود. نزدیکشان نشستم. بر روی یک تابلوی بزرگ و سبز رنگ این کلمه نوشته شده بود:

«عش کعلی (ع)، هادن کالحسن (ع)، مت کالحسین (ع)».

آیت‌الله خرسان به مناسب شب رحلت پیامبر (ص) درباره وقایع روزهای آخر حیات حضرت (ص) سخن می‌گفت و کتاب «مُسند» عبدالله بن عباس نیز در دستشان بود که خودشان تدوین کرده بودند. محور سخن نیز این حدیث از ابن‌عباس بود:

«لما أمر النبی (ص) أن یقوم بعلیّ بن أبی‌طالب (ع) المقام الذی قام به، فانطلق النبی (ص) الی مکه، فقال: رأیت الناس حدیثی عهد بکفر بجاهلیهٔ، و متی أفعل هذا به یقولوا: صنع هذا بابن عمه. ثم مضی حتی قضی حجهٔ الوداع، ثم رجع حتی إذا کان بغدیر خم، أنزل اللّه عزّ و جلّ: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ». فقام مناد فنادی الصلوهٔ جامعهٔ، ثم قام و أخذ بید علی علیه السّلام فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه اللّهمّ وال من والاه، و عاد من عاداه».

بعد از پایان سخنرانی، کنارشان نشستم. فارسی را خوب صحبت می‌کردند. این دیدار هم به پرسش و پاسخ انجامید تا اذان ظهر که از رفتن ممانعت فرمود و پس از نماز، نهار مهمان ایشان بودم. بسیار صمیمی و خودمانی، یک سفره ساده و دوست‌داشتنی را پهن کردند و ایشان نیز با صفای خاص خود از ما پذیرایی کرد.

صحبت ما در میان غذا و یک ساعت پس از آن نیز دنبال شد و این محقق با سعه صدر و لبخند خاص خود پاسخ‌گوی پرسش‌های متعدد ما بود. برخی از نکات مطرح شده از سوی ایشان به قرار زیر است:

حسین رمز اسلام است و درباره حکمت زیارت‌های مخصوصه امام باید به این نکته توجه داشت که این تعدد و انحصار، به نوعی اعلان و دعوت (دعایه) است. چرا امام باقر (ع) وصیت کردند که ۱۰ سال در منا برای‌شان روضه برپا کنند؟ چون با توجه به فراوانی جمعیت، جای تبلیغ و اعلان است. در مناسبت‌های مختلفی چون شب قدر، عرفه و نیمه شعبان که توجه مردم را به خود جلب می‌کند، زیارت مخصوص امام حسین (ع) وارد شده که از فضای تبلیغی برای اسلام استفاده شود:

«الاسلام حسینی البقاء».

قبلا روزی دو بار به زیارت امیرمومنان (ع) مشرف می شدم.

در کتابی از سید عبدالله بلادی، چهار نفر عبدالله نام را در شهادت امام حسین (ع) شریک می‌داند: عبدالله عمر، عبدالله زبیر، عبدالله

جعفر و عبدالله عباس. این ادعا درباره دو فرد اخیر درست نبود و می‌خواستم نقد کنم؛ اما آقا بزرگ تهرانی به عللی اجازه نداد. نابینایی یا ضعف بینایی ابن‌عباس سبب شد که نتواند در کربلا حاضر شود.

مختار شروع خوبی نداشت؛ اما نتیجه کارش مطلوب اهل‌بیت (ع) بود. از این رو دفاع آیت‌الله خویی قابل نقد است.

زنی به‌نام خدیجه بنت علی (ع) در تاریخ هست؛ اما نمی‌توان پذیرفت که مزار مقابل باب ثعبان (باب الفیل) مسجد کوفه از اوست.

در دوران صدام، وقتی خاندان حکیم را دستگیر کردند، عصر روز ۲۵ ذی‌القعده مجلس روضه امام موسی الکاظم (ع) را به سختی برپا کردم؛ کسی آمد و گفت: وقتی آنان را گرفتند، در نجف ده نفر هم پیدا نشد که به اعتراض، الله اکبری بگوید!

هنگام بیرون آمدن، این نکته به ذهنم رسید که طلبه‌های زائری که به نجف می‌آیند، باید با میراث علمی نجف آشنا شوند و دست‌کم با فراهم شدن یک جلسه اخلاقی، روحانیون ایرانی با استوانه‌های علمی این حوزه انس بگیرند.

۱- بخش مربوط به حکمت زیارت این سخنرانی، در این شماره فصلنامه درج شده است.

ص: ۸۳

از حنانه تا سهله

در یک برنامه فشرده، دو مکان واقع در مسیر نجف به سهله و همچنین دو مسجد بزرگ و تاریخی کوفه و سهله زیارت شد. این اماکن چهارگانه به نوعی در برنامه زیارتی کاروان‌ها قرار داشت. چند نکته را درباره این دو زیارتگاه بیان می کنم:

۱. مسجد حنانه: این مکان فضای غمناک کربلا را برای هر زائری تداعی می کند. پس از واقعه عاشورا، سر امام حسین (ع) به کوفه برده شد که پیش از بردن نزد ابن زیاد، سر مقدس در این مکان قرار گرفت. (۱) بنای قدیم مسجد تخریب شده و با طراحی بسیار زیبا بازسازی گردیده است. هم به مساحتش افزوده شده و هم معماری آن چشم‌نواز شده است. با این حال فعلا کاروان‌های ایرانی را به این مسجد نمی‌برند؛ گویا فقدان مکان مناسب برای توقف ماشین‌ها، بهانه حذف این برنامه است!

۲. مزار کمیل: او از یاران نزدیک امیرمؤمنان (ع) بود که در صفین حضور داشت و مدتی نیز والی هیت بود. (۲)کمیل، بزرگ قوم خویش بود. سرانجام به دستور حجاج و به جرم همراهی با علی (ع) در سال ۸۲ هجری گردنش را زدند. امیرمومنان (ع) پیشتر نحوه شهادتش را به او خبر داده بود. (۳) ضرار بن ضمره‌می گوید: شنیدم امیرمؤمنان (ع) به کمیل بن زیاد سفارش می کرد و می گفت ای کمیل! از مؤمن دفاع کن که پشت سر مؤمن، حریم خداست و جان او نزد خدا محترم است و دشمن او، دشمن خداست. از ستم کردن با کسی که یاوری جز خدا ندارد، بپرهیز. (۴) معماری سابق مزار کمیل حفظ شده است؛ با همان گنبد و سطح بلندی که دارد. البته در سال‌های اخیر تعمیرات و اضافاتی نیز داشت است.

۳. مسجد کوفه: پیش از ورود به مسجد، به سمت مزار میثم تمار رفتم؛ شخصیتی که امیرالمؤمنین (ع) سخت به وی علاقه داشت و او را از اسرار آگاه می کرد. امام درختی را به میثم تمّار نشان داد و او را آگاه ساخت که عبیداللّٰه بن زیاد، وی را به عنوان دهمین نفر، بر شاخه آن درخت مصلوب خواهد کرد و مرگ او به سبب نیزه‌ای خواهد بود (۵). میثم تمار ده روز پیش از ورود امام حسین علیه السّلام به عراق، در کوفه به شهادت رسید و جنازه‌اش مدت‌ها بر سردار بود (۶). کنار ضریح میثم ایستاده بودم که درب آن را باز کردند و با نظارت شیخ موقری، چند گونی از پول‌های داخل آن را بیرون آوردند. زمینه‌ای فراهم شد و به دعوت آن شیخ، داخل ضریح شده، به قبر این یار وفادار حضرت تبرک جستم.

پیاده به سمت مسجد کوفه رفتم؛ مسجدی که بخش‌هایی از آن را باغی از باغ‌های بهشت می‌دانند (۷). پیش از سفر کتاب «الغارات» را می‌خواندم و این نکته از این کتاب به ذهنم خطور کرد که علی (ع) هر روز در جایی از مسجد بزرگ کوفه می‌نشستند و بعد از نماز صبح، تا طلوع آفتاب به تسبیح مشغول می‌شدند و بعد از این‌که خورشید طلوع می کرد، برای سخنرانی بالای منبر می‌رفتند. (۸) مقام‌های معروف مسجد کوفه عبارتند از مقام جبرائیل، مقام آدم، مقام نوح، مقام ابراهیم، مقام خضر، مقام محمد، مقام امام صادق و مقام امام زین العابدین (علیهما السلام). همچنین از اماکن تاریخی داخل مسجد نیز می‌توان از محل کشتی نوح، محراب امیرمومنان (ع)، بیت الطشت و دکهٔ القضاء نام برد.

بازسازی مسجد کوفه از حدود ده سال پیش آغاز شده است. از مساحت ۱۱۱۶۲ متری مسجد، حدود ۵۵۲۰ متر مسقف شده و اکنون ساخت رواق‌های پیرامونی و همچنین سنگ فرش تمام مسجد به پایان رسیده است. گرچه بنای جدید، زیبا جلوه می کند، اما سادگی پیشین جذابیت خاص خود را داشت. فعلا مقام نوح (ع) در بخش بانوان قرار دارد وگویا اندک جابه‌جایی در مقام جبرئیل شده است. از اقدامات مفیدی که صورت گرفته، باز کردن دربی از بالای سر مزار مسلم بن عقیل به داخل مسجد است. این درب به مقام امام صادق (ع) باز می‌شود. مدیریت مسجد سایتی را به آدرس www .masjed -alkufa .net راه‌اندازی کرده که اطلاعات و تصاویر خوبی در آن می‌توان دید.

پس از زیارت مزار حضرت مسلم (ع) به زیارت مختار رفتم. ضریح جدیدی بر مزارش نصب کرده‌اند. در حرم هانی بن عروه

تغییری صورت نگرفته بود. بیشتر کاشی‌های قدیمی هم در حال تخریب بود. امیدوارم در توسعه جدید که در سمت شرقی انجام شود، آن‌جا نیز مورد توجه قرار گیرد.

از باب الثعبان مسجد کوفه که در ضلع غربی شمال مسجد قرار دارد بیرون آمدم و به سمت مزار روبه‌روی در رفتم؛ مزاری که تابلوی نصب شده بر آن از دفن خدیجه بنت علی (ع) حکایت می کرد. همسر او عبدالرحمن بن عقیل است (۹)که درکربلا به شهادت رسید. (۱۰) مورّخان ضمن اشاره به وجود چنین زنی، از محل دفن او یاد نکرده‌اند.

۴. مسجد سهله: پیش از غروب، وارد این مسجد شدم. مکانی مقدس با مقام‌هایی شریف که برای پذیرایی از زائران آغوش گشوده است. مقام‌های مسجد عبارتند از: مقام انبیاء و مقام صالحین، مقام ابراهیم، مقام ادریس، مقام خضر، مقام امام صادق، مقام امام زین العابدین و مقام امام زمان (علیهم السلام).

بازسازی این مسجد با نظارت آیت‌الله سید سعید حکیم در حال اجراست. بر اساس ماکتی که در آن‌جا دیدم، پروژه گسترده‌ای در حال اجراست و بخش جنوبی مسجد که مقام امام زمان (ع) درآن‌جاست، به عنوان محوری‌ترین بخش آن ساخته خواهد شد که در دو

۱- بحارالأنوار ج ۹۷، ص ۲۸۳ و مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۴۰۳.

۲- ر. ك: نهج البلاغه، نامه ۶۱.

۳- شیخ المفید، إرشاد، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴- مروج‌الذهب، ج ۲، ص ۴۲۲.

۵- شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۱۰.

۶- الإصابة، ج ۶، ص ۲۵۰؛ منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۶، ص ۳۶۳.

۷- المحاسن، ج ۱، ص ۵۶.

۸- الغارات/ ترجمه، ص ۳۳۳

۹- أنساب‌الأشراف، ج ۲، ص ۷۱ و المحبر، ص ۵۷.

۱۰- الأخبارالطوال، ص ۲۵۷.

ص: ۸۴

سمت آن نیز مقام ادریس و زین العابدین (ع) قرار دارد. تاکنون رواق‌های شمالی و شرقی و غربی آن ساخته شده است. یکی از جاذبه‌های مسجد سهله، فعالیت‌های گسترده فرهنگی مدیریت مسجد است. سالن بزرگی در جوار مسجد به عنوان فروشگاه کتاب و محصولات فرهنگی قرار دارد که پس از نماز، گشتی در آن زدم و چند نمونه از منشورات آن را تهیه کردم. کتاب «دلیل عتبة مسجد السهله» یکی از آثار خوب منتشره آن بود. از فعالیت‌های فرهنگی مسجد، ایجاد سایتی به آدرس www. alhasla. ten است. این وب‌سایت امکانات خوبی را برای آشنایی با مسجد فراهم نموده است.

کناسه تا نخیله

مسیر یک ساعته نجف به کربلا آسان بود و سریع؛ ولی ما مسیر کوفه به کربلا را انتخاب کنیم؛ با زمان تقریبی پنج ساعت و با سه توقف و زیارت. در حاشیه این مسیر، سه مکان زیارتی و چند مکان تاریخی قرار داشت که برای بار نخست بدان‌جا قدم می‌گذاشتم: مزار زید بن علی (ع)، مزار رشید هجری، مزار ذی الکفل و یارانش و همچنین مکان‌هایی چون نخیله، کناسه، شهر کفل و مسجد باشکوهش با یک مناره.

۱. زید بن علی (ع): از کوفه تا کناسه حدود ۳۰ کیلومتر فاصله است و برای رفتن نیز باید جاده کوفه به حله را انتخاب کرد. در ۲۵ کیلومتری مسیر، تابلویی قرار داشت که مسیر مزار زید را نشان می‌داد. درست در سمت راست جاده و در مسیری فرعی، پس از طی دو کیلومتر گنبد حرم زید دیده شد. به کناسه وارد شده بودم. این مکان پیشتر نام یکی از محلات کوفه بود (۱) که حوادث متعدد تاریخی در آن اتفاق افتاده است. به دار آویختن و سوزندان زید بن علی (ع) یکی از فجیع‌ترین حوادث تاریخ اسلام است.

زید، فرزند امام سجاد (ع) در ماه صفر سال ۱۱۸ هجری در کوفه قیام کرد و چهارده هزار تن با او در جهاد با ستم‌کاران و دفاع از ستم‌دیدگان بیعت کردند. یوسف بن عمر، کارگزار امویان در عراق، در جست‌جوی او می‌کوشید. وقتی زید قیام را آغاز کرد، به‌جز چهارده مرد با او بیرون نیامدند و زید گفت: «این بیعت را حسینی کردید!» سپس به پیکار با ایشان برخاست. تیری به او زدند که به پیشانی‌اش اصابت کرد. او را از میدان بیرون بردند و همان شب جان سپرد و با لباس خونین به خاکش سپردند. چون بامداد شد، یوسف بن عمر محل خاکسپاری او را یافت؛ بدنش را بیرون آورد و سر از تنش جدا کرد و برای هشام بن عبد الملک به شام فرستاد. پیکر بی سر او را در محلّه کناسه کوفه به دار آویختند. سپس به دستور هشام بن عبدالملک، پیکرش را آتش زدند. (۲) زید در ۴۲ سالگی به شهادت رسید. او شخصیتی پرهیزکار، عابد، فقیه، شجاع و سخی بود و امام صادق (ع) در سوگ وی گریست. (۳)

در مکان به دار آویختن و سوزاندن زید، بارگاه باشکوهی ساخته‌اند. ضریحی زیبا در حرمی باعظمت در وسط یک صحن بزرگ. این حرم، یک گنبد بزرگ و دو مناره دارد. وقتی وارد رواق شدم، دیدم که زیارتنامه زید را در ورودی آن قرار داده‌اند. در ضلع شرقی صحن، چند نخل قرار دارد که گویا رمز و نشان شهادت اوست؛ اما متأسفانه برخی از مردم آن‌جا معتقدند که زید بر همین نخل آویخته و سوزانده شد. البته در نقد این اعتقاد خرافی، برگه‌ای در کنار نخل‌ها نصب کرده بودند.

۲. رشید هجری: مزار این شهید، قبل از مقام زید بن علی (ع) است، با فاصله تقریبی ۴ کیلومتر، درست در سمت راست جاده کوفه به حله. این محل از توابع نُخیله است که بعد از زیارت زید، از جاده اصلی به آن‌جا رفتم؛ گرچه بعداً یکی از اهالی آن‌جا، جاده‌ای را نشانم داد که مستقیم به کناسه منتهی می‌شد.

رشید هجری از یاران راستین امیرمؤمنان (ع) است که بریده شدن دست‌ها و پاهایش و مصلوب گردیدنش را پیش‌گویی کرده بود. (۴) گویا رشید به دست زیاد بن ابیه به شهادت رسید؛ (۵) هرچند برخی قاتل او را عبیدالله بن زیاد می‌دانند. (۶)

مرقد رشید دارای یک صحن با گنبدی فیروزه‌ای است. بر روی سنگ نبشته‌ای تاریخ بنای کنونی (۱۴۱۴ ق) درج شده است. متأسفانه به دلیل در حاشیه قرار داشتن این مزار، و غیر مسکونی بودن اطراف آن، زائران کمی به آن‌جا می‌روند.

۳. ذی الکفل: در سمت چپ جاده منتهی به حلّه، شهر کفل قرار دارد که برای زیارت و بازدید راهی آن‌جا شدم. این شهر در منطقه نُخَیله که نخل‌های فراوان و به‌هم تنیده دارد، واقع است. نُخَیله تاریخی درخشان دارد؛ به‌خصوص نام آن را می‌توان در بخش‌های مختلف دوران خلافت امیر مؤمنان (ع) دید. این منطقه گواه است که چون امیرمومنان (ع) خبر غارت‌گری یاران معاویه در أنبار را شنید، خود پیاده به راه افتاد تا به نُخیله رسید. مردم در نخیله بدو پیوستند و گفتند: ای امیر مؤمنان! ما کار آنان را کفایت می‌کنیم. امام فرمود: شما که از عهده کار خود برنمی‌آیید، چگونه کار دیگری را برایم کفایت می‌کنید؟! اگر پیش از من رعیت از ستم فرمان‌روایان می‌نالید، امروز من از ستم رعیت خود می‌نالم. (۷)

در این شهر دو اثر تاریخی و تمدنی قرار دارد: مسجد نخیله که از دور مناره قدیمی آن نمایان است و مزار ذی‌الکفل با گنبدی خاص که نمونه‌اش را بر مزار شوش دانیال دیده بودم.

۱- «کناسه» در لغت به‌معنای خاکروبه‌ریز است و نام یکی از محلات قدیمی کوفه است، ر. ک: معجم البلدان ج ۸، ص ۲۸۸.

۲- الأخبارالطوال، ص: ۳۴۴ آفرینش، تاریخ/ ترجمه، ج ۲، ص: ۹۳۱ تاریخنامه‌طبری، ج ۴، ص: ۹۶۲ الروض المعطار فی خبر الاقطار، النص، ص ۴۹۵.

۳- منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۳، ص ۲۹۱

۴- نهج الحق، ص ۲۴۲.

۵- الارشاد، ج ۱، ص ۳۲۵.

۶- رجال الکشی، ص: ۷۷ و معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص: ۱۹۷.

۷- نهج البلاغه؛ خطبه ۲۶۱.

ص: ۸۵

از میان بازار بسته و مسقف شهر عبور کرده، وارد محوطه این دو مکان شدم. در بدو ورود، تولیت این محل تاریخی، آقای شیخ عقیل کفلی به گرمی استقبال کرد. او نماینده وقف شیعی و مسئول مجموعه‌ای است که به جز این محل، مزار زید بن علی (ع) و رشید هجری را نیز اداره می‌کند. او نخست مسجد نخیله را معرفی کرد. این مسجد مکانی است که امیرمؤمنان (ع) بارها درآن حاضر شدند؛ از جمله به هنگام عزیمت به صفین و نهروان در آن اقامت گزیدند و نماز اقامه کردند. ساخت بنای مسجد نخیله و مناره آن، به دوره «الجایتو» سلطان مغول بازمی‌گردد که معماری چشم‌نوازی دارد. به‌جز بخشی از دیوارهای آن، تنها مناره رو به ویرانی آن باقی است. بر این مناره کلماتی به خط کوفی نقش بسته که تمامی نشان از محبت به خاندان رسالت (ع) دارد. این مناره ۲۴ متری، در حال بازسازی است.

در کنار مسجد، مزار ذی الکفل واقع شده که یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل است. قرآن کریم ضمن بیان نامش، او را از صابران می‌شمارد. (۱) او بعد از سلیمان بن داود می‌زیست و در میان مردم مانند داود (ع) قضاوت می‌کرد، و نام شریفش عویدیا بود. (۲)

با راهنمایی شیخ کفلی، وارد مزار ذی الکفل شدم. بر روی قبر او یک ضریح تمام چوبی قهوه‌ای رنگ قرار داشت و بر روی دیوار نیز سنگ‌نوشته‌هایی به زبان عبری دیده می‌شد. رواق مجاور ضریح این پیامبر، مدفن یاران ذی‌الکفل است که نام تک تک آنان نیز با تابلویی مشخص است: باروخ، یوسف الربان، خون ناقل التورات، یوحنا الدملجی و یوشع. در همین رواق، تابلویی بود که از وجود مقام خضر گواهی می‌داد. در بخش غربی مجموعه، مدفن یک تاجر یهودی به نام مناحیم دانیال و دو نفر از منسوبان وی است. او ۸۰ سال پیش می‌زیست و این مکان را بازسازی کرد. در سمت چپ مدخل ورودی حرم، کنیسه‌ای قدیمی وجود دارد. این کنیسه و مجموعه مزار ذی‌الکفل و همچنین مسجد نُخَیله در نیم قرن گذشته در تصرف یهودیان بود که بخشی از تخریب‌های مسجد نیز توسط آنان انجام شده‌است. آنان تصمیم داشتند تا با فراهم کردن زمینه ورود و سفر یهودیان به این مکان، آثار به‌جای مانده مسجد و مناره را محو کنند؛ اما به دلیل تلاش‌های پی گیر و مستمر مسلمانان در نیم قرن اخیر، به‌خصوص مبارزه مستمر شیخ علی خیری (متوفی ۱۳۲۰ ق.) در دوره پایانی حاکمیت عثمانیان، اکنون خبری از یهودی و مرام آنان نیست.

در پایان بازدید، شیخ عقیل کفلی ما را به دفتر خودش دعوت کرد و با نشان دادن تصاویر قدیمی این مجموعه، از فعالیت‌های توسعه‌ای و به‌خصوص فرهنگی‌اش گفت و اعلام کرد که این آستان می‌تواند پذیرای چهره‌های فرهنگی ایرانی باشد و به جدّ درخواست کرد که ایرانیان عزیز برای زیارت و بازدید به این مجموعه سفر کنند.

این بازدید بیش از دو ساعت طول کشید. پس از ترک ذی الکفل، راهی کربلا شدیم؛ البته نه از مسیر حله؛ بلکه از جاده کفل که به جاده اصلی نجف به کربلا منتهی می‌شود.

ادامه دارد ...

۱- انبیاء، آیه ۸۵.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۰۵.

ص: ۸۶

ص: ۸۷

آسیب‌شناسی زیارت عتبات عالیات

در گفت‌وگو با مسئولان بعثه مقام معظم رهبری در کشور عراق

سفر به عتبات عالیات و زیارت قبور ائمه اطهار و دیگر اماکن سرزمین عراق، از دیرباز تاکنون، بسیار مورد توجه مسلمانان و به‌ویژه شیعیان بوده است. در این میان، زیارت قبر امام حسین (ع) در کربلا، از اهمیت بالاتری برخوردار بوده است. در واقع، از زمانی که جابر بن عبدالله انصاری در اربعین شهادت امام حسین (ع)، نام خود را به عنوان اولین زائر قبر آن حضرت در تاریخ ثبت کرد، تا به امروز، همواره مشتاقان و شیفتگان اهل‌بیت پیامبر (ص)، در هر شرایط و با هر زحمت و مشقتی، خود را به آن بارگاه نورانی می‌رسانند و در برابر آن ساحت مقدس عرض ارادت می‌کنند. این شور و اشتیاق، در زیارت بارگاه‌های دیگر ائمه مدفون در سرزمین عراق نیز دیده می‌شود.

آنچه در این امر همواره مورد توجه بوده، آسیب‌هایی است که زائران در این سفر مقدس، دچار آن‌ها می‌شده‌اند؛ چه آسیب‌های ظاهری و جسمانی و چه آسیب‌های معنوی.

آنچه از شواهد تاریخی و گفته‌های گذشتگان برمی‌آید، سفر به عتبات عالیات و زیارت آن حرم‌های نورانی، همواره با خطرات و مشقات بسیاری برای زائران همراه بوده است؛ به‌ویژه زیارت حرم امام حسین (ع). چه بسیار مشتاقانی که در این راه، حتی برخی از اعضای بدن خود یا جان خود را هم از دست می‌دادند.

این‌گونه آسیب‌ها و زحمات، نه تنها از ارزش و ثواب زیارت انسان زائر نمی‌کاهد، بلکه بر آن می‌افزاید و ارزش آن را دوچندان می‌کند؛ اما آنچه در این دوران و در شرایط فعلی فرهنگی و سیاسی کشور عراق، از اهمیت بیشتری برخوردار است و ممکن است لطمات بزرگی را به اصل زیارت وارد کند، آسیب‌های معنوی این سفر گران‌قدر است.

در یک دهه گذشته، به دلیل سیل زائران مشتاق از کشورمان به سمت عتبات عالیات، پس از یک دوره طولانی محرومیت و نیز به این دلیل که ابتدای این امر، در زمان رژیم مستبد بر کشور عراق صورت گرفت، امکان نظارت کمتری بر کیفیت سفر زائران برای مسئولان فرهنگی کشور فراهم بود و بیشتر به مسائل کمّی سفر، توجه می‌شد. همین امر، زمینه‌ساز بروز برخی ناهنجاری‌ها در زیارت اماکن مقدس در عراق گردید. در سال‌های اخیر نیز با وجود از بین رفتن رژیم بعث و آزادی بیشتر زائران در انجام اعمال زیارتی و عبادی، باز هم به دلیل فشردگی زمان سفر و زیاد بودن تعداد مکان‌های زیارتی، برخی مشکلات و ناهنجاری‌ها، همچنان رخ می‌نماید و چهره زیبای زیارت را مخدوش می‌کند.

لزوم توجه به موضوع «آسیب‌شناسی سفر زیارتی به عتبات عالیات»، ما را به دیدار و گفت‌وگو با دو تن از افراد فعال در این زمینه، یعنی جناب «حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی شریف»، مسئول محترم دفتر بعثه مقام معظم رهبری در عراق (ساکن در کربلا) و «حجت‌الاسلام والمسلمین مقدس نیان»، مسئول محترم بعثه مقام معظم رهبری در شهر نجف کشاند. دیدار ما با این دو بزرگوار که از نزدیک با این مشکلات آشنایی دارند و برای رفع آن‌ها زحمات بسیاری کشیده‌اند، در محل اقامتشان در شهرهای کربلا و نجف صورت گرفت و ایشان به گرمی پذیرای ما شدند. آنچه در ادامه می‌آید، قسمت‌هایی از سخنان این عزیزان درباره آسیب‌شناسی زیارت عتبات عالیات و خرافات و بدعت‌ها در زیارت است. این گفتگو توسط دو عضو تحریریه فصلنامه و دوست همسفر حجت الاسلام هاشمی انجام شد که آقای محمد شکراللهی نیز تنظیم و تدوین آن راعهده دار گردید.

خرافات، مهم‌ترین مشکل بر سر راه زیارت

حجت‌الاسلام حسینی شریف در ابتدای کلام خود، وجود خرافات را خطری بزرگ برای اعتقادات زائران ایرانی که به عتبات سفر

می‌کنند، دانست و در این باره گفت:

«بعضی مواقع در این سفر با اعتقادات مردم بازی می‌شود. زائر عتبات با زائران عمره تفاوت دارند. مثلًا زائری از فلان روستای دورافتاده کشور می‌آید؛ بعد روحانی یا مداح، زائران را می‌آورد به مقام علی‌اصغر یا مقام علی‌اکبر. او با اعتقاد می‌آید این‌جا را زیارت می‌کند؛ یعنی وقتی می‌آید و چشمش به آن گهواره می‌افتد، متأثر می‌شود بعد این آقا برمی‌گردد ایران و یک نفر مورخ می‌رود

ص: ۸۸

به دیدن او. این آقا می گوید عجب روحانی‌ای داشتیم! ما را همه جا برد. تا محل شهادت علی اصغر هم ما را برد! این آقای مورخ هم این را موشکافی می کند و ریشه زیارت در آن‌جا را می‌زند. آن‌وقت این آدم عامی چون با این اعتقاد رفته و آن‌جا را زیارت کرده، اعتقادش متزلزل می‌شود و وقتی این اعتقاد او متزلزل شد، نسبت به مقدسات دیگر هم عقیده‌اش متزلزل می‌شود. بعضی مواقع، بازی با اعتقادات است و این جزو وظایف و تکالیف شرعی ماست که اینها را مشخص بکنیم».

حجت‌الاسلام والمسلمین مقدس نیان نیز به وجود مسئله خرافات در کشور عراق و لزوم مبارزه با آن، اشاره کرده، گفت:

«بحث خرافات در کشور عراق فراوان به چشم می خورد و بسیار ضرورت دارد که با آن مبارزه شود. یکی از مهم‌ترین کارهایی که حضرت بقیۀالله (عج) انجام خواهند داد، برخورد با این کارها و امور خرافی هست. در دعای ندبه می‌خوانیم:

«أین المدخر لتجدید الفرائض و السنن أین المتخیر لإعاده الملۀ و الشریعه»

. جزو مهم‌ترین کارها و برنامه‌های حضرت بقیۀالله که در کل عالم انجام خواهند داد، این کار است. در کشور عراق الان خرافات، به سرعت رو به گسترش است».

وی با اشاره به اهمیت مسئله مبارزه با خرافات در قرآن و سیره پیامبر و ائمه (ع) افزود:

«قرآن در رابطه با مسئله خرافات، به نکاتی چند اشاره دارد یک نمونه‌اش بحثی است که خدا با مشرکین دارد که شما چرا بت می‌پرستید؟ آن‌ها می گویند: «انا وجدنا علیه آباءنا» و خدا از آن‌ها نمی‌پذیرد و می گوید خودتان عقل داشتید و در قرآن بر روی «افلا تعقلون» و «افلا تتفکرون» تأکید شده است. این همه تأکید برای این است که انسان‌ها به تفکر و اندیشه خودشان متکی باشند و صرفاً بافته‌های دیگران را نپذیرند. در سیره انبیا و ائمه معصومین (ع) هم اگر مطالعه کنیم، موارد فراوانی پیدا می کنیم. یک نمونه‌اش همان هم‌زمانی گرفتن خورشید و وفات فرزند پیامبر و نهی ایشان از نسبت دادن این واقعه به وفات فرزندشان است. اینها همه مبین ضرورت مبارزه با خرافات است».

ایشان، اوضاع کنونی فرهنگی و اعتقادی مردم عراق را زمینه‌ساز این خرافات دانسته، با اشاره به نقش تبلیغات فرهنگی غرب بر ضد اسلام و تشیع در این کشور گفت:

«در عراق از نظر فرهنگی و اعتقادی مشکلاتی چند به چشم می خورد و دلیل آن هم علتش این است که در طول حاکمیت بعثی‌ها به شدت از آموختن معارف به مردم جلوگیری شده است. آن‌چه ما در ایرانِ زمان طاغوت داشتیم که در ایام محرم، صفر، رمضان، فاطمیه و به هر بهانه‌ای روحانیون برای تبلیغ تا دورترین روستاها می‌رفتند، آن‌جا این خبرها نبوده است. تا همین آخرین روزهای حاکمیت صدام هم نبود و حوزه علمیه نجف هر چه داشت، در درون خودش داشت نمی‌توانست صادر بکند و از این نظر، فقر فرهنگی هم اکنون فراوان است. بعد از سقوط صدام هم این مردم مورد هجوم صدها کانال ماهواره‌ای هستند که به شدت آنها را در جهات مختلف بمباران تبلیغاتی می کند و محور این تبلیغات هم از بین بردن اصل اسلام است؛ یعنی اعتقاد دینی و اسلامی و مذهبی را به طور کلی هدف گرفته‌اند. هدف دوم، نابودی تشیع و تفکر شیعی است که عمدتاً توسط شبکه‌های ماهواره‌ای مورد حمایت از سوی وهابیت انجام می‌شود. محور سوم هم، مبارزه با انقلاب اسلامی ایران و حیثیت ایران است. آنها از این که این انقلاب صادر بشود، به شدت می‌ترسند و هر چه می‌توانند انجام می‌دهند تا آن را خراب کنند. محور چهارم هم گسترش فحشا به وسیله فیلم‌های مبتذل و برنامه‌های مخرب است. شما می‌بینید جوانی که اینها را می‌بیند، بعد که می‌آید توی خیابان، دیگر دل و دماغ رفتن به مسجد یا پرسیدن سؤال شرعی از یک روحانی را ندارد و این وضعیت کنونی عراق بعد از صدام است».

وی با اشاره به شیفتگی شدید مردم ایران نسبت به زیارت قبور ائمه (ع)، آن را یکی از زمینه‌های انحراف زیارت از مسیر اصلی خود ذکر کرد و افزود:

«مردمی که از ایران می‌آیند هم به شدت شیفته هستند. سی چهل سال نتوانسته‌اند بیایند این‌جا و آن شیفتگی و عشق شدیدشان به زیارت اهل‌بیت باعث شده تا به خیلی مسائل توجه نکنند. آن اوایل هم که راه باز شد، بعثه و حج و زیارت و روحانی کاروان و ... وجود نداشت. جمعیت شیفته و عاشق، سیل‌آسا آمدند و هر چه اینها به آنها معرفی کردند، آنها هم پذیرفتند. یعنی دو گروه وجود داشت: این طرف به شدت ناآگاه و آن طرف به شدت عاشق که هر چه می‌دیدند، قبول می‌کردند. بعد هم که کم‌کم روحانیون آمدند، این راه بیراهه، دیگر کوبیده شده بود و آن قدر رویش آمدند و رفتند که شد اتوبان!

از سوی دیگر، مراحل این سفر، سراسیمه و با عجله است و زوّار طی هفت روزی که در عراق هستند، اصلًا فرصت این‌که روحانی بخواهد نگاه عمیق تحقیقی به این پدیده‌ها داشته باشد، ندارد. در نتیجه هر چه که معرفی شد، قبول کردند. لذا خیلی خرافات و مکان‌های خرافی در این‌جا هست که مردم به زیارت آنها می‌روند».

ص: ۸۹

نمونه هایی از خرافات جاری

در ادامه، مسئولان دفتر نمایندگی بعثه در عراق، به برخی از موارد عینی و ملموس خرافات در زیارت اماکن مقدس اشاره کرده، آنها را بدون هیچ گونه مدرک تاریخی برشمرده و ساخته و پرداخته ذهن برخی از افراد دانستند.، حجت‌الاسلام حسینی شریف، در مورد محل شهادت حضرت علی اصغر (ع) که «مقام علی اصغر» نامیده می‌شود، فرمود:

«در مورد مقام علی اصغر ما بررسی‌هایی کردیم. درباره محل شهادت حضرت علی اصغر (ع) در کربلا، دو یا سه جا بیشتر گزارش نشده؛ یکی جلوی خیمه‌هاست، یا این که امام حسین (ع) علی اصغر را آورده به جایی که سپاه دشمن، بتوانند ببیند و قاعدتاًیک نقطه بیشتر وجود نداشته که از دو یا سه طرف در دید باشد وآن «تلّ زینبیه» است که منطقه بلندی است؛ یعنی حضرت در آن‌جا مورد اصابت قرار گرفته است. مکان سومی که درباره شهادت علی اصغر مطرح است، وسط میدان است که ظاهراً بیشتر راویان هم این را نقل می‌کنند. خوب وسط میدان کجاست؟ همین جایی که شهدا و امام حسین علیه الصلوة و السلام دفن هستند. پس در هر یک از سه صورت بالا، معنا ندارد که علی اصغر در منطقه «قاضریه» (یعنی جایی که الان به عنوان مقام علی اصغر معروف است) به شهادت رسیده باشد».

ایشان با بیان این سؤال که چگونه ممکن است مکان دقیق اتفاقات واقعه کربلا در آن بحبوحه جنگ، به صورت دقیق در تاریخ ثبت شده باشد، گفت:

«شما در همین جنگ خودمان هم که بیست سال بیشتر از آن نمی‌گذرد و در آن، این همه دوربین و فیلمبردار و عکاس و خبرنگار داشتیم، ببینید واقعاً درباره کدام یکی از شهدا که در جاهای مختلف به شهادت رسیدند، ما می‌توانیم محل دقیق شهادتش را تعیین کنیم؟ بعد چطور ممکن است اتفاقات حادثه کربلا با این جزئیات در تاریخ مانده باشد؟! در مورد مطالبی که در شب عاشورا، شب تاسوعا، روز تاسوعا و ... گفته شده یا گفت‌وگوهایی که بین افراد و امام حسین (ع) بوده، به صورت جزئی در کتاب‌ها آمده است. حتی به صورت تاریخ هم آمده است؛ مثل تاریخ طبری که از «ابی مخنف» نقل کرده، یا بزرگانی مثل شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق، ابن قولویه و ... اینها را به صورت روایت نقل کرده‌اند. بعد از آنها هم شخصیت‌هایی مثل علامه مجلسی وسید ابن طاووس، کتاب‌های مستقلی درباره این وقایع نوشته و جزئیات حوادث را به صورت روایت‌هایی با سند معتبر، آورده‌اند؛ ولی نسبت به مکان‌هایی که این وقایع در آنها اتفاق افتاده، اصلًا نمی‌توان به صورت قاطع گفت کدام یک از این وقایع، در کجا واقع شده که اینها این‌جور دقیق می‌گویند».

از دیگر موارد و مکان‌هایی که حجت‌الاسلام حسینی شریف، از آن به عنوان یکی از نقاط مشکل‌ساز و بدون سند و پشتوانه تاریخی یاد کرد، تاکید بر وجود «نهر علقمه» بود. وی معتقد بود که اصلًا نهر علقمه، دیگر در کربلا وجود ندارد و نهر فعلی در کنار مقام امام زمان (عج) در کربلا، «نهر حسینی» است:

«ما شنیدیم که الان در کربلا- دیگر نهری به نام نهر علقمه وجود ندارد؛ ولی متأسفانه، زائر را به آن‌جا می‌برند و حتی برخی به زائران می‌گویند: همین‌جا بود که حضرت عباس (ع) با اسبش وارد آب شد؛ تا این‌جا اسبش رفت توی آب؛ شما هم پایت را بزن بالا- تا همان‌جا برو توی آب! حتی من دیده‌ام که مردم می‌روند داخل این نهر سینه می‌زنند! بالاخره این قدر ساخت و ساز و جابه‌جایی در آن‌جا صورت گرفته که هیچ معلوم نیست نهر علقمه، دقیقاً کجا بوده است».

آقای مقدس نیان با بیان برخی افسانه‌هایی که درباره حادثه عاشورا ساخته شده، آنها را برای اعتقادات و زیارت مردم، بسیار زیان‌بار دانست و درباره لزوم برخورد با این گونه داستان‌سرایی‌ها گفت:

«قصه عروسی حضرت قاسم (ع) به همین شکل است؛ یعنی اگر ما یک مقدار جلوی اینها را باز بگذاریم، کار کشیده می‌شود به

آن‌جا که دیدیم یک مدتی، خانم‌های ایرانی، وسایل عروسی و حنابندان را هم آوردند که این‌جا محل عروسی حضرت قاسم است! یعنی اگر جلوی این کارها گرفته نشود، دامنه‌اش به گونه‌ای گسترده می‌شود که دیگر شما نمی‌توانید آن را کنترل کنید».

مشکلات و آسیب‌های بازدید مکان‌های ضعیف تاریخی

در ادامه، آقای حسینی شریف، با اشاره به آسیب‌هایی که در اثر توجه به مکان‌های زیارتی بدون پشتوانه و سند محکم تاریخی به اصل زیارت وارد می‌گردد، برخی از این آسیب‌ها را برشمرد. وی ایجاد اختلاف میان زائران بر سر رفتن یا نرفتن به این مکان‌ها را، یکی از تبعات این مسئله دانست و گفت:

ص: ۹۰

«با کمال تأسف می‌بینیم برخی مراکز رسمی در کشور ما هم از این مناطق یاد می‌کند و آنها را مورد تأیید قرار می‌دهد! نتیجه این کارها، این می‌شود که زائر، نتواند از محضر امام حسین علیه‌السلام و ابالفضل العباس و سایر شهدا، خوب استفاده کند؛ چون در آن‌جا، وقت محدود است و زائر وقت زیادی ندارد. به علاوه، این مسئله موجب اختلاف بین زائران هم شده است؛ یعنی آنهایی که می‌خواهند یک مقدار به نظر بعثه و سیاست‌های بعثه عمل کنند، می‌گویند ما به این مکان‌ها نمی‌رویم؛ اما آنهایی که رعایت نمی‌کنند، زائران را می‌برند و این باعث ایجاد اختلاف در میان زائران می‌گردد».

حجت‌الاسلام مقدس نیان نیز با تأکید بر این مسئله، یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها را سلب شدن توفیق زیارت اصلی، یعنی زیارت قبور ائمه (ع) از زائران دانست و افزود:

«یکی از نتایج بد این کارها، سلب توفیق زیارت از زائر در این سفر زیارتی کوتاه است. زائر در این سه روزی که مثلًا در کربلاست، باید این قدر توی این کوچه‌های فرعی، به این طرف و آن طرف برود و مثلًا آن باغ را زیارت کند یا دو رکعت نماز در فلان مقام بخواند و ... بعد هم این مسافت را پیاده برود و پیاده برگردد؛ در بین راه هم که خرید می‌کند. بعد از همه اینها، می‌گوییم حالا برویم حرم! می‌بیند با این چیزهایی که خریده، یا به حرم راهش نمی‌دهند و یا این‌قدر خسته است که به هتل می‌رود و آن روزش دیگر تمام می‌شود؛ یعنی با این همه ثوابی که در روایات برای زیارت امام حسین (ع) داریم، عملًا توفیق زیارت از او سلب می‌شود و این یک خسارت بزرگ است و متأسفانه هنوز هم رفتن به این اماکن، کم و بیش ادامه دارد».

حجت‌الاسلام مقدس نیان با اشاره به انجام برخی کارهای حرام هنگام بازدید برخی از این اماکن، از این مسئله، به عنوان آسیب بزرگ دیگر نام برد و گفت:

«یکی دیگر از نتایج سوء این کار، برخورد زنان و مردان نامحرم به همدیگر است که یک نمونه‌اش در خانه امام علی (ع) یا در کوچه مقام علی اکبر (ع) واقع می‌شود. در آن کوچه باریک، چند هزار زائر می‌آیند از کنار هم تردد کنند و در نتیجه، زن و مرد به هم فشرده می‌شوند و این، فعل، حرام آشکار و بین است».

مسئول محترم بعثه مقام معظم رهبری در نجف، سوء استفاده مالی برخی از افراد بومی از زائران را دیگر آسیب زیارت برخی اماکن دانست و افزود:

«دیگر اثر زیان‌بار در زیارت این گونه مکان‌ها، سوء استفاده مالی است که در این اماکن از زائران ایرانی می‌شود؛ زیرا هر کدام از اینها، مقید هستند که از زائر پول بگیرند. در محل مقام علی‌اصغر، شخصی آمده و گهواره‌ای قرار داده و مردم در آن پول می‌ریزند. یکی از روحانیان می‌گفت: خانم زائری آمد آن‌جا و وقتی گفتند این‌جا محل تیر خوردن گلوی علی‌اصغر است، خیلی گریه کرد و طلاهایی که همراه داشت، همه را در آورد و به عشق حضرت علی‌اصغر، توی آن گهواره ریخت! خوب این‌جا محلی است که نه موقوفه دارد، نه متولی دارد، نه هیئت امنا دارد و نه حساب و کتاب دقیق و روشنی دارد و در حقیقت یک مغازه به تمام معناست».

حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی شریف، همچنین آزار و اذیت مردم، به‌ویژه افراد بومی و محلی را از دیگر مواردی دانست که به اصل زیارت آسیب وارد می‌کند و در این باره گفت:

«رفت و آمد در کوچه‌های تنگ و باریکی که در آن‌جا وجود دارد، هم برای خود زائران زحمت ایجاد می‌کند و هم برای افراد ساکن در آن‌جا. شما تصور کنید که روزی هفتاد کاروان ایرانی می‌خواهند بروند داخل این کوچه برای زیارت فلان مقام؛ همه هم یک بلندگو در دست دارند و سینه می‌زنند. ما یک خانه را در آن منطقه بررسی کردیم، گفتند حدود پنجاه متر است و هجده نفر توی آن زندگی می‌کنند! خوب در این خانه، مریض هست؛ بچه هست؛ زن زایمان کرده هست؛ پیرمرد عصبی هست. اینها مشکلاتی است که با کمال تأسف وجود دارد».

نظر حجت‌الاسلام مقدس نیان هم درباره این نکته، مشابه نظر حجت‌الاسلام حسینی شریف بود. وی در این باره گفت:

«از دیگر نتایج این کار، اذیت مؤمنین است. بعضی از مردمی که در محل این مقام‌ها ساکن هستند، بیچاره‌ها فریادشان به آسمان بلند است که آقا! مگر ما چه گناهی کرده‌ایم؟ هر روز چند هزار آدم، آن هم با بلندگو می‌خواهند از این کوچه باریک رد بشوند؛ همه هم می‌خواهند عزاداری و سینه‌زنی بکنند. ما چه گناهی کردیم؟ زن من می‌خواهد برود سر کوچه یک نان بخرد و بیاید نمی‌تواند؛ بچه‌ام مریض می‌شود می‌خواهد برود دکتر نمی‌تواند».

ص: ۹۱

مشکلات زیارت مسجد کوفه

حجت‌الاسلام و المسلمین مقدس نیان با اشاره به رفتن تمامی زائران به مسجد کوفه و به جا آوردن اعمال آن، این اعمال را برای بسیاری از آنها خسته کننده دانست و در این زمینه گفت:

«مثلًا کسی که ماه‌ها، بلکه سال‌ها نماز قضا به گردنش هست را ما می‌آوریم در یک نیم‌روز، در مسجد کوفه وادارش می‌کنیم که ۵۰ رکعت نماز مستحبی بخواند! خوب این کار، گاهی چنان حالتی نسبت به مسجد کوفه ایجاد می‌کند که تا می‌گوییم می‌خواهیم برویم مسجد کوفه، زائر غمش می‌گیرد و می‌گوید کمرمان می‌شکند از بس باید نماز بخوانیم! در مسجد سهله هم وضع به همین شکل است. این بزرگانی که مقام‌های مسجد کوفه یا مسجد سهله متعلق به آنهاست (مثل حضرت ابراهیم، حضرت خضر، حضرت نوح، حضرت رسول، امام صادق و امام سجاد علیهم‌السلام) هر کدام از اینها آمدند دو یا چهار رکعت نماز خواندند و رفتند؛ آن وقت این زائر را ما می‌آوریم و وادارش می‌کنیم همه نمازهای آنها را یک‌جا بخواند».

او از دیگر موارد مشکل‌آفرین در مسجد کوفه را مرشدهایی دانست که در آن‌جا، به قرائت دعاهای مربوط به مقام‌های مسجد می‌پردازند و با اشاره به جنبه‌های مختلف اشکال در کار این افراد، درباره آنان گفت:

کار آنها این بود که وقتی کاروان ما به مسجد کوفه می‌رفت، از جلوی در مسجد، به روحانی ما می‌گفتند: شما بفرمایید استراحت کنید! بعد خودش کاروان را می‌گرفت و یک مبلغی تعیین می‌کرد و بعد کاروان را می‌برد و اعمال را انجام می‌داد. مطالبی که می‌خواند، به فراخور سلیقه و سواد خودش و پر از مسائل و اشکال بود. مردم هم با خودشان می‌گفتند: روحانی ما نمی تواند این دعا را بخواند؛ اگر می توانست که نمی‌داد به این فرد بخواند! آن فرد مرشد می‌آمد به کاروانیان می‌گفت که خوب، این اعمالی که انجام دادید، این قدر ثواب دارد؛ اگر بخواهید، من این اعمال را برای پدر و مادرتان هم به نیابت می‌خوانم. این زائر هم می‌گفت: خدا خیرت بدهد! بعد یک لیستی درمی‌آورد و اسم‌ها را می‌نوشت. بعد هم اصلًا نمی‌خواند؛ یعنی نمی‌توانست بخواند. آن زائر می‌رفت؛ او هم می‌رفت کاروان بعدی را می‌آورد و دوباره یک لیست از آنها می‌گرفت و تا شب، چهار پنج تا کاروان می‌آورد و از هر کدام، همین مقدار پول می‌گرفت و چه سوء استفاده‌ای از این بیچاره‌ها می‌شد!

وی درباره شیوه برخورد با مشکلات موجود در مسجد کوفه، به پیشنهادهای خود در این باره اشاره کرد و گفت:

«راجع به مسجد کوفه، ما چند توصیه به روحانیان کاروان‌ها کردیم. یکی این‌که گفتیم این مقام‌ها را در هم ادغام کنید؛ یعنی در یک گوشه مسجد بنشینید و در همان نقطه، دعاها را پشت سر هم بخوانید؛ هر دعا به نیت مقام آن. پیشنهاد دیگر این بود که کاروان‌های‌تان را در هم ادغام کنید؛ چون واقعاً خواندن تمام این دعاها برای یک نفر، آن هم به صورت بلند، خسته‌کننده است. گفتیم کاروان‌های‌تان را در هم ادغام کنید و هر کس یک قسمتی از دعاها را بخواند. دیگر این که توصیه کردیم بر روی مستحبات، زیاد تأکید نکنید. لزومی ندارد که همه مردم، همه اعمال را انجام دهند؛ هر کس که نشاط دارد، انجام بدهد؛ یعنی از اول به زائر بگویید که این اعمال واجب نیست؛ هر کس می‌خواهد برود؛ یعنی به روش‌های مختلف، سعی کردیم قضیه را تخفیف بدهیم».

روش برخورد با خرافات

سؤال مهم این است که با این مشکلات، چگونه باید برخورد کرد؟ آیا می‌توان به یک‌باره، زائران را از رفتن به تمامی مکان‌های یادشده بازداشت؟ آیا این‌گونه برخورد، موجب سرخوردگی زائران و رفتار متقابل آنان نمی‌گردد؟ حجت‌الاسلام و المسلمین حسینی شریف، در پاسخ این سؤال می‌گوید:

«نگاه ما، یک نگاه کیفیت‌محور است. ما می‌خواهیم کیفیت سفر زائر را بالا ببریم که یکی از شاخص‌های آن، این است که زائر را

از شاخ و برگ‌های اضافی به وجود آمده، دور کنیم».

حجت‌الاسلام مقدس نیان نیز در این باره گفت:

«ما بنای‌مان بر این نیست که هر چه مردم به آن معتقدند را خراب کنیم و از بین ببریم. مثلًا در مورد مقام امام زمان (عج) در کربلا، ما هر چه گشتیم، سندی برای آن پیدا نکردیم و تنها چیزی که راجع به آن وجود دارد، این است که در این محل، برای کسی تشرفی به خدمت حضرت صورت گرفته است. خوب اگر این مطلب بخواهد ملاک باشد، خیلی جاهای دیگر هم هست که برای افراد، تشرف حاصل شده و لزومی ندارد که ما به این‌جا بیاییم؛ ولی ما چون دیدیم زیارت این مکان، آن اثرات سوء را ندارد، یعنی سوء استفاده مالی نمی‌شود، تلاقی زن و مرد نامحرم با هم صورت نمی‌گیرد و یک فضای فرش شده نسبتاً تمیزی در آن‌جا وجود دارد، لذا با آن

ص: ۹۲

برخورد نکردیم و الان هم جزو جاهایی است که زائران بازدید می‌کنند. یا محل خیمه‌گاه را چون دیدیم یکی از جاهای خوبی است که مفروش وتمیز است وکفشداری هم دارد، گفتیم بروند، بنشینند و از آن استفاده کنند».

مکان‌های جایگزین

حجت‌الاسلام حسینی شریف، در پاسخ به این سؤال که «آیا مکان‌های جایگزینی برای این اماکن وجود دارد که بتوان زائران را به سوی آنها هدایت کرد»، با انتقاد از بی‌توجهی به برخی مکان‌های مهم زیارتی و لزوم برنامه‌ریزی برای بردن زائران به این مکان‌ها گفت:

«یکی از مقامات بسیار مهم، قبور طفلان مسلم است که هیچ مشکلی هم برای رفتن و زیارت کردن ندارد. یا قبرستان وادی‌السلام با آن عظمتی که دارد و در قسمت جلویی‌اش، دو پیغمبر بزرگ خدا (حضرت هود و حضرت صالح) دفن هستند که مشکل امنیتی هم برای رفتن ندارد. همچنین بزرگانی مثل مرحوم قاضی طباطبایی، در آن‌جا دفن هستند. در کربلای معلی هم خیلی جاها هست که مورد غفلت واقع شده و باید آنها را یک به یک مورد توجه قرار داد».

حجت‌الاسلام و المسلمین مقدس نیان نیز در پاسخ به این سؤال، به تعداد زیادی از اماکن زیارتی در کشور عراق اشاره کرد و گفت:

«ببینید، ما یک سری اماکن مثبت داریم که مغفول واقع شده‌و ما اگر بیاییم و آن اماکن مثبت را جایگزین این اماکن منفی بکنیم، خود به خود، جلوی آن بازخوردهای منفی گرفته می‌شود؛ یعنی ما در این مدتی که به این جا آمده‌ایم، مرتب به زوّارگفته‌ایم که این‌جا نروید؛ آن‌جا نروید و فقط منفی برخورد کرده‌ایم. خوب از ما سؤال می‌کنند پس در کربلا۔ کجا برویم؟ من در جوابشان می‌گویم: حرم امام حسین (ع)، حرم ابالفضل، خیمه‌گاه، قتل‌گاه، تلّ زینبیه و مقام امام زمان؛ اما واقعاً این دو حرم را چند بار این زائر برود و بیاید؟ ما الان یک فهرست از مکان‌هایی که از لحاظ تاریخی مستند هستند، تهیه کرده‌ایم که می‌توان زائران را به زیارت آن‌ها برد».

ایشان مکان‌هایی همچون «صافی صفا»، «مقام امام زین‌العابدین (ع)»، «قبور علمای مدفون در نجف»، «قبرستان وادی‌السلام»، را نام برد و درباره آنها گفت:

«برای مثال، در نجف، ما «صافی صفا» را داریم که محل دفن «اثیب یمانی» است و سند تاریخی محکمی هم دارد. مرحوم صاحب جواهر، در بحث جواز حمل جنازه، به روایتی که مربوط به دفن ایشان است، استناد می‌کند که در تاریخ هست که جنازه‌او را از یمن آوردند و حضرت امیر (ع) آوردن جنازه او را تقریر فرمود و از این کار، نهی و منع نکرد. خوب یک جای به این خوبی که مدرک به این خوبی هم از صاحب جواهر برای آن داریم، دیگر چه می‌خواهیم؟ در کنار آن هم مقام حضرت علی (ع) و مقام امام زین‌العابدین (ع) وجود دارد.

در مورد مقبره علما هم فهرستی تهیه کردیم از قبور علمایی که در نجف مدفون هستند و البته مشاهیرشان که تعدادشان زیاد است و در اطراف صحن امیرالمؤمن مدفون هستند؛ مثل علامه امینی. این فهرست را ما در جلسات، به روحانیان کاروان‌ها می‌دهیم ومی‌گوییم شما گاهی که در حرم یا حتی در خیابان از کنار قبور این بزرگان رد می‌شوید، زائرانتان را ببرید یک فاتحه بخوانند؛ پنج دقیقه هم درباره عظمت و مقام آنها صحبت کنید.

مکان مناسب دیگر، مقام امام زمان (ع) در وادی‌السلام است. دلیل این که الان زائر را به آن‌جا نمی‌برند، این است که می‌گویند امنیت ندارد؛ در حالی که درگیری‌های آن‌جا مربوط به چند سال پیش بود که گروهی در آن‌جا سنگر گرفته بودند. این مقام، دارای تاریخ و سند است. مرحوم ابن‌قولویه، مرحوم شیخ طوسی و مرحوم سید بن طاووس نقل می‌کنند که امام صادق (ع) آمدند

در حیره اقامت کردند و بعد در سه نقطه، نماز خواندند. کسی که همراه حضرت بوده، از ایشان پرسیده: آقا! این‌جا کجا بود که شما پیاده شدید و نماز خواندید؟ حضرت فرمود: یکی، قبر جدم امیرالمؤمنین (ع) بود؛ یکی رأس الحسین بود؛ یکی هم محل منبر امام عصر (عج) در آخر الزمان است. این‌جا را به اعتبار این که امام صادق (ع) در آن نماز خوانده، مقام امام صادق می‌گویند و به اعتبار این که حضرت فرمود محل منبر قائم ماست، مقام امام زمان نامیده‌اند. اصل مقام، جای باارزشی است و بهانه خوبی است که روحانیان ما درباره ظهور امام زمان (ع) برای زائران مطالبی را بگویند».

وی برخی مساجد، از جمله «مسجد حنانه»، «مسجد براثا» و «مسجد الرأس» را از دیگر مکان‌های باارزش زیارتی دانسته، درباره آنها گفت:

«مکان مناسب دیگر، مسجد حنانه است. این مسجد، چند مناسبت دارد: یکی این که وقتی جنازه حضرت امیر را آوردند، دیوار آن به احترام حضرت خم شد. یکی دیگر این که امام صادق (ع) فرمود: این‌جا محل رأس امام حسین (ع) است.

ص: ۹۳

مسجد دیگر که در اطراف بغداد قرار دارد، مسجد «بُراثا» ست. این مسجد، محل به دنیا آمدن حضرت عیسی (ع) است و در آن، سنگی هست که مریم، حضرت عیسی را بر روی آن گذاشت. این‌جا هم به بهانه نداشتن امنیت، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

در حرم حضرت امیر (ع) و در قسمت بالای سر حضرت، محلی است که به «مسجد الرأس» معروف است؛ یعنی روایتی داریم سر مقدس امام حسین (ع) را آوردند و در این‌جا دفن کردند که این مکان هم کاملًا مغفول است و هیچ کس روی آن کار نمی‌کند گرچه قول مشهور، دفن سر مقدس در کربلاست.

ایشان همچنین برخی مکان‌های منتسب به برخی پیامبران الهی را مکان‌هایی بسیار مناسب برای زیارت زائران دانسته، گفت:

«در کوفه، مکانی به نام «نبی یونس» وجود دارد که علمای این‌جا می‌گویند محلی است که ماهی، حضرت یونس را از آب بیرون انداخته است. این مکان که تقریباً دو کیلومتر بعد از مسجد کوفه، در کنار آب قرار دارد، بسیار معروف است و از هر کس که بپرسی، آن را به شما نشان می‌دهد. در واقع، جایی که قرآن می‌گوید: «فنبذناه بالعراء و هو سقیم و انبتنا علیه شجره من یقطین»، این‌جاست. خوب چنین جایی که گزارش به این خوبی در کنارش هست و مردم ما این‌قدر در ایران، در نماز غفیله، آیه «و ذا النون اذ ذهب ...» را می‌خوانند، اگر بیایند این‌جا را ببینند، چقدر باارزش است.

در اطراف حلّه هم مقام پیغمبری هست به نام «ذی الکِفل» یا مقام پیغمبر دیگری هست به نام «نبی ایوب» که شاید قبر حضرت ایوب، این‌جا باشد».

از دیگر مکان‌های زیارتی که به عنوان مکان‌های جایگزین، توسط حجت‌الاسلام و المسلمین مقدس مورد اشاره قرار گرفت، قبور برخی از فرزندان ائمه، همچون «زید بن علی بن الحسین»، «قاسم بن موسی بن جعفر»، «طفلان مسلم» و «عون بن عبدالله بن جعفر بود. وی در این باره گفت:

«وقتی شما به سمت حلّه می‌روید، زیارتگاهی هست معروف به قبر زید بن علی بن حسین. او فرزند امام سجاد (ع) است که به خون‌خواهی امام حسین (ع) قیام کرد و شهید شد و جنازه او را به آتش کشیدند. معجزات و کرامات زیادی هم توسط عراقی‌ها برای او نقل می‌شود.

در اطراف حلّه، محل دیگری هست به نام قاسم که پسر امام موسی بن جعفر (ع)، برادر تنی حضرت رضاست؛ آن‌چنان‌که من روایت دیدم، ایشان بسیار مورد علاقه حضرت موسی بن جعفر (ع) بوده است.

ایشان قبور برخی از اصحاب و یاران اهل بیت (ع)، مانند «سلمان فارسی» و «نواب اربعه امام زمان (ع)» را مکان‌های بسیار باارزش زیارتی معرفی کرده، درباره آنها گفت:

«قبور نواب اربعه امام زمان (عج) در بغداد است. قبر سلمان فارسی نیز که در واقع، افتخار ما ایرانی‌هاست، در مدائن قرار دارد. سلمان فارسی، از بزرگ‌ترین اصحاب رسول خدا و همچنین پشتوانه حضرت امیر (علیه السلام) بوده که درباره ولایت‌مداری‌اش، چقدر تأکید شده است. همچنین در مورد ایمانش گفته‌اند که ده درجه از ایمان را کامل داشته و در این زمینه، از ابوذر و مقداد هم بالاتر بوده است. با این همه تأکیدی که روی ایشان وجود دارد، اگر ما به عراق بیاییم و سلمان را زیارت نکنیم، خسارتی بزرگی است».

مشکلات جاری

حجت‌الاسلام حسینی شریف، با بیان نکاتی درباره کیفیت کار مداحان و روحانیون اعزام شده به همراه کاروان‌ها و این‌که کیفیت پایین برخی از آنها، به یکی از دغدغه‌های اصلی وی تبدیل شده است، گفت:

«نکته‌ای که به یکی از دغدغه‌های اصلی من تبدیل شده، کیفیت پایین برخی از مداحان عتبات عالیات است. من یک بار به مداحی

گفتم: صـدایت خوب است، زیـارت عـاشورا می‌خوانی؟ گفت: نه، من روضه می‌خوانم؛ زیـارت عاشورا را غلط می خوانم! مـدیری آمده بود می گفت: من جلسه گذاشـتم؛ اول جلسه به مداح گفتم که دو آیه قرآن بخوان؛ گفت من قرآن بلد نیسـتم بخوانم؛ حاضرم دعای فرج بخوانم! خوب این طبیعی است که مشکلات را بیشتر می کند».

ص: ۹۴

حجت‌الاسلام و المسلمین مقدس نیان نیز ریشه و علت برخی مشکلات پیش آمده در زیارت‌ها را وجود برخی از افراد کم‌اطلاع و ضعیف در بعضی از کاروان‌ها دانست و در این باره گفت:

«متأسفانه گاهی افراد با واجد شرایط را برای این کار نمی‌فرستند. برخی می‌خواهند دل زائر را به هر نحوی که شده بشکنند و اشکش را دربیاورند. برخی از مداحان حتی یک زیارت امین الله هم بلد نیستند بخوانند و حتی نقاط وقف و ابتدا را گاهی رعایت نمی‌کنند. خوب افرادی که این‌جا هستند، عربند و اینها را می‌فهمند و به ما می‌خندند».

نکات نهایی

حجت‌الاسلام حسینی شریف در پایان، با بیان سخت‌تر بودن کار بعثه در عراق نسبت به کار آن در عربستان گفت:

«کار در این‌جا، حداقل ده برابر کار در مکه است. من قبل از اذان صبح بیدار می‌شوم، می‌روم حرم و مسائل مربوط به منبر و میکروفن و ... را بررسی می‌کنم تا مشکلی وجود نداشته باشد. ساعت یک ربع به هفت هم مراسممان تمام می‌شود. من تا نزدیک هشت آن‌جا هستم و ساعت هشت می‌روم صبحانه می‌خورم و به دفتر برمی‌گردم و تا ظهر در دفتر هستم. ظهر دوباره به حرم می‌روم. در واقع، در این‌جا، حرم مرکز دوم استقرار ماست. باز حدود ساعت دو به هتل برمی‌گردم و تا آخر شب، به مراجعات رسیدگی می‌کنم.

وی همچنین به مراسم‌های مختلفی که از سوی بعثه در نجف و کربلا برگزار می‌شود، اشاره کرد و گفت:

«بعد از نماز صبح، مراسم خیلی خوبی داریم که حداقل سه تا چهار هزار نفر جمعیت در آن شرکت می‌کنند. شاید باور نکنید که من برای گرفتن منبر و بلندگو برای این مراسم، حدود هشت ماه تلاش کردم و الحمدلله امروز به جای خوبی رسیده است، همچنین هر شب در صحن حضرت ابوالفضل (ع) نیز مراسم سخنرانی و توسل برقرار است».

ص: ۹۵

کامل الزیارات

مؤلف

«ابوالقاسم جعفربن محمدبن قولویه قمی»، یکی از فقیهان و محدثان بزرگ و مورد اعتماد شیعه است. نجاشی درباره وی می‌نویسد: جعفربن محمدبن موسی قولویه، یکی از بهترین اصحاب سعدبن عبدالله بود. وی از بزرگان حدیث و فقه و مورد وثوق بوده و دارای آثاری چون «کتاب‌الصلاهٔ»، «کتاب الجمعهٔ و الجماعات»، «کتاب‌الصرف»، «کتاب‌الصداق»، «کتاب‌القسمهٔ الزکاهٔ»، «کتاب الحج»، «کتاب الشهادات»، «کتاب‌العقیقه»، «کتاب تاریخ الشهور و الحوادث فیها» و «کتاب الزیارات» بوده است. (۱)

شیخ طوسی در «الفهرست» نیز از وی چنین یاد کرده است: جعفربن محمدبن قولویه قمی، ثقه و مورد اعتماد و دارای کتاب‌های زیادی به تعداد ابواب فقه است. (۲)

برخی استادان جعفر بن محمد بن قولویه عبارتند از: ۱. محمدبن قولویه (پدرش) که از بهترین اصحاب سعد بن عبدالله بود؛ علی بن محمد بن قولویه (برادرش)؛ ابو علی احمدبن ادریس بن احمد بن الاشعری القمی؛ ثقهٔ الاسلام کلینی و ابی عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکشی.

شاگردان و راویانی که از وی روایت نقل کرده‌اند نیز عبارتند از: احمد بن عبدون؛ احمد بن محمد بن عیاش؛ حسین بن عبیدالله الغضائری؛ محمد بن سلیم الصابونی؛ الحسین بن احمد بن المغیره؛ حیدر بن محمد بن نعیم السمرقندی؛ ابوالحسن علی بن بلال المهلبی؛ بن عزور و محمد بن محمد بن النعمان المفید (۳).

وی در سال ۳۶۹ هجری وفات یافت و در کاظمین، در ضلع شرقی رواق شریف، به خاک سپرده شد. (۴)

کتاب کامل الزیارات

یکی از آثار ارزشمند ابن قولویه کتاب «کامل‌الزیارات» است. نجاشی از این کتاب با عنوان «کتاب الزیارات» نام برده است (۵) و شیخ طوسی در «الفهرست» از آن با عنوان «جامع‌الزیارات» یاد کرده است. (۶) علامه مجلسی درباره این کتاب نوشته است:

و کتاب کامل‌الزیارات من الاصول المعروفه و اخذ منه الشیخ فی التذهیب و غیره من المحدثین (۷)؛

کتاب کامل‌الزیارات از اصول معروف است و شیخ در تهذیب و دیگر محدثین از آن روایت نقل کرده‌اند.

در این کتاب، احادیث فراوان و پراکنده‌ای که در موضوع زیارت وارد شده، گردآوری، تنظیم و فصل‌بندی شده است. این اثر ارزشمند نخستین بار به وسیله علامه امینی (بزرگ امانت‌دار خونین تشیع) تصحیح شد و با توضیحات و تعلیقات ایشان در سال ۱۳۵۶ هجری در چاپخانه مرتضویه نجف اشرف به چاپ رسید (۸). این کتاب ۱۰۸ باب دارد که شامل مطالب زیر است:

باب اول: درباره ثواب زیارت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و زیارت امیرالمومنین علیه‌السلام و امام حسن و امام حسین علیهماالسلام است و در آن ۵ روایت آمده است.

باب دوم درباره ثواب زیارت است و در آن ۲۱ روایت آمده است. در نخستین روایت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین روایت شده:

«من أتانی زائراً کُنت شفیعهُ یوم القیامه؛

هر کس برای زیارت نزد [مرقد] من بیاید، من در روز قیامت شفیع او خواهم شد».

باب سوم: درباره زیارت قبر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و دعا در آن‌جاست و در این باب ده حدیث آمده است.

باب چهارم: شامل ۸ حدیث در فضیلت نماز در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ثواب آن است.

باب پنجم: ۲ حدیث درباره زیارت حضرت حمزه و قبور شهیدان است که حدیث اول از سه طریق نقل شده است.

باب ششم: ۶ حديث در باب فضيلت رفتن به مشاهد و مساجد مدينه و ثواب آنهاست.

باب هفتم: ۳ حديث درباره وداع با قبر رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله است.

باب هشتم: ۱۹ حديث در باب فضيلت نماز در مسجد كوفه و مسجد سهله و ثواب آن است.

باب نهم: ۱۳ حديث درباره راهنمايى براى يافتن قبر امام على عليه‌السلام است.

باب دهم: ۳ حديث درباره ثواب زيارت قبر امام على عليه‌السلام است.

باب يازدهم: ۵ حديث درباره چگونگى زيارت قبر امام على عليه‌السلام و دعا در آن‌جا است.

باب دوازدهم: يك حديث درباره وداع با قبر امام على عليه‌السلام است.

۱- رجال النجاشى، ج ۱ ص ۳۰۵ و ۳۰۶.

۲- ابن قولويه، كامل الزيارات، ص ۶.

۳- همان، ص ۹- ۱۴.

۴- همان، ص ۲۰.

۵- رجال النجاشى، ج ۱، ص ۳۰۶.

۶- كامل الزيارات، ص ۱۶.

۷- بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۷

۸- سيدمحمد حسينى، زيارت، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ۱۳۶۴، ص ۱۰.

ص: ۹۶

باب سیزدهم: ۱۷ حدیث در باب فضیلت نوشیدن آب از رود فرات و غسل در آن است.

باب چهاردهم: ۱۳ حدیث درباره علاقه و محبت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به امام حسن و امام حسین علیهماالسلام و امر به دوست داشتن ایشان است.

باب پانزدهم: ۳ حدیث درباره زیارت امام حسن علیه‌السلام و ائمه بقیع علیهم‌السلام است

از باب شانزدهم تا نود و هشتم، یعنی حدود ۸۳ باب این کتاب درباره شهادت امام حسین علیه‌السلام، ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهدای کربلا، نزول ملائکه و ارواح انبیا بر قبر امام حسین علیه‌السلام، فضیلت سرزمین کربلا و شفای تربت امام حسین علیه‌السلام، کیفیت و کمیت زیارت امام حسین علیه‌السلام، اثرات این زیارت و دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام و ملائکه برای زائران قبر امام حسین علیه‌السلام است. در این ۸۳ باب حدود ششصد حدیث گردآوری شده‌است.

باب نودونهم: ۱۴ حدیث درباره ثواب زیارت امام موسی بن جعفر و امام جواد علیهماالسلام است.

باب صدم: یک حدیث درباره کیفیت زیارت امام کاظم و امام جواد علیهماالسلام است.

باب صدویکم: ۱۳ حدیث درباره ثواب زیارت امام علی بن‌موسی‌الرضا علیهماالسلام است.

باب صدودوم: یک حدیث درباره کیفیت زیارت امام رضا علیه‌السلام است.

باب صدوسوم: یک حدیث درباره کیفیت زیارت امام هادی و امام عسکری علیهماالسلام در سامراست.

باب صدوچهارم: ۲ حدیث درباره زیارت همه ائمه علیهم‌السلام است.

باب صدوپنجم: ۲۰ حدیث در کیفیت زیارت مؤمنین است.

باب صدوششم: ۲ حدیث درباره فضیلت زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها است.

باب صدوهفتم: یک حدیث درباره زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی است.

باب صدوهشتم: ۱۴ حدیث درباره نوادرالزیارات است.

برشی از کتاب

۱- ثواب زیارت پیامبر صلی‌الله علیه وآله

الف- در باب دوم کتاب «کامل‌الزیارات» درباره زیارت پیامبر صلی الله علیه وآله از امام صادق روایت شده است::

قال رسول‌الله صلی الله علیه وآله:

من اتانی زائراً کنت شفیعه یوم القیامه

؛ پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس به زیارت من بیاید، من در روز قیامت او را شفاعت می‌کنم. (۱)

ب. در باب اول درباره ثواب زیارت پیامبر صلی الله علیه وآله و امام علی علیه‌السلام و امام حسن وامام حسین علیهماالسلام، از امام صادق روایت شده است:

قال‌الحسین علیه‌السلام لرسول‌الله صلی الله علیه وآله ما جزاء من زارک؟ فقال: یا بنی من زارنی حیاً او میتاً او زار اباک او زار اخاک او زارک کان حقاً علی أن أزوره یوم‌القیامهٔ حتی اخلصه من ذنوبه؛

امام حسین علیه‌السلام از پیامبر صلی الله علیه وآله پرسید: پاداش کسی که تو را زیارت کند، چیست؟ فرمود: ای پسرم! کسی که مرا در حال حیات یا پس از مرگ زیارت کند یا پدرت را یا برادرت را یا تو را زیارت کند، سزاوار است بر من که در روز قیامت او را زیارت کنم؛ تا این‌که او را از گناه پاک گردانم‌او را شفاعت کنم. (۲)

۲- ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام

الف- امام باقر علیه‌السلام می فرماید:

مروا شیعتنا بزیارهٔ قبرالحسین علیه‌السلام فانّ اتیانه مفترض علی کل مومن یقرّ للحسین علیه‌السلام بالامامهٔ من الله عزّوجلّ؛

شیعیان ما را به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام امر کنید. همانا زیارت قبر او بر هر مؤمنی که معتقد به امامت امام حسین علیه‌السلام از طرف خدا باشد، واجب است. (۳)

۱- کامل‌الزیارات، باب ۲، ص ۴۱ و ۴۲.

۲- همان، باب ۱، ص ۴۰.

۳- همان، باب ۴۳، ص ۲۳۶.

ص: ۹۷

ب- امام صادق علیه‌السلام می فرماید:

من سره أن يكون على موائدالنور يوم القيامة فليكن من زوّار الحسين بن على عليهماالسلام؛

هر کس دوست دارد که در قیامت، بر سفره‌هایی از نور بنشیند، پس باید از زائران امام حسین علیه‌السلام باشد. (۱)

ج- ابو اسامه می گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

من اراد ان يكون فی جوار نبيه صلى الله عليه وآله و جوار على و فاطمة فلا يدع زيارة الحسين بن على عليهماالسلام؛

کسی که می‌خواهد [در قیامت] همسایه پیامبر صلی الله علیه وآله و امام علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام باشد، پس نباید زیارت امام حسین علیه‌السلام را ترک کند. (۲)

د- عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

من اتی قبر الحسين عليه‌السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر؛

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام بیاید، در حالی که حق او [امام علیه‌السلام] را ادا کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد. (۳)

ه- ابی خدیجه می گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام سؤال کردم؛ فرمود:

انّه افضل ما يكون من الاعمال؛

آن برترین اعمال است (۴)

و- محمد بن مسلم می گوید: امام باقر علیه‌السلام فرمود:

مروا شيعتنا بزيارة قبرالحسين عليه‌السلام فانّ اتيانه يزيد فى‌الرزق و يمد فى‌العمر و يدفع مدافع السوء و اتيانه مفترض على كل مؤمن يقر للحسين بالامامة من الله؛

شیعیان ما را به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام امر کنید. همانا زیارت قبر او روزی‌ها را افزایش می‌دهد و عمرها را طولانی می کند و بدی‌ها [و گرفتاری‌ها] را از انسان برطرف می‌سازد و این زیارت بر هر کسی که معتقد به امامت امام حسین علیه‌السلام از طرف خدا باشد، واجب است. (۵)

ز- امام صادق علیه‌السلام فرمود:

حق على‌الغنى أن يأتى قبرالحسين عليه‌السلام فى السنة مرّتين و حق على‌الفقير أن يأتيه فيالسنة مره؛

سزاواراست که توانگران، سالی دو بار به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام بیایند و نیازمندان، سالی یک‌بار. (۶)

۳- زیارت امام کاظم و امام رضا علیهماالسلام

الف- حسن بن علی بن الوشاء می گوید: امام رضا علیه‌السلام فرمود:

زيارة قبر ابى مثل زيارة قبرالحسين عليه‌السلام؛

زیارت قبر پدرم (امام کاظم علیه‌السلام) مثل زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام است. (۷)

ب- علی بن مهزیار می گوید: از امام جواد علیه‌السلام پرسیدم: فدایت گردم! زیارت امام رضا علیه‌السلام برتر است یا زیارت امام حسین علیه‌السلام؟ فرمود:

زيارة أبى أفضل و ذاك ان اباعبدالله عليه‌السلام يزوره كل‌الناس و ابى لا يزوره الا الخواص من‌الشيعه؛

زیارت پدرم برتر است؛ چون امام حسین علیه‌السلام را همه مردم زیارت می کنند؛ اما امام رضا علیه‌السلام را فقط شیعیان برگزیده زیارت می کنند. (۸)

عمرو بن عثمان الزاری می گوید: از امام موسی‌بن‌جعفر علیهماالسلام شنیدم که می‌فرمود:

۱– همان، باب ۵۰، ص ۲۵۸.

۲– همان، باب ۵۲، ص ۲۶۰.

۳– همان، باب ۵۴، ص ۲۶۴.

۴– همان، باب ۵۸، ص ۲۷۶.

۵– همان، باب ۶۱، ص ۳۷۶.

۶– همان، باب ۹۸، ص ۴۹۰.

۷– همان، باب ۹۹، ص ۴۹۹.

۸– همان، باب ۱۰۱، ص ۵۱۰– ۵۱۱.

ص: ۹۸

من لم یقدر ان یزورنا فلیزر صالحی موالینا یکتب له ثواب زیارتنا و من لم یقدر صلتنا فلیصل صالحی موالینا یکتب له ثواب صلتنا؛ کسی که نتواند ما را زیارت کند، پس دوستان صالح ما را زیارت کند که [در این صورت] ثواب زیارت ما را خواهد داشت و کسی که توانایی ارتباط با ما را نداشته باشد، پس با دوستان صالح ما ارتباط داشته‌باشد که ثواب ارتباط با ما را خواهد داشت. (۱)

۱- همان، باب ۱۰۵، ص ۵۲۸.

ص: ۹۹

اخبار زیارت

نجف اشرف؛ پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۲ م

در اجلاس وزاری فرهنگ کشورهای عضو «سازمان کنفرانس اسلامی» که در باکو پایتخت آذربایجان برگزار شد، شهر نجف رسما به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۲ میلادی انتخاب شد.

«اسعد سلطان ابوکلل»، استاندار نجف اشرف در این‌باره گفت: دولت عراق سعی دارد تا در سال ۲۰۱۲ میلادی جایگاه عظیم و ابعاد حقیقی شخصیت حضرت علی (ع) و خدمات ایشان به انسانیت و اسلام را به جهانیان بنمایاند.

شهر نجف اشرف که بارگاه ملکوتی امام علی (ع) در آن قرار دارد، در ۱۶۰ کیلومتری جنوب بغداد واقع است و جمعیت آن در سال ۲۰۰۳ میلادی، ۵۸۵۶۰۰ نفر برآورد شده است.

بنابر مصوبه تحریریه، شماره زمستان «فصلنامه فرهنگ زیارت»، ویژه نجف اشرف خواهد بود در این راستا از تمامی محققان و نویسندگان ارجمند دعوت می‌شود تا در غنا بخشیدن به این شماره از فصلنامه، ما را یاری کنند.

رو نمایی از نصب اولین پنجره ضریح مطهر حرم امام حسین (ع)

اولین پنجره ضریح مطهر حرم امام حسین (ع) که بر روی سازه چوبی آن نصب شده است، طی مراسمی در بهمن سال ۸۸ در قم توسط حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی و با حضور تنی چند از علمای اعلام و مسئولین استان قم و ستاد بازسازی عتبات عالیات رونمایی شد.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در این مراسم فرمودند: «امام حسین (ع) چراغ هدایت در همه زمان‌هاست و روش و مکتب حسین (ع) کشتی نجات برای همه انسان‌هاست. نیاز ما به مکتب حسین (ع) نیاز به چراغ و نور است؛ که در این دریای متلاطم زندگی، نیاز به کشتی نجات داریم».

ایشان در ادامه تاکید کردند:

«محبت ما به ضریح، محبت به صاحب اوست. ضریح امام حسین (ع) وابسته به امام حسین (ع) است و نشانه محبت ما به چوب نیست؛ بلکه نماد و سمبلی از محبت به امام است».

ایشان درباره روند ساخت ضریح فرمودند: «کار، بسیار خوب در حال پیشرفت است. آستان مقدس حضرت معصومه (س) و نهادهای دیگر نیز کمک کرده و عده‌ی زیادی از بانوان، زیورآلاتشان را تقدیم کرده‌اند. حُسن این کار این است که یک مشارکت عمومی شده است و از جمهوری اسلامی و کشور ایران که کانون تشیع بوده است، همین انتظار می‌رود که مقابر ائمه اطهار (ع) به این وسیله احداث شود. امیدواریم این کار سبب شود تا نام جمهوری اسلامی در کنار این ضریح‌ها ثبت شود و از خدا می‌خواهیم هر چه سریع‌تر ساخت آنها به پایان برسد».

همچنین مدیر پروژه ساخت ضریح مطهر سیدالشهداء (ع) اطلاعاتی از روند ساخت و خصوصیات این ضریح ارائه کرد. آقای پارچه‌باف مشخصات فیزیکی ضریح را این‌گونه شرح داد: چارچوب و مساحت پلان ضریح با ضریح فعلی تفاوتی ندارد؛ ولی ارتفاع آن حدود ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر افزایش یافته است. ضریح از ۲۰ دهنه تشکیل شده که توان تحمل فشار عمودی حدود ۱۲/۵ تن را دارد. ارتفاع ضریح ۴ متر و ۴۹ سانتی‌متر است و وزنی معادل ۱۲ هزار کیلوگرم دارد. در ساخت ضریح، از چوب ساجی که از هندوستان، برمه و آفریقا آورده شده، به همراه مس، نقره، برنج و طلا استفاده شده است. چوب ساج به کار رفته، بسیار مرغوب بوده و به گفته کارشناسان حداقل ۳۰۰ سال عمر می‌کند. سایر فلزات هم از نوع مرغوب آن به کار گرفته شده‌اند. تاج ضریح از

مکرون با عیار بالا خواهد بود و پوششی از طلا خواهد داشت.

وی در خصوص مشخصات فنی ضریح اظهار داشت:

طراحی نقوش ضریح توسط استاد محمود فرشچیان انجام شده و خطاطی آن نیز که سوره‌هایی از قرآن کریم، احادیث، اسماء امام حسین (ع) و اشعاری از سید رضی است، توسط استاد موجد، از اساتید مشهور خط در جهان انجام گرفته است. همچنین قصد داریم ترنج‌هایی با نقش یا الله، یا حسین و یا ثارالله در ضریح به‌کار ببریم.

وی در ادامه افزود:

در حال حاضر چارچوب ضریح صددرصد به پایان رسیده و گوی و ماسوله برای تزئین ضریح در آستانه تولید انبوه قرار دارد. همچنین کار قلم‌زنی روی نقره، نزدیک به اتمام است و قلم‌زنی روی طلا و مس آغاز و مقدمات کار مونتاژ نیز انجام شده است. البته برای نورپردازی داخل ضریح، از شبکه فیبر نوری استفاده شده و از اتاق فرمان، تغییر رنگ نورها کنترل می‌شود. دوربین‌های مداربسته داخل ضریح، با دانش روز طراحی شده و ضریح به سیستم هشدار حریق مجهز می باشد.

وی کمک‌های جمع‌آوری شده را که تاکنون معادل ۴۰ درصد از هزینه‌های ساخت ضریح است، ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان پول نقد و ۶۳ کیلو و ۲۵۰ گرم طلا برشمرد و تصریح کرد که برای اتمام کار ضریح مقدس به ۱۲۰ کیلو طلا و ۵ میلیارد تومان اعتبار دیگر نیاز است.

ص: ۱۰۰

انتشار منظومه «علی‌نامه»، با تصحیح جدید

نسخه اصلی این اثر در موزه قونیه است و سال گذشته با مقدمه «محمد رضا شفیعی کد کنی» و مقاله‌ای دیگر (به زبان انگلیسی) از محمود امیدسالار به صورت رنگی در تهران منتشر شد.

به گزارش مرکز «میراث مکتوب»، حجت‌الاسلام رسول جعفریان رئیس کتابخانه مجلس شورای‌اسلامی، در بیان خاطره خود از دیدار با آیت‌الله العظمی سیستانی به بیانات ایشان درباره کتاب «علی نامه» پرداخت و اظهار رضایت فراوان این مرجع بزرگ تقلید را از چاپ این نسخه نفیس که نخستین تجربه شعر حماسی شیعی است، بیان کرد. وی می‌نویسد: آیت‌الله سیستانی از چاپ «علی نامه» ستایش کردند و فرمودند: «من کتاب زیاد می‌خوانم؛ اما این کتاب را کنار دستم گذاشته‌ام؛ این کتاب مرا زنده کرد!».

رسالت مهم روحانیون کاروان‌های عتبات عالیات

حجت الاسلام و المسلمین سید علی قاضی‌عسکر، روز پنج‌شنبه در همایش روحانیون کاروان‌های عتبات عالیات و سوریه در اصفهان گفت: «روحانیون کاروان‌ها باید قبل از سفر، با مطالعه، اطلاعات لازم را کسب کنند؛ زیرا زائرین منتظر شنیدن حرف‌های تازه و مستند از آنها هستند».

وی افزود: «برخی روحانیونی که با کاروان‌ها می روند، پاسخ‌گوی نیازهای مخاطب نیستند ... روحانیون باید با نیازسنجی، سوژه‌سنجی و استفاده از پیام ائمه در قالب احادیث کوتاه، اطلاعات لازم را به زائر ارایه دهند».

حجت الاسلام قاضی عسکر گفت: «توسعه نفوذ روحانیت در بین مردم از عوامل ارتقای فرهنگ ناب اسلامی است و روحانیون وظیفه و رسالت مهمی را برای دفاع از کیان اسلام بر عهده‌دارند ... روحانیون کاروان‌های اعزامی باید از این فرصت برای برقراری ارتباط با مردم استفاده کنند و آنها را با فرهنگ اهل بیت (ع) آشنا سازند».

نماینده ولی فقیه در سازمان حج و زیارت، همچنین با اشاره به شرایط خاص کشور عراق گفت: «باید در جلساتی که با زائرین عتبات عالیات برگزار می شود، آنها را از این شرایط مطلع کنیم ... از جمله مسائلی که باید به زائرین اطلاع داده شود، وضع اقامتی عراق است که مانند عربستان دارای هتل و اماکن اقامتی مناسب نیست».

عتبات عالیات

در آمار سال ۸۸

در سال ۱۳۸۸ دو میلیون و ۳۶۵ هزارو ۷۶۲ نفر زائر ایرانی به عتبات عالیات مشرف شدند.

به گزارش خبرنگار اعزامی پایگاه اطلاع‌رسانی حج‌به عتبات عالیات، از این تعداد زائر ایرانی، دو میلیون و ۲۷۹ هزار و ۳۱۳ نفر از طریق مرزهای زمینی مهران، شلمچه و خسروی به عتبات عالیات مشرف شدند. هم‌چنین ۸۶ هزار و ۴۴۹ نفر نیز از طریق مرز هوایی وارد کشور عراق شده‌اند.

روزانه ۷۹ کاروان به کشور عراق وارد می‌شوند که از این تعداد، یک میلیون و ۶۹۷ هزار و ۶۸۷ زائر از طریق مرز مهران، ۵۴۳ هزار و ۸۶۳ زائر از طریق مرز شلمچه و ۳۷ هزارو ۷۶۳ نفر از طریق مرز خسروی به کشور عراق وارد می‌شوند.

زائران عتبات عالیات با ۵۷۴ دستگاه اتوبوس عراقی که عمدتا از کیفیت متوسطی برخوردارند، به شهرهای زیارتی این کشور مشرف می‌شوند.

کتابت سردر «باب المراد» در کاظمین توسط هنرمند ایرانی

سردر ورودی «باب المراد» حرم مطهر امام موسی و امام جواد علیهماالسلام توسط هنرمند ایرانی، تزئین و کتابت شد.

محسن عبادی، برگزیده دومین جشنواره تجسمی در رشته خوش‌نویسی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این

مطلب گفت: این اثر به این علت که تذهیب نیز در آن به کار برده شده، یک اثر هنری شمرده می‌شود.

وی ابعاد این اثر را ۱۴ متر طول و ۱/ ۵ متر عرض اعلام کرد و گفت که طراحی و ساخت آن در یک هفته انجام شده است.

عبـادی ادامه داد: عبـارت «السـلام علیـک یـا موسـی الکـاظم و یـا جواد الائمه» با خط ثلث در این اثر نگارش شـده که از دور قابل خواندن است.

وی با اشاره به این‌که تذهیب ایرانی این اثر توسط عباس عطاپور به انجام رسـیده، تصریح کرد: تذهیب و شمسه در پس‌زمینه این اثر به کار برده شده است.

برگزیـده دومیـن جشـنواره تجسـمی فجر در رشـته خوش‌نویسـی گفـت: در این اثر هنری، به این علت که در معرض دیـد زائرانی از سراسر دنیاست، سعی کرده‌ام تا بهترین کار را انجام دهم.

وی افزود: این اثر باید سال‌ها ماندگار باقی بماند. به همین علت در آن از مواد فلزی استفاده شده است.

عبادی در پایان یادآور شد: این اثر در اربعین حسینی، با همکاری و مساعدت مسؤولان عراقی بر سردر باب‌المراد نصب شد.

ص: ۱۰۱

بازسازی ایوان طلای حرم مطهر امیرالمؤمنین علی (ع)

معاون ستاد بازسازی عتبات عالیات از بازسازی ایوان طلای حرم مطهر امیرالمؤمنین علی (ع) و توسط متخصصین ایرانی خبر داد.

با توجه به تخریب روی قطعات نصب شده بر ایوان طلای حرم مطهر امیرالمؤمنین علی (ع) زمان طولانی از ساخت آن، گذشت بازسازی و مرمت این قطعات ضروری تشخیص داده شد. پیشنهاد این‌امر در سفری که معاون ستاد بازسازی عتبات عالیات، آقای فداکاردر فروردین ماه ۸۹ از اعتاب مقدسه داشتند، درنجف اشرف به اطلاع تولیت محترم آستان علوی رسید.

با موافقت اولیه تولیت محترم حرم مطهر علوی وپس از رایزنی‌های لازم، به زودی اجرای این طرح نهایی خواهد شد.

بر اساس اعلام معاونت، قرار است این مرمت در نجف اشرف به همت دکتر بهرمان و همکارانشان که کار مرمت کتیبه (گریو) گنبد حرم علوی را نیز پیشتر انجام داده‌اند، صورت گیرد.

نصب ضریح قتلگاه سیدالشهدا (ع)

ضریح کوچک قتلگاه امام حسین (ع) به طول ۱۶۰ و عرض ۲۲۴ و ضخامت ۱۸ سانتی‌متر پس از رسیدن به کربلای معلی، در ضریح مطهر باب‌الرأس صحن بارگاه ملکوتی ابا عبدالله الحسین (ع) نصب شد. پنجره بزرگ این ضریح مقدس به طول ۳۰۰ و عرض ۲۲۷ و ضخامت ۱۵ سانتی‌متر ساخته شده که در بهمن‌ماه ۸۸ در محل باب‌القبله ایوان بارگاه سیدالشهدا (ع) نصب گردید.

ضریح بزرگ قتلگاه امام حسین (ع) از چهار دهنه، هر دهنه دارای ۹۶ عدد گوی و ۱۹۲ عدد ماسوره از جنس سازه فلزی ساخته شده و ضریح کوچک نیز دارای دو دهنه بوده است که چوب به کار رفته در دهنه‌های آن، از نوع ساج برمه به قطر نیم متر مکعب است.

در طرح ضریح‌های قتلگاه اباعبدالله الحسین (ع) ۳۲۵ کیلوگرم نقره با عیار ۹۲/ ۵، مقدار طلای استفاده شده ۵۰۰ کیلوگرم و مس مصرفی در آن ۴۰۵ کیلوگرم به صورت ورق‌های ۱/ ۵ میلی‌متری، مقدار برنج به کار رفته به صورت لوله در ضریح بزرگ ۱۵۰ کیلوگرم و در پنجره کوچک ۱۹۵ کیلوگرم بوده است.

آبکاری طلای ضریح قتلگاه امام حسین (ع) به روش الکترونیک انجام شده و قلمزنی آن به صورت برجسته‌است و طرح پنجره‌ها به شکل هشتی با اقتباس از ضریح مطهر حضرت ثامن‌الحجج (ع) بوده که از ۱۱ عدد پنجی با خط ثلث تشکیل شده و مضامین مرتبط با حضرت سیدالشهدا (ع)، امین‌الله (ع)، یاثارالله (ع)، باب‌الحوائج (ع)، سفینهٔ‌النجاه و عین‌البتول بر آن نوشته شده است.

طرح ضریح بزرگ قتلگاه امام حسین (ع) دارای ۱۴ قطعه میناست که به دو عدد گل و بوته و ۱۲ عدد خط و گل و بوته با زمینه لاجورد مزین شده و ضریح کوچک نیز با ۱۶ قطعه مینا، ۴ عدد گل و بوته، ۱۲ عدد خط، گل و بوته با همین زمینه ساخته شده است. مضامین استفاده شده در میناکاری ضریح‌های بارگاه ابا عبدالله الحسین (ع) آیات ۱۰۷ و ۱۰۶ سوره صافات و آیه‌های ۲۳ و ۶۹ سوره آل‌عمران است.

وزن کلی ضریح بزرگ قتلگاه امام حسین (ع) ۹۰۰ کیلوگرم و وزن ضریح کوچک ۸۰۰ کیلوگرم است. بانیان ضریح قتلگاه امام حسین (ع) جمعی از خیران، کارکنان و خانواده‌های کارکنان بانک صادرات استان اصفهان هستند. این پنجره‌ها به دست پرتوان استاد «مهدی برهانیان» خطاطی شده است. این طرح مصادف با سالروز شهادت حضرت زهرا (س) در ۱۵ مرداد سال ۸۸ در کارگاه آفرینش‌های هنری ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان با حضور هنرمندان قلم‌زن و میناکار اصفهانی آغاز شده بود.

بررسی مرمت اشیای تاریخی حرم امیرالمؤمنین (ع)

رییس پژوهشگاه میراث فرهنگی «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» از اعزام گروهی از کارشناسان ایرانی برای بررسی چگونگی مرمت اشیای تاریخی موجود در حرم حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در شهر نجف در سال جاری خبر داد.

احمد میرزا کوچک خوشنویس، روز جمعه به ایرنا گفت: این گروه پنج نفره که اواخر سال گذشته به تولیت آستان حضرت امیر (ع) در نجف معرفی شده بودند، در سال جاری به عراق اعزام می‌شوند تا بررسی‌های لازم درباره آسیب های اشیای تاریخی و چگونگی مرمت و بازسازی آنها را جمع آوری کنند.

وی درباره روند تصمیم‌گیری برای مرمت این اشیاء توضیح داد: سال گذشته یک هیات سه نفره از آستان مقدس حضرت امیر (ع) به ایران آمدند و از ما دعوت کردند تا برای مرمت اشیایی که در انبارهای موزه حضرت امیر (ع) است، اقداماتی را صورت دهیم.

خوشنویس افزود: از آنها خواسته شد تا تصاویری از این اشیاء ارایه کنند که پس از بررسی تصاویر، مشخص شد اشیای آستان حضرت امیر (ع)، از انواع و جنس‌های متفاوت، مانند فلزی، چوبی، سنگی، شیشه‌ای و پارچه‌ای است که به صورت غیراستاندارد در انبارها نگهداری می‌شود.

رییس پژوهشگاه میراث فرهنگی همچنین به بازسازی حرم و گنبدهای حضرت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) اشاره کرد و توضیح داد: از تولیت‌های سایر آستان‌های مقدس عتبات عالیات در عراق مانند حضرت ابوالفضل و امام حسین (ع) به صورت مجزا با پژوهشگاه میراث فرهنگی، برای بازسازی و مرمت این اماکن تماس گرفته شده است.

ص: ۱۰۲

بلندترین ستون عراق، مزین به پرچم یا ابالفضل

زکی باقر عبد، در مصاحبه با «پایگاه اطلاع‌رسانی نون»، خاطرنشان کرد: با همکاری آستان مقدس حضرت عباس (ع)، بلندترین ستون عراق، مزین به پرچم یا ابالفضل ساخته می‌شود.

وی افزود: این ستون به ارتفاع ۴۰ متر، قرار است در ورودی جنوبی شهر کربلا نصب شود.

باقرعبد گفت: پس از واقعه عاشورا حضرت زینب کبری (س) با خطاب قرار دادن یزید، به وی تأکید کرده بود که حاکمان ظالم در طول تاریخ برای محو آثار این واقعه تلاش خواهند کرد؛ ولی پرچم شهیدان کربلا با شکوه بیشتری به اهتزاز درخواهد آمد.

زائران عتبات و تأثیرگذاری روحانیون

معاون امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری گفت: «روحانیون روی زائران عتبات عالیات تاثیرگذارند و باید در برنامه‌های خود، آلاینده‌های فکری و جناحی را کنار بگذارند».

به گزارش ایرنا حجت‌الاسلام والسملین سید عبدالفتاح نواب در همایش روحانیون منطقه ۹ کشور که در شیراز برگزار شد افزود: «این فرصت که یک روحانی راهنمای زائران باشد، نعمت بزرگی است که باید همه قدر آن را بدانند».

خدمت به زائران عتبات عالیات

به گزارش خبرگزاری حج، رییس سازمان حج و زیارت گفت: خدمت به زائران خانه خدا و عتبات مقدسه، با هیچ کاری قابل قیاس نیست و نباید آن را با امور مادی قیاس کرد.

علی لیالی در جمع اعضای ستادهای عمره گفت: هدف از تشرف شاغلین در ستادهای عمره را ارائه خدمت هرچه بیشتر به زائرین دانست و تأکید کرد که هیچ یک از همکاران ستادی نباید به قصد زیارت یا انجام عمره مفرده مشرف شود.

اعدام حسن المجید التکریتی

حکم اعدام علی حسن المجید التکریتی معروف به «علی شیمیایی» که مرتکب جنایت بر ضد ملت‌های عراق و ایران در طول جنگ تحمیلی هشت ساله شده بود، روز بهمن ماه اجرا شد.

شیمیایی، پسرعموی صدام و از شخصیت‌های مهم حزب بعث عراق بود. او مدتی وزارت دفاع عراق را بر عهده داشت و به عنوان عضو شورای فرماندهی انقلابی، در تصمیم‌گیری‌های مهم در زمان ریاست جمهوری صدام شرکت داشت و مأمور سرکوب شورش‌های منطقه‌ای بود.

علی شیمیایی را بسیاری "سنگدل‌ترین همراه صدام "می‌نامند که حاضر بود برای بقای رژیم، دست به هر جنایتی‌بزند. بر اساس گزارشی که نشریه آلمانی‌اشپیگل در ژوئن منتشر کرده بود، در یک نوار صوتی که از علی شیمیایی به دست آمده، این جنایتکار درباره کُردها گفته است: من همه‌آنها را با سلاح شیمیایی نابود خواهم کرد!

بر پایه شواهد موجود، پس از انتفاضه سال ۱۹۹۱ میلادی در جنوب عراق، او مأمور سرکوب شیعیان جنوب عراق شد و در حالی که از جنایات خود در کردستان عراق بازگشته بود، خود شخصا بازجویی از شیعیان بی‌دفاع عراقی را بر عهده گرفت و تیرهای خلاص را در باتلاق‌های مناطق جنوبی عراق، بر سر اسرای شیعه عراقی شلّیک می‌کرد و این در حالی بود که در پرونده جنایات علیه کردها که به پرونده «انفال» معروف است، دستگیرشدگان کرد عراقی را با دینامیت منفجر می‌کرد و این کار برای او تبدیل به یک سرگرمی شده بود.

دست داشتن وی در قتل آیت‌الله محمد صادق الصدر و دو پسرش توسط سازمان امنیت عراق در فوریه و کشتار صدها نفر از شیعیان معترض به این جنایت وکشتار وحشیانه هزاران کرد در حلبچه، او را به سنگدل‌ترین و جنایت‌کارترین همدست صدام معدوم تبدیل

کرده بود.

او در ماه اوت سال و در پی اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی، در ماشین حمل گوسفندان دستگیر شد. آمریکایی‌ها در گزارش دستگیری وی می‌نویسند: دستگیری علی حسن المجید، آسان‌تر از دیگر مقامات رده بالای بعثی در عراق بود.

این گزارش می‌افزاید: پس از دستگیری، آمریکایی‌ها برای بازجویی از جلاد بغداد، چند شبانه روز به او بی‌خوابی دادند. او که به شدت ترسیده بود، هنگامی که در برابر بازجوی آمریکایی قرار گرفت و از او پرسیده شد: آیا درست است که وی با یک ماشین حمل گوسفند از جنوب عراق فرار کرده است، خطاب به او گفت: بله، و سپس بازجو از وی خواست تا صدای گوسفند از خود درآورد و این بعثی جنایت‌کار چندین بار صدای گوسفندان را برای سربازان آمریکایی تکرار کرد! چهره او در هم شکسته بود و موهای سر و صورتش که دیگر فرصت رنگ کردن آن‌ها را نداشته، سپید شده بود.

او نخستین بار در ژانویه به عنوان مسئول حمله شیمیایی به روستای کردنشین حلبچه که به کشته شدن پنج هزار نفر انجامید، به اعدام محکوم شد. او سپس به اتهام سرکوب قیام شیعیان پس از حمله عراق به کویت در سال، و نیز به اتهام شرکت در کشتار و آواره کردن شیعیان در سال، بار دیگر به اعدام محکوم شد. جسد وی در مقبره رهبران رژیم سابق عراق و در کنار جسد طه یاسین رمضان، معاون اول صدام حسین دفن شد.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹